اطلاعات

چهارشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۹۲ - ۱۰ شعبان ۱۴۳۴ - ۱۹ ژوئن ۲۰۱۳ - شماره ۲۵۶۱۹ - ۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه - ۲۰۰ تومان

۳۱ شهید در حمله انتحاری بغداد

* حمله انتحاری به حسینیه‌ای در شمال بغداد ۳۱ شهید و ۶۰ زخمی برجا گذاشت
* انفجار منطقه المنصور بغداد به زخمی شدن ۵ غیرنظامی انجامید

صفحه ۱۶

تجاوز جنگنده‌های آمریکایی به حریم هوایی سوریه

* در پی ورود ۶ جنگنده «اف-۱۶» آمریکا به حریم هوایی سوریه، هواپیماهای ارتش سوریه بلافاصله به پرواز درآمدند
* سازمان ملل و روسیه درباره ایجاد منطقه پرواز ممنوع در سوریه هشدار دادند

صفحه ۱۶

دومین جشن ملی ایرانیان

صعود فوتبال ایران به جام‌جهانی، پس از حماسه ۲۴ خرداد، موجی از شادی و نشاط را به مردم بازگرداند

* ایران با پیروزی برکره جنوبی در خانه حریف و با کسب ۱۶ امتیاز مقتدرانه به جام‌جهانی برزیل راه یافت

* **رهبر معظم انقلاب صعود ایران به جام‌جهانی را تبریک گفتند**

* دکتر محمود احمدی‌نژاد، دکتر حسن روحانی، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و دکتر علی لاریجانی این موفقیت را به ملت ایران تبریک گفتند

صفحه ۱۴







احمدی‌نژاد به دیدار روحانی رفت

* احمدی‌نژاد: دولت آماده انتقال تجربیات خود به آقای روحانی است
* روحانی: بنای دولت من این خواهد بود که از تجربیات همه دولت‌های گذشته استفاده و بهره‌برداری کند
* مراسم تحلیف رئیس جمهوری منتخب ۱۳ مرداد در مجلس برگزار می‌شود
* پس از مراسم تحلیف، رئیس جمهوری موظف است ظرف یک هفته کابینه خود را به مجلس معرفی کند

دکتر محمود احمدی‌نژاد پس از دیدار با حجت‌الاسلام دکتر حسن روحانی در گفتگو با خبرنگاران اظهار داشت: سنت خوبی گذاشته شده که مسئولین به منتخب ملت تبریک می‌گویند و بنده هم از این سنت خوب، پیروی کردم و خدمت برادر عزیزمان آقای روحانی که امروز مفتخرند که منتخب ملت باشند، رسیدم تا هم عرض تبریک مجدد و هم اعلام آمادگی این دولت برای انتقال تجربیات و کارها به آقای روحانی و همکاران وی و اعلام آمادگی برای کمک به رئیس جمهوری منتخب و دولت وی داشته باشم.

رئیس‌جمهوری خاطرنشان کرد: گفتگوهای خوبی با یکدیگر داشتیم و تاکید می‌کنم که دولت

رئیس‌جمهوری گفت: دولت آماده است که همه تجربیات و کارها را به خوبی و کامل به دولت آینده و رئیس جمهوری منتخب ملت انتقال دهد.

بقیه در صفحه ۲

اوباما: دلیلی برای توقف مذاکره با ایران وجود ندارد

* آمانو هیچ تأثیری بر برنامه هسته‌ای ایران نداشته است
* عراقیچی: اصول و ارزش‌های سیاست خارجی ایران تغییر ناپذیر است

صفحه ۲ و ۱۶

موافقت مجلس با تشکیل مجدد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

صفحه ۲

یادداشت

کار بیشتر و مصرف کمتر

فتح ا... آملی

پس از نگارش یادداشت روز گذشته، یکی از خوانندگان ارجمند روزنامه ضمن اظهار لطف گلایه‌ای هم نسبت به آنچه دیروز بیان شد مطرح کرد. به این شکل که آیا منظورت از این نوشته این است که مردم نباید منتظر نقطه پائین آمدن تورم و یا رفع مشکل بیکاری پس از روی کار آمدن دولت باشند؟ مگر غیر از این است که یکی از دلایل تغییر انتخاب مردم همین خستگی از وضع موجود و مشکلات اقتصادی و معیشتی بوده است؟ اگر رئیس جمهور بعدی در مدتی کوتاه نتواند گرانی اجناس را مهار کند و به داد مصرف کننده برسد آیا دچار یأس و ناامیدی نخواهند شد؟ گرچه به صراحت نگفته‌ای که ارزانی در راه نیست اما مضمون نوشته این بود که مردم توقع نداشته باشند که اوضاع حداقل در کوتاه مدت بهبود پیدا کند...

در این رابطه لازم است همان توضیحی را که خدمت این خوانندهٔ عزیز داده‌ام در اینجا نیز بیاورم تا مسئله اندکی روشن شود.

نکته اول اینکه به هیچوجه منظور نگارنده این نیست که نباید تورم را از بین برد. هیچ آدم عاقلی نیز موافق گرانی نیست. همه ما دوست داریم بیکاری از بین برود. اما بحث اصلی و مهم این است که آیا می‌خواهیم در کوتاه مدت به رفع معضل گرانی بپردازیم و یا قصد کرده‌ایم ریشه این معضل را بخشکانیم؟ این نکته بسیار مهم است.

نکته دوم این است که آیا می‌خواهیم تنها یک یا دو سال با طرحهای کوتاه مدت و مقطعی میزان اشتغال را بالا ببریم و یا می‌خواهیم سطح تولید و اشتغال بلند مدت را به پایه مطلوبی برسانیم؟

توجه به این نکات بسیار مهم است.

یک رویکرد دولت جدید می‌تواند این باشد که برای رضایت خاطر شهروندان و نمایش وفای به عهد در کوتاهترین زمان ممکن و نیز رفتار انقلابی و مردم پسندانه، بازار را از اجناس با قیمت ارزان پر کند. قیمت‌ها را پائین بیاورد و بیمه تکمیلی درست کند و درمان را رایگان کند و... یعنی قرض کند و خوب خرج کند و مدتی همه جشن هزاران لبخند بگیرند. اما پس از آن دولت بماند و کلی قرض و بدهکاری... بدون تردید هیچیک از خوانندگان ارجمند روزنامه چنین خواسته‌ای ندارند. آنها حاضرند حتی اندکی دیگر نیز سختی بکشند و تورم را تحمل کنند اما برای همیشه از شر این پدیده خلاص شوند.

واقعیت امروز اقتصاد ایران این است که دولت جدید میراث‌دار بدهی‌های فراوانی است که اولویت نخست پرداخت همین بدهی‌هاست. واقعیت امروز اقتصاد ایران آن است که دولت بدهکار است و یک دولت بدهکار حق ندارد بیشتر خرج کند و باز هم قرض و بدهی بالا بیاورد. اولویت نخست این است که یک دولت بدهکار تبدیل شود به دولت پولدار و ثروتمند. به اعتقاد من شعاری که دولت برای خویش انتخاب کرده بسیار خوب است: «تدبیر و امید». اگر مثلاً عنوان دولت رفاه را برای خود بر می‌گزید، غلط بود.

تمام حرف نگارنده در یادداشت روز گذشته این بود که اگر مجدداً بخواهیم با زبان احساس و از سر شتاب و ذوق‌زدگی و عجله دست به اقدامات روبنایی بزنیم فقیرتر خواهیم شد. از یاد نبریم که دولت نهم وقتی بر سرکار آمد و به یکباره افزایش قیمت نفت هم به کمک او آمد با شوق و ذوقی که برای کار و خدمت به محرومان داشت، به‌خاطر همین شتاب غیرعقلانی و افتادن در گرداب احساسات با آنهمه سرمایه چه کرد؟ مگر می‌توانیم بگوئیم که خدای ناکرده قصد خیانت و یا اتلاف بیت‌المال را داشت؟ در عین سلامت و در عین قصد خدمت، برای سرعت دادن به کارها گمان کرد سازمان برنامه دنگ و فنگ دارد و مزاحمت ایجاد می‌کند و لذا باید هرچه سریعتر کار را به جلو برد و همین شد که شد. هرچه عقلای قوم و کارشناسان درباره افزایش پایه پولی، خرج دلارهای نفتی، مضرات افزایش واردات، افزایش شدید نقدینگی، افزایش هشتاد درصدی بودجه دولت و خطرات آن و... گفتند و گفتیم، (از جمله صاحب این قلم که اتفاقاً هیچ دأب کارشناسی نیز ندارد در چند یادداشت در همان هنگام) همه به کاهلی و بدفهمی و مخالفت تعبیر شد. نتایج آن شتاب و عجله و نادیده گرفتن الزامات شرایط اقتصادی کشور، تبعات تلخی به دنبال آورد. همه سخن این است که حال به هیچوجه نباید اشتباهات گذشته را تکرار کرد. همانطور که قبل از انتخابات در چند یادداشت عرض شد و نیز در شماره گذشته نیز به آن پرداختیم هر اقدام شتابزده، احساساتی، زودگذر و بدون تدبیر و دوراندیشی که شیرینی کوتاه‌مدت و موقتی ولی تلخی و بیماری دیرپا و مزمن را به دنبال بیاورد، برای کشور و ملت زیانبار است.

تمام حرف و سخن حقیر در یادداشت روز گذشته این بوده است که مبادا دولت جدید خدای ناکرده بخاطر فشارهای مختلف و حتی پاسخگویی به اقبال مردم و یا شادمانی زودگذر آنان، طرح دراز مدت و توسعه پایدار را فدای تصمیمات زودگذر و برآوردن انتظارات و توقعات در کوتاه مدت و تبعات ناخوشایند پس از آن کند و بر همگان همان برود که رفت.

واقعیت این است که رئیس جمهور جدید شایسته است با صداقت تمام با مردم سخن بگوید و با ارائه تصویر شفاف، روشن و واقعی وضعیت موجود اقتصاد کشور، از آنان مدد بخواهد و درخواست کارِ بیشتر، تولید بیشتر و مصرف کمتر و انتظارات کمتر در کوتاه‌مدت نماید. مطمئن باشد که مردم کلام صادقانه و کار و تلاش خردمندانه و تدبیر و درایت را با اخلاق حسنه خواهند پذیرفت. دراین‌باره گفتنی‌های بسیاری هست که می‌ماند برای بعد، اگر عمری باشد.

مسجدجامعی: شورای شهر باید به جایگاه واقعی خود بازگردد

"از تجربه‌های جدید باید استفاده کنیم و این شرط و پیش فرض برای فعالیت شهردار جدیداست."

به گزارش ایسنا، احمد مسجد جامعی منتخب مردم تهران برای شورای چهارم با اعلام این مطلب در نشستی خبری افزود: شورا برای شهردار تهران تصمیم گیری خواهد کرد. هرچند که در تهران کارهای بزرگی صورت گرفته، اما برخی از اقدامات نیز بلندپروازانه بوده است.

او تاکید کرد: تلاش ما این است که چه در شورای شهر و چه در هر مکان دیگری بتوانیم به بهبود وضع کشور کمک کنیم و حتما چنین خواهیم کرد.

او درباره احتمال ریاست یکی از اعضای ائتلاف اصلاح طلبان بر شورای شهر هم گفت: این امکان وجود دارد، زیرا باید شورای شهر را به جایگاه واقعی خود برگردانیم و شورا را از شورای شهرداری بودن دربیاوریم.

او با بیان این که تهران شهر با هویتی است، ادامه داد: تاریخ تهران، جغرافیا، نخبگان و دانشمندان، شورای شهر را بر آن می‌دارد تا با اجماع نسبی درباره انتخاب شهردار تهران تصمیم گیری کنیم..

این عضو منتخب شورای چهارم با اشاره به افزایش شمار اعضای شورا از ۱۵ به ۳۱ نفر ادامه داد: من خیلی امید داشتم که در این شورا تعداد بانوان بیشتر شود و حداقل با توجه به افزایشی که در تعداد داشتیم، جمعیت زنان به شش نفر برسد. البته نگاه زنانه داشتن نباید معطوف به این باشد که پارک زنان بسازیم، بلکه باید به امنیت و نیازهای این قشر توجه کرد همان گونه که امنیت زنان اساسا یکی از شاخصه‌های سنجش امنیت در جامعه است.

مسجد جامعی با قدردانی از اقدامات معصومه ابتکار رئیس کمیته محیط زیست در شورای سوم افزود: خانم ابتکار بدون هیچ ملاحظه‌ای مسائل و مشکلات مربوط به زنان را مطرح می‌کرد و متاسفانه در دوره بعد، فردی با توجه و سابقه‌ایشان در آن حوزه را نداریم، اما امیدوارم طرحی که وی در شورا پایه گذاری کرد، ادامه یابد.

این عضو شورا با بیان این که شهر برای شهرداری نیست ادامه داد: شهردار هم توسط شهروندان انتخاب می‌شود، بنابراین ادعاهایی که گفته می‌شود شهر متعلق به شهرداری است صحیح نیست.

وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی با بیان این که شهر و فرهنگ و هنر پیوستگی نزدیکی با یکدیگر دارند، تاکید کرد: رشد کتابفروشی‌ها با یک سیاست شهری رونق گرفت، زیرا به کتابفروشی‌ها به عنوان یک بنگاه تجاری نگاه نشد.

او درباره پروژه بازسازی جماران هم توضیح داد: شهرداری برای تصویب این پروژه بسیار کار کرد و چهار سال پیش این پروژه جنجالی به تصویب رسید. در همان زمان هم موانعی چون نبود اعتبارات کافی وجود داشت، اما شهرداری توانست برای پیشرفت این مجموعه کار کند، هر چند در بخش‌هایی اعمال سلیقه کرد که با توجه به آنها، پروژه ساخت و بازسازی جماران تا پایان این دوره از مدیریت شهری به پایان می‌رسد.

احمدی‌نژاد به دیدار روحانی رفت

بقیه از صفحه اول

آماده است همه کارها را به خوبی و به صورت کامل به دولت آینده و آقای روحانی به عنوان رئیس جمهوری منتخب ملت انتقال دهد.

دکتر روحانی با تشکر از حضور رئیس جمهوری گفت: در حقیقت این حضور برای بیان تبریک پیروزی ملت ایران بود ولی در این فرصت گزارشی کلی از وضع اقتصادی و سیاسی کشور ارائه و مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

وی خاطرنشان کرد: دوره انتقالی نیازمند همکاری و همفکری است و به فضل الهی همه زمینه‌ها برای انجام این موضوع آماده است.

وی افزود: همچنین در این دیدار مقرر شد نقطه نظرات و اطلاعات دستگاه‌های مختلف منتقل شود و قرار شد جناب دکتر احمدی‌نژاد و بنده دو نفر مشخص کنیم که به عنوان رابط در دوره انتقالی، به طور مداوم با هم ارتباط و تبادل اطلاعات داشته باشیم تا اطلاعات موجود به بهترین شکل مورد استفاده قرار گیرد.

حجت‌الاسلام روحانی گفت: البته این ارتباط همچنان ادامه خواهد داشت و بنای دولت بنده این خواهد بود که از تجربیات همه دولت‌های گذشته استفاده و بهره‌برداری کند.

وی افزود: این اتفاقات آغاز بسیار خوبی بود که با کمک هم این دولت را به دولت بعدی انتقال دهیم.

در این دیدار که بیش از یک ساعت در مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت به طول انجامید دو طرف شرایط اقتصادی و سیاسی جامعه را مورد بحث و تبادل نظر قرار دادند.

دیدار ولایتی با رئیس جمهوری منتخب

علی اکبر ولایتی، مشاور رهبر معظم انقلاب در امور بین الملل گفت: پیشرفت کار دولت آینده بدون کمک مردم امکان پذیر نیست.

به گزارش ایرنا، دکتر ولایتی دیروز با حجت‌الاسلام والمسلمین حسن روحانی در مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام دیدار کرد.

ولایتی نامزد انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری پس از دیدار با روحانی در جمع خبرنگاران، هدف از این دیدار را عرض تبریک به مناسبت انتخاب وی به عنوان رئیس جمهوری منتخب ذکر کرد.

وی ضمن آرزوی موفقیت برای رئیس جمهوری جدید اظهار داشت: از مردم عزیز مان انتظار می رود که کار را به این نقطه خاتمه یافته تلقی نکنند تا با کمک آنان کار پیش برود.

مشاور رهبر معظم انقلاب در امور بین الملل ادامه داد: همانطور که بدون کمک مردم انتخابات ۲۴ خردادماه به این شیوه انجام نمی شد و حماسه سیاسی تحقق نمی یافت؛ پیشرفت کار دولت هم بدون کمک مردم امکان پذیر نیست.

ولایتی تصریح کرد: ان شاء الله با توجه به تجارب آقای روحانی در حوزه های مختلف حکومتی، وی بتواند مسائل کشور را پیش ببرد و مشکلات را حل کند.

دکتر زهرا مصطفوی، دختر گرامی امام خمینی (ره) و رئیس جمعیت دفاع از ملت فلسطین هم در پیامی پیروزی دکتر حسن روحانی را به وی، رهبر معظم انقلاب و ملت ایران تبریک گفت.

به گزارش خبرگزاری مهر، در بخشی از این پیام آمده است:

امید و اطمینان داریم که مواضع منطقی و محکم جنابعالی در دفاع از حقوق ملت بزرگوار ایران و همه ملت های آزاده جهان خصوصا ملت مظلوم فلسطین راه گشای عرصه جدیدی در پیگیری اهداف انقلاب امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری خواهد بود.

پیام تبریک وزارت اطلاعات

وزارت اطلاعات در پیامی خلق حماسه سیاسی را به مردم و انتخاب حسن روحانی را به عنوان رئیس جمهوری به وی تبریک گفت.

به گزارش فارس، در پیام تبریک وزارت اطلاعات به دکتر روحانی آمده است:

اخذ اکثریت قاطع آراء و انتخاب جنابعالی به عنوان رئیس جمهوری منتخب ملت شریف ایران را تبریک می گوییم و از درگاه پروردگار متعال برای حضرتعالی آرزوی بهروزی و موفقیت می‌نماییم.

حجت‌الاسلام علی اکبر ناطق نوری، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام هم با صدور پیامی، انتخاب دکتر حسن روحانی به عنوان رئیس جمهوری آینده کشور را تبریک گفت و وی را نماد اعتدال عقلایی، اصلاح‌طلبی حقیقی و اصولگرایی واقعی توصیف کرد.

در بخشی از این پیام آمده است: ملت بزرگ ایران این بار با تشخیص درست و درک جامع از شرایط حساس کشور، با پشت کردن به دوران بی‌صداقتی و عوام‌فریبی و با این انتخاب هوشمندانه، عنان مدیریت اجرایی کشور را به دست شخصیتی سپرده است که نماد اعتدال عقلایی، اصلاح‌طلبی حقیقی و اصولگرایی واقعی شده است.

علی شمخانی، رئیس سازمان پدافند غیر عامل، سرپرست کمیته امداد امام خمینی (ره)، جمعیت دفاع از ملت فلسطین، شورای عالی ایرانیان خارج کشور و جمعیت وفاداران انقلاب اسلامی هم با صدور بیانیه های جداگانه پیروزی دکتر روحانی را تبریک گفتند.

ادامه ارسال پیام های تبریک سران کشور ها

آصف علی زرداری، رئیس جمهوری پاکستان در پیامی انتخاب دکتر حسن روحانی به عنوان رئیس جمهوری منتخب مردم ایران را تبریک گفت.

به گزارش ایرنا، رئیس جمهوری پاکستان در پیام خود تاکید کرد: من مطمئن هستم در زمان ریاست جمهوری خردمندانه شما، مردم دوست و برادر جمهوری اسلامی ایران به پیشرفت های سریع تر نایل آمده و نقش فعال خود در چارچوب پایداری صلح و ثبات در منطقه را ادامه خواهند داد.

محمد نواز شریف، نخست وزیر پاکستان هم در پیامی به دکتر حسن روحانی انتخاب وی را به عنوان رئیس جمهوری منتخب مردم ایران تبریک گفت و خواستار تعمیق و گسترش روابط دوجانبه تهران و اسلام آباد شد.

اکمل الدین احسان اوغلو، دبیر کل سازمان همکاری اسلامی هم با انتشار بیانیه ای پیروزی حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی رئیس جمهوری منتخب ایران در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران را تبریک گفت.

به گزارش خبرگزاری عربستان از جده، دبیرکل سازمان همکاری اسلامی در این بیانیه برای جمهوری اسلامی ایران که از کشورهای تاسیس کننده این سازمان و عضو فعال آن است شکوفایی، رشد و موفقیت در همه زمینه ها را در مدت ریاست جمهوری حسن روحانی خواستار شد.

نخست وزیر عراق هم در تماس تلفنی با رئیس جمهوری منتخب، انتخاب وی را به ریاست جمهوری جدید ایران تبریک گفت.

پادشاه اردن هم در پیامی به حسن روحانی، انتخاب وی به عنوان رئیس جمهوری ایران را تبریک گفت.

به گزارش ایسنا، ملک عبدالله دوم در این پیام با تاکید بر تقویت و توسعه روابط و همکاری دو جانبه، ارتقای آن را در همه زمینه‌ها و برای تحقق منافع مشترک دو ملت و دو کشور برادر خواستار شد.

همچنین دولت های چین و آفریقای جنوبی، روسای جمهوری ونزوئلا، تاجیکستان و نیجریه، معاون رئیس جمهوری عراق، مسئول مجلس اعلای شیعیان لبنان و رهبران احزاب سیاسی این کشور، حماس ومقتدی صدرهم با ارسال پیام های جداگانه انتخاب دکتر روحانی را به عنوان رئیس جمهوری تبریک گفتند.

اظهار نظر رئیس جمهوری فرانسه درباره انتخابات ایران

رئیس جمهوری فرانسه انتخابات روز جمعه ایران را نقطه آغازی برای توسعه خواند.

به گزارش ایسنا، فرانسوا اولاند، رئیس جمهوری فرانسه با اشاره به برگزاری یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران گفت: بر این باورم که انتخابات در ایران می تواند آغاز جدیدی برای توسعه آن کشور باشد در صورتی که ایران تمایل و اراده مقتضی آن را داشته باشد. رئیس جمهوری یمن هم پیروزی دکتر روحانی راتبریک گفت.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی: مردم با انتخاب مشی اعتدال و عقلانیت، مسیر آینده را ترسیم کردند

حماسه انتخابات اخیر در کشور، حاکی از هوشیاری و درایت سیاسی بالای مردم و وقوف کامل آنان، به شرایط کشور و به حق و حقوق خود و پاسخ نه به انحصارگرایی بود.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی دیروز در دیدار اعضای بنیاد توسعه خوزستان مرکب از جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و فعالان سیاسی و دانشگاهی و بخش خصوصی این استان با بیان این مطلب افزود: اگر حماسه انتخابات اخیر ریاست جمهوری به‌خوبی تجزیه و تحلیل شود، نشان می دهد که مردم برخلاف انتظار گروه‌های افراطی، در حرکتی منطقی و مبتنی بر درک و فهم بالای سیاسی، با انتخاب مشی اعتدال و عقلانیت، علاوه بر نشان دادن وفاداری و علاقه خود به نظام اسلامی، مسیر حرکت آینده کشور را هم ترسیم کردند.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، خوزستان را یکی از استان‌های کم‌نظیر از لحاظ ظرفیت‌های گوناگون کشور بیان کرد و گفت: به‌رغم مقاومت‌های جانانه مردم این استان در دوران دفاع مقدس، متأسفانه هنوز از ظرفیت‌ها و منابع خوب این استان، استفاده مناسب نشده و حتی از ظرفیت‌های نقد شده در این استان هم به نحو مطلوب به نفع خود استان و کل کشور، بهره‌برداری بهینه نمی‌شود.

عضو مجلس خبرگان با توجه به ضرورت و اهمیت تقویت تحزب و تشکّل در کشور گفت: در دوران مبارزه با طاغوت، هرچند آمادگی و اعتقاد برای تشکیل حزب وجود داشت، ولی امام(ره) بنا به دلایلی که در آن شرایط منطقی بود، اجازه تأسیس حزب را نمی‌دادند، ولی به محض پیروزی انقلاب اسلامی، پیشنهاد تأسیس حزب توسط بنده به امام(ره) داده شد و با اذن و کمک ایشان حزب جمهوری اسلامی ایران تأسیس شد.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به خواست حاضران برای تقویت تحزّب با اشاره به آثار بسیار مثبت حزب جمهوری اسلامی برای کشور در آن مقطع زمانی گفت: احزاب فعال و قوی ضربه‌گیر نظام هستند.

وی افزود: در صورتی که فعالیت‌های سیاسی در قالب احزاب صورت بپذیرد، این احزاب هستند که باید در قبال عملکرد خوب یا بد خود به مردم پاسخگو باشند و در این صورت ضعف مدیران و سوءعملکردها به پای نظام نوشته نمی‌شود.

در این دیدار جمعی از حاضران با تبریک حماسه انتخابات اخیر ریاست جمهوری، دیدگاه‌ها و نظرات خود را در مورد مشکلات و مسائل استان خوزستان و ملّی ارائه کردند.

نخستین کنگره بین المللی امامزادگان شهریور در تهران و اصفهان برگزار خواهد شد

سرویس سیاسی - اجتماعی: نخستین کنگره بین المللی امامزادگان در دهه کرامت و همزمان با روز تکریم امامزادگان (۲۰ و ۲۱ شهریور) در تهران و اصفهان برگزار خواهد شد.

به گزارش خبرنگار ما، حجت الاسلام احمد شرفخانی معاون فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه با اعلام این مطلب در جمع خبرنگاران، گفت: این کنگره در محورهایی چون نقش سیاسی، اجتماعی و فرهنگی امامزادگان و همچنین محور امامزادگان و توسعه هنر اسلامی برگزار خواهد شد که در هر محور موضوعات مرتبط بررسی می شود.

شرفخانی موضوع محور سیاسی کنگره را نقش سیاسی امامزادگان و مبارزات آنها در ایران و جهان اسلام دانست و افزود: در محور اجتماعی این کنگره موضوعات امامزادگان و وحدت اجتماعی مسلمانان و نقش آنان در توسعه امنیت ملی و بیداری اسلامی و همچنین نقش امامزادگان در گسترش شهر نشینی و فرهنگ گردشگری دنبال خواهد شد.

وی موضوع امامزادگان و گسترش فرهنگ اسلام و تشیع، بررسی موقوفات و آثار فرهنگی و اجتماعی وقف، امامزادگان و گسترش فرهنگ زیارت و نقش امامزادگان در مهندسی فرهنگی و توسعه مراکز دینی و علمی و همچنین توسعه فرهنگ شهادت و نقش آنان در توسعه عبودیت و بندگی را محور فرهنگی کنگره بین المللی امامزادگان برشمرد.

معاون فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه، بررسی جلوه های معماری و تزئینی بقاع امامزادگان و نقش امامزادگان در گسترش هنر های اسلامی را از دیگر موضوعات کنگره اعلام کرد و گفت: همزمان با برپایی این آیین، پورتال بقاع متبرکه و امامزادگان، کتاب کرامات امامزادگان و ادعیه امامزادگان رونمایی خواهد شد. همچنین اعطای نشان به خادمان افتخاری امامزادگان از دیگر برنامه ها است.

شرفخانی در بخش دیگری از سخنانش، از برگزاری چهارمین طرح تابستانی اوقات فراغت دانش آموزان با عنوان طرح نشاط تابستانی و با هدف تقویت بنیه اعتقادی جوانان و نوجوانان و سوق دادن آنان به سوی فعالیت های فرهنگی و قرانی به ویژه حفظ آیات قران کریم از هشت تیر تا ۲۵ مرداد در بقاع متبرکه سراسر کشور خبر داد.

وی افزود: در این طرح برنامه های فرهنگی، آموزشی، مهارتی، تفریحی، قرآنی و اردویی برای دانش آموزان هر سه مقطع تحصیلی در یک هزار و ۴۳۰ بقعه برگزار خواهد شد که در برخی از بقاع این طرح در طول سال ادامه خواهد داشت.

وی گفت: ۱۵۰۰ روحانی از حوزه های علمیه کشور، ۳۴۰ دانشجوی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم و ۱۲۰۰ مربی هنری و مهارتی برای اجرایی کردن این برنامه ها به کار گرفته خواهند شد.

شرفخانی در ادامه از برگزاری جشن نیمه شعبان در دو هزار و ۴۰۰ بقعه امامزادگان با هدف ترویج فرهنگ مهدویت و پاسخ به شبهات و برپایی یک هزار و ۵۰۰ نمایشگاه محتوایی در بقاع متبرکه و همچنین برگزاری ضیافت الهی در ماه مبارک رمضان خبر داد و گفت: برپایی خیمه های معرفت در بقاع امامزادگان با هدف ترویج فرهنگ وقف با موضوع مهدویت و احیای شب نیمه شعبان در امامزادگان شاخص از دیگر برنامه ها است.

دکتر زهرا مصطفوی: دولت دکتر روحانی موجب وحدت و انسجام نیروهای کارآمد می شود

دکتر زهرا مصطفوی، دختر گرامی حضرت امام و رئیس جمعیت دفاع از ملت فلسطین، در پیامی انتخاب دکتر حسن روحانی را به عنوان ریاست جمهوری تبریک گفت.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران، متن پیام به این شرح است:

برادر بزرگوار جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی دامت برکاته

رئیس جمهور محترم منتخب ملت ایران

سلام علیکم

ضمن سپاس به پیشگاه حضرت احدیت که توفیق خلق حماسه شکوهمند دیگری را به ملت بزرگوار ایران عنایت فرمود این رویداد مهم تاریخی را به رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)، ملت شریف ایران اسلامی و حضرتعالی که در خلق این حماسه تاثیر بسزایی داشته اید صمیمانه تبریک عرض می نمائیم.

امید و اطمینان داریم که مواضع منطقی و محکم جنابعالی در دفاع از حقوق ملت بزرگوار ایران و همه ملت های آزاده جهان خصوصا ملت مظلوم فلسطین راهگشای عرصه جدیدی در پیگیری اهداف انقلابی امام راحل(س) و مقام معظم رهبری خواهد بود.

رجاء واثق داریم که دولت جنابعالی با شعار تدبیر و امید می تواند موجب وحدت و انسجام کلیه نیروهای کارآمد نظام مقدس جمهوری اسلامی در خلق حماسه اقتصادی و رشد و شکوفایی میهن عزیز اسلامیمان باشد.

زهرامصطفوی

رئیس جمعیت دفاع از ملت فلسطین

همسر شهید بابایی از حامیان انتخاباتی‌اش تقدیر کرد

سرویس سیاسی - اجتماعی: سرکار خانم صدیقه حکمت، همسر سرلشکر خلبان شهید عباس بابایی کاندیدای عضویت در شورای شهر تهران با صدور بیانیه‌ای از حامیان خود در رقابت‌های انتخاباتی قدردانی کرد.

متن بیانیه همسر شهید بابایی به این شرح است:

به‌نام آنکه جان را فکرت آموخت

سلام و درود بی‌پایان به مردم عزیز ایران که مشاهده شادمانی آنان در هر کوی و برزن نور امید را به دل هر ایرانی علاقمند به وطن می تاباند.

همچنین عرض تبریک به حضور برادر بزرگوارم جناب آقای دکتر حسن روحانی که از یاران نزدیک همسر شهیدم بودند و انشاالله با قدم نهادن در راه شهدا با پشتوانه رأی ملت فهیم، کشور را تحت رهبری حکیمانه سید عالیقدر آیت‌الله خامنه‌ای به اوج قله‌های شکوه و افتخار رهنمون گردند. این مجال را فرصتی می‌دانم برای تعظیم به تمامی کسانی که صادقانه و بی‌مزد و منت مرا در عرصه انتخابات شورای شهر تهران یاری نمودند و با تلاش‌های شبانه روزی خود از کسی حمایت کردند که تحت عنوان هیچگونه ائتلاف ولیست سیاسی قرار نگرفت.

انتخاب نشدن خود را در این انتخابات به فال نیک گرفته و مشیت الهی فرض می‌نمایم و برای تمامی منتخبین عزیز آرزوی سلامتی و توفیق خدمت به مردم را از محضر پروردگار متعال خواستارم.

در پایان سپاس ویژه دارم از هنرمندان عزیز و عوامل سریال شوق‌پرواز و همچنین از حمایت‌های خالصانه برادر بزرگوار جناب آقای دکتر علی مطهری و تمامی کسانی که در فرصت تبلیغات انتخابات شورا اظهار لطف و محبت نموده‌اند.

باشد که در پایان عضویتم در شورای شهر قزوین توانسته باشم ذره‌ای از اعتماد و رأی مردم را با تلاش برای آبادانی شهرم جبران نموده باشم.

صدیقه حکمت، همسر شهید سرلشگر خلبان عباس بابایی

نماینده آبادان در ۴ دوره مجلس دعوت حق را لبیک گفت

سرویس سیاسی - اجتماعی: معلم آگاه حاج محمد رشیدیان، نماینده ادوار مختلف مجلس و خبرگان قانون اساسی دعوت حق را لبیک گفت.

این مجاهد نستوه، نماینده دوره‌های اول، دوم، سوم و ششم مجلس شورای اسلامی از آبادان بود و دیروز در هفتاد و چهار سالگی به دلیل بیماری قلبی به رحمت ایزدی پیوست.

مراسم تشییع آن مرحوم، ساعت ۹ و ۳۰ دقیقه فردا از مقابل منزل ایشان در جنت‌آباد به سوی بهشت‌زهرا برگزار می‌شود.

مجلس یادبود آن مرحوم هم ساعت ۱۰ تا ۱۱/۳۰ دقیقه پس‌فردا در مسجد حضرت ولی‌عصر (عج) (مسجد خوزستانی‌ها) واقع در خیابان خالداسلامبولی، جنب پارک ساعی برگزار می‌شود.

موافقت مجلس با تشکیل مجدد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

سرویس پارلمانی: طرح تشکیل سازمان راهبردی و معاونت توسعه مدیریت و سرمایه‌گذاری انسانی ریاست جمهوری با پیشنهاد یک فوریت، در جلسه علنی دیروز مجلس مورد بحث قرار گرفت و با تصویب این پیشنهاد، نمایندگان موافقت کردند که این طرح حداکثر تا یک ماه دیگر در دستور کار جلسه علنی قرار گیرد.

براساس این طرح، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی و معاونت توسعه مدیریت و سرمایه‌گذاری انسانی ریاست جمهوری در یکدیگر ادغام می‌شوند و سازمان مدیریت، برنامه‌ریزی و بهره‌وری، زیر نظر رئیس جمهوری، تشکیل خواهد شد.

در این جلسه همچنین لایحه «اصلاح قانون نظام صنفی کشور»، در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی مطرح شد و در پی تصویب در شور اول، ۳ ماده آن به تصویب رسید. به موجب مواد تصویب شده از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، نام مجمع امور صنفی به اتاق اصناف شهرستان، نام مجمع امور صنفی استان به اتاق اصناف مرکز استان و نام شورای اصناف کشور به اتاق اصناف ایران، تغییر می‌یابد.

سئوال از وزیر آموزش و پرورش

سئوال رجب رحمانی، نماینده تاکستان، از حمیدرضا حاجی‌بابایی، وزیر آموزش و پرورش، در مورد پرداخت نشدن پاداش و معوقه‌های فرهنگیان، چگونگی تعیین مناطق آموزشی به عنوان مناطق محروم، نحوه توزیع اعتبارات بازسازی و مقاوم‌سازی مدارس، اقدامات انجام نشده درباره بیمه طلایی فرهنگیان و چگونگی تأمین خانه فرهنگیان، در ادامه این جلسه مطرح و پاسخ وزیر قانع کننده اعلام شد. در ادامه این جلسه اعلام شد که دولت به دلیل اعمال تغییرات گسترده و از بین رفتن محتوا توسط مجلس، تقاضای استرداد لایحه جامع خاک را مطرح کرده است.

مراسم تحلیف رئیس جمهوری منتخب ۱۳ مرداد در مجلس برگزار می‌شود

یک عضو هیات رئیسه مجلس گفت: پس از برگزاری مراسم تنفیذ حجت‌الاسلام والمسلمین حسن روحانی رئیس‌جمهوری منتخب، احتمالا مراسم تحلیف در مجلس ۱۳ مرداد برگزار می‌شود.

محمد دهقان در گفتگو با ایسنا، اظهار داشت: پس از مراسم تحلیف، رئیس جمهوری موظف است ظرف یک هفته کابینه خود را به مجلس معرفی کند.

وی گفت: چگونگی برگزاری مراسم تحلیف در آیین‌نامه قید شده است. در این مراسم رئیس جمهوری فعلی حضور خواهد داشت و وزیر کشور هم گزارشی از روند برگزاری انتخابات ارائه می‌دهد.

وی ادامه داد: در این مراسم که با حضور رئیس قوه قضائیه برگزار می‌شود آقای روحانی طبق اصل ۱۲۱ سوگند نامه‌ای را قرائت و سپس آن را امضا می کند.

در اصل ۱۲۱ قانون اساسی آمده است: رئیس جمهوری در مجلس شورای اسلامی در جلسه‌ای که با حضور رئیس قوه قضائیه و اعضای شورای نگهبان تشکیل می‌شود، سوگند یاد کرده و سوگندنامه را امضا می‌کند.

صالحی: به تلاش برای حل بحران سوریه ادامه می دهیم

دکتر صالحی تائید کرده که ایران دعوت شفاهی برای شرکت در کنفرانس ژنو ۲ را دریافت کرده است.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دولت، وزیر امور خارجه در گفتگو با شبکه تلویزیونی المیادین افزود: تهران در این کنفرانس شرکت کند یا نکند به هر حال به تلاش های خود برای حل و فصل مسالمت آمیز بحران سوریه ادامه خواهد داد و ما اجازه تحمیل شرایط علیه ملت سوریه را نمی دهیم.

وی افزود: بر اساس اطلاعات رسیده، آمریکا با مشارکت ایران در کنفرانس مزبور مخالف نیست، اما برخی از کشورهای منطقه برای پیشگیری از به وقوع پیوستن این موضوع اعمال فشار می کنند.

وزیر امور خارجه با بیان این که بدون ایران نمی توان به هیچگونه راه حل عملی در منطقه دست یافت ابراز داشت: ایران قدرتمندترین کشور منطقه و دولت ما نشأت گرفته از ملت است.

وزیر امور خارجه همچنین از مواضع ایتالیا در قبال انتخابات ریاست جمهوری ایران و حضور پر شور مردم در این انتخابات تشکر کرد.

به گزارش اداره دیپلماسی رسانه ای وزارت امور خارجه، علی اکبر صالحی در گفتگوی تلفنی با خانم اما بنینو وزیر امور خارجه ایتالیا، همچنین در خصوص موضوعات مربوط به روابط دو جانبه و چشم انداز آینده این روابط تبادل نظر کرد.

وزیر امور خارجه ایران در این گفتگو بر آمادگی جمهوری اسلامی برای ارتقای بیش از پیش روابط دو جانبه و بحث و تبادل نظر پیرامون تحولات خاورمیانه از جمله سوریه تاکید کرد.

وزیر امور خارجه ایتالیا هم با یادآوری نقش ایران در منطقه خاورمیانه، بر ضرورت تداوم رایزنی های طرفین از طریق کانال های دیپلماتیک تاکید کرد.

عراقچی: اصول و ارزش‌های سیاست خارجی ایران تغییرناپذیر است

سرویس سیاسی - اجتماعی: سخنگوی وزارت امور خارجه با تأکید بر این که اصول و ارزش های سیاست خارجی ایران تغییرناپذیر است، گفت: آنچه در عمل تغییر پیدا می کند، سبک، سیاق و شیوه کار است.

به گزارش خبرنگار ما، عباس عراقچی در نشست هفتگی خود با اصحاب رسانه در پاسخ به پرسشی درباره واکنش غرب به پیروزی دکتر روحانی در انتخابات ریاست جمهوری و رویکرد جدید سیاست خارجی کشورمان، گفت: سیاست خارجی ایران از اصولی پیروی می کند که منبعث از منافع و اصول و ارزش های کشور و در چارچوب منویات و ارشادات مقام معظم رهبری ترسیم شده است. وی افزود: نحوه برخورد با سیاست خارجی در دولت‌های مختلف از سبک و سیاق متفاوتی برخوردار است.

عراقچی خاطرنشان کرد: همانطور که دکتر روحانی گفت آنچه مهم است حقوق ملت ایران است که هر دولتی خود را موظف به دفاع از آن می داند.

اظهارات آمانو

سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به پرسشی درباره اظهارات آمانو درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران، گفت: انتظار ما از آقای آمانو به‌عنوان کارشناس فنی در صحنه بین‌المللی و مسئول آژانس بین‌المللی انرژی اتمی این است که از برخوردهای سیاسی اجتناب کند و با ایران در چارچوب مقررات آژانس تعامل داشته باشد.

وی با اشاره به این که ایران در چارچوب ان پی تی و پادمان‌ها به تعهدات بین‌المللی خود عمل می کند، گفت: اگر چیزی بیش از این انتظار داشته باشند، نیازمند چارچوب جدید است که در حال مذاکره برای یافتن آن هستیم، ولی این که چرا مذاکرات پیش نرفته است باید از آقای آمانو سؤال کرد. وی افزود: هیچ تاریخ جدیدی برای ادامه مذاکرات قطعی نشده است.

سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به پرسشی درباره تلاش مقام‌های غربی برای برگزاری نشستی با دولت جدید ایران در مردادماه، گفت: ما هم تمایل غرب به ادامه مذاکرات را از رسانه‌ها شنیده‌ایم، ولی اطلاع رسمی نداریم.

ژنو ۲

وی با تأکید براین که ایران از هر راهکاری برای حل بحران سوریه به ویژه از تلاش های روسیه در این زمینه حمایت می کند، ابراز امیدواری کرد که اجلاس ژنو ۲ در زمان مناسب و با حضور همه طرف‌های درگیر و کشورهای مؤثر و تعیین‌کننده منطقه تشکیل شود و بتواند راهکار مورد تأیید ملت سوریه را بیابد.

وی تصریح کرد: وقتی از ایران به صورت رسمی دعوت به عمل آید با دید مثبت و سازنده آن را بررسی می کنیم ولی فعلاً به صورت شفاهی دعوت‌هایی صورت گرفته و طرف‌های مختلف اظهار علاقه کرده‌اند که ایران در این اجلاس حضور یابد.

سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به پرسشی درباره اظهارات احمد شهید گزارشگر حقوق بشری سازمان ملل درباره انتخابات ایران، با یادآوری این که احمد شهید تعبیرات نادرستی پیش از برگزاری انتخابات به کار برده است، گفت: حماسه انتخابات به نوعی باطل‌السحر بود. امیدوارم احمد شهید هم به عنوان گزارشگر ویژه تحلیل غلط خود را درباره انتخابات پس از برگزاری انتخابات درک کرده باشد.

وی افزود: نکته اینجاست که اگر ایشان می‌پذیرد که اشتباه کرده باید بپذیرد که درباره سایر ادعاها هم اشتباه کرده و منابع وی مغرض هستند و احتیاج به تجدیدنظر است.

سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به پرسشی درباره انتشار اخباری درباره اعزام چهار هزار سرباز توسط ایران به سوریه، با تکذیب این خبر، گفت: سوریه نیازی به اعزام نیرو ندارد و خود برای مبارزه با معارضان توانمند است.

وی تأکید کرد: قاطعانه هر گونه ادعا در این‌باره را تکذیب می‌کنم.

یادداشت

رفتارشناسی مردم در انتخاب نامزد اصلح

دکتر حسام‌الدین واعظ‌زاده

در طول سه دهه گذشته، معمولاً برای نقد و بررسی و مطالعه رفتار انتخاباتی مردم و استراتژی نامزدهای انتخابات در ایران، رغبت اندکی میان اساتید دانشگاه وجود دارد. نگارنده مطالعات متعدد پژوهشی علاوه بر موضوعات سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، در خصوص نقش احزاب، فرهنگ سیاسی و رفتار شناسی مردم در انتخابات دارد. اینک نکاتی هر چند مختصر در مورد انتخابات شکوهمند ریاست جمهوری و «حماسه سیاسی ملت بزرگ ایران»، برای خوانندگان گرامی عرضه می‌شود، به آن امید که دیگر همکاران نیز به پژوهش‌های علمی برای این امر مهم همت و گوشه‌هایی از دستاوردهای خود را برای عموم عرضه کنند.

در نظام‌های سیاسی امروز، انتخابات بهترین روش برای شناختن و برگزیدن رهبران است. انتخابات، برای ایجاد توازن بین دولتمردان و مردم است. شناخت این که مردم چگونه انتخاب اصلح را برمی گزینند کمک بسیار بزرگی به شناسایی خواسته‌های اساسی اکثریت جامعه برای رئیس‌جمهوری منتخب دارد. این شناخت از دو جهت اهمیت به‌سزایی دارد؛ اول موجب شناسایی سمت و سوی گرایش سیاسی مردم و باورهای آنان می‌شود، دوم آنکه، عمق آگاهی مردم به یک نامزد خاص و گستره حمایتی آنها از وی را علی رغم تبلیغات سنگین سایر نامزدها، نمایان می کند.

برای شناخت رفتار مردم در انتخاب نامزد اصلح، باید به نوع رفتار و استراتژی انتخاباتی نامزد پیروز، یعنی آقای دکتر روحانی توجه کرد. ایشان به جای اتخاذ یک مبارزه منفی علیه نامزد یا نامزدهای خاص و صرف وقت برای شناخت ضعف‌های فردی نامزدها، از آمادگی و تسلط کافی برای پاسخگویی به مبارزه منفی سایر رقباء برخوردار بود. این پاسخگویی دقیق، صریح و تسلط بر موضوعات به ویژه در مناظره‌ها و مصاحبه‌ها، موجب جلب آرای بسیاری از مردمی شد که تا آن زمان منتظر شنیدن چنین مطالبی بودند.

معمولاً در انتخابات، عدم تسلط کافی به موضوع و مسائل مهم و مورد علاقه مردم، و نیز عدم دسترسی به اطلاعات صحیح، نیازمند تیم‌های پژوهشی مطمئنی است که نامزدها را در مبارزه انتخاباتی یاری رسانند. حال اگر آن تیم پژوهشی و تحقیقاتی از کارشناسان خبره و از اطلاعات به روز استفاده نکرده باشد و کسی هم بر درستی و نادرستی اطلاعات جمع آوری شده نظارت نداشته باشد، ممکن است بر محبوبیت و توانایی فردی نامزد، ضربه جدی وارد و در نتیجه، سبد آرای وی در آخرین روزهای مبارزه با کاهش قابل ملاحظه‌ای روبرو شود.

در رفتار شناسی مردم در انتخاب نامزد اصلح، باید به میزان شناخت مردم از تفاوتهای نامزدها توجه کرد. در این میان، می‌توان به شخصیت و سابقه علمی - اجرایی و مدیریتی دکتر روحانی که از اولین فاکتورهای پیروزی ایشان بود، اشاره کرد و علاوه بر آن، باید به مسائلی که در گرایش مردم به ایشان موثر بود نیز دقت کرد. این نکات به‌طور خلاصه عبارتند از: ناکامی در قولهای مطروحه در دو دوره قبلی ریاست جمهوری و گرایش مردم به میزان عملگرایی و ضمانت اجرای شعارها و قولهای نامزدها.

این که مردم علاقه به چه نوع مزیتها و شایستگیهای رفتاری، بیانی رئیس جمهوری دارند؟ نگرانیهایشان چیست؟ پیام فلان نامزد که به عرصه انتخابات وارد شده چیست؟ چرا باید مردم به آن نامزد خاص رای دهند؟ همه از عوامل تعیین کننده هستند. این وظیفه اصلی نامزد است که باید پاسخ این پرسش‌ها را با زبان ساده و صریح بدون ابهام و کلی گویی به مردم بگوید. این کاری بود که دکتر روحانی در بیانش موفق شد. از سوی دیگر، توجه و احترام به انعکاس و بازخورد پیام‌های خود در کف جامعه و همچنین همراه بودن با پیامهایی که مردم ابراز می‌کردند، از دیگر امتیازهای انتخاباتی ایشان بود. پیام روحانی در دوره زمانی تبلیغات انتخاباتی، از پیام ملی، ارزش‌ها، عملکردها و سیاستهای ایشان نشات گرفته بود. بر اساس تحقیقات علمی، اگر نامزدی در کمتر از یک دقیقه نتواند پیام خود را به مردم برساند، بازنده انتخابات خواهد بود. ایشان بخوبی تفاوتهای خود را با دیگران برای مردم مطرح کردند و این کمک بزرگی به مردم برای انتخاب نامزد اصلح بود.

کلی نگری نامزدی که برای هرمسأله برنامه‌ای هم در آستین ارائه دهد و (هدف) انتخاباتی اش را همه مسائل مردم قرار دهد، و اولویت بندی نداشته باشد، در واقع، امتیازهای خود را با سایرین مشخص نکرده است. به عبارت دیگر، اجتناب از کلی نگری و تا حد امکان، عدم طفره رفتن در الگوی گفتمانی در دوره مبارزه انتخاباتی، ایشان را از سایرین متمایز ساخت و کمک شایانی به هدایت رفتار انتخاباتی مردم کرد. این نکته را باید اضافه کرد که حمایت‌های آقایان عارف، هاشمی و خاتمی و نیز همسویی و اشتراک نظرات آقایان ولایتی و رضایی در مناظره‌ها در تقویت و مقبولیت عمومی نظرات ایشان نیز بی‌تاثیر نبود. ضمن آنکه، مواضع و رفتار انتخاباتی و برخورد زبانی و حرکات ایماء و اشاره سایر نامزدها در مناظره‌ها و مستندهای تبلیغاتی، نقش تعیین کننده‌ای در تصویری سازی نامزدها در نگاه مردم و نوع انتخاب آنها داشت.

در استراتژی انتخاباتی ایشان، علاوه بر تمرکز بر افزایش تعداد حامیان، بیدار کردن بخش نهفته جامعه و کسب آرای گروه‌هایی بود که تا روزهای پایانی هنوز نامزد خود را مشخص نکرده بودند. ایشان به‌جای این که بر تقسیمات جغرافیایی و قومی رای دهندگان در استان‌ها و شهرستان‌ها متمرکز شود، بر هدف گذاری برای شناخت موضوعات و ارزش‌های واقعی و مورد علاقه مردم تأکید داشت. از جمله: ایجاد اشتغال برای جوانان، استفاده از نخبگان و اساتید دانشگاه‌ها، رفع تحریم‌ها، تعامل در سیاست خارجی، توجه به ارتقای اعتبار پول ملی و گذرنامه ایرانی. مجموعه این مسائل مهم، بسیاری از حامیان نامزدهای دیگر را در روزهای پایانی به‌سوی دکتر روحانی هدایت کرد. حتی کسانی که در گروه کمپین نامزدهای رقیب شرکت کرده بودند. نوع و گستره ارزش‌های مطرح شده از سوی ایشان، بدون توجه به تقسیمات قومی و جغرافیایی رای دهندگان، تا حد قابل توجهی بر جذابیت، تیزبینی و منطق انتخاباتی ایشان افزود.

از عوامل تعیین کننده دیگر در انتخاب اصلح، موضوع سیاست خارجی بود. در این دوره، بیش از دوره‌های قبلی سیاست خارجی با سیاست داخلی پیوند خورده بود، به‌طوری که بخشی جدایی ناپذیر از سیاست داخلی به شمار می‌رفت. به عبارت دیگر، سیاست خارجی بخشی از نگرانیهای روزمره زندگی مردم شده بود و درک این واقعیت و هوشمندی در طرح موثر آن، موفقیت بزرگی برای دکتر روحانی بود. سابقه طولانی ایشان در مسائل سیاست خارجی و تسلط عمیق به مسائل جانبی آن، از امتیازهای ویژه انتخاباتی ایشان بود. اگرچه نامزدهای دیگر کمابیش به این موضوع توجه داشتند، اما تسلط ایشان به چگونگی طرح زنجیره‌ای از مسائل مرتبط شامل، مسأله هسته‌ای، تحریم‌ها، وضع اقتصادی، و ارزش دلار و...، حتی توجه بسیاری از مخالفین و اصولگرایان را به منطق گفتگوی ایشان جلب کرد. ایشان در برنامه‌های رسانه ای، با طرح مسائل بی ربط و غیر مهم از فرصت سوزی جلوگیری به عمل آورد و برعکس، با انتخاب جملات کلیدی و جذاب، بیشترین استفاده مفید از زمان را از آن خویش کرد.

از سوی دیگر، رای دهندگان در مورد شخصیت آقای روحانی، توانستند اطلاعات روشنتر و کاملتری نسبت به سایر نامزدها به‌دست آورند؛ این که نامزد آنها دقیقاً می‌خواهد چه چیزی و چه بخشی از خواسته‌ها و منافع آنها را نمایندگی کند. در همین راستا، در کمپین‌های انتخاباتی آنچه بسیار با اهمیت است، «ثبت پیام نامزدها» ست. این مسأله با تکرار پیام‌های مشخص و تعریف شده از سوی نامزد در مبارزات انتخاباتی تحقق می‌یابد که دکتر روحانی هم چنین کرد. رابطه نزدیک ایشان با مقام رهبری و پست‌های کلیدی و حساس ایشان در دوره جنگ هشت ساله در بخشهای نظامی، امنیتی، سیاسی و دیپلماتیک در ۳۴ سال بر امتیازهای ایشان افزود و حتی موفق شد اعتماد بسیاری از اصولگرایان را جلب کند.

از جمله مهمترین ویژگی در انتخاب نامزد اصلح، نقش مدیریت و رهبری و اعتماد به‌نفس و اعتقاد عملی نامزد به گفته‌های خود است که این امر در دکتر روحانی بیش از دیگران جلوه گر شد و در مناظره‌ها به اوج رسید. مردم به‌دنبال فردی بودند که گذشته روشن اجرایی و مدیریتی و درک صحیح و نزدیک به واقع از مسائل کشور داشته باشد. مردم به‌دنبال کسی بودند که نه فقط در تئوری بلکه در عمل هم بتواند گفته‌های خود را قدری عملی کند. سابقه مدیریتی و مسولیتهای ایشان نوعی تضمین عملی بود. از آن گذشته، کسوت ایشان در مقام روحانیت، عضویت در مجلس خبرگان رهبری، عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام، شخصیت کاریزماتیک و نیز الگوی بیان گفتمانی در منطق و رسایی در کلام، در آرای مردم بی‌تاثیر نبوده است.



امام حسین علیه السلام:

مَن حاوَلَ اَمراً بِمَعصِیَهِ اللهِ کانَ اَفوَتَ لِما یَرجُو وَاَسرَعَ لِمَجیءِ ما یَحذَرُ
آن که در کاری که نافرمانی خداست بکوشد امیدش را از دست می دهد و نگرانیها به او رو می آورد

پیام وزیر ارشاد به مناسبت درگذشت استاد جلیل شهناز

وزیر ارشاد در پیامی درگذشت جلیل شهناز را تسلیت گفت.

در پیام تسلیت دکتر سیدمحمد حسینی آمده است: نوای شهنازی جلیل شهناز در نای تقدیر فرو خفت و بر خلق آثار دلنواز وداع گفت و دل اهل هنر را بدین خبر آشفت!

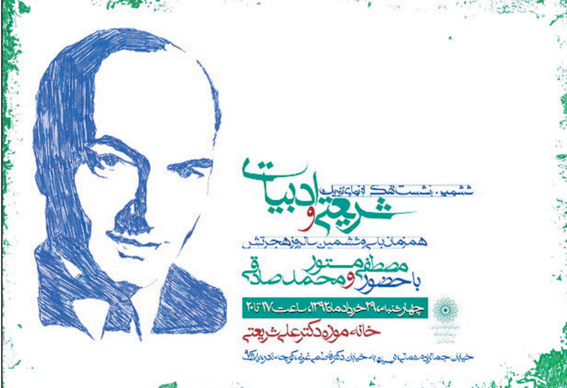
به گزارش ایرنا از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،حسینی در این پیام می‌افزاید:این چهره ماندگار موسیقی در باغستان صدا گلهای جاویدان را از خود به یادگار گذاشت و آنچه کاشت عطری نامیرا برنگارستان هنر عرضه کرد و آنچه به ارمغان آورد، اثبات جاودانگی صداست!

یادش هم قد سرو هنر ایستا و پابرجاست.

رحمت خدایش به نغمه آمرزش ، مترنم باد.

مراسم تشییع پیکر استاد جلیل شهناز ساعت ۹ صبح پنجشنبه از مقابل تالار وحدت برگزار خواهد شد.

مصطفی مستور و محمد صادقی از دکتر علی شریعتی می گویند



ششمین نشست تفکر از نمای نزدیک با عنوان «شریعتی و ادبیات» فردا با حضور مصطفی مستور در خانه‌موزه دکتر شریعتی برگزار می‌شود.

به گزارش ایسنا ، این برنامه هم‌زمان با سی‌وششمین سالگرد درگذشت دکتر شریعتی و در ادامه سلسله نشست‌های «تفکر از نمای نزدیک» چهار شنبه، ۲۹ خرداد، ساعت ۱۷ تا ۲۰ در خانه‌موزه دکتر شریعتی برگزار می‌شود و در آن مصطفی مستور، نویسنده، و محمدصادقی، روزنامه‌نگار، به بررسی آرا و اندیشه‌های دکتر علی شریعتی و نگاه او به ادبیات می‌پردازند.پخش فیلم مستند خانه‌موزه دکتر شریعتی همراه با نمایشگاهی از آخرین آثار دکتر شریعتی که با نام‌های مستعار وی چون علی خراسانی و علی سربداری نگاشته شده، از دیگر برنامه‌های این نشست است.

سلسله نشست‌های «تفکر از نمای نزدیک» با «بررسی آرا و اندیشه های امام موسی صدر» در ۲۲ تیرماه ۱۳۹۰ کلید خورد.

علاقه‌مندان به شرکت در این نشست می توانند ساعت ۱۷ روز چهارشنبه، ۲۹ خرداد به خانه‌موزه دکتر شریعتی واقع در خیابان جمال‌زاده شمالی، نرسیده به خیابان دکتر فاطمی غربی، کوچه نادر، پلاک ۹ مراجعه کنند و یا برای کسب اطلاعات بیش‌تر با شماره تلفن‌های ۶۶۵۶۵۵۶۵ و ۶۶۵۶۵۵۶۶ تماس بگیرند.

فهیمه رحیمی، رمان نویس درگذشت

فهیمه رحیمی نویسنده رمان های عامه پسند صبح دیروز در بیمارستان مهر تهران در شصت و یک سالگی درگذشت.

این نویسنده ایرانی تجربه کار در زمینه خبرنگاری ورزشی و ادبیات کودکان را نیز دارد. نخستین فعالیت ادبی جدی فهیمه رحیمی نوشتن قطعه‌ای ادبی با عنوان «دلم برای پروانه می‌سوزد» در ۹سالگی بود و اولین کتاب خود را با عنوان «بازگشت به خوشبختی» در سال ۱۳۶۹ منتشر کرد.

وی ۲۳ عنوان رمان نوشته و منتشر کرده است که بسیاری از آن‌ها بارها تجدید چاپ شده‌اند. البته فعالیت او در راستای ادبیات کودکان هم بود اما رحیمی ۲۳ اثر برای کودکان نوشت اما برای چاپ آن‌ها اقدام نکرد.

اتوبوس، عشق و خرافات، کوچه باغ یادها، برجی در مه، خلوت شب‌های تنهایی، روزهای سرد برفی، خیال تو، عالیه، رز کبود، شیدایی، بانوی جنگل، حرم دل، آریانا، پنجره، بازگشت به خوشبختی، تاوان عشق، پاییز را فراموش کن، ماندانا، زخم‌خوردگان تقدیر، هنگامه، ابلیس کوچک، اشک ستاره و... از جمله آثار فهیمه رحیمی هستند.



ثبت نام پذیرش بدون آزمون دانشجو در مقطع ارشد آغاز شد

فرآیند ثبت نام پذیرش بدون آزمون در مقطع کارشناسی ارشد سال ۹۲ توسط سازمان سنجش آغاز شد.

به گزارش مهر، ثبت‌نام «پذیرش بدون آزمون دانشجویان ممتاز و رتبه اول کارشناسی در مقطع کارشناسی ارشد سال تحصیلی ۹۳-۹۲» برای آن دسته از داوطلبانی که موفق به دریافت پذیرش از هیچ دانشگاهی نشده‌اند، در سامانه سازمان سنجش به نشانی www.sanjesh.org آغاز شد و تا ۸ تیر ادامه دارد.

جایابی توسط سازمان سنجش صرفاً برای دانشگاه‌ها و موسساتی صورت می گیرد که مستقیماً اقدام به پذیرش دانشجو براساس آیین نامه مذکور نکرده اند و متقاضیانی که در سایت این سازمان ثبت‌نام کنند، بر اساس ظرفیت‌های موجود گزینش می شوند و لزوماً تمامی متقاضیان ثبت‌نام شده جایابی نخواهند شد.

به علت محدودیت ظرفیت، سازمان سنجش به متقاضیان پیشنهاد می کند، انتخاب های خود را افزایش دهند.

متقاضیانی که از سوی دانشگاه‌ها اقدام به پذیرش کرده اند و اسامی آنها از طرف دانشگاه به این سازمان اعلام شده است از فرایند جایابی توسط سازمان حذف خواهند شد.

حداکثر سن ثبت‌نام در دوره «متوسطه دوم» از ۱۸ تا ۲۰ سال

معاون آموزش متوسطه وزیر آموزش و پرورش، حداکثر سن ثبت‌نام در پایه‌های اول، دوم و سوم «متوسطه دوم» در مناطق شهری و روستایی را به ترتیب ۱۸، ۱۹و ۲۰سال تمام اعلام کرد.

به گزارش فارس، ابراهیم سحرخیز، ادامه داد: بر اساس قانون نظام وظیفه، دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه،از ۲۰سالگی تمام مشمول سربازی می‌شوند.

برای پایه اول متوسطه متولدین ۷۴،۷،۱و بعد از آن، پایه دوم متوسطه متولدین ۷۳،۷،۱و بعد از آن و پایه سوم متوسطه متولدین ۷۲،۷،۱و بعد از آن می توانند ثبت‌نام کنند؛ متولدین ۷۱،۷،۱و بعد از آن می‌توانند در دوره پیش‌دانشگاهی ثبت‌نام کنند.

مصوبات جدید شورای گسترش آموزش عالی اعلام شد

موافقت قطعی با ایجاد پردیس دانشگاهی خودگردان دانشگاه الزهرا (س)، انتقال پردیس دانشگاهی دانشگاه شهیدباهنر کرمان در شهر سیرجان به دانشگاه صنعتی سیرجان و موافقت با استقلال مجتمع آموزش عالی زرند از دانشگاه شهید باهنر کرمان از جمله مصوبات جدید شورای گسترش آموزش عالی وزارت علوم است.

به گزارش ایسنا، شورای گسترش آموزش عالی ضمن موافقت قطعی با ایجاد پردیس دانشگاهی دانشگاه شهید باهنر کرمان در شهر کرمان، با یکبار پذیرش دانشجو در رشته‌های فلسفه تعلیم و تربیت، حسابداری، مهندسی عمران، بیماری شناسی گیاهی و زیست‌شناسی گرایش فیزیولوژی گیاهی در مقطع دکتری و رشته‌های تحصیلی فوتونیک، حسابداری، اقتصاد کشاورزی، مهندسی مواد گرایش شناسایی و انتخاب مواد، مهندسی کامپیوتر هوش مصنوعی، مهندسی مکانیک گرایش‌های تبدیل انرژی و طراحی کاربردی ، مهندسی برق گرایش های قدرت، الکترونیک، مخابرات، کنترل، مهندسی عمران گرایش‌های سازه، سازه‌های هیدرولیکی، خاک و پی و اقتصاد در این مرکزموافقت کرد.

پایان هشتمین جشنواره فصلی مطبوعات با معرفی برگزیدگان




هشتمین جشنواره فصلی مطبوعات و خبرگزاری ها دیروز با معرفی برگزیدگان مربوط به زمستان ۱۳۹۱ پایان یافت.

به گزارش خبرنگار ما، دکتر سیدمحمد حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با حضور در این مراسم و ضمن تشکر از زحمات اصحاب رسانه در دوران انتخابات ریاست جمهوری، گفت: «جشنواره فصلی فرصتی برای نقد و ارزیابی مطبوعات است. اینکه یکسری داوران صاحب‌نظر بنشینند و مقالات را بررسی کنند بسیار خوب است و نتیجه ارزیابی آنان الگویی برای فعالان این عرصه خواهد بود».

وی افزود: «متأسفانه گاهی اوقات زحمات اهالی مطبوعات دیده‌نمی‌شودوچنین جشنواره‌هایی فضایی به وجود می‌آورد تا آن‌ها به کار خود دلگرم شوند».

حسینی در ادامه صحبت‌های خود با اشاره به حکمی که دوشنبه گذشته برای علی اسماعیلی، سرپرست معاونت فرهنگی جهت برعهده‌گیری ریاست نمایشگاه کتاب صادر کرده بود، گفت: «همه کارها باید به موقع و بدون هیچ تعللی انجام شود. حکم ریاست آقای اسماعیلی بر نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران نیز به همین دلیل صادر شد، اما بعضی ها گفتند وزیر ارشاد خواسته کسی را به دولت بعدی تحمیل کند. در نمایشگاه‌ها و جشنواره‌هایی که هر ساله به‌طور منظم برگزار می‌شود، تعطیلی وجود ندارد و آن جشنواره یا نمایشگاه باید مسئولی داشته باشد تا کارها را انجام دهد. ما از جامعه مطبوعاتی انتظار داریم اگر مسئولی وظیفه خود را انجام نداد او را نقد کنند، نه زمانی که وی به وظیفه خود عمل کرده است».

در ادامه این مراسم محمدجعفر محمدزاده، معاون مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز گفت: «امروز کتاب «بعد از خبر ۸» به عنوان گنجینه‌ای از تاریخ مطبوعات ایران به چاپ رسید و امیدوارم از این پس بتوانیم شاهد ذخایر بومی علمی باشیم چرا که تاکنون یکی از مشکلات ما در روزنامه‌نگاری این بود که منابع ما اکثراً ترجمه‌ای بودند یا براساس منابع غربی تالیف می شدند. این هشت کتاب به عنوان مرجع خوبی برای آموزش خبرنگاری منتشر شده است».وی افزود: «امیدواریم تا پایان تابستان امسال نیز بتوانیم جلد اول دانشنامه مطبوعات را منتشر کنیم که نتیجه ۱۸۰ سال روزنامه‌نگاری در ایران است».محمد اکرامی‌فر، دبیر هشتمین جشنواره مطبوعات و خبرگزاری‌ها نیز در این مراسم گفت: «گروه داوری ما معتقد هستند که مقاله‌های مطبوعات خوب هستند، اما باید خوبتر باشند و لازمه این کار هم بالا بردن سطح دانش و تحلیل اصحاب مطبوعات است. قطعاً در روزنامه‌ها جای مقالات علمی نیست و بهتر است آن‌ها بیشتر از مقالات ژورنالیستی استفاده کنند».

وی افزود: «لازمه امروز روزنامه‌نگاری، پیوند بین حوزه‌های علم و دانش با مطبوعات است و این اتفاق می تواند در قالب یادداشت، سرمقاله و مقاله بیافتد».

در ادامه این مراسم نیز سیدمحمود دعائی، مدیر مسئول روزنامه اطلاعات از زحمات برگزارکنندگان این جشنواره فصلی و خصوصاً محمود اکرامی‌فر، دبیر جشنواره تشکر کرد و برگزیدگان هشتمین جشنواره فصلی مطبوعات و خبرگزاری‌ها به شرح زیر معرفی شدند:

در بخش گفتگو به ترتیب سینا علی‌محمدی از روزنامه جام‌جم، محمد رضایی از روزنامه همشهری و زهرا اسدی و پیام یونسی‌پور از روزنامه قدس، رتبه‌های اول تا سوم این جشنواره را به خود اختصاص دادند.در بخش نقد، رتبه اول به محمدعلی محمدی از روزنامه جمهوری اسلامی اختصاص یافت و جوایز دوم و سوم به ترتیب به مهرزاد دانش از روزنامه همشهری و نسترن مکارمی از روزنامه همشهری رسید.همچنین جوایز اول بخش گزارش خبری به شهریار خدیوفرد از روزنامه هفت صبح اهدا شد و در بخش گزارش جایزه دوم به سمانه شهباز از روزنامه ایران و جایزه سوم به نادره وائلی‌زاده از روزنامه بهار رسید. هیأت داوران در این بخش هیچ گزارشی را حائز رتبه اول ندانستند.

در بخش سرمقاله جوایز اول تا سوم به ترتیب به محمد صادق جنان صفت از روزنامه دنیای اقتصاد، فضل‌الله یاری از روزنامه ابتکار و علیرضا خانی از روزنامه اطلاعات تعلق گرفت.

همچنین جوایز اول تا سوم بخش مقاله به عبدالامیر اردستانی از روزنامه کیهان، زینب صارم از روزنامه ایران و غلامرضا کشاورز حداد از روزنامه دنیای اقتصاد تعلق گرفت.

در بخش تیتر، جایزه اول به تیتر «هوا را پاک از دست داده‌ایم» از روزنامه جام‌جم و جایزه دوم به تیتر «نسخه خانم دکتر پیچیده شد» از روزنامه آرمان روابط عمومی اهدا شد.

در بخش صفحه آرایی نیز جایزه اول به روزنامه خبر ورزشی، جایزه دوم به روزنامه ابتکار و جایزه سوم به روزنامه وطن امروز رسید.

در بخش طنز نیز جایزه دوم به‌طور مشترک به ناصر فیض از روزنامه تهران امروز و مصطفی محدثی خراسانی از روزنامه اطلاعات رسید و هیأت داوران در این بخش رتبه اول نداشت.

همچنین‌دربخش‌خبرگزاری‌ها، جایزه اول گزارش خبری به احسان رنجبران از خبرگزاری ایلنا و جایزه دوم و سوم این بخش به ترتیب به معصومه شهباز از خبرگزاری میراث فرهنگی و افشین شاعری از خبرگزاری فارس اهدا شد.

در بخش خبر، جایزه اول به جواد هاشمی از خبرگزاری ایسنا، جایزه دوم به محمدجواد منعمی از خبرگزاری ایکنا و جایزه سوم به محبوبه فکوری از خبرگزاری مهر رسید و در پایان جوایز اول تا سوم بخش عکس به ترتیب به میلاد معصومی از ایرنا، محسن نوروزفرد از مهر و محسن رضایی از فارس اهدا شد.

«ارگ بم» از فهرست میراث جهانی در خطر یونسکو خارج شد



کمیته میراث جهانی یونسکو، ارگ بم و منظر فرهنگی اطرافش را از لیست میراث جهانی در خطر خارج کرد.

به گزارش مهر، سازمان یونسکو اعلام کرد که این کمیته، پس از بررسی پرونده ارگ بم، اصلاحات در مدیریت و حفاظت از ارگ بم و محوطه اطرافش در جمهوری اسلامی ایران به نتیجه رسیده بنابراین این میراث فرهنگی را از لیست میراث در خطر خارج کرده است.

ارگ بم در سال ۲۰۰۴ در فهرست میراث جهانی ثبت شد اما در سال ۱۳۸۲ پس از آنکه زلزله بم این ارگ را لرزاند، بسیاری از بخش های این ارگ خشتی از بین رفت به این ترتیب یونسکو آن را در فهرست میراث در خطر جای داد تا این که روز گذشته، کارشناسان کمیته میراث جهانی به این نتیجه رسیده اند که اقدامات حفاظتی در ارگ بم باعث شده تا این میراث در خطر اکنون در امنیت قرار بگیرد.

دولتمند خُلف و گروه آوای مهربانی کنسرت می‌دهند



سرویس فرهنگی، هنری- گروه موسیقی آوای مهربانی به سرپرستی و خوانندگی «سهیلا پورگرامی» به همراه «دولتمند خُلف»، اول و دوم تیر در تالار وحدت کنسرت تلفیقی اجرا خواهند کرد.

به گزارش خبرنگار ما، در بخش اول برنامه، گروه دولتمند که متشکل از خود وی و دو فرزندش است، قطعاتی از موسیقی تاجیکستان را اجرا می‌کنند و در بخش دوم کنسرت گروه آوای مهربانی با گلچینی از موسیقی مقامی، در پایان موسیقی تلفیقی را با دولتمند خلف تجربه خواهند کرد.

بنابراین گزارش، دولتمند خلف در نشستی که دیروز برای این رویداد موسیقایی برگزار شد، گفت: ۲۳ سال است به ایران می‌آیم و آغاز این جریان برمی‌گردد به سال ۱۹۹۲ میلادی که از جانب وزیر ارشاد وقت، آقای خاتمی به ایران دعوت شدم. تقریباً در همه تالارهای ایران کنسرت داده‌ام.

وی افزود: در شناسنامه من تنها نام «دولت» است که به دولتمند و خواننده «دورمشو» که ۳۸ سال پیش آن را خوانده‌ام مشهور هستم.

این خواننده تاجیک با ابراز امیدواری از حضور خاتمی در کنسرت آینده‌اش افزود: دوست دارم جناب ناظری ، محمد اصفهانی و دیگر هنرمندان ایران را در این کنسرت ببینم.

وی با معرفی موسیقی «فلک» که از نغمات تاجیکی است، گفت: در این کنسرت از این نغمه مقدس موسیقی تاجیک که با ساز «دومره» که دو تاری کوچک است، اجرا می‌شود، قطعاتی طنین‌انداز خواهد شد.در ادامه، سهیلا پورگرامی و دولتمندخلف،باتسلیت‌درگذشت استاد جلیل شهناز، درباره جزئیات کنسرت خود چنین توضیح دادند که؛ آوای مهربانی برنامه‌اش را در دستگاه شور ارائه خواهد داد و بوی جوی مولیان و اشعاری از علیرضا قزوه و عباس سجادی و قطعه دریا از لایق شیرعلی، اجرا خواهد شد.

برگزاری مراسم نکوداشت زنده یاد امیر حسین فردی



مراسم نکوداشت زنده یاد امیرحسین فردی نویسنده انقلاب با عنوان "آشیانه در دل" ۲۸ خرداد در تالار سوره حوزه هنری با حضور محسن مومنی شریف، محمد حمزه‌زاده، محمد رضا سرشار، احمد شاکری، رضا اسماعیلی، ناصر فیض، حسین پارسائی، سعید کشن فلاح، یوسفعلی میرشکاک، علیرضا قزوه، مرتضی گودرزی دیباج، علی داوودی، کمال شفیعی، ناصر ضرابی، حامد عسگری، علیرضا لبش، رحمت امینی، حسن دولت آبادی، عباسعلی براتی پور، اسماعیل امینی، عزت‌الله الوندی، جلال سمیعی، سوسن طاقدیس، علی الله سلیمی، رضا امیر خانی، حسین اسرافیلی، مصطفی آجرلو، پیروز ارجمند ، سید محمود دعایی و ... برگزار شد.

در ابتدای این مراسم علیرضا قزوه مدیر مرکز آفرینش های ادبی حوزه هنری گفت: از من خواستند که خیر مقدم بگویم، پرسیدم چرا و در پاسخ گفتند به دلیل اینکه صندلی ای که خالی شد برای بزرگمردی است که رفته و الان تو نشسته ای.

وی با اشاره به اینکه آیا قادر به این هستم که بتوانم جای این بزرگمرد را پر کنم؟ گفت: برای من این سوال دشواری است که آیا می توانم جای او را پر کنم و یا یکی از وظایفی که در اینجا داشت را انجام دهم. حالا صندلی او هست، جانماز هست، اتاق هست و آن فضا هست و همه اینها برای من علامت سوال است.

قزوه به زمانی که کتاب امیر حسین فردی را تورق می کرد اشاره و خاطر نشان کرد: در جایی از کتاب فکر کردم که امیر حسین فردی در فرانسه است و در این کتاب ظهر عاشورا را تداعی کرد که نمی توانست عزاداری کند لذا تماس گرفته بود با خانواده خود در تهران تا صدای عزاداری ها را بشنود. دیدم دو بیت شعر از من در کتاب آورده است و من خیلی خوشحال شدم که در آن صفحه شعری از من آمد و اینکه فردی به یادم بود این مطلب را با آقای مومنی مطرح کردم و ایشان گفت فردی هرگز از کشور به دلیل بیماری مادرشان خارج نشده بود و آن یادداشتی بود که از یکی از بزرگان در کتاب آورده بود.

مدیر مرکز آفرینش های ادبی ادامه داد: شاعران زیادی داریم که به مرگ زیاد فکر کرده اند. بالاترین حد و اندازه شناخت با مرگ، مرگ آگاهی است .مرگ آگاهی را در رفتار و شعر بسیاری از شاعران دیده ایم. سید حسن حسینی قبل از مرگ خود گفته بود که دم در بیمارستان شهید می شوم و همین اتفاق افتاد. قزوه به تعریف خاطره ای از خود و امیر حسین فردی پرداخت و گفت: روزی قبل از بازی فوتبال فردی به من گفت خودت را گرم کن بعد شروع به بازی کن اما من اینکار را نکردم و در حین بازی زمین خوردم و حالم بد شد. فردی نگران من بود. امیدوارم دیگر زمین نخورم و بتوانم خودم را گرم کنم تا راه آن بزرگوار را ادامه دهم.وی افزود: در مسابقه ای آدم‌های زیادی شرکت کرده بودند اما تنها بچه ای توانست مسابقه را ببرد. از او پرسیدم راز بردن تو چیست؟ گفت: خانه ما پای تپه ای قرار دارد و مدرسه‌ام دو تپه آن طرف تر است.هیچ ماشینی هم برای رفت و آمد نیست لذا برای رسیدن به مدرسه تمام عمر دویدم.

محمد رضا سرشار نیز در مراسم نکو داشت زنده یاد فردی گفت: فردی بسیار دوست داشتنی بود.حتی اگر کسی با او هم عقیده نبود با این حال نمی توانست او را دوست نداشته باشد زیرا فردی بسیار مهربان بود.

سرشار عرض زندگی فردی را خوب دانست و گفت: طول زندگی فردی زیاد نبود اما عرض زندگی شخصی فردی خوب بود. آنگونه که دوست داشت زندگی کرد. بسیاری از ما به زندگی خود آنگونه که باید نرسیدیم اما او چه در زمان جنگ و چه غیر از جنگ و در موقعیت های مختلف جای خودش بود.

نوشتنش، فوتبال اش و ... همه برنامه هایش سر جای خودشان بودند.

سید محمود دعایی در مراسم نکوداشت زنده یاد امیرحسین فردی با بیان این که در حوزه داستان دو شخصیت بود که در طول زندگی از آنان بهره بردم، گفت: در زمان شاه درنجف تبعید بودم، آواره بودم و مجلاتی را در آنجا مشترک بوده ام و همان موقع با مرحوم صمد بهرنگی از طریق داستان هایش آشنا شده بودم.

وی ادامه داد: البته جهان بینی بهرنگی را نمی پسندیدم چرا که جهان‌بینی او مادی بود تا این که بعدها با مرحوم فردی آشنا شدم، صمد بهرنگی و مرحوم فردی هر دو آذری بودند و گرایش مردمی داشتند و قبل از این که خودشان را ببینم با داستان هایشان آشنا شده بودم.

دعایی با بیان این که فردی در زمان حیات خود به او پیشنهاد عضویت در هیات امنای یک مجموعه ادبی را داد، عنوان کرد: من در آن زمان به فردی گفتم که خودم را در حدی نمی بینم که عضو چنین تشکل و هیات امنایی شوم اما بعد ها به این نتیجه رسیدم که فردی صرفا نمی خواست مرا عضو هیات امنا کند بلکه می خواست من را آگاه کند . فردی با ادب و صمیمیت و وقار به من فهماند که لازم است بیشتر کار کنم و فعالیت های فرهنگی و ادبی داشته باشم.

مدیر مسئول روزنامه اطلاعات افزود: در برخورد دومی که با فردی داشتم در مراسم تجلیل پیش نگاران بود که یکی از تجلیل شوندگان مرحوم فردی بود. من در آن جلسه بنا بود صحبت کنم و دیدم که آقای فردی تمایلی به حضور در این مراسم ندارند و صرفا برای ادای احترام به کسانی که از او دعوت کرده اند شرکت کرده و برایش مسائل جانبی اهمیتی ندارد. من شیفته بی تفاوتی او شدم.

وی افزود: آخرین دیدار ما در مراسمی در حوزه هنری بود، هنگام نماز به علت آن که وضو نداشتم کمی دیر به نماز جماعت رسیدم و مشاهده کردم که مرحوم فردی در گوشه‌ای دنج مشغول نماز خواندن است. به قدری تحت تاثیر وقار او قرار گرفتم که به او اقتدا کردم، یک آخوند به غیر آخوند اقتدا کرد و این نماز یکی از نماز هایی بود که از خواندنش بسیار لذت بردم.

وی در پایان گفت: امیدوارم راه مرحوم فردی ادامه داشته باشد چرا که ایشان خلائی که در داستان کودک و نوجوان وجود داشت را پر کرده بودند

«گرگ سالی» رونمایی شد

رمان «گرگ سالی» زنده یاد امیرحسین فردی در مراسم نکوداشت این نویسنده انقلاب اسلامی رونمایی شد.

رونمایی این کتاب در پایان مراسم نکوداشت مرحوم امیرحسین فردی صورت گرفت و طی آن لوح تقدیری از سوی محسن مومنی رییس حوزه هنری به خانواده آن مرحوم اهدا شد.

در مراسم رونمایی رمان فردی شخصیت های فرهنگی و ادبی همچون محسن مومنی ، محمد حمزه‌زاده، سید محمود دعایی، یوسفعلی میرشکاک، مصطفی آجرلو، رضا امیر خوانی و ... حضور داشتند.

رمان گرگ سالی ادامه ای است بر کتاب معروف "اسماعیل" زنده یاد امیر حسین فردی که توسط انتشارات سوره مهر به چاپ رسیده است.

رونمایی از عروسک‌های باستانی در بازار تئاتر کودک و نوجوان

هشت عروسک شبیه‌سازی شده باستانی در نخستین بازار تئاتر کودک و نوجوان معرفی و رونمایی می‌شود.

به گزارش خبرنگار ما، مجید امرایی، دبیر بازار تئاتر کودک و نوجوان، روز گذشته در مرکز آفرینش‌های هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با اشاره به این که مرکز ملی اسیتژ (Assitej) ایران، بانی برگزاری این بازار است، گفت: سمینار، نشست‌ها و کارگاه‌های تخصصی مربوط به این برنامه در تاریخ ۸ تیر و نمایشگاه و برنامه‌های ویژه بازدیدکنندگان در روزهای ۹ تا ۱۲ تیر برگزار می‌شود.وی با اعلام این که محصولات این بازار با ۲۵ تا ۳۰ درصد تخفیف به بازدیدکنندگان عرضه می‌شود، گفت: در این بازار ۶۵ تا ۷۰ عروسک ابتکاری و الهامی توسط عروسک‌سازان معرفی می‌شود.

امرایی با اشاره به این که نمایندگانی از ۱۰ کشور در این بازار حضور دارند، گفت: تمبر ویژه بازار هم رونمایی و با تخفیف ویژه عرضه می‌شود.

سازمان جهانی تئاتر برای کودک و نوجوانان با نام اختصاری اسیتژ (Assitej) از سال ۱۳۴۴ خورشیدی آغاز به کار کرده است و در حال حاضر ۸۶ کشور در آن عضویت دارند. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از سال ۱۳۵۲ نماینده رسمی این سازمان بین‌المللی در ایران است.

تجهیز ۵۰۰ هزار واحد صنفی به سیستم صندوق فروش

با امضای تفاهم نامه همکاری بین سازمان نظام صنفی رایانه ای، شورای اصناف و معاونت توسعه بازرگانی داخلی وزارت صنعت، معدن و تجارت، تا پایان سال ۵۰۰ هزار واحد صنفی به سیستم صندوق فروش مجهز می شوند.

حسن رادمرد معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت در حاشیه این مراسم با اعلام این خبر اضافه کرد: بر اساس قانون برنامه پنجم توسعه و ماده ۷۱ قانون نظام صنفی، وزارت صنعت، معدن و تجارت ملزم شده است در یک دوره زمانی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت واحدهای صنفی را که دارای شرایط و ضوابط هستند، به سامانه فروش تجهیز کند.وی افزود: از چند سال گذشته با پیگیری شورای اصناف کشورو اتحادیه های صنفی تاکنون از یک میلیون و ۱۵۰ هزار واحد صنفی موجود در کشور، حدود ۳۵۰ هزار واحد صنفی را مجهز به سامانه فروش کرده ایم.

نامبرده اظهار امیدواری کرد با امضای این تفاهم نامه و انجام اقدامات سخت افزاری و نرم افزاری طرح با همکاری شورای اصناف بتوانیم برای پایان سال ۹۲ حدود ۱۵۰ هزار واحد را به صندوقهای فروش مجهز کنیم.

همچنین رئیس شورای اصناف کشور گفت: اجرای این طرح به دلیل نبود امکانات داخلی به تعویق افتاد و از طرفی وجود مشکلات مربوط به تامین صندوقها باعث شد که مجوزی را از کمیسیون هیات عالی نظارت بگیریم که بر این اساس واحدهای صنفی بتوانند با نصب نرم افزاری از رایانه استفاده کنند.

قاسم نوده فراهانی همچنین افزود: طبق قانون برنامه پنجم توسعه باید تا آخر خرداد، بالغ بر ۱۰ گروه از صنوف را به صندوق فروش مجهز کنیم. در غیر اینصورت از بخشودگی مالیاتی پایان سال محروم می شوند که البته با اطلاع رسانی مناسب تقریبا همه این واحدها مجهز شده اند.

وی ادامه داد: از طرفی با امضای تفاهم نامه با سازمان نظام مهندسی تا آخر سال هم تا حدود ۱۵۰ هزار واحد صنفی دیگر را مجهز به صندوق فروش می کنیم و به دلایل مشکلات موجود باید بر مبنای اولویت بندی عمل کنیم.رییس سازمان نظام رایانه ای هم در این مراسم گفت: براساس این تفاهم نامه، ما به نمایندگی از بخش خصوصی آمادگی خود را برای تجهیز تمام واحدهای خرده فروشی بر اساس برنامه ای که در این تفاهم نامه پیش بینی شده، اعلام می کنیم.

کاظم آیت الهی اضافه کرد: با انجام این کارنه تنها واحدهای صنفی به صندوقهای فروشگاهی مجهز می شوند، بلکه زیرساخت لازم برای تجمیع داده های خرده فروشی تامین نیاز ذینفعان شامل شورای اصناف، واحدهای صنفی و وزارت صنعت، معدن و تجارت برای ایجاد فضای کسب و کار پر رونق میسر می شود.

به گفته وی با راه اندازی صندوقهای فروش رایانه ای امکانات لازم برای کنترل موجودی وحسابداری در اختیار واحدهای فروشگاهی قرار گرفته و امکان تجمیع داده ها هم میسر می شود.

گفتنی است از یک میلیون و ۱۵۰ هزار واحد صنفی فعال در کشور تاکنون ۳۵۰ هزار واحد به سیستم صندوق فروش (pos) مجهز شده اند و تا پایان سال هم این رقم به ۵۰۰ هزار واحد صنفی افزایش می یابد.

ثبت‌نام وام ازدواج آغاز شد

ثبت نام برای وام ازدواج جوانان از دیروز شروع شد و برای افرادی که در نیمه شعبان عقد می کنند، تسهیلات ویژه ای در نظر گرفته شده است.

به گزارش فارس، مهدی حسین نژاد مدیرعامل صندوق مهر امام رضا با بیان این مطلب اظهار داشت: یک هزار میلیارد ریال برای نیم سال اول به تسهیلات ازدواج جوانان اختصاص یافته که ۳۵ هزار نفر را شامل می‌شود.

وی با بیان اینکه سقف پرداخت وام ازدواج ۳ میلیون تومان است، بیان داشت: صندوق به مناسبت نیمه شعبان برای زوجینی که در همان روز عقد کنند، ۵ میلیون تومان وام درنظر می گیرد.

نامبرده در خصوص شرایط ضمانت وام ازدواج عنوان کرد: یک ضامن معتبر درنظر گرفته شده و همچنین برای افرادی که در روستاها حضور دارند، در صورتی که از سوی شورای روستا مورد تأیید باشند، صندوق تسهیلات پرداخت می کند و کارمندان رسمی، قراردادی، دولتی و کارکنان شرکت‌های خصوصی و کسبه می توانند ضمانت زوجین را برعهده بگیرند.

وی با بیان اینکه در نیم سال دوم هم شرایط همین‌گونه خواهد بود، ابراز امیدواری کرد: منابع این بخش افزایش یافته تا بتوان جوانان بیشتری را پوشش داد.

حسین نژاد افزود: اعتبارات این بخش از منابع صندوق بوده و تاکنون از سوی بانک مرکزی اعتباری اختصاص نیافته و در این رابطه در حال رایزنی هستیم.

به گفته وی، کارمزد این تسهیلات ٤ درصد بوده و اقساط آن ٣٦ ماهه در نظر گرفته شده است.

مدیرعامل صندوق مهر امام رضایادآور شد: رقمی برای ازدواج جوانان از محل مابه‌التفاوت سود یارانه دولت درنظر گرفته شده که پس از جمع‌بندی و نهایی شدن برای جوانان درنظر گرفته شود.

بزرگترین محموله لوازم خانگی بزودی وارد می شود

برخی از واردکنندگان با استفاده از رانت‌های خاص نسبت به واردات قطعات لوازم خانگی در حجم وسیع به صورت ckd اقدام کردند و این امر به عنوان شکل نوینی از قاچاق در حال گسترش است.

محمدرضا دیانی رییس انجمن تولیدکنندگان لوازم خانگی ایران در گفتگو با ایسنا ضمن اعلام این مطلب اظهار کرد:حدود ۱۲۰۰ کانتینر قطعات لوازم خانگی به صورت س.کی.دی در حال ورود به کشور است.این قطعات به سه بخش تقسیم شده و در مناطق ویژه اقتصادی چون سیرجان وسلفچگان مونتاژ می‌شود.

وی با بیان اینکه واردکنندگان با واردات قطعات لوازم خانگی از تعرفه پایین واردات استفاده می کنند، اظهار داشت:اگر واردات به صورت cbu باشد، واردکنندگان مجبورند تعرفه بالای گمرکی رابپردازند، لذا با واردات به صورت سی.کی.دی ضمن استفاده از ارز مبادله‌ای می‌توانند از تعرفه پایین گمرکی هم بهره‌مند شوند و متاسفانه در زمره تولیدکنندگان هم قرار گیرند.

وی با بیان اینکه از سال گذشته ثبت سفارش لوازم خانگی ممنوع شد و در لیست دهم قرار گرفت، افزود:از آنجا که برخی واردکنندگان خاص نتوانستند لوازم خانگی را وارد کشور کنند، اقدام به واردات قطعات در حجم‌های بالا کردند.این امر ضمن دور زدن قانون باعث برهم خوردن روند تولید ملی می‌شود.

دیانی اذعان کرد:حدود ۲۰ روز است که مرکز مبادلات ارزی به تولیدکنندگان ارز پرداخت نمی کند لذا تولیدکنندگان با چالش مواجه شدند.از این رو واردکنندگان در حالی که کشور کمبود ارز دارد از ارز مرکز مبادلات ارزی استفاده و قطعات لوازم خانگی را وارد می کنند.در همین حال محمد حسین برخوردارریس مجمع عالی واردات گفت: برخی از واردکنندگان لوازم خانگی با واردات قطعات به صورت SKD، از تعرفه واردات CKD بهره‌مندمی‌شوندواین موضوع به تولید کشور صدمه قابل توجهی می‌زند.

وی با بیان این که واردکنندگانی که به سمت مونتاژکاری رفته‌اند، از فضای پیش‌آمده در کشور سوءاستفاده کردند، اظهار کرد: زمانی که واردات به صورت SKDانجام می‌شود، تا یک مدت واردات قطعات در حجم‌های چهار قطعه‌ای مشکلی نیست، اما بعد از چهار سال دیگر این چنین وارداتی قابل قبول نیست و در حقیقت ادامه این روند صدمه زدن به تولید و بی‌توجهی به قانون است.رییس مجمع عالی واردات با تاکید بر این که بستن چهار پیچ به منزله تولید نیست و دولت بایستی با چنین واردکنندگانی برخورد کند، افزود: واردکنندگان برای آن‌که تعرفه گمرکی برای کالای نهایی (CBU) را پرداخت نکنند و همچنین بتوانند از ممنوعیت ثبت سفارش عبور کنند، قطعات را به صورت SKDوارد و تعرفه‌وارداتCKDراپرداخت‌می کنند.

نامه ۸ بندی کارگران به رئیس جمهوری منتخب

نمایندگان کارگران در نامه ای هشت بندی به دکتر حسن روحانی رئیس جمهوری منتخب مردم ایران ، خواسته های جامعه کارگری کشور را مطرح کردند.

بنا بر این گزارش ،حل اختلاف ۱۵ درصدی دستمزد، حذف شرکتهای تامین نیروی انسانی، برقراری امنیت شغلی و همسان سازی پرداخت مالیات کارگران و کارمندان از مهم ترین بندهای درخواست کارگران از رئیس دولت تدبیر و امید است.

به گزارش مهر، نمایندگان کارگران عضو شوراهای اسلامی کار استان تهران در نامه ای به رئیس جمهوری منتخب مردم ایران، مطالبات جامعه کارگری را در هشت بخش مطرح کردند.در بخشی از نامه کارگران به رئیس جمهوری منتخب آمده است:کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران بر خود وظیفه می داند به عنوان یک تشکل قانونی موضوع اصل ۱۰٤ قانون اساسی پیگیر مطالبات به حق قشر عظیم کارگران که در خلق حماسه سیاسی نقش اصلی و محوری داشتند، باشد.

به همین منظور اهم مطالبات را به شرح ذیل اعلام داشته و امیدواریم در تحقق آنها اقدام جدی به عمل آورید .

۱- تفاوت ۱۵ درصدی تورم و دستمزد کارگران در سال ۹۲ که وعده داده بودید را عملی کنید.

توضیح: حداقل دستمزد سال ۹۲ کارگران کشور کمتر از نرخ تورم و سبد معیشت موضوع ماده ٤۱ قانون کار به تصویب رسید و شورای اسلامی کار استان تهران به عنوان اعتراض اقدام به شکایت در دیوان عدالت اداری کرد.

۲-پیاده کردن ظرفیت های قانون کار که معطل مانده و در صورت نیاز به ایجاد تغییرات و اصلاح در قانون کار باید سمت و سوی آن در جهت حمایت از نیروی کار باشد.

۳-استقلال تشکل های کارگری و نبود دخالت دولت و کارفرمایان در تشکیل و ادامه فعالیت تشکل های کارگری

٤-محو پدیده شوم شرکت های پیمانکاری

۵-برقراری امنیت شغلی و اقتصادی برای کارگران قرارداد دائم و موقت

٦- استقلال سازمان تامین اجتماعی و اداره آن توسط شرکای اجتماعی کارگران و کارفرمایان و نقش نظارتی دولت

۷-همسان سازی پرداخت مالیات حقوق کارگران با کارکنان دولت. چرا که کارکنان دولت پس از اعمال معافیت، به صورت ثابت ۱۰ درصد مالیات پرداخت می کنند و پرداخت مالیات توسط کارگران پس از اعمال معافیت به صورت پلکانی از ۱۰ تا ۳۰ درصد است.

۸- پرداخت عیدی کارگران دستگاه های دولتی به مانند کارگران شاغل در کارگاه های مشمول قانون کار

توضیح: عیدی کارگران مشمول قانون کار بر اساس ماده واحده سال ۱۳۷۰ به میزان دو ماه حقوق است. در حالی که کارگران دستگاه های دولتی با استناد به ماده واحده سال ۱۳۷٤ با وجود اینکه مشمول قانون کار هستند، به مانند کارکنان دولت عیدی دریافت می کنند که رقم آن به مراتب کمتر از عیدی کارگران کارگاه های مشمول قانون کار است ضمن آنکه کارگران دستگاه های دولتی از سایر مزایای دستگاه های اجرایی محروم هستند.

بدهی ۲۵۰ میلیارد تومانی ایرلاین‌ها به شرکت فرودگاه‌ها

شرکت فرودگاه‌ها هم‌اکنون ۲۵۰ میلیارد تومان از ایرلاین‌های داخلی طلب دارد و سه شرکت ماهان، ایران‌ایر و آسمان بدهکارترین شرکت ها هستند.

محمود رسولی‌نژاد مدیرعامل شرکت فرودگاه‌ها در گفتگو با فارس درباره وصول مطالبات شرکت فرودگاه‌های کشور از ایرلاین‌ها، تصریح کرد: شرکت فرودگاه‌های کشور ارگانی درآمد-هزینه‌ای است و منابع مالی آن از محل ارائه خدمات فرودگاهی به ایرلاین‌ها داخلی، ایرلاین‌های خارجی و اجاره اماکن به شرکت‌های هواپیمایی تأمین می‌شود.

وی درباره بدهی ایرلاین‌ها به شرکت فرودگاه‌های کشور و نحوه پرداخت بدهی‌ها، اضافه کرد: به دنبال راهکاری هستیم تا با رایزنی وزیر راه و شهرسازی به بهترین وجه روشی را برای وصول مطالبات از ایرلاین‌ها پیدا کنیم.

مدیرعامل شرکت فرودگاه‌های کشور تصریح کرد: سال ۹۰ میزان بدهی ایرلاین‌هابه‌شرکت‌فرودگاه‌های کشور حدود ۱٤۵ میلیارد تومان بود که این رقم انباشته شد و در سال ۹۱ به ۱۷۰ میلیارد تومان و سپس ۲۰۰ میلیارد تومان افزایش یافت.

رسولی‌نژاد تصریح کرد: در حال حاضر ایرلاین‌ها حدود ۲۵۰ میلیارد تومان بدهی به شرکت فرودگاه‌های کشور دارند که یک سوم این رقم از آنها چک و اوراق بهادار دریافت شده است و بقیه ارقام به صورت روزانه، هفتگی و ماهیانه محاسبه می‌شود.

مدیرعامل شرکت فرودگاه‌های کشور تصریح کرد: قبلاً مقرر شده بود بدهی شرکت‌های هواپیمایی تا قبل از سال ۹۱ به صورت تقسیط پرداخت شود و ایرلاین‌ها بدهی خود را در سال ۹۱ به صورت نقدی پرداخت کنند. اما این اتفاق رخ نداد.

اجرای فاز دوم طرح جامع گمرک نوین از شنبه

رئیس کل گمرک ایران از آغاز اجرای فاز دوم طرح جامع گمرک نوین از روزشنبه آینده خبرداد و گفت: مراحل تکمیلی سامانه‌هوشمندورودو خروج کالا و سامانه هوشمند ترانزیت تا سه ماه دیگر به اتمام می‌رسد.

عباس معمارنژاد در گفتگو با مهر با اشاره به آغاز اجرای فاز دوم طرح جامع گمرک نوین گفت: این طرح در چهار فاز اجرایی خواهد شد که طراحی مفهومی و بررسی وضع موجود و چشم انداز آن از جملۀ آنها است. نقشه راه گمرک نوین در اردیبهشت گذشته تدوین شده است.

وی با اعلام اینکه طرح جامع گمرک نوین در ۳۵ طرح ترسیم شده است، تصریح کرد: این طرح در بخش های مختلفی همچون امور گمرکی، حقوقی، فناوری، برنامه ریزی و مالی و اداری اجرا خواهد شد.

معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی افزود: بر این اساس از مدیران تمام گمرکات کشور خواسته شد که در مورد نحوه پیاده‌سازی و اثربخشی طرح مذکور پیشنهادات و راهکارهای مورد نظر خود را ارائه و در این کار مشارکت کنند.وی همچنین از پیاده‌سازی سامانه‌هوشمندورودوخروج کالا در ۱۱ گمرک و سامانه هوشمند ترانزیت در ۲٤ گمرک کشورخبرداد و خاطرنشان کرد: مراحل تکمیلی این سامانه ها تا سه ماه دیگر نهایی خواهد شد، این در حالی است که ۸۸ درصد از حجم تجارت کشور از طریق ۱۱ گمرک برخوردار از سامانه هوشمند ورود و خروج کالا انجام می شود.

تامین ۶۵ هزار میلیارد تومان اعتبار برای ایجاد اشتغال در کشور

معاون توسعه اشتغال و کارآفرینی وزارت تعاون، کار و رفاه از ابلاغ ٤۳ هزار میلیارد تومان اعتبار اشتغال سال جاری به استان‌ها خبر داد.

علی اکبر لبافی در گفتگو با فارس با اشاره به برنامه ریزی برای هدف گذاری اشتغال و تعهدات استان‌ها در سال جاری اظهار داشت: امسال در مجموع ٦۵ هزار میلیارد تومان اعتبار برای ایجاد اشتغال در کشور در نظر گرفته شده است.

وی با بیان اینکه مباحث و مشکلات اشتغال و برنامه‌ها در کارگروه‌های تخصصی شورای عالی اشتغال بررسی می‌شود، بیان داشت: سهم اعتبارات اشتغال استان‌ها برای اجرا به استانداری‌های سراسر کشور ابلاغ شد.

نامبرده با اشاره به اینکه ٤۳ هزار میلیارد تومان از مجموع اعتبارات اشتغال ابلاغ شد، تصریح کرد: همچنین ۷ هزار میلیارد تومان مربوط به بانک‌های تخصصی، ۱۰ هزار میلیارد تومان از منابع صندوق توسعه ملی و ۵ هزار میلیارد تومان از منابع قرض الحسنه بانک‌ها در روزهای آینده به استان‌ها ابلاغ خواهد شد.

وی عنوان کرد: براساس برنامه‌ریزی‌ها، مصوب شده تا یک درصد نرخ بیکاری کاهش و یک درصد نرخ مشارکت اقتصادی افزایش یابد.

دوره ایجاد اشتغال از طریق بنگاه‌های زود بازده سپری شده است

امروز دیگر دوره ایجاد مشاغل از طریق بنگاه‌های زودبازده سپری شده و باید به واسطه شرکت‌های دانش‌بنیان به فکر ایجاد اشتغال باشیم.

به گزارش خبرنگار ما، دکتر شیرین سلطانخواه معاون علمی و فناوری رئیس جمهوری در مراسم توافقنامه همکاری ارتقای توانمندی‌های فناورانه و تجاری سازی فناوری بومی و حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان با دانشگاه تهران، ضمن اعلام این مطلب گفت: زمانی اقتصاد مقاوم و مقتدر خواهد شد که پایه‌های آن براساس اقتصاد دانش‌بنیان و بر دانش و فناوری بنا شود.

وی گفت: امروزه دیگر دوره ایجاد اشتغال از طریق بنگاه‌های زودبازده سپری شده است و اکنون برای فارغ‌التحصیلان انگیزه جذب در بازار کار اتفاق نمی‌افتد، مگر براساس مشاغلی که شرکت‌های دانش‌بنیان قادر به ایجاد آن هستند.

نامبرده افزود: تا قبل از سال ۸٤ یک ستاد فناوری راهبردی و یک صنعت بنیادی در حوزه فناوری نانو داشتیم، اما در پنج سال گذشته ۱۰ ستاد فناوری دیگر تشکیل و ٤۰ شرکت دانش‌بنیان مورد حمایت ستاد قرار گرفته است.

افزون بر آن یکی از راههای توسعه فناوری و ایجاد شرکت‌های دانش‌بنیان که معاونت علمی و فناوری آن را پیگیری کرده است، طراحی و راهبری اجرای طرح‌های کلان فناوری و نوآوری با هماهنگی سایر دستگاه‌های اجرایی و استفاده از یک بخش عظیمی از جامعه علم و فناوری به عنوان مجریان در کشور بوده است که ۲۷ طرح کلان فناوری و نوآوری با اعتبار بالغ بر ۲۱۰ میلیارد تومان طی چند سال گذشته اجرایی شده است.

وی در بخش دیگری به ظرفیت‌های صادراتی شرکت‌های دانش‌بنیان اشاره کرد وگفت: در سال ۸٤ صادرات این بخش ۱٦۱ میلیون دلار بود که با ۸/٦ برابر رشد امروز به ۹۰۰ میلیون دلار افزایش یافته است.

دکتر نامی وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات هم در ادامه گفت: در حوزه تولید اکثر کشورهای پیشرفته تولید تجهیزات اصلی‌شان را به دیگر کشورها واگذار نمی کنند و ما هم علاقمندیم ساخت آن دسته از تجهیزات که از نظر امنیتی و دفاعی حائز اهمیت هستند را به داخل واگذار کنیم.

وی در همین خصوص به راه‌اندازی مرکز تولید نرم‌افزارهای متن باز در هفته گذشته اشاره کرد که تولید آنها از این پس در داخل انجام خواهد شد.

به گفته وزیر ارتباطات، فضای مجازی به سرعت در حال نزدیک شدن به دنیای واقعی است از این رو در این زمینه به کارهای جدید نیاز داریم و از جمله سایت بصیر در دست راه‌اندازی است که این سایت ما را در ارائه توانمندی‌های جمهوری اسلامی ایران به کل جهان یاری خواهد کرد.

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات همچنین در مراسم بهره‌برداری از ۱۰ هزار دفتر ICT روستایی به عنوان دفاتر اطلاع‌رسانی گردشگری گفت: با افتتاح این دفاتر تعداد دفاتر خدمات ارتباطات و فناوری اطلاعات روستایی ICT در کشور به ۱٦ هزار و ۲۰۰ دفتر رسید.

نفت، طلا، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۹۸/۲ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۱۰۶/۰۱ دلار
هر بشکه نفت اوپک	۱۰۲/۷۵ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۳۷۴/۴ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳گرم)	۱۲۰۰۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳گرم)	۱۲۳۷۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶گرم)	۶۵۷۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۴۰۷۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۲۸۲۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۱۱۷۲۰۰ تومان
هر گرم نقره خام (عیار ۹۹۹)	۲۶۵۰ تومان
دلار آمریکا(نرخ مبادله ای)	۲۴۷۹/۵ تومان
دلار آمریکا(نرخ غیر رسمی)	۳۴۶۰ تومان
یورو(نرخ مبادله ای)	۳۳۱۲ تومان
یورو(نرخ غیر رسمی)	۴۶۰۰ تومان
پوند انگلستان(نرخ مبادله ای)	۳۸۹۴/۵ تومان
پوند انگلستان(نرخ غیر رسمی)	۵۴۰۰ تومان
درهم امارات (نرخ مبادله ای)	۶۷۵ تومان
درهم امارات (نرخ غیر رسمی)	۹۵۰ تومان

اخبار کوتاه اقتصادی

علت قطع برق محل کنفرانس رئیس جمهوری منتخب

علت قطع برق مرکز تحقیقات استراتژیک، محل برگزاری نخستین کنفرانس مطبوعاتی دکترحسن روحانی رئیس جمهوری منتخب، ناشی از اشکال فنی سامانه داخلی مجموعه مذکور اعلام شده است. براساس اعلام روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ،قطع برق درمحل برگزاری نخستین کنفرانس مطبوعاتی دکترحسن روحانی که دیروز در مرکز تحقیقات استراتژیک برگزار شد، ناشی از اشکال فنی سامانه داخلی مجموعه مذکور بوده و به شبکه برق رسانی شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ مرتبط نیست.

تبلیغات صندوق های قرض‌الحسنه غیرقانونی است

بانک مرکزی انجام تبلیغات توسط صندوق های قرض الحسنه را غیرقانونی دانست.

به گزارش مهر،بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد انجام تبلیغات توسط صندوق های قرض الحسنه ممنوع است. این بانک در زمینه ممنوعیت انجام تبلیغات توسط صندوق های قرض الحسنه به تمام این صندوق ها و هموطنان هشدار داد.روابط عمومی بانک مرکزی اعلام کرد: قرعه کشی، اعطای جایزه و تبلیغات توسط صندوق‌های قرض الحسنه (به استثنای صندوق های قرض الحسنه وابسته به بانک ها) ممنوع است.

افزایش۲/۵میلیاردمترمکعبی ذخایر آبی

حجم ذخایر آبی کشور در پشت سدها با ۲,۵ میلیاردمترمکعب افزایش در حالی به ۲۷ میلیاردمترمکعب رسید که هنوزنزدیک به ٤٤ درصد ظرفیت سدها خالی است. اما در عین حال میزان آب خروجی از سدها هم۱۳ درصد در مقایسه با مدت مشابه پارسال کاهش یافته است. به گزارش مهر، در حال حاضر ٥٦,٤ درصد از حجم مخازن سدهای کشور از آب پُر بوده و مجموع ظرفیت مخازن سدهای کشور در زمان فعلی ٤۷ میلیارد مترمکعب گزارش شده است.حجم آب موجود در مخازن سدهای کشور از ابتدای سال آبی جاری (مهر ۹۱) تاکنون در مقایسه با مدت مشابه سال آبی گذشته ۱۰ درصد افزایش یافته است. این میزان هم اکنون ۲۷ میلیارد مترمکعب به ثبت رسیده است.

غیرقانونی بودن خرید و فروش سهام یک موسسه

بانک مرکزی حراج و خرید و فروش سهام شرکت تعاونی اعتبار پیشگامان همیار یزد را غیرقانونی اعلام کرد.

بانک مرکزی اعلام کرد:به اطلاع هموطنان عزیز می رساند آگهی های درج شده در روزنامه‌ها و رسانه‌های جمعی پیرامون حراج و خرید و فروش سهام شرکت تعاونی اعتبار پیشگامان همیار یزد غیرقانونی و فاقد اعتبار است.

بانک مرکزی ضمن هشدار به هموطنان، توصیه می کند از خرید سهام تعاونی یادشده خودداری کرده و در صورت سرمایه‌گذاری افراد در سهام شرکت تعاونی فوق، این بانک مسئولیتی در قبال سپرده‌های آنان ندارد.

با حضور متخصصان و اساتید دانشگاهی دوره‌های توانمندسازی مدیران در بانک انصار برگزار می‌شود

دوره‌های توانمندسازی مدیران در بانک انصار با حضور متخصصان و اساتید برجسته دانشگاهی و در فواصل معین در این بانک برگزار می‌شود.

به گزارش روابط عمومی بانک انصار، با توجه به تأکید آیت‌اله ابراهیمی مدیرعامل این بانک در خصوص برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه مدیران ارشد حوزه مرکزی، معاونت منابع انسانی و آموزش بانک انصار، نسبت به برگزاری بیست ساعت نشست تخصصی در سرفصل‌های مختلف اقدام کرد.

بنا به این گزارش، در این نشست تخصصی که با حضور دکتر حسین عبده تبریزی عضو هیأت علمی دانشگاه صنعتی شریف، دکتر مسعود نیلی مدیر گروه اقتصاد و مدیریت دانشکده اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف و دکتر فرهاد نیلی رئیس پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی ایران و بیش از یک صد نفر از مدیران ارشد بانک انصار برگزار شد، موضوعات مختلفی با عناوین: ریسک‌های بانکی، بانک در نظام مالی ایران، موقعیت کنونی کشور و توسعه بانکداری شرکتی، تحلیل اقتصاد روز ایران و ... به بحث و بررسی گذاشته شد.

گفتنی است، دوره‌های توانمندسازی مدیران در بانک انصار با هدف ارتقای سطح دانش و نگرش مدیران ارشد و مهارت و آشنایی ایشان با فرآیندها و تکنیک‌های نوین عرصه اقتصاد و صنعت بانکی و مالی تا پایان سال جاری ادامه خواهد داشت.

دیدار مقامات ارشد بانک انصار با جانبازان

بنا به گزارشی دیگر، همزمان با خجسته سالروز میلاد حضرت ابوالفضل العباس(ع) و روز جانباز، قائم‌مقام بانک انصار به همراه دبیر کمیته فقهی، مدیرکل بازاریابی و تبلیغات و رئیس اداره بانکداری ویژه بانک، با حضور در منازل تعدادی از جانبازان، از رشادت، صبر و استقامت ایثارگران هشت سال دفاع مقدس تجلیل و به رسم یادبود هدایایی به آنان اهدا کردند.

در ثنای فداکاری‌ها و از جان گذشتگی‌های آتش‌نشانان

احساس سوختن به تماشانمی‌شود...

بخش نخست

...

و سرانجام آن دختربچه معصوم نجات یافت...

امید عباسی، یک آتش‌نشان بود. در ساعت ۱۴ و ۱۵ دقیقه ظهر سه‌شنبه ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۹۲ زنگ در ایستگاه ۶۸ آتش‌نشانی به صدا درآمد که خبر از آتش‌سوزی در خانه‌ای در شهرک باقری می‌داد. امید به همراه ۳ تن از همکارانش در محل حادثه حاضر شدند. آتش و دود زیادی به چشم می‌خورد.

فرمانده ایستگاه به همراه ۲ نفر دیگر از آتش‌نشانان خود را مجهز به ماسک‌های تنفسی کردند و با سرعت از پله‌ها بالا رفتند و به محل آتش‌سوزی رسیدند.

در طبقه هشتم، مادر نگرانی از زندانی شدن ریحانه کوچولو دختر ۸ساله‌اش در خانه پر از آتش خبر داد و این امید عباسی بود که با شنیدن این ماجرای هولناک، لحظه‌ای را از دست نداد و دل به آتش زد و میان دود و شعله به جست‌وجوی دختربچه پرداخت. هنوز دقایقی نگذشته بود که آتش‌نشان فداکار در حالی که ماسک روی صورتش را بر دهان دختر کوچولو گذاشته بود، از میان آتش و دود بیرون آمد و ریحانه را به آغوش همکارانش سپرد و خودش بیهوش روی زمین افتاد.

امید به بیمارستان منتقل شد، اما دیگر راهی برای بازگشت نداشت. مرگ مغزی بر اثر استشمام گازهای سمی علت شهادت این مرد فداکار اعلام شد. جوان ۳۵ ساله‌ای که بعد از اهدای اعضای بدنش، دیگر هرگز نفس نکشید!

زندگی زیر آژیر خطر!

آتش‌نشان ایثارگر، آتش‌نشان قهرمان، آتش‌نشانی که وقتی همه به تماشای آتش نشستند، به دل شعله‌ها زد، آتش‌نشانی که شهید شد، داستان‌های تکرار شونده‌ای که هنوز هم با آن که بسیار شنیده‌ایم، برایمان در حد همین کلمات باقی مانده‌اند و چیز زیادی از مخاطرات و از جان گذشتگی‌های آن‌ها را درک نکرده‌ایم. حق هم داریم. ما آتش‌نشانی را زندگی نکرده‌ایم.

ما نمی‌توانیم درک کنیم زندگی زیر سایه یک آژیر خطر که هر لحظه ممکن است به صدا درآید و تو را به حادثه‌ای جدید فراخواند، چیست! ما نمی‌توانیم درک کنیم، هر روز بیدار شدن با علم به این که شاید هرگز فردا را نبینیم، چگونه است! ما نمی‌دانیم دیدن انسان‌هایی که جلوی چشمان‌مان جانشان را از دست می‌دهند، چطور قابل تحمل است! ما نمی‌فهمیم که تصمیم گرفتن در لحظاتی که پای مرگ و زندگی انسان‌ها در میان است، چقدر می‌تواند طاقت‌فرسا باشد! ما فقط می‌توانیم از شجاعت‌هایشان بگوییم و از مشکلاتشان حرف بزنیم و فقط می‌توانیم به احترامشان کلاه از سر برداریم و فقط می‌توانیم وقتی جان عزیزمان را نجات می‌دهند، به بودنشان افتخار کنیم.

ایستگاه شماره ۸

راستش هماهنگی با سازمان آتش‌نشانی شهرداری تهران برای مصاحبه با آتش‌نشانان چندان هم بدون سختی نبود و خواستند که اول خبرنگار را همراه سؤالات ببینند، بعد اجازه مصاحبه را بدهند و اگر اینطور نمی‌شد، شاید مصاحبه بهتری به دست می‌آمد.

در هر حال ایستگاه شماره ۸ آتش‌نشانی برای گرفتن گزارش به من معرفی شد، ایستگاه شماره ۸ همان جایی است که آتش‌نشانان جوان حرف‌هایشان را با من می‌زنند و چقدر همه خوش برخورد هستند و فضای خوبی بر کل ایستگاه حکم فرماست.

عبدالله علیزاده، ۲۹ ساله است. مدیریت بازرگانی خوانده و ۵ سال است که در حرفه آتش‌نشانی مشغول به کار است. می‌گوید این شغل را در ابتدا به خاطر هیجانش انتخاب کرده است. اما حالا مهم‌ترین انگیزه‌اش، خدمتگزاری به مردم است.

می‌گوید شاید یکی دو سال اول این مسأله چندان برایم پررنگ نبود، اما هرچه بیشتر گذشت، بیشتر برایم معنا پیدا کرد و تبدیل به انگیزه اصلی‌ام شد.

می‌گوید: در آتش‌نشانی هیچ حادثه‌ای شبیه حادثه دیگر نیست. ممکن است نوع حوادث مثل هم باشد. مثلاً حادثه آوار باشد، اما شکل آن‌ها هیچ شباهتی با هم ندارند. عجیب‌ترین اتفاقی که برای من افتاده، فکر می‌کنم که همان حادثه آب گرفتگی ایستگاه متروی دکتر معین بود که همه نیروهای آتش‌نشانی بسیج شدند تا بتوانند آب و گل و لای را از آن‌جا خارج کنند. حادثه خیلی بدی بود و من آن زمان در این ایستگاه نبودم و از شهرک غرب می‌آمدیم اینجا، تا به سریع‌تر انجام شدن این کار کمک کنیم. اتفاقاتی هم بوده‌اند که هرگز از ذهنم بیرون نمی‌روند.

وقتی می‌خواهد شروع به تعریف کند، کمی چشم‌هایش سرخ می‌شود، صدایش دچار لرزش خفیفی شده است، اما می‌گوید: دو حادثه تصادف بود که خیلی من را ناراحت کرد و از یادم هیچ وقت نمی‌رود.

حادثه‌ای بود که قربانی آن، اعضا و جوارح و صورتش به طول کامل متلاشی شده بود و اعضای داخلی بدنش را مجبور بودیم جدا جدا جمع کنیم! پاها و دست‌هایش حالت عادی نداشت و به طور کامل برگشته بود!

این حادثه دلخراش در بزرگراه شمال به جنوب چمران رخ داد.

حادثه دیگری هم بود در مرزداران که خانمی را کشته بودند و در چاه انداخته بودند و چون در آب افتاده بود، چهره‌اش کاملاً متلاشی بود و واقعاً وحشتناک بود. چند روز طول کشید تا جنازه‌اش را از چاه بیرون آوریم.

احساس غرور

از او می‌خواهم بگوید با وجود همه این سختی‌هایی که متحمل می‌شود، آیا به خودش افتخار می‌کند؟ جواب می‌دهد: صددرصد!

و بعد خاطره‌ای به ذهنش می‌آید: در هفته سلامت با پسر ۴ ساله‌ام، رهام که مهد کودک می‌رود، به برنامه‌ای رفتیم. پدر و مادران زیادی هم آنجا جمع شده بودند. یک دفعه مجری برنامه گفت دنبال یک پدر می‌گردم. اسم پدر که آمد، حس کردم در چشمان پسرم غرور موج می‌زند. ناگهان از من دعوت شد که بالا بروم. پرسید شغل شما چیست؟ گفتم آتش‌نشانم. به محض این که این را گفتم، همه مرا تشویق کردند.

پسرم خیلی ناخودآگاه به سمتم آمد و من را بغل کرد. با این سن و سال کم حتماً چیزی درونش باعث این حس غرور شده بود. خیلی اوقات به من می‌گفت که نرو سرکار. ولی از آن روز به بعد دوست دارد که من بیایم آتش‌نشانی، به تمامی دوستانش هم این را با افتخار می‌گوید، این برای من خیلی با ارزش است. وقتی ازدواج می‌کنی و بچه‌دار می‌شوی دیگر خودت مهم نیستی. این خانواده است که اهمیت دارد.

در مورد اینکه بالاخره بعد از ۹۰ سال، با سخت و زیان‌آور بودن این شغل در آتش‌نشانی تهران موافقت شده است، می‌گوید: مدیران، چندان در مورد این قضیه پیگیر نبودند. چندبار به صورت جدی موضوع را پیگیری کردند، اما کار به جایی نرسید. اما در نهایت امسال این اتفاق افتاد و با توجه به اینکه تهران تبدیل به یک کلان شهر شده است، نقش‌های آتش‌نشانی هم بیشتر به چشم می‌آید.

علیزاده یکی از مهم‌ترین فاکتورهای سخت و زیان‌آور بودن این شغل را این می‌داند که ۲۴ ساعت شبانه روز را زیر صدای آژیر هستند.

می‌گوید هر زمان ممکن است این زنگ به صدا دربیاید، ساعت ۳ صبح یا ۱۱ شب، از لحاظ روان‌شناسی در حالت عادی ضربان قلب انسان به صورت طبیعی کار می‌کند و فکرش را بکنید که به یک‌باره با صدا درآمدن صدای زنگ، آدرنالین خونتان بالا برود و استرس به شما وارد شود. کافی است که در آن لحظه نا آماده باشید تا حتماً دچار مشکل شوید.

> *عبدالله علیزاده ـ آتش‌نشان: دادن نشان ایثارگری به آتش‌نشانان فداکار و دادن حکم مشاغل سخت و زیان‌آور به آنان، لطف نیست. حق آن‌هاست!
>
> *همه از حادثه فرار می‌کنند و این آتش‌نشان است که به دل خطر می‌رود. شاید او خودش هم نداند که قرار است کشته شود. ولی کار خود را انجام می‌دهد و ممکن است جانش را هم از دست دهد
>
> *سعی می‌کنیم حداکثر سرعت را برای رساندن خود به محل حادثه داشته باشیم
>
> *یقین دارم آتش‌نشانان وجهه مثبتی در جامعه دارند

این مهم‌ترین عامل است. بقیه عوامل هم در محل حادثه ایجاد می‌شود، مثل دودگرفتگی و آلودگی و گرد و خاک و دیگر صدماتی که آتش‌نشان با آن برخورد دارد.

او که خودش هم از این صدمات نتوانسته است قسر در برود، می‌گوید: ۲ سال پیش از ارتفاع ۵ متری سقوط کردم. با همکارم بودم، در دره ایران زمین که دچار آتش‌سوزی شده بود و باید می‌رفتیم پایین تا معتادان آنجا را نجات دهیم. من هم رفتم کمک همکارم که یک دفعه زیر پایم خالی شد و نزدیک بود با گردن بیفتم که پشتک زدم و با کمر افتادم. دو تا از مهره‌های کمرم دچار آسیب شد. نزدیک به ۶ ماه در خانه خوابیدم و تا پایان عمرم باید با عوارض این حادثه زندگی کنم.

اگر زیاد سرپا بایستم یا پایم را زیاد بالا بیاورم، کمر درد می‌گیرم. ورزش‌های سنگین نمی‌توانم بکنم. باید مدارا کنم تا به مرور زمان بهبود پیدا کند.

می‌گوید: در ساعت‌های اداری، ما همه آماده‌ایم که تا همین زنگ به صدا درآمد، به محل حادثه برویم، اما زمان‌هایی هم برای ناهار و نماز و استراحتمان است.

بارها شده هنگام نماز خواندن زنگ به صدا درآمده است و یا حتی در حال خواندن سلام نماز بوده‌ایم، نماز را شکسته‌ایم و رفته‌ایم! شب موقع ورزش کردن اگر زنگ به صدا دربیاید، با همان لباس ورزشی می‌رویم. ما سعی می‌کنیم حداکثر سرعت را برای رساندن خود به محل حادثه داشته باشیم.

در مورد دایره کار آتش‌نشانان می‌گوید: آتش‌نشانی شامل هر نوع کمکی در لحظات اولیه می‌شود. ما تمامی لوازم و کمک‌های اولیه را داریم و تا جایی که بشود، به وسیله آن‌ها به مصدوم کمک می‌کنیم تا نیروهای اورژانس برسند.

می‌گوید: در منطقه ما با توجه به این که منطقه‌ای فرسوده است، بیشترین حوادث مربوط به حادثه ریزش چاه یا حریق منزل است. روزهایی که اصلاً عملیاتی نداشته باشیم، خیلی کم است، چون ما حوادث زیادی را پوشش می‌دهیم، حوادثی مثل گیر کردن افراد در آسانسور و یا ریزش چاه. او که ازدواج کرده است و یک فرزند دارد، می‌افزاید: من باید روحیه‌ام را برای خانواده‌ام حفظ کنم. تجربه‌ام زیاد نیست، اما خانواده مجبور است که خودش را با این شرایط وفق دهد، مسلم است که هیچ کسی دوست ندارد همسرش در کاری باشد که پرخطر است. بارها پیش آمده است که لحظه سال تحویل یا روز عاشورا در محل کار شیفت بوده‌ایم. شیفت‌های ما هم به صورت ۲۴ ساعته است و ۴۸ ساعت استراحت داریم.

در دل خطر

می‌گوید که اگر در موقعیت شهید امید عباسی قرار داشت، صدر در صد همان کاری را انجام می‌داد که شهید عباسی کرد.

علیزاده با اطمینانی که در صدایش موج می‌زند، ادامه می‌دهد: آتش‌نشانان یک جمله معروف دارند که می‌گوید: «لحظه‌ای که حادثه‌ای اتفاق می‌افتد، همه از آن می‌گریزند، به جز آتش‌نشانان.» همه از حادثه فرار می‌کنند و این آتش‌نشان است که به دل خطر می‌رود. شاید او خودش هم نداند که قرار است کشته شود، ولی این کار را انجام می‌دهد و ممکن است که جان خود را هم از دست دهد. من هم در حادثه‌ای که شرکت می‌کنم، نمی‌دانم که قرار است چه اتفاقی برایم بیفتد. ولی این کار ماست و باید آن را به بهترین نحو انجام دهیم.

این شغل مناسب هر کسی نیست. دوستانی داشتم که در دوره آموزشی شرکت کردند، اما دیگر پیدایشان نشد، چرا که هر کسی نمی‌تواند این کار و مشقت‌هایش را تحمل کند و با روحیاتش سازگار باشد.

علیزاده بهترین خصوصیت آتش‌نشانان را از جان گذشتگی آنان می‌داند و می‌گوید: این شجاعت باید به صورت فطری در ذات انسان باشد و وقتی در کنار همکارانت قرار می‌گیری، انگیزه هم به وجود می‌آید. هنگامی که به کارهای آن‌ها نگاه می‌کنی، مجاب می‌شوی که باید مثل آن‌ها عمل کنی. نمی‌خواهم اسم ببرم، ولی خیلی از ارگان‌ها دیر به محل حادثه می‌آیند یا کارشان را با سهل انگاری انجام می‌دهند. اما ما نمی‌توانیم این گونه باشیم. یقین دارم که آتش‌نشانان و امثال آن‌ها وجهه مثبتی در جامعه دارند.

صدای زنگ هشدار

آتش‌نشان جوان که با لباس فرم خود در دفتر ایستگاه رو به روی من نشسته است و از کار خود برایم صحبت می‌کند، می‌خواهد جمله بعدی‌اش را بیان کند که یک کلمه از دهانش خارج نشده، صدای زنگ در تمامی ایستگاه می‌پیچد! و هنوز زنگ اول را نزده‌اند که از جایش تقریباً می‌پرد و با سرعت به بیرون می‌دود.

من می‌مانم و استکان چای یخ زده و این احساس که آیا حالا همه بچه‌های ایستگاه می‌روند؟ چه حادثه‌ای ممکن است رخ داده باشد؟ در همین فکرها هستم که برمی‌گردد و می‌گوید چیز خاصی نبود. دوباره صحبت‌هایمان را از سر می‌گیریم. خیلی خوب یادش هست که حرف‌هایمان کجا قطع شد و لازم نیست مثل خیلی از مصاحبه‌های دیگر سؤالم را راحتی تکرار کنم. آتش‌نشانان باید از ضریب هوشی بالایی برخوردار باشند!

دوباره می‌گوید: آتش‌نشانان وجهه مثبتی در جامعه دارند و مردم همیشه به ما لطف دارند. پدر و مادرمان را دعا و از ما تشکر می‌کنند.

همین امروز همراه همکارم برای انجام کاری اداری بیرون رفته بودیم که دود غلیظی را در آسمان دیدیم و خیلی زود خودمان را به آنجا رساندیم. مردم تعجب کرده بودند از این که ما این قدر زود رسیده‌ایم و خیلی از ما تشکر کردند. این خیلی برای ما ارزشمند بود. در جامعه ما تشکر کردن زیاد جا نیفتاده است. فکر می‌کنند هر کس کاری را انجام می‌دهد، وظیفه‌اش است. اما نباید یادمان برود، هر کسی از پس این حرفه برنمی‌آید.

حقوق آتش‌نشانان

«صدای دهل از دور خوش است!» این را هم علیزاده می‌گوید. بعد می‌افزاید: از ما می‌پرسند چقدر حقوق می‌گیرید؟ می‌گوییم مثلاً یک میلیون تومان!

بعد می‌گوید که خب شما ۱۰ روز در ماه کار می‌کنید، یک میلیون تومان می‌گیرید، کاری هم که نمی‌کنید! خوب است دیگر!

فردی که این حرف را می‌زند، ۲۴ ساعت با ما اینجا زندگی نمی‌کند. آیا آن‌ها می‌دانند مهار کردن یک حادثه حریق چقدر طاقت‌فرسا است؟ ماهی یک میلیون تومان در این اوضاع و احوال جامعه اصلاً پول زیادی نیست. آن هم با این سختی کاری که ما داریم.

وقتی از او می‌خواهیم در مورد بزرگترین مشکل حرفه آتش‌نشانی بگوید، پاسخ می‌دهد: این حرفه هیچ مشکلی ندارد! ما نیروی عملیاتی هستیم. عملیات هم یک نمودار تعریف شده دارد و اگر نخواهی می‌توانی اصلاً در عملیات نباشی. پس وقتی در آن هستی، نباید با آن مشکلی داشته باشی.

از لحاظ تجهیزات هم در مقایسه با کشورهای دیگر، کشور ما خاص است. ما اکثر تجهیزاتمان اروپایی بوده است و حالا آن‌ها خیلی قدیمی شده‌اند و از سال ساختشان زمان زیادی می‌گذرد. اما با توجه به تحریم‌هایی که داریم، قیمت هر کدام از این تجهیزات چندین برابر شده است و مشکلات زیادی برای تهیه آن‌ها بر گردن آتش‌نشانی است. بودجه آتش‌نشانی هم ضعیف است و ما باید با همین‌ها بسازیم و آن‌هایی که می‌توانیم را تعمیر کنیم. با این وجود، همین تجهیزات هم فعلاً جوابگوست.

این حق ماست

در آخر می‌خواهد مطلبی را به من بگوید: این حرف من نیست، حرف تمامی آتش‌نشان‌هاست. دادن نشان ایثارگری به آتش‌نشانان فداکار و دادن حکم مشاغل سخت و زیان‌آور به آتش‌نشانان، لطف نیست، این حق است! اگر آتش‌نشان روی این مسائل پافشاری می‌کند، به این دلیل است که خودش با آن‌ها درگیر است. تا کی باید «امید عباسی»ها، «علی خورشیدفر»ها و «محمدی»ها را از دست بدهیم؟ آیا بهتر نیست این مسائل را به صورت کارشناسی‌تر بررسی کنند؟

باز هم می‌گویم. این لطف نیست. آتش‌نشان هم در حال فداکاری است و حقش است که نشان ایثارگری داشته باشد. یک نفر که جانباز می‌شود و چند سال بعد از دنیا می‌رود، عنوان شهید را می‌گیرد. آتش‌نشانی هم ایثارگری، در روزگار امروز است. درست است که در دوران جنگ نیستیم، اما این جنگ ما آتش‌نشانان است که برایش جان‌نثاری می‌کنیم. باید با دید روشن‌تری به آن نگاه کنیم.

دوباره گریزی می‌زند به قانون سخت و زیان‌آور بودن حرفه آتش‌نشانی که به تازگی تصویب شده است و طبق آن، آتش‌نشان باید ۲۰ سال کار کرده و ۵۰ سال سن داشته باشد تا بازنشسته شود. می‌گوید: یکی از اولین مواردی که برای ورود به آتش‌نشانی وجود دارد، این است که حداکثر سن شما ۲۵ سال باشد. بچه‌هایی اینجا هستند که ۲۱ سال دارند. چطور امکان دارد که ۲۰ سال کار کنی و به ۵۰ سالگی برسی؟ نهایتش ۴۵ سالت می‌شود. یعنی باید باز هم ۳۰ سال کار کنند که به ۵۰ سال برسند. این چه قانونی است؟ باید کارشناسانه‌تر این مسائل بررسی شود.

(عنوان گزارش، مصرعی از شعر صائب تبریزی است: آتش بگیر تا که بدانی چه میکشم / احساس سوختن به تماشا نمی‌شود).

شبنم سید مجیدی

جدول ۲۲۰۱۱

طراح: غلامحسین باغبان

افقی:

۱ـ متفکر و جامعه‌شناس اسلامی مولف تاریخ ادیان
۲ـ مقابل بیگانه ـ نوعی جلد براق کتاب ـ حرف ندا
۳ـ عنصر شیمیایی ـ اصطلاحی در ورزش‌های رزمی ـ جابجایی هوا ـ رغبت
۴ـ قلعه مستحکم ـ عید ترکی ـ یار «وصله»
۵ـ پیشاپیش قافله زائران حرکت می کند ـ بیخ ـ وسیله نقاشی ساختمان
۶ـ نام پیشین کشور مجارستان ـ پراکنده ـ مخفف از او ـ شهر آذری
۷ـ شجاع ـ اثری از «چایکوفسکی» آهنگساز روسی
۸ـ هزار کیلو ـ جنب و پهلو ـ خطاکار ـ ضمیر اشاره
۹ـ مادر اسفندیار ـ جمع ناحیه
۱۰ـ مردمان همدوره ـ یادداشت ـ صدای درد ـ عنصر فلزی شماره ۷۵ جدول تناوبی
۱۱ـ اضافی ـ شهری در کاشان ـ پهلوانان
۱۲ـ محفل و انجمن ـ موسم بهار ـ گوارا
۱۳ـ فرزند زاده ـ نام اصلی مجنون ـ سیماب ـ بوی پشم سوخته
۱۴ـ بله بیگانه ـ نویسنده «کمدی الهی» ـ پیامبر صبور
۱۵ـ از مشاهیر صوفیان اهل بلخ خراسان

عمودی:

۱ـ از پهنه‌های آبی ـ کشور آفریقایی با پایتخت «دارالسلام»
۲ـ پاره کردن ـ نام پسرانه
۳ـ حرف فاصله ـ غول جستجوگر دنیای وب، تکنولوژی دنیای اینترنت ـ شماره پرونده
۴ـ حسد ـ سهیم بودن ـ رودآرام ـ خرس فلکی
۵ـ میوه‌ای با خاصیت طبی شبیه سنجد ـ مثلّث افلاطون ـ بانگ کلاغ
۶ـ بخت آزمایی ـ علم و بیرق ـ دارای بصیرت
۷ـ بازیگر فیلم مکس ـ سطح ـ آرام
۸ـ ریه ـ مقابل پنبه کردن ـ نخستین پایتخت ژاپن ـ خطاب نزدیک
۹ـ حیوان حیله‌گر ـ آب منجمد ـ مقابل داخل
۱۰ـ کبوتر دشتی ـ بُعد چهارم ـ پیدانشدنی
۱۱ـ روز جشن ـ کوه وحی حضرت موسی(ع) ـ مدرن
۱۲ـ پایان‌نامه ـ ستون بدن ـ سکه‌ای از زر و سیم رایج در خراسان قدیم ـ مخلوطی از گازهای مختلف در اطراف ما
۱۳ـ آبرسان عهد قدیم ـ نیرنگ ـ ناپسند
۱۴ـ آتیه ـ بالکن
۱۵ـ کنایه از لجاجت و اصرار زیاد ـ از عناصر شیمیایی که در عکاسی و تهیه آلیاژهای سبک به کار می‌رود

حل جدول ۲۲۰۱۰

خوشنویسی در ایران

ولی الله کاووسی **بخش چهارم**

افزون بر متون ادبی، آثار علمی هم در عهد تیموریان کتابت می‌شد. مجموعه‌ای در اخترشناسی با عنوان زیج گورکانی، که در حدود ۸۴۳ در سمرقند برای فرزند دیگر شاهرخ ـ الغ‌بیگ ـ کتابت شد، نمونه‌ای از این آثار است. در نگارش این نسخه از سه قلم مختلف استفاده شده است: رقاع برای شمسه آغازین، ثلث برای عنوانها، و نسخ برای متن اصلی.

قطعه‌نویسی محمل دیگری برای هنرنمایی خوشنویسان تیموری بود. این قطعه‌ها را ـ که گاه برای الگوی کتیبه‌ها و گاه به منزله سرمشقی برای نوآموزان کتابت می‌شد ـ در مرقّعات گرد می‌آوردند. در واقع دوره تیموریان سرآغاز رواج مرقع‌سازی است. غالباً در این مرقعات آثاری از یاقوت مستعصمی و پیروانش را در کنار قطعه‌خطهای خوشنویسان دوره تیموری می‌نشاندند. بدین سان، نمایشی از تداوم شیوه‌های خوشنویسی و سلسله استادان و شاگردان شکل می‌گرفت؛ چنان که در نمونه‌ای که بعدها به مرقع بایسنغر شهرت یافت، گرد آمده است. قطعه‌هایی هم به خط تعلیق نوشته و در مرقعها گردآوری شده است. یکی از تعلیق‌نویسان مشهور **خواجه عبدالحی** منشی استرآبادی است که نخست نزد ابوسعید تیموری و سپس اوزون‌حسن و یعقوب‌بیگ آق‌قوینلو راه یافت.

از نیمه سده نهم کاربرد اقلام ستّه رو به کاهش رفت و قلم نستعلیق جای آنها را گرفت. از این زمان به بعد بیش از سه چهارم نُسَخ با این قلم کتابت شد. نستعلیق از طریق شاگردان جعفر بایسنغری، به‌ویژه ظهیرالدین **اظهر تبریزی**، به خوشنویسان نسل بعد رسید. مهمترین آنان **سلطانعلی مشهدی** بود که در کتابت و قطعه‌نویسی خفی و جلی مهارت داشت. او در کارگاه کتاب‌آرایی هرات تحت حمایت سلطان‌حسین بایقرا و وزیرش، امیرعلیشیر نوایی، به فعالیت پرداخت. این هنرمند شماری از نفیس‌ترین نسخه‌های این دوره را کتابت کرد که منطق‌الطیر عطار (با تاریخ ۸۹۲)، بوستان سعدی (با تاریخ ۸۹۳)، و خمسه امیرعلیشیر نوایی (با تاریخ ۸۹۸) از آن جمله است. او در کتیبه‌نگاری هم دست داشت و علاوه بر کتیبه برخی بناها، سنگ قبر بسیاری از شاهزادگان تیموری مدفون در هرات را کتابت کرد.

همزمان با خوشنویسان دربار تیموریان در خراسان، گروهی از کاتبان هم در دربار آق‌قوینلوها در شیراز و تبریز کتابت می‌کردند. یعقوب‌بیگ آق‌قوینلو و وزیرش، شیخ‌نجم‌الدین مسعود، هر دو در قلم تعلیق مهارت داشتند و عبدالحی‌بن شیخ‌محمد بخاری از تعلیق‌نویسان وابسته به دربار ایشان بود. **سلطانعلی قائنی**، که گویا فرزند همین خوشنویس بود، نخست در هرات نستعلیق‌نویس دربار سلطان حسین بایقرا بود؛ اما آنجا را به قصد پیوستن به پدر در دربار آق‌قوینلوها ترک کرد.

یکی از شیوه‌های رایج در مصحف‌نویسی این دوره استفاده از اقلام مختلف و گاه هر شش قلم با رنگهای مختلف در کتابت صفحه‌ای واحد بود. یکی از این مصحف‌ها (با تاریخ ۸۸۸) کار زین‌العابدین بن محمد شیرازی، کاتب دربار یعقوب‌بیگ است. او در کتابت صفحه‌ای از این مصحف انواع خفی و جلی از هر شش قلم را به کار برده، به گونه‌ای که دو سطر خفی به قلمهای نسخ و رقاع را در بین دو سطر به اقلام جلی محقق و ثلث آورده، سپس نام خود را با قلم ریحان خفی نوشته و در پایان صفحه به قلم توقیع جلی بر پیامبر(ص) درود فرستاده است.

قلم نستعلیق هم به واسطه حضور **عبدالرحمن خوارزمی** و دو فرزندش، عبدالرحیم خوارزمی مشهور به **انیسی** و عبدالکریم خوارزمی مشهور به **پادشاه**، در دستگاه آق‌قوینلوها رواج داشت. خاندان خوارزمی علاوه بر نُسَخ متعدد، بیش از یکصد قطعه خط در مرقعات آق‌قوینلوها از خود به یادگار گذاشتند.

از آغاز سده نهم دو شیوه مختلف از خط نستعلیق شکل گرفت: نخست شیوه جعفر و اظهر تبریزی که در بین کاتبان خراسان رواج داشت و سلطانعلی مشهدی آن را به اوج رساند و به شیوه خراسانی یا شرقی معروف شد؛ دیگر شیوه عبدالرحمن خوارزمی، فرزندان و پیروانش که در دربار ترکمانان در غرب و جنوب ایران (تبریز و شیراز) رایج بود و آن را شیوه غربی می‌خواندند. الفهای کشیده و دوایر بزرگ و حروف تند و تیز از ویژگیهای شیوه غربی است که در بین ایرانیان چندان دوامی نداشت و خوشنویسان هندی آن را بیشتر پسندیدند. شیوه شرقی، که با اعتدال و تناسب بیشتری همراه بود، تا امروز در بین خوشنویسان تداوم یافته است. تفاوت این دو سبک شاید به سبب طرز تراشیدن قلم بوده باشد؛ چرا که پیروان شیوه خراسانی قلمها را محرف می‌تراشیدند، اما عبدالرحمن خوارزمی و پیروانش قَط قلم را جزم می‌زدند.

براساس برخی اسناد، خوشنویسان در دوره تیموریان و ترکمانان سهمیه کتابت موظف روزانه داشتند و چنان که آمده است، سلطانعلی مشهدی هر روز سی بیت برای امیر علیشیر و بیست بیت برای سلطان حسین می‌نوشت. شیخ محمود، سرپرست کارگاه پیربوداق در شیراز، نیز از سختی کتابت روزانه هشتاد بیت مثنوی و پنجاه بیت غزل که او و شاگردانش عهده‌دار آن بودند، شکایت کرده است. همچنین گفته شده است که اسکندرسلطان، **معروف بغدادی** را به کتابت پانصد بیت در روز موظف کرده بود.

از اواخر سده نهم دو قلم ایرانی تعلیق و نستعلیق از طریق کاتبان دربار آق‌قوینلوها در غرب ایران به عثمانی راه یافت و در بین کاتبان عثمانی رایج شد. نستعلیق به شبه قاره هند هم راه یافت و در آنجا در کتابت زبان اردو به کار رفت.

در آغاز فرمانروایی صفویان (حکومت: حدود ۹۰۶ـ۱۱۳۵)، با اینکه تبریز پایتخت حکومت و مرکز تجمع خوشنویسان وابسته به دربار بود، خوشنویسی در شیراز رونق بیشتری داشت؛ اما از آنجا که این شهر از حمایتهای درباری بی‌نصیب بود، بسیاری از کاتبان در خانه یا در بنیادهای تجاری محلی فعالیت می‌کردند. به گفته بوداق منشی قزوینی در اکثر خانه‌های شیراز نسخه‌پردازی در جریان بود: زن خانه کتابت می‌کرد و مرد نقاشی و دختر تذهیب و پسر صحافی و چنان بود که اگر کسی هزار نسخه مصور می‌خواست، شیرازیان یکساله آماده می‌کردند! منشی قمی، مولانا شمس‌الدین محمد ظهیر، مولانا روزبهان، میرعبدالقادر حسینی، حافظ عبدالله و شماری دیگر را سرآمدان خوشنویسی شیراز شمرده است که کتیبه‌های بسیاری را در آنجا کتابت کرده‌اند و بیشتر خوشنویسان فارس، خراسان، کرمان و عراق پیرو ایشان بوده‌اند.

سنّت به کارگیری شماری از اقلام ستّه در مصحفی واحد، همچنان در بین کاتبان شیراز تداوم داشت؛ چنان که **روزبهان محمد شیرازی** در نیمه نخست سده دهم اقلام محقّق و ثلث و نسخ را در کتابت هر صفحه از یک مصحف به کار گرفت. این خوشنویس از خاندانی هنرمند بود و پدر و جدش نعیم‌الدین و صدرالدین از کاتبان و مذّهبان شیراز بودند. روزبهان نه در حمایت دربار صفویان در تبریز بود و نه وابسته به دربار شیبانیان در بخارا، بلکه به استقلال در مزارات اهل تصوف در شیراز فعالیت می‌کرد. احتمالاً او و پدرانش پیرو طریقت روزبهانیه بودند. در این مزارات علاوه بر مصاحف، آثار ادبی نظیر کلیات سعدی، دیوان امیرخسرو دهلوی، و خمسه نظامی هم به قلم نستعلیق کتابت می‌شد. تذهیب این نسخه‌ها را اغلب خود روزبهان و دستیارانش انجام می‌دادند.

هرات مرکز دیگر نسخه‌نویسی این دوره بود و کاتبان این شهر غالباً دستپروردگان و وارثان خوشنویسان عهد تیموری بودند. با این حال، شیبانیان و صفویان بیشتر این هنرمندان را به پایتخت‌های خود ـ بخارا و تبریز ـ کوچاندند. یکی از این کاتبان محمدحسین بن محیی **هروی** بود که پدرش محیی‌بن حسین هروی از کاتبان عهد تیموری به شمار می‌رفت؛ اما او در هرات و بخارا به خدمت امیران شیبانی درآمد و مصحف‌های متعددی برای ایشان کتابت کرد.

قلم رایج در بین منشیان دربار صفویان شکسته‌تعلیق بود. این منشیان علاوه بر تسلط بر تعلیق‌نویسی، در نوشتن انواع مکاتبات و فرمانها و نامه‌های عزل و نصب به زبان دیوانی مهارت داشتند. برخی از این منشیان، فرزند صاحب‌منصبان دربار بودند و گاه به مقامهای بالا می‌رسیدند؛ چنان که میرزااحمدبن عطاءالله از منصب دواتداری شاه‌تهماسب به مسئولیت کتابت‌نامه در دربار عثمانیان رسید و سپس به مقام وزارت ارتقا یافت. گذشته از دربارها، بقاع متبرکه هم دارالانشای اختصاصی داشتند که در آنها اسناد وقف و اجازه‌نامه‌ها و سایر مکتوبات مربوطه را به قلم تعلیق می‌نوشتند. منشی قمی، ابراهیم استرآبادی و مولانا بهاءالدین حسین مشهدی را از منشیان تعلیق‌نویس آستانه حضرت رضا(ع) در مشهد دانسته است.

مهمترین قلم رایج در دوره صفویان نستعلیق بود. در این عهد نستعلیق خط اصلی کتابت آثار منظوم و کاربرد آن در قطعه‌نویسی هم افزونتر از پیش شد. نستعلیق شرقی را که میراث سلطانعلی مشهدی بود، شاگردانش سلطان محمد نور، سلطان محمد خندان، و محمد ابریشمی تداوم دادند؛ اما سرآمد خوشنویسان این نسل **میرعلی هروی** است.

ادامه دارد

نهضت‌های بازگشت به خویش در تاریخ ایران

دکتر علی شریعتی **بخش اول**



دور گشتن از خویش

جامعه ما ـ از آن رو که هم در معبر تاریخ و گذرگاه اقوام و هم کانون تلاقی تمدنها و فرهنگها و مذهبهای بزرگ بوده است ـ هرگز یک «جامعه‌بسته» نبوده و در نتیجه، فرهنگ سنتی جامد و راکد نداشته است و این وضع تاریخی جغرافیایی که بدان همواره حیات و حرکت و غنی و زایش می‌بخشیده است، در برخی شرایط منفی تاریخی که هجوم نیرومند و ناگهانی بود و در داخل، قدرت مقاومت معنوی به ضعف گراییده بود، خودآگاهی خویش را آشفته و تار می‌یافته و این حالت طبیعی شخصیتی است که عناصری از شخصیت غیر خود را در خود می‌یابد و آنگاه، «مرز وجودی» خویش را یا گم می‌کند و یا مبهم و در هم احساس می‌نماید.

در تاریخ طولانی و پر از تلاطم ما دوره‌هایی را می‌توان یافت که در آن، با شدت و ضعفی متفاوت، الیناسیون فرهنگی را که نوعی از خود بیگانه شدن و در غیر تحلیل رفتن است، مشاهده می‌کنیم و سپس متعاقب آن، ملت ما با آغاز نهضتی خودآگاه، به سوی خویش بازگشته است و خویشتن تاریخی و معنوی‌اش را باز یافته است. این دوره‌های بسیار حساس و بزرگ که نه تنها در تکوین «شخصیت تاریخی» ما عوامل مهمی بوده‌اند، بلکه نشانه‌های بارزی به شمار می‌روند که پژوهشگران را به شناخت این شخصیت و روح ملت ما هدایت می‌کنند و باید هر کدام به طریقی مستقل و علمی مورد تحقیق و تحلیل قرار گیرند، فهرست‌وار از این قرارند:

۱ـ یونانی‌زدگی: مسأله یونانی‌مآبی (Helenisation) مشرق زمین در ایران پس از هخامنشی انعکاس وسیعی یافت و موجی از فلسفه یونانی و فرهنگ و شیوه فکری یونانی را بر سطح جامعه ایران برانگیخت که در طول حکومت سلوکیها و حتی پس از آن، در عصر اشکانیان در جریان بود. می‌دانیم که مذهب و فرهنگ ـ به ویژه در گذشته ـ از یکدیگر قابل تفکیک نیستند؛ چه، مذهب بر همه شئون زندگی مادی و اجتماعی نیز مسلط بوده است و پیداست که آنجا که سخن از طرز فکر و روح و اخلاق و تجلی شخصیت معنوی یک جامعه است، تا چه حد این دو به هم در آمیخته‌اند.

اشکانیان از آن رو که از پارتها بودند و هخامنشیان از پارسها، خود را به عنوان تداوم معنوی و وراثت فرهنگی هخامنشیان تلقی نمی‌کردند و به نیروی مقتدر مذهب زرتشت نه تنها تکیه نداشتند، بلکه می‌کوشیدند تا با تضعیف قدرت روحانی و کنار زدن روحانیون زرتشتی، در برابر آن مستقل بمانند؛ چنان که همین اختلاف بالاخره آنان را در برابر ساسانیان که همچون صفویه نیرویی سیاسی انگیخته از روحانیت بودند و فرزندان «ساسان» روحانی بزرگ معبد استخر (که در آن آتش ویژه روحانیت می‌سوخت)، از پای در آورد.

شیوه کار اشکانیان گرچه از نظر استقلال سیاسی به سود آنان تمام شد ـ هر چند موقتی، ولی پیوند فرهنگی آنان را با مردم قطع کرد و در حالی که فرهنگ ملی ایران هماهنگ با مذهب زرتشت رو به رشد و توسعه می‌رفت، اشکانیان در برابر، به پیشروی و تقویت فرهنگ یونانی مجال دادند و این فرهنگ که یک قدرت جهانگیر شده بود و پس از اسکندر، در تمامی وسعت امپراتوری وی که تا آفریقا دامن می‌گسترد، غنی و جاذبه و عظمت جهانی گرفته بود، در خلأیی که از جدایی سیاست و مذهب در عصر اشکانی پدید آمده بود، بهترین فرصت و جولانگاه را برای پیشروی یافت و تأثیر عمیقی بر زبان و ادب و علوم

نهضت خراسان نشان داد که ملیت ایرانی چگونه خود را با آرمان راستین اسلامی هماهنگ یافت و در شعار «حکومت خاندان پیامبر» آزادی و استقلال خود را نیز بازمی‌یافت. این شعار بعدها راهنمای تمامی نهضت‌های بزرگ ما شد

و افکار جامعه ما ـ به ویژه در میان گروههای نواندیش و شهرنشین و دبیران که روشنفکران عصر بودند ـ به جا گذاشت؛ درست کاری که بنی‌عباس برای مقابله با مکتب خاندان پیامبر ـ به رهبری ائمه شیعه ـ کردند و یونانی مآبی را به درون اسلام سوق دادند.

دوران بازگشت به خویش با نهضت مذهبی ساسانی هماهنگ است. چنان که گفتم، مذهب ـ به ویژه در این عصر ـ کانون فرهنگ ملی به شمار می‌رفت و چون غالباً تعلیم و تربیت و کتاب و حوزه درس و کار علم و تحقیق در انحصار روحانیان و معلمان دینی بود، طبیعتاً کانون گرم و زنده فرهنگ و اندیشه و علوم و فلسفه و ادب نیز کانون مذهبی بود و این بود که نهضت ساسانی در همان حال که خود را به عنوان یک نهضت مذهبی معرفی کرد و شعارش، احیای مذهب زرتشت و مبارزه با اشکانیان غیر مذهبی بود، خود را به عنوان وارث هخامنشیان و ادامه آن سیر تاریخی که پس از حمله اسکندر قطع شد، قلمداد نمود و از خود، پلی زد که از دره عمیقی که در آن به زعم وی سلوکیه و اشکانیان هر دو کنار هم جای داشتند، می‌گذشت و به عصر شکوهمند هخامنشی می‌پیوست و بدین طریق گسستگی فرهنگی تاریخی ـ مذهبی ایران را ترمیم می‌کرد.

در اینجا بود که ساسانیان با تکیه بر سه آتش «پارس»، «آذرگشنسب» و «بُرزین مهر» که مظهر سه قدرت حاکم یعنی روحانیان، شاهزادگان، نظامیان و بالاخره دهگانان به شمار می‌رفتند، پایه‌های قدرت سه‌گانه و مشخصی را که در عصر اشکانی متزلزل شده بود و آشفته، تحکیم بخشیدند و نظام طبقاتی عصر هخامنشی را تجدید کردند، و با کوشش مداوم در جمع آوری متون پراکنده و فراموش شدهٔ «اوستا» و دیگر کتب دینی و تدوین قوانین و احکام و اوراد مذهبی زرتشت و رواج معابد و تقویت روحانیت و تنظیم و تکامل خط و احیای فلسفه و اساطیر و داستانهای ملی و مذهبی و تکیه شدید بر عصر هخامنشی و نفی و حذف عصر اشکانی، در همان حال که می‌کوشیدند تا پایه‌های سلطه سیاسی خود را ریشه‌دار و استوار سازند، تلاش بسیار می‌کردند تا به خود یک وجهه ملی دهند و شخصیت تاریخی و فرهنگی ملتی را که بر آن حکومت یافته بودند، تبلور و تشخص روشنی بخشند.

در اینجا سخن از توجیه تمامی آنچه ساسانیان کردند، نیست؛ چنان که تحکیم جدایی طبقاتی جامعه که بیشتر متأثر از نظام کاستی هند بود که در ایران باستان نفوذ کرد، خود به «وحدت ملی» صدمه‌ای زد که آثار منفی و ضعیف‌کننده‌اش در حمله اعراب آشکار شد و یک بار دیگر نشان داد که ملیت نه تنها پوششی برای پوشیدن تضاد طبقاتی نیست، بلکه این تضاد پیکرهٔ ملیت را به تقسیم و تجزیه تهدید می‌کند و اعضای یک پیکر را به خصومت در برابر هم فرا می‌خواند و در اینجاست که رابطه دقیق میان عدالت و ملیت را می‌توان دریافت؛ و یا خصومت با اشکانیان از نظر سیاسی موجب نوعی تحریف فاحش در تسلسل تاریخی ایران شد و ساسانیان تاریخی را تدوین کردند که در آن، عصر اشکانی یا مسخ شده بود و یا محو؛ آن چنان که فردوسی نیز که ناچار اثر بزرگش را بر اساس تاریخ تدوین شدهٔ ساسانی تنظیم کرد، از این عصر هیچ نیافت و از شصت‌هزار بیت شاهنامه، تمامی دوران بزرگ اشکانی را در پنج بیت برگزار کرده است و آن هم فهرستی از آمد و شد پادشاهان این سلسله!

اما آنچه قابل توجیه و ارزیابی مثبت است، این است که بازگشت ساسانیان به گذشته پیش از هجوم اسکندر و سلطه فرهنگ یونانی و تکیه‌اش بر مذهب و فرهنگ و زبان و تاریخ خویش، به ایران عصر ساسانی چهره‌ای چنان مستقل و مشخص بخشید که توانست در برابر موج یونانی‌زدگی در عصر هلنیستیک شرق، کاملاً ممتاز گردد و بدرخشد و فرهنگ ایرانی و روح ملی چنان قدرت و استقلال و خودآگاهی وجودی یابد که حتی وجود شهرهایی که در قلمرو ایران، یکپارچه یونانی بود و کلنی‌های یونانی‌نشین وجود داشت و حتی در زمان انوشیروان که بسیاری از دانشمندان و فلاسفه یونانی به ایران آمدند و در ایران هم از نظر سیاسی حمایت و تقویت شدند، نتوانستند به این روح و فرهنگ خدشه وارد سازند و در احساس وجودی ایرانی حلول نمایند.

۲ـ عرب‌زدگی: حمله به ایران در زمان عمر آغاز شد؛ ولی باید توجه داشت که حمله به ایران را با فتح ایران مترادف نشمرد و آنچه قابل تأمل و به ویژه از نظر فکری و فرهنگی و اثر اجتماعی قابل طرح است، فتح ایران است که در عصر عثمان و بنی‌امیه صورت گرفت و اگر در آغاز حمله، روح اسلام و آرمانهای اسلامی غلبه داشت، بی‌شک در آن هنگام که ایران در زیر پوشش نظامی و سیاسی عرب قرار می‌گرفت، روح حاکم، یک روح قومی و غلبه نژادی بود. و اگر می‌بینیم که همان مردمی که در نهاوند و جلولا و قادسیه، در برابر سپاه برهنه و بی‌ساز و برگ عرب مقاومت درخشانی نمی‌کنند، ولی در دوره بعد، هرشهری در ایران، کانون مقاومت دلیرانه و سرسختی قهرمانانه‌ای می‌شود و هنگامی که مرکزیت از میان رفته و طعم شکست را پی‌درپی چشیده‌اند، در برابر سپاه عرب که اکنون دهها برابر قدرت و کثرت یافته است، ایرانیان چنان در شهرها لجوجانه و نیرومند می‌ایستند که سپاه عرب ناچار برخی شهرها را چندین بار اشغال می‌کند و گاه به قتل عام می‌پردازد، توجیه این اختلاف که تا سرحد تناقض می‌کشد، جز این نیست که در آغاز ملت ما خود را در برابر یک ایدئولوژی می‌یافت که به وی حق انتخاب می‌دهد و استقلال و شخصیت وی را نیز محترم می‌شمارد و سپس، خود را در برابر یک سلطه نژادی احساس کرد که او را به بند می‌کشد و پیش از آنکه به مذهب وی بپردازد، به ملیت او کار دارد و موجودیتش، و این است که مقاومتهای ملی در هر منطقه آغاز می‌شود و سپس نهضت‌های پیاپی ملی است که مدام حاکمیت خلافت عربی را مورد حمله و ضربه قرار می‌دهد.

نفوذ سریع و عمیق و گسترده اسلام در جامعه ایرانی که نمونه روشنش سپاه خراسان است به رهبری ابومسلم که در ثلث اول قرن دوم ـ که هنوز به تازگی اسلام به خراسان و ماوراءالنهر پا گذاشته بود ـ بیش از ششصد هزار تن در زیر شعار «الرضا من آل‌الرسول» به طرفداری از خاندان پیامبر اسلام(ص)، برای نابود کردن خلافت حاکم برخاستند و مرکز قدرت امپراتوری را در هم کوبیدند. نهضت خراسان به خوبی نشان داد که ملیت ایرانی چگونه خود را با آرمان راستین اسلامی هماهنگ می‌یافت و در شعار «حکومت خاندان پیامبر» آزادی و استقلال و شخصیت خود را نیز باز می‌یافت و ملیت خویش را تنها در برابر حکومت عرب منهای اسلام احساس می‌کرد و این شعاری بود که بعدها راهنما و تعیین‌کنندهٔ خط‌مشی تمامی نهضت‌های بزرگ ملی ما در برابر عرب به شمار می‌رفت، و آن شعار «اسلام منهای عرب» بود.

نفوذ اسلام در اندیشه‌ها و روحها، در عین حال برای قدرت خلافت عربی وسیله بزرگی بود تا بتواند با سوءاستفاده از آن و تغییر جهت اساسی و روح آن، نفی ماهیت ملی ایرانیان، قطع تداوم تاریخی آنان و زدودن خطوط اصلی سیمای فرهنگی‌شان، اصالت وجودی و شخصیت تاریخی آنان را محو سازد و انحلال آنان در امپراتوری عرب میسر گردد. فروریختن دیواره‌های تسخیرناپذیر طبقاتی، آزادی تعلیم و تربیت برای عموم، رهایی از استبداد روحانی و اشرافی و شور و شوقی که مردم ایران در ایمان و آرمان جدید یافته بودند، در همان حال که نیروهای معنوی بزرگی بودند که به نیرومندی و تجدید تولد ملت ما یاری می‌دادند ـ آن چنان که آثار آن به زودی آشکار گردید ـ از سوی سیاستهایی که از دستگاه امپراتوری خلافت اعمال می‌گردید، ایمان جدید به گونه‌ای تحریف می‌شد که او را از خویش دور کند و با خود بیگانه و از پیوند تاریخی‌اش گسسته و از فرهنگ خود محروم و با گذشته‌اش و در نتیجه شخصیتش ناآشنا، و این همه را بدین طریق به دست آوردند که اسلام را در برابر ملیت گذاشتند و چنین وانمود کردند که گویی ملت ایران، از «ملیت» خویش، به «مذهب اسلام» نقل مکان کرده‌اند!

اما کار این سیاست به همین جا ختم نمی‌شد، بلکه به همان میزان که اسلام را در برابر ملیت ایران می‌نهادند، آن را با عربیت درمی‌آمیختند و از این طریق نوعی «عرب‌زدگی» پدید آمد که نه تنها آفتش دامن ایران را گرفت، بلکه اسلام را نیز آلوده ساخت و کدام آلودگی برتر از این که اسلام از روح محمد(ص) و علی(ع) دور شود و روحیه ابوسفیان و عباس را بیابد و آنچه را خدایی بود و توحیدی یعنی انسانی، عربی شود و قرشی؟ روشن‌ترین نمونه، ابوحنیفه است. او «امام اعظم» لقب دارد و بی‌شک در فقه اسلامی اهل سنت از او برجسته‌تر و روشنفکرتر و آزادمنش‌تر وجود ندارد. از طرفی وی یک ایرانی است که با استفاده از آزادی و تعمیم تعلیم و تربیت علمی و اسلامی در جهان اسلام به عالیترین مقام رسیده است؛ آن‌چنان که مؤسس بزرگترین مذهب در اسلام است و در عصر خود نیز خلیفه مقتدر، او را به تطمیع‌ها و حتی تهدیدهای بسیار به بزرگترین منصب علمی و قضائی عالم اسلام منصوب می‌خواهد کند.

در «فقه» بحثی هست به نام «کفو» راجع به مسأله ازدواج. و آن این است که زن و مردی که با هم قصد ازدواج دارند، باید «کفو» یکدیگر باشند؛ یعنی از نظر اجتماعی و حیثیت فردی و خانوادگی همشأن و همتا باشند. البته این را نمی‌دانم که چنین مسأله‌ای که در سنتهای اجتماعی و عرف زندگی مردم معمول است، چگونه وارد اسلام شده و یک مسأله شرعی و فقهی اسلامی تلقی شده است؟ محمدی که در زندگی‌اش، به‌دست خود، زینب دختر جحش را که دختر عمه‌اش بود، یعنی نواده عبدالمطلب رئیس قریش و وابسته به شریف‌ترین خاندان عرب یعنی بنی‌هاشم، به عقد زیدبن حارثه که هم بیگانه بود و هم غلام آزاد شدهٔ خدیجه و فعلاً مولای محمد، درآورد و یا می‌بینیم که شخص پیغمبر و به ویژه بسیاری از ائمه شیعه با کنیزان ازدواج می‌کنند و عده‌ای از امامان شیعه مادرشان کنیز بوده است. نمی‌دانم، شاید این هم یکی از آثار «اسلام عربی شده» باشد که بسیاری از سنتهای طبقاتی و قبیله‌ای را در فقه و حتی روح اسلام دوانده‌اند؛ اما ابوحنیفه چرا؟ و این خود اساس مسأله است. و از این مبهم‌تر اینکه یکی از موارد «عدم کفو» در ازدواج از نظر وی، نکاحی است که در آن یک «عجم» بخواهد با یک «عرب» همسری کند؛ زیرا که عرب اشرف از عجم است! این بحث به همان اندازه که فکاهی است، غم‌انگیز نیز هست.

صاحب بن عبّاد عالم بزرگ و سیاستمدار معروف می‌گفت: «من از ایرانی بودن خویش شرم دارم!» خواجه‌نظام‌الملک معروف در سیاستنامه خویش راجع به ایرانیان آزادیخواهی که علیه سلطه جبارانه سلجوقی شوریده بودند، با افتخار می‌نویسد که آنان اباحی بودند... (و پس از یک سلسله تهمت‌های ساخت دستگاه خلافت) می‌افزاید که: «آنان را سرکوب کردم و برجای آنان از ترکان پاکدین گماردم!»

اینان علی‌رغم بزرگی علمی و اجتماعی‌شان، بهترین نمونه‌های الیناسیون فرهنگی‌اند و به همین دلیل نیز به سادگی به خدمت قدرتهای حاکم که بر ایران مسلط شده بودند، درآمدند. احساس «شرم از خویش» که صاحب بن عبّاد بدان دچار شده بود، یک بیماری روانی ناشی از عقده حقارتی است که در یک انسان الینه شده پدید می‌آید و می‌کوشد تا با «کتمان خویش» و «تشبه به دیگری» خود را از آن برهاند. وجود این عناصر و خشونت بدوی این سیاستی که قدرت اسلام را برای نظامی توسعه‌طلب و جبار و سلطه‌جو و به بند کشندهٔ ملتها استخدام کرده بود، پیدایش همه نهضت‌های ملی را در این دوران توجیه می‌کند.

بررسی و ارزیابی همه این نهضت‌ها و اشکال و شیوه‌های گوناگون آن در ایران این عصر، کاری مستقل است که باید پژوهشگران راستین و مترقی بدان بپردازند و هرچند بیش و کم نویسندگانی از آن سخن گفته‌اند، ولی از آن‌رو که با تحقیق کامل و روشنی علمی و روحی آزاد از پیشداوری‌ها و قالبهای تنگ فکری توأم نبوده است، نتوانسته‌اند بسیاری از پیچیدگیها را بگشایند و حقایق تاریخی را که تنها به یاری علم دست یافتنی‌اند، آشکار سازند. بخصوص که برخی از آنان، در همان حال که می‌کوشند تا زشتی نژادپرستی را در چهرهٔ خلافت اموی و عباسی برملا کنند، خود در سوی دیگر بدان دچار شده‌اند و این یک مبارزه عجیب است.

اما در اینجا تنها می‌توان خط سیر کلی این حرکات را نشان داد که می‌بایست همه را حرکت به سوی بازیافتن خویش تلقی نمود و در حقیقت عکس‌العملی است در برابر خودباختگی بیمارگونه‌ای که بسیاری از دانشمندان و سیاستمداران و رجال ما را مبتلا ساخته بود و آنان را درعمق عربیت حاکم به گونه‌ای حل کرده بود که به صورت عناصر لایتجزای امپراتوری بغداد درآمده بودند و یا سلطنت سلجوقی و غزنوی و سپس مغول! و یک اسلام ظاهری و رسمی هم روکشی برای پوشاندن و گاه توجیه‌کردن این «بیگانه نمایی» و «بیگانه‌ستایی» و بندگی خویش و به بندگی کشیدن ملت خویش در زیر حکومت جابرانه جهانگیران و تاراجگران بیگانه‌ای که از هر سو براین مردم تاختن آورده بودند.

بازگشت به خویش

نهضت بازگشت به خویش در قرون اولیه اسلامی در اشکال گوناگون تجلی کرده است:

۱ـ شعوبیه: شعوبیه روشنفکران آزاداندیش ایرانی بودند که پیش از همه و روشن‌تر و قاطع‌تر از همه اصل «بازگشت به خویش» را به صورت شعار نهضت فکری خویش اعلام نمودند. این نهضت که از سوی عناصر فکری و نویسندگان و هنرمندان و شعرا برانگیخته شد، بزرگترین مقاومت آگاهانه در برابر سیاست بنی‌امیه بود که براساس نفی و حتی تحقیر ایرانیان و برتری‌جویی عنصر عرب استوار بود و در حقیقت ادامه همان روح جاهلی بود که در قریش و به ویژه در شاخه اموی آن از پیش از اسلام وجود داشت و اکنون ابعاد گسترده‌تر و قدرت و خشونت بیشتر یافته بود. نهضت شعوبیه در برابر سیاست دستگاه خلافت اموی که برای توجیه حاکمیت و فضیلت عرب بر ایرانیان، پوششی دروغین از اسلام برتن کرده بود، هوشیارانه‌ترین تکیه‌گاه و شعار را انتخاب کرده بود:

اول، اصل «تفکیک اسلام از عرب» بود که بعدها به صورت اصل مشترک همه نهضت‌های ایرانی درآمد.

دوم، اصل «اثبات اصالت ملیت» بود که از متن صریح قرآن استنباط کرده بودند که: **یا ایهاالناس انّا خلقناکم من ذکر و اُنثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا انّ اکرمکم عندالله اتقیکم.** براساس این آیه، هم اصالت ملیت‌ها را اثبات می‌کردند و در نتیجه، سیاست حاکم را که بر محو و انکار ملیت‌های غیرعرب بود، با منطق قرآن می‌کوبیدند و هم مسأله فضیلت را به «تقوا» منسوب می‌کردند و نه به «قومیت» که سیاست اموی بر آن تکیه می‌کرد.

بر این اساس نام نهضت خویش را نهضت «شعوبی» گذارده بودند تا در برابر سیاست خلافت، ناسیونالیسم ایرانی خویش را پایگاهی قرآنی داده باشند و از این طریق، هم تبلیغات دستگاه اموی را که محو ملیت‌ها را پایگاهی

اشکانیان به پیشروی فرهنگ یونانی مجال دادند و این گرچه از نظر استقلال سیاسی به سودشان تمام شد، ولی پیوند فرهنگی آنان را با مردم ایران قطع کرد. نخستین دوران بازگشت به خویش، با نهضت ساسانیان هماهنگ است که مذهب کانون فرهنگ ملی به شمار می‌رفت

اسلامی می‌دادند، رسوا سازند و به عنوان اسلام، رژیم خلافتی را که مدعی خلافت پیامبر و حکومت الهی بود، خلع سلاح کنند و هم در میان مردم ایران که اسلام به عنوان یک ایمان جوان نفوذ دامن گستری یافته بود و می‌یافت، بتوانند روح استقلال و فکر ملیت و احیای شخصیت ایرانی را بی آنکه با مقاومتی مذهبی مواجه شود، رسوخ دهند.

شعوبیه با این شیوهٔ خردمندانه و منطقی و با استخدام هنر و ادب برای تبلیغ و تجهیز و انگیزش روح ملی و آزادیخواهی، نفوذ عمیقی در اندیشه‌ها کردند و توانستند در بدترین شرایط سیاسی و روحی که مردم ایران در زیر هجوم نظامی و سلطه سیاسی و تبلیغات فکری اموی به نومیدی و حقارت و شکست‌گرایی و تسلیم خو می‌کردند، روح حمیّت و استقلال‌خواهی و امید به پیروزی و در نتیجه، ایستادگی در برابر خلافت را در آنان بدمند و با تکیه‌ای که شعوبیه بر تاریخ ایران و گذشته پر اقتدار و مفاخر ملت خویش می‌کردند، سابقه تاریخی را که داشت مدفون می‌شد و از یادها می‌رفت، دوباره مطرح سازند و احیا کنند و روح اتکا به خویش و ایمان به شخصیت خویش و بینش خودآگاهی تاریخی و ملی را دوباره زنده و فروزان سازند و این زمینه‌ای را در افکار و عواطف ایجاد کرد که از اوایل قرن دوم به‌صورت قیامهای سیاسی و نظامی و مذهبی چون ابومسلم، استاذسیس، بابک و... سپس سامانیان و طاهریان و صفاریان... ثمرات آن بذرهای فکری پدیدار گشت.

بشّاربن بُرد یکی از نمونه‌های برجسته روشنفکران و آزادیخواهان شعوبی است که در اوج حکومت خشن و هولناک اموی با بنی‌امیه و مستقیماً با «زیاد» درافتاد و در این راه سختی‌ها و شکنجه‌های بسیار تحمل کرد و هرگز فریادش علیه آنان خاموش نشد...

این دوره نهضت شعوبی که رهبران و روشنفکران، با هوشیاری و آگاهی و شناخت محیط و زمان، بر اصل «برابری ملتها» تکیه داشتند و خود را «اهل التسویه» می‌خواندند؛ یعنی طرفداران برابری میان عرب و عجم، دوران نفوذ دامنگستر و اوج شکوفایی آن به‌شمار می‌رود؛ زیرا با این منطق هم نیروی اسلام را پشتیبان شعار خویش داشتند و هم با اعلام شعار «التسویه بین العرب والعجم»، سیاست اموی را که بر «التفضیل» یعنی «تفضیل العرب علی العجم» تکیه می‌کرد، مستقیماً مورد حمله قرار می‌دادند و آن را هم با منطق انسانی و هم اسلامی می‌کوبیدند.

ادامه دارد

خوی خوش

سهل شوشتری: هیچ معصیت عظیم‌تر از جهل نیست. بزرگترین مقامات آن است که خوی بد خویش به خوی نیک بدل کند.

تذکره الاولیا

به جوانان ایران

استاد ادیب برومند

برخیز ای جوان دلاور / از جان غم دمار برآور
برخیز و شادمانه برافروز / از شوق و ذوق، در دلت آذر
برخیز و تن سپار به ورزش / گاه طلوعِ خسرو خاور
بر دامن نشاط درآویز / او را به عقد خویش درآور
تشویش روح را بزن از بُن / تخدیر جسم را بنه از سر
سستی برآر از تن و بشکن / غول ملال را سر و پیکر
روحیه ضعیف چه زاید؟ / جز ترس و ضعف و قلب مکدر
ورزیده ساز خویش و به زیر آر / پشت هراس و واهمه یکسر
پرهیز کن ز یأس و برانگیز / در دل امید آتیه‌پرور
دُرّ کمال و بحر هنر را / جوینده باش و زبده‌شناور
از امتحان مباش هراسان / چون زرّ ناب از محک زر
سرسخت شو به جنگ حوادث / از هفت‌خوان حادثه بگذر
خود را بساز بهر تقابل / با دشمن خزیده به سنگر
دل بی‌هراس دار که باشی / در پهنهٔ مبارزه صفدر
تو وامدار کشور خویشی / بگزار وام خویش به کشور
ای عضو خانواده ملت / زاخوان توست خانه منوّر
آن کن که با خصال درخشان / باشی به فرق جامعه افسر
ای پور نازپرور میهن / روشن به توست دیدهٔ مادر
دارد به بار و برگ تو امّید / چون باغبان به نخل تناور
در حد خود بکوش که سازی / چیزی برای عرضه بدین در
ای دخت پاکدامن ایران / گوی سبق بزن ز برادر
باری بکوش تا که نمایی / خود را از هر مقایسه برتر
و آنگاه خدمتی بسزا کن / در راه مرز و بومِ گران‌فر
همت ز خویش خواه و پس آنگه / توفیق جوی از در داور
شعر ادیب درس حیات است / آن را کنند اهل دل از بر

هنرمند ایرانی

ابوالحسن صدیقی

ابوالحسن صدیقی (۱۲۷۳ـ۱۳۷۴) نقاش و مجسمه‌ساز برجستهٔ ایرانی و از شاگردان کمال‌الملک بود. مجسمه فردوسی در میدان فردوسی، مجسمه خیام در پارک لاله تهران، مجسمه نادر در مشهد و طرح چهره ابوعلی سینا از کارهای برجستهٔ اوست.

وی در تهران به دنیا آمد. پدرش صدیق‌الدوله از اهالی نور مازندران بود. علاقهٔ ابوالحسن به نقاشی و طراحی او را بر آن داشت تا نزد کمال‌الملک برود. در سال ۱۲۹۹ با درجهٔ ممتاز دیپلم گرفت و در همان مدرسه به عنوان آموزگار به آموزش پرداخت. کمال‌الملک اغلب از سر تشویق، او را آمیرزا ابوالحسن‌خان رقیب صدا می‌کرد!

او در سال ۱۳۰۱ با وسایلی ابتدایی مجسمه‌ای گچی از نیم‌تنه کودکی می‌سازد و به کمال‌الملک عرضه می‌کند. کمال‌الملک با دیدن مجسمه متوجه استعداد صدیقی می‌شود و گلخانهٔ مدرسه را تبدیل به کارگاه مجسمه‌سازی می‌کند و صدیقی طی دو سه سال، توانایی بایسته را پیدا می‌کند و از روی عکس، مجسمهٔ ونوس را می‌سازد. کمال‌الملک او را با مجسمهٔ سنگی به حضور احمدشاه می‌برد که برایش مقرری ماهانه تعیین می‌کند و کمال‌الملک سرپرستی کارگاه مجسمه‌سازی مدرسه صنایع مستظرفه را به او می‌سپارد. در این دوران او مجسمه‌های بسیاری می‌سازد: مجسمهٔ گچی فردوسی، مجسمه‌های نیم‌تنه و تمام قد امیرکبیر، ابوالقاسم، دوره‌گرد و دلاک حمام.

در سال ۱۳۰۷ صدیقی به چند کشور اروپایی سفر کرد و چهار سال در مدرسه عالی ملی هنرهای زیبای پاریس به فراگیری و کسب تجربه در مجسمه‌سازی و حجاری پرداخت و در فاصلهٔ دو جنگ جهانی، ۱۶۰ تابلو کشید تا اینکه در سال ۱۳۱۲ به کشور بازگشت و دوباره مدرسهٔ هنرهای مستظرفه را دایر کرد که بعد مدرسهٔ هنرهای زیبا شد و بعد از تاسیس دانشگاه تهران، تحت عنوان دانشکده هنرهای زیبا به کار خود ادامه داد.

در سال ۱۳۲۹ وی به انجمن آثار ملی پیوست. در این دوران چهره‌نگاری از مشاهیر علمی و ادبی ایرانی را به انجام رساند و مجسمه‌های ماندگاری از این مشاهیر ساخت. چهره‌نگاری از سعدی، بوعلی، فردوسی و حافظ حاصل این دوران است. او در سال ۱۳۴۰ از دانشگاه تهران بازنشسته شد و فرصت یافت تا مجسمه‌های ماندگارش را بسازد؛ به طوری که مجسمهٔ امیرکبیر او پس از ۳۳ سال در سال ۱۳۸۹ به همت شهرداری تهران، از ایتالیا به ایران آمد و در پارک ملت نصب گردید.

کمیسیون ملی یونسکو در ایران با عکسبرداری از آثار صدیقی، کتابی از هنرهای او در سال ۱۳۷۳ منتشر کرد و او سال بعد درگذشت. تندیس نیم‌تنه صدیقی هم‌اکنون در دانشکده هنرهای زیبا قرار دارد. در سال ۱۳۸۸ نیز تندیس دیگری از این هنرمند در جزیره کیش و در قطعه گذر هنرمندان برپا گردید. گفتنی است که هنگام پرده‌برداری مجسمهٔ فردوسی در ویلا بورگز رُم، رئیس جمهور وقت ایتالیا ـ کورونسکی ـ نشان «کومن داتور» را که نشان اول هنر در ایتالیاست، به او هدیه داد و گوستینوس آمبروزی ـ مجسمه‌ساز ایتالیایی ـ در دیدار از این مجسمه در دفتر یادبود نوشت: «دنیا بداند من خالق مجسمهٔ فردوسی را میکل آنژ ثانی شرق شناختم. میکل آنژ بار دیگر در مشرق زمین متولد شده است!»

ایران‌گردی

طاق شاه‌عباسی

کمتر کسی است که از جاذبه‌های تاریخی یزد شنیده باشد و نام طاق شاه‌عباسی به گوشش نخورده باشد؛ یکی از جاذبه‌های فراموش نشدنی استان یزد که چندین لقب تکرار نشدنی را همراه خود دارد.

طاق شاه‌عباسی سدی است با ۶۰ متر ارتفاع که نه تنها لقب قدیمی‌ترین و بزرگترین سد قوسی جهان را با خود دارد، بلکه به مدت ۵۵۰ سال هم به عنوان بلندترین سد در جهان شناخته می‌شد؛ اما یک لقب دیگر هم دارد که هنوز هیچ سدی موفق به تصاحبش نشده است: نازکترین سد جهان که به خاطر عرض تاج یک متری‌اش به این نام شناخته می‌شود.

برای دیدن طاق شاه‌عباسی که به سد شاه‌عباسی هم معروف است، باید به روستای ۷۰۰ سالهٔ خرو و در فاصله ۲۷ کیلومتری شهر طبس بروید. جایی در نزدیکی چشمه آبگرم مرتضی علی(ع).

بالاتر از این چشمه، درهٔ تنگی وجود دارد که در آن طاق شاه‌عباسی بنا شده است. ساخت این طاق را به دوره صفویه نسبت می‌دهند و معتقدند که سنگ‌نگاره‌های بز کوهی که بر آن حک شده، نمادی از درخواست فراوانی آب، زایندگی و فراوانی نعمت است. عده‌ای هم این بزها را نمادی از فرشتگانی می‌دانند که برای نگهبانی آب، افزایش و فراوانی نعمت بر دیوارهای طاق دعا می‌کنند!

اگر گذارتان به طبس و روستای خرو افتاد، بعد از تماشای این سد جالب و شگفت‌انگیز حتماً سری هم به چشمه دیدنی مرتضی علی بزنید که در آن واحد دو بخش سرد و گرم دارد که به موازات یکدیگر جریان پیدا می‌کنند. به این معنی که یک سمت چشمه سرد و سمت دیگرش گرم است و با قدم زدن در آن، می‌توانید یک پای خود را در آب سرد چشمه فرو کنید و پای دیگر را در آب گرم!

دلیل این اتفاق آن است که آب گرم چشمه از دیوارهٔ سمت راست به رودخانه می‌ریزد و همین، اختلاف دمایی را در چشمه ایجاد می‌کند که گاهی به ۱۰ درجه هم می‌رسد! غلظت بیشتر آب گرم و تفاوت ساختاری آن با آب سرد جاری در کف رودخانه باعث می‌شود که این آبها تا مسافت حدود سیصد متری بستر رودخانه هم پیش بروند، در حالی که به طور کامل با هم مخلوط نشده‌اند و در بستر رودخانه قابل تفکیک هستند. به این ترتیب می‌بینید که در یک طرف رودخانه آب سرد و در طرف دیگر آب گرم جریان دارد.

*تبیان

با تصویب در مجمع عمومی عادی سالانه

پتروشیمی مارون ۵۷۰ تومان سود به هر سهم می‌دهد

مجمع عمومی پتروشیمی مارون تقسیم ۵۷۰ تومان سود به ازای هر سهم سال ۹۱ را تصویب کرد. در این مجمع که با حضور ۹۷/۳۵ درصد سهامداران برگزار شد صورت‌های مالی شرکت به تصویب رسید. مهندس سیدرحیم شریف‌موسوی، مدیرعامل پتروشیمی مارون در این جلسه علاوه بر ارائه گزارش عملکرد هیأت مدیره به سؤالات سهامداران پاسخ داد. وی با اشاره به افزایش ۶ درصدی تولید شرکت در سال ۹۱ گفت: سه طرح مصوب در صنایع پایین دستی را در زمینه شرکت آغاز کرده‌ایم. وی همچنین به مشارکت در ساخت پتروشیمی‌های بوشهر، سلمان فارسی و ایلام اشاره کرد. مدیرعامل پتروشیمی مارون در ادامه همچنین از پایان اقساط خارجی شرکت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موضوعات سال قبل خبر داد و افزود: این اقساط ۱۰ ساله بود که سال ۹۱ به پایان رسید. جلسه مجمع عمومی عادی سالانه پتروشیمی مارون به ریاست آقای عمرانی، دبیری آقای احمدزاده و نظارت آقایان سردار اسکندری و بهشتیان اداره شد. در این جلسه روزنامه‌های دنیای اقتصاد و اطلاعات به عنوان روزنامه‌های رسمی و مؤسسه حسابرسی رهبین به‌عنوان بازرس اصلی انتخاب شدند. همچنین در این جلسه سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح، صندوق بازنشستگی و رفاه کارکنان صنعت نفت، شرکت سرمایه‌گذاری ملی ایران، شرکت سرمایه‌گذاری سهام عدالت کهگیلویه و بویراحمد و سرمایه‌گذاری نفت و گاز و پتروشیمی تأمین به عنوان اعضای اصلی هیأت‌مدیره و شرکت گسترش نفت و گاز پارسیان و سرمایه‌گذاری سهام عدالت استان مازندران به‌عنوان اعضای علی‌البدل به‌مدت ۲ سال انتخاب شدند.

تاریخچه فعالیت شرکت

شرکت پتروشیمی مارون (سهامی عام) در تاریخ ۱۳۷۷/۱۱/۲۴ تحت شماره ۱۴۸۰۱۲ در اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی تهران به ثبت رسیده است. ضمناً با توجه به انتقال مرکزاصلی شرکت از تهران به ماهشهر (منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی) در تاریخ ۱۳۸۸/۱۰/۵ تحت شماره ۶۴۹۹ در اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ماهشهر به ثبت رسید. به استناد مصوبه مورخ ۱۳۸۸/۶/۸ مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت و آگهی شماره ۳۲۵۷ مورخ ۱۳۸۸/۸/۲۷ نوع شرکت از سهامی (خاص) به سهامی (عام) تبدیل شد. شرکت به موجب نامه مورخ ۱۳۹۰/۷/۱۷ سازمان بورس و اوراق بهادار در سازمان یاد شده پذیرفته شده و ۳/۵ درصد از سهام شرکت در تاریخ ۱۳۹۰/۱۰/۶ در فرابورس عرضه شده و ۱/۵ درصد الباقی طی موافقت شرکت فرابورس ایران برای یک سال آینده توسط سهامدار عمده اقدام خواهد شد.

مجوز تأسیس شرکت: مصوبه مورخ ۱۳۷۷/۹/۲۲ هیأت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی
تاریخ تأسیس شرکت: ۱۳۷۷/۱۱/۲۴
شماره ثبت: ۱۴۸۰۱۲
شماره و تاریخ پروانه بهره‌برداری: ۵۲۷۷ و ۵۲۷۵-۰۶ مورخ ۱۳۸۰/۴/۱۸
تاریخ بهره‌برداری: ۱۳۸۵/۶/۸

استراتژی‌های شرکت

شرکت پتروشیمی مارون به عنوان یکی از تولیدکنندگان عمده محصولات پتروشیمی، در راستای سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران مبنی بر توسعه پایدار، حفاظت از محیط‌زیست، صیانت از نیروی انسانی، حفظ سرمایه ملی و رضایتمندی مشتریان با تکیه بر دانش و تجربه کارکنان هوشمند و متخصص خود، بهبود مستمر را در همه فرآیندها از اولویت‌های خود قرار داده است.

رسالت شرکت پتروشیمی مارون

۱ـ مدیریت بهره‌وری از طریق ارتقای سطح آگاهی و انگیزه کارکنان و ترویج فرهنگ بهینه کاری
۲ـ اقتصادی نمودن فعالیت‌های شرکت از طریق استفاده بهینه از منابع و امکانات موجود، تداوم تولید و کاهش ضایعات با به کارگیری فناوری‌های نوین
۳ـ رعایت قوانین و مقررات مرتبط با محصولات، فعالیت‌ها و خدمات شرکت در راستای گسترش فرهنگ ایمنی، بهداشت و پیشگیری از آلودگی‌های محیط‌زیست
۴ـ وفاداری به اصل رضایت مشتری و اصول تلویحی و تصریحی تجارت با مشتریان و ذی‌نفعان
۵ـ نظام‌مند کردن مصرف بهینه حامل‌های انرژی

عملکرد شرکت در سال مورد گزارش

مهم‌ترین اقدامات صورت گرفته به منظور بهره‌وری و افزایش ظرفیت تولید در واحدهای فرآیندی مجتمع عبارتند از:

۱ـ اخذ معافیت مالیاتی موضوع ماده ۱۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم:
شرکت پتروشیمی مارون در اجرای مقررات ماده ۱۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم موفق به اخذ گواهی امکان برخورداری از معافیت مالیاتی موضوع ماده مذکور به میزان ۱۰۰ درصد درآمد مشمول مالیات ابرازی ناشی از فعالیت‌های تولیدی از سال ۱۳۸۸ لغایت ۱۳۹۶ طی مجوز شماره ۱۱۰/۹۷۸۲ ص پ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۶ اداره کل مالیاتی استان

۲ـ ساخت TLE کوره‌های الفین:
با ساخت این تجهیزات که با همکاری کارشناسان مرکز پژوهش در شرکت فاتح صنعت کیمیا انجام‌شد و پیش از این تولید آن در انحصار کشورهای غربی بود گام مهمی در راستای قطع وابستگی بخش‌های حساس واحدهای الفین به تجهیزات خارجی برداشته شده و کشور در بخش کوره و تجهیزات جانبی واحدهای الفینی به مرحله خودکفایی رسیده است. با بومی‌سازی این تجهیزات سالانه بیش از ۲۰ میلیون یورو صرفه‌جویی ارزی عاید کشور می‌شود. این مبدل‌ها پیش از این در انحصار شرکت آلستوم آلمان و یک شرکت دیگر بود و برای خرید هر مبدل ۶۰۰ هزاردلار هزینه‌می‌شد.

۳ـ استفاده از هگزان ضایعاتی حاصل از دکانت واحد HD:
بازیابی هگزان ضایعاتی واحد HDPE که اجرای این طرح کاهش قابل ملاحظه مصرف هگزان، کاهش مصرف کاتالیست، بهبود خواص فیزیکی پودر تولیدی، پاسخگویی بهتر به هیدروژن تا ۵/۱برابر را در بر داشت. سود قابل احتساب این پروژه، شامل حاصل از صرفه‌جویی در موادشیمیایی و سود حاصل از افزایش ظرفیت تولید جمعاً ۴۶۰ میلیارد ریال در سال است.

۴ـ بررسی امکان استفاده از مواد شیمیایی تاریخ گذشته موجود در انبار از جمله TINUVIN۷۷۰ و یا جایگزین DHT۴A با کلسیم استئارات و پیشنهاد درصد بهینه:
طی این پروژه‌ها مواد شیمیایی تاریخ گذشته که حجم زیادی از انبار را هم اشغال نموده است مورد امکان‌سنجی استفاده در فرآیند قرار گرفتند. از جمله TINUVIN۷۷۰ و DHT۴A که براساس میزان ماده مؤثر موجود در این آنتی‌اسید جایگزین کلسیم استئارات در فرآیند تولید PP شده و دوز بهینه آن تعیین شد. اجرای این طرح موجب صرفه‌جویی اقتصادی ناشی از استفاده‌مجدد از حجم عمده‌ای از مواد شیمیایی غیرقابل مصرف شد.

۵ـ بهبود فرایند واحد HDPE با استفاده از هالوکربن‌ها:
این کار با تصویب پروژه پژوهشی «بررسی تأثیر هالوکربن‌ها بر روی پلیمریزاسیون اتیلن با استفاده از کاتالیست زیگلر ناتا» و انعقاد قرارداد بین پتروشیمی مارون و پژوهشگاه پلیمر و پتروشیمی ایران، در خرداد ۸۷ کلید خورد که در پایان کار هالوکربن مناسب انتخاب شد و عملکرد مثبت آن بر کاتالیست نیز تعیین شد. نتایج این پروژه به دلیل منافع اقتصادی و نو بودن ایده در مؤسسه استاندارد آمریکا (US Patent) ثبت بین‌المللی شد. با اطمینان یافتن از اثرات مثبت این ماده، کار وارد فازاجرایی‌شده و مقدمات آن شامل سفارش ماده شیمیایی موردنیاز و اعمال تغییرات لازم در واحد پلی‌اتیلن سنگین آغاز شد.
با سپری شدن این مرحله تست عملیاتی از ۱۳۹۲/۲/۸ آغاز شده و به منظور بررسی اثراتی همچون میزان واکس، Foaling و ... که با گذشت زمان خود را نشان می‌دهند همچنان ادامه دارد. با شروع تزریق این ماده به رآکتور در کوتاه مدت اثرات آن عبارتند از:
الف: کاهش میزان مصرف کاتالیست تا یک سوم مقدار فعلی (حدود ۷۰ درصد کاهش) و در نتیجه کاهش تعداد دفعات موردنیاز به ساخت کاتالیست
ب: کاهش مصرف هیدروژن به نصف
پ: کاهش میزان TEAL مصرفی تا نصف
ت: کاهش میزان پودر کوچک‌تر از ۶۳ میکرون (Fine) و در نتیجه کاهش فولینگ و بنابراین افزایش فواصل زمانی Hot Cooking و در نتیجه کاهش مدت توقف‌های واحد
ث: کاهش مقدار واکس تولیدی و افزایش کیفیت آن
ج: بهبود عملکرد سیستم‌های انتقال پودر و جداسازی با افزایش اندازه ذرات پلیمر
د: بهبود خواص فیزیکی و مکانیکی پودر پلیمر مانند Impact و کاهش ژل
ی: پیش‌بینی افزایش ظرفیت واحد
سودآوری طرح: محاسبات اقتصادی طرح نشان می‌دهد که با وضعیت فعلی فقط در مصارف مواد شیمیایی حدود ۵ میلیون دلار در سال صرفه‌جویی خواهد شد که این مبلغ بدون مزایای افزایش تولید می‌باشد.

نقاط قوت تکنولوژی

۱) استفاده از بالاترین تکنولوژی و بهره‌گیری از شرکت‌های به نام در سطح جهانی مانند شرکت‌های لینده، بازل، شل، زیمنس
۲) توانایی استفاده از خوراک گازی که در مقایسه با خوراک‌های مایع ارزان‌تر می‌باشد. این خوراک‌های گازی تا قبل از احداث این‌گونه شرکت‌ها به هدر می‌رفت یا سوزانده می‌شد
۳) بهره‌گیری و نصب تجهیزات مدرن ضمن رعایت ایمنی کامل که از راندمان بالایی برخوردار هستند
۴ـ کمک به تصفیه گاز ارسالی از چاه‌های گاز به طوری که برای مصرف گاز شهری آماده باشد
۵ـ احداث شرکت به صورت یک مجموعه زنجیره تولید که اتلاف‌های بینابینی را به حداقل رسانده است
۶ـ بهره‌مندی از آزمایشگاه‌های مدرن در هر واحد

نقاط قوت موقعیت جغرافیایی

۱) تاسیس شرکت در منطقه اقتصادی پتروشیمی و بهره‌گیری از تسهیلاتی که ویژه همین نواحی می‌باشد. تسهیلاتی در زمینه گمرک، معافیت مالیاتی، صادرات و واردات
۲) تفکیک شرکت به دو منطقه اهواز و ماهشهر، که واحد اهواز استحصال گازهای سنگین موجود در گازهای ارسالی از چاه‌های اهواز را با حداقل هزینه امکان‌پذیر ساخته است
۳ـ دسترسی به بندر صادراتی (بندرامام خمینی(ره))
۴ـ دسترسی به مخازن صادراتی
۵ـ همجواری با دیگر شرکت‌های پتروشیمی که خود مصرف‌کننده محصولات پتروشیمی مارون می‌باشد، به همین دلیل هزینه‌های انتقال جهت فروش به حداقل رسیده است

نقاط قوت داشتن مدیران و نیروی متخصص و با تجربه

۱) بهره‌گیری از مدیران و پرسنلی که ضمن برخورداری از دانش مربوط، از بدو تاسیس شرکت، دراین شرکت فعالیت داشته‌اند
۲) تبادل دانش با مؤسسات پژوهشی و آموزشی و ارائه سمینارهای مختلف در جهت بهبود کیفیت و رفع مشکلات و دستیابی به دانش برتر در این صنعت.

نقاط قوت مالی

۱) درصد تقسیم سود بالا در بین سهامداران
۲) ریسک کم سرمایه‌گذاری در این شرکت
۳ـ حمایت مناسب سهامداران عمده

نقاط قوت محصولات

۱) تنوع محصولات از گروه شیمیایی شامل اتیلن، پروپیلن، بنزین پیرولیز، روغن سنگین و گلایکول‌ها (منو اتیلن گلایکول، دی اتیلن گلایکول و تری اتیلن گلایکول) و گروه پلیمرها شامل گریدهای مختلف پلی اتیلن سنگین و پلی پروپیلن و توانایی در تولید هر کدام از آنها
۲) مطابقت کیفیت محصولات تولیدی با آخرین استانداردهای جهانی.

نقاط قوت خدمات

۱) خدمات پس از فروش شامل:
الف) ارائه خدمات آزمایشگاهی و اعلام نتایج آن به مشتریان متقاضی
ب) راهنمایی‌های لازم در مورد تولیدات و چگونگی مصرف آنها
ج) رسیدگی به شکایات مشتریان در اسرع وقت و جلب رضایت آنان
د) بررسی نظرات مشتریان در جهت بهبود کیفیت تولید
۲) پیاده‌سازی و اجرای نظام کنترل کیفیت و تضمین کیفیت موثر

نقاط ضعف

۱) سکونت کارکنان و کارمندان در شرایط آب و هوایی مخصوص استان خوزستان و عدم رغبت آنان به تداوم کار در آن منطقه به علت فقدان تسهیلات لازم
۲) کمبود خوراک پروپیلن برای واحد پلی‌اتیلن که برنامه‌ریزی و اقدامات لازم برای تولید آن درحال انجام است
۳) مشکلات یوتیلیتی در منطقه با توجه به پیش‌بینی احداث شرکت پتروشیمی فجر ۲، جهت تامین نیازهای یوتیلیتی از قبیل هوای ابزار دقیق، آب کولینگ، برق و ازت که هنوز بخشی از این شرکت به بهره‌برداری نرسیده است
۴) ضعف در مقابله با مشکلات ناشی از رطوبت بالای منطقه مخصوصا در ماه‌های گرم که باعث کاهش راندمان سیستم شود
۵) عدم پیشرفت در زنجیره محصول و اکتفا به تولید محصولات اولیه پلیمری
۶) عدم شفافیت در وضعیت نیروها باتوجه به خصوصی شدن شرکت

فرصت‌ها

۱) سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پتروشیمی یا صنایع پایین‌دستی
۲) امکان توسعه مشارکت از طریق جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی
۳) امکان رقابت بیشتر با دیگر شرکت‌هایی که نوع خوراک آن گازی نیست
۴) بررسی کشف محصولات پلیمری وارداتی که در شرکت‌های داخلی تولید نمی‌شوند و اقدام به تولید آنها در جهت خودکفایی و رقابت در عرصه‌های بین‌المللی
۵) عرضه محصولات در بورس کالای ایران و تعیین قیمت در بازار رقابتی
۶) ورود در عرصه‌های پشتیبانی صنایع پلیمری مثل تولید رنگ‌ها، مستربچ و...
۷ـ ارزش افزوده بالای محصولات این شرکت
۸) وجود بازارهای بزرگ داخلی و خارجی
۹) دسترسی بازارهای دنیا از طریق آب‌های آزاد
۱۰) افزایش تنوع در بسته‌بندی‌ها و نوع حمل و نقل (کیسه‌های ۲۵ کیلوگرمی، جامبو، تانکر، Seabulk)
۱۱ـ تنوع‌پذیری مشتریان
۱۲) رشد صنایع پایین‌دستی در صنعت پتروشیمی
۱۳) وجود پتروشیمی‌ها همجوار با نیازمندی‌ها و امکانات متفاوت
۱۴) وجود سرویس‌های جانبی متمرکز در منطقه
۱۵) موقعیت مکانی شرکت در مناطق ویژه اقتصادی

تهدیدها

۱) وجود تحریم‌های بین‌المللی و قوانین محدودکننده که می‌تواند در زمینه‌های زیر محدودیت ایجاد نماید:
الف ـ دسترسی به منابع مالی بین‌المللی
ب ـ اخذ تکنولوژی روز دنیا از شرکت‌های برتر در سطح جهان
ج ـ تأمین تجهیزات خاص
د ـ تأمین مواد ضروری همچون کاتالیست‌های مورد نیاز برای بعضی از محصولات
۲) حضور رقابتی قدرتمند خارجی در منطقه با امکانات و شرایط محیطی و سیاسی مساعدتر
۳) عدم ثبات در قوانین و مقررات کشوری
۴) روش‌های عرضه داخلی محدود با توجه به عملکرد بورس کالای ایران
۵) نگرانی در تأمین آب مورد نیاز از طرف شرکت‌های تأمین‌کننده
۶) عدم سیاست‌گذاری برنامه‌ریزی شده و با ثبات جهت تولید خوراک در واحدهای بالادست صنعت پتروشیمی
۷) عدم شفافیت در امور صادرات و واردات مواد پلیمری و تأثیر تولیدکنندگان کشورهای همسایه چون عربستان
۸) اجرای طرح هدفمندکردن یارانه‌ها و تغییرات آن
۹) تلاش رقبای خارجی برای ساخت محصولات جدیدتر با توجه به دسترسی آسان آنها در کسب منابع مالی و همچنین بازارهای اروپا
۱۰) مقررات زیست محیطی
۱۱) آزادسازی نرخ خوراک
۱۲) طولانی بودن فرآیند تأمین قطعات، لوازم جانبی.

شرکت پتروشیمی مارون (سهامی عام)
گزارش فعالیت و وضع عمومی شرکت برای سال منتهی به ۳۰ اسفند ۱۳۹۱
صورت سود و زیان شرکت اصلی

	سال ۱۳۹۱ میلیون ریال	سال ۱۳۹۱ میلیون ریال	سال ۱۳۹۰ میلیون ریال
فروش خالص		۲۹,۷۷۱,۷۰۳	۱۵,۵۶۱,۸۳۴
بهای تمام شده کالای فروش رفته		(۸,۲۰۰,۸۶۳)	(۵,۶۲۶,۵۶۳)
سود ناخالص		۲۱,۵۷۰,۸۴۰	۹,۹۳۵,۱۸۱
هزینه‌های فروش، اداری و عمومی	(۸۹۴,۸۳۸)		(۳۱۰,۶۸۰)
خالص سایر درآمدها و هزینه‌های عملیاتی	(۳۰۱,۱۱۰)		(۳۰۹,۶۳۴)
		(۱,۱۹۵,۹۴۸)	(۶۲۰,۳۱۴)
سود عملیاتی		۲۰,۳۷۴,۸۹۲	۹,۳۱۴,۸۶۷
هزینه‌های مالی	(۸۳,۱۲۴)		(۵۰,۷۷۹)
خالص سایر درآمدها و هزینه‌های غیرعملیاتی	۲,۷۱۶,۳۶۸		۵۲۶,۴۴۹
		۲,۶۳۳,۲۴۴	۴۷۵,۶۷۰
مالیات		-	-
سود خالص		۲۳,۰۰۸,۱۳۶	۹,۷۹۰,۵۳۷

گردش حساب سود (زیان) انباشته شرکت اصلی

	سال ۱۳۹۱ میلیون ریال	سال ۱۳۹۱ میلیون ریال	(تجدید ارائه شده) سال ۱۳۹۰ میلیون ریال
سود خالص		۲۳.۰۰۸.۱۳۶	۹,۷۹۰,۵۳۷
سود انباشته در ابتدای سال	۱۰.۹۰۰.۵۶۹		۷,۳۳۴,۳۴۲
تعدیلات سنواتی	(۵۷۹.۰۲۳)		-
سود انباشته در ابتدای سال ـ تعدیل شده		۱۰.۳۲۱.۵۴۶	۷,۳۳۴,۳۴۲
سود قابل تخصیص		۳۳.۳۲۹.۶۸۲	۱۷.۱۲۴.۸۷۹
تخصیص سود:			
سود سهام پرداختنی	(۸.۸۰۰.۰۰۰)		(۶.۸۰۰.۰۰۰)
پاداش هیأت‌مدیره	(۴.۵۰۰)		(۳.۳۳۳)
سود تخصیص‌شده طی سال		(۸.۸۰۴.۵۰۰)	(۶.۸۰۳.۳۳۳)
سود انباشته در پایان سال		۲۴.۵۲۵.۱۸۲	۱۰.۳۲۱.۵۴۶

شرکت پتروشیمی مارون (سهامی عام)
گزارش فعالیت و وضع عمومی شرکت برای سال منتهی به ۳۰ اسفند ۱۳۹۱
ترازنامه شرکت اصلی

دارایی‌ها	۱۳۹۱/۱۲/۳۰ میلیون ریال	۱۳۹۰/۱۲/۲۹ میلیون ریال	بدهی‌ها و حقوق صاحبان سهام	۱۳۹۱/۱۲/۳۰ میلیون ریال	(تجدید ارائه شده) ۱۳۹۰/۱۲/۲۹ میلیون ریال
دارایی‌های جاری:			بدهی‌های جاری:		
موجودی نقد	۳،۰۵۲،۷۵۵	۹۵۸،۷۴۴	حساب‌های پرداختنی تجاری	۲،۶۱۴،۴۲۲	۱،۶۴۶،۶۲۹
حساب‌ها و اسناد دریافتنی تجاری	۱۱،۸۴۲،۳۲۵	۵،۱۱۹،۰۷۲	سایر حساب‌ها و اسناد پرداختنی	۴،۷۵۵،۷۷۹	۱،۰۰۸،۳۴۱
سایر حساب‌های دریافتنی	۷،۳۴۸،۱۷۶	۶۶۸،۲۶۹	پیش دریافت فروش محصولات	۳۶۰،۳۴۹	۲۰۰،۷۱۸
موجودی مواد و کالا	۲،۱۹۴،۳۵۴	۱،۳۳۵،۷۳۹	ذخیره مالیات	۱۰۰،۰۰۰	۵۷۹،۰۲۳
پیش پرداختها	۶۷۴،۴۹۰	۸۹۹،۵۴۲	تسهیلات مالی دریافتی	—	۶۹۵،۸۲۹
جمع دارایی‌های جاری	۲۵،۱۱۲،۱۰۰	۸،۹۸۱،۳۶۷	جمع بدهی‌های جاری	۷،۸۳۰،۵۵۰	۴،۱۳۰،۵۴۰
دارایی‌های غیرجاری:			بدهی‌های غیرجاری:		
دارایی‌های ثابت مشهود	۸،۴۵۶،۰۵۶	۸،۶۶۶،۲۶۶	اسناد پرداختنی بلندمدت	۲۷،۳۶۹	۵۴،۷۳۷
دارایی‌های نامشهود	—	۲،۲۷۴	تسهیلات مالی دریافتی بلندمدت	—	۶۲۳،۵۷۷
سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت	۳،۰۴۶،۰۹۲	۱،۶۴۲،۴۰۳	ذخیره مزایای پایان خدمت کارکنان	۸۳،۴۷۹	۶۳،۱۴۸
سایر دارایی‌ها	۲۵۲،۳۳۲	۳۰۱،۲۳۸			
جمع دارایی‌های غیرجاری	۱۱،۷۵۴،۴۸۰	۱۰،۶۱۲،۱۸۱	جمع بدهی‌های غیرجاری	۱۱۰،۸۴۸	۷۴۱،۴۶۲
			جمع بدهی‌ها	۷،۹۴۱،۳۹۸	۴،۸۷۲،۰۰۲
				۴،۰۰۰،۰۰۰	
			حقوق صاحبان سهام:		
			سرمایه (۴۰۰۰میلیون سهم ۱۰۰۰ ریالی تماماً پرداخت شده)	۴،۰۰۰،۰۰۰	۴،۰۰۰،۰۰۰
			اندوخته قانونی	۴۰۰،۰۰۰	۴۰۰،۰۰۰
			سود انباشته	۲۴،۵۲۵،۱۸۲	۱۰،۳۲۱،۵۴۶
			جمع حقوق صاحبان سهام	۲۸،۹۲۵،۱۸۲	۱۴،۷۲۱،۵۴۶
جمع دارایی‌ها	۳۶،۸۶۶،۵۸۰	۱۹،۵۹۳،۵۴۸	جمع بدهی‌ها و حقوق صاحبان سهام	۳۶،۸۶۶،۵۸۰	۱۹،۵۹۳،۵۴۸

شرکت گاز استان فارس

مناقصه عمومی دو مرحله‌ای شماره K-۹۲-۸۸ براساس مجوز شماره ۱۲۴۱۷۱

بدینوسیله از کلیه کارخانجات، تولیدکنندگان و فروشندگان واجد شرایط که دارای استانداردهای مورد تایید مربوطه می‌باشند، جهت شرکت در مناقصه دعوت بعمل می‌آید.

۱ـ موضوع مناقصه: خرید ۱۸ عدد بال ولو (Ball Valve) در سایزهای مختلف
۲ـ مناقصه‌گزار: شرکت گاز استان فارس به نشانی شیراز ـ بلوار رحمت حدفاصل بلوار سفیر جنوبی و پل عدالت امور کالای گاز استان فارس ـ شماره تلفن ۸۳۴۲۲۳۴ و ۸۲۴۰۶۷۵-۰۷۱۱ و نمابر ۸۲۴۴۸۳۳
۳ـ نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: میزان سپرده شرکت در مناقصه مبلغ ۱۲۲،۰۰۰،۰۰۰ ریال که می‌بایست به صورت ضمانتنامه معتبر به مناقصه‌گزار تحویل گردد.
۴ـ نوع و مبلغ تضمین پیش‌پرداخت: ۲۵٪ مبلغ قرارداد با اخذ ضمانت‌نامه معتبر بانکی ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ نفوذ قرارداد قابل پرداخت خواهد بود.
۵ـ مهلت و محل دریافت اسناد مناقصه: متقاضیان می‌توانند از تاریخ درج آگهی به مدت ۷ روز از تاریخ درج آگهی نوبت اول و حداکثر، تا تاریخ ۹۲/۰۴/۰۵ جهت دریافت اسناد مناقصه به آدرس مندرج در بند۲ مراجعه و یا نامه اعلام آمادگی خود را به این شرکت نمابر نمایند. و حداکثر دو هفته پس از تاریخ فوق‌الذکر نسبت به تحویل مدارک پیشنهادی اقدام نمایند.
۶ـ زمان و محل گشایش پیشنهاد قیمت: حداکثر سه ماه پس از تاریخ وصول پیشنهادها و در محل دفتر مرکزی شرکت مناقصه‌گزار
توجه: در صورت تغییر احتمالی در زمان گشایش پیشنهادها تاریخ قطعی اعلام خواهد شد.
۷ـ سایر مدارک مورد نیاز: ۱ـ تصویر اساسنامه و آخرین آگهی تغییرات شرکت ۲ـ سوابق کاری همراه با تائیدیه‌های لازم.
۸ـ هزینه‌های مربوط به چاپ فراخوان به عهده برنده/ برندگان مناقصه می‌باشد.
۹ـ در صورت عدم مطابقت مشخصات فنی اعلام شده توسط پیشنهاددهنده با مشخصات اعلام شده شرکت گاز، حسب بررسی سوابق و مدارک و نظر کمیته فنی و بازرگانی، شرکت گاز استان فارس در رد یا قبول پیشنهادها مختار خواهد بود.
۱۰ـ متقاضیان می‌توانند از طریق سایت‌های www.shana.ir, www.nigc-fars.ir و www.iets.mporg.ir (کد فراخوان ۱,۳۲۹,۵۶۶) جهت دریافت اطلاعات مربوطه اقدام نمایند.
۱۱ـ مناقصه‌گران بایستی محصولات خود را به سایت اطلاع‌رسانی ملی کالا و خدمات به آدرس www.irancode.ir معرفی و کد مربوطه را دریافت نمایند.

روابط عمومی شرکت گاز استان فارس
تاریخ نشر آگهی نوبت یک: ۹۲/۳/۲۹
تاریخ نشر آگهی نوبت دو: ۹۲/۰۴/۰۱

شرکت مخابرات استان فارس

تجدید آگهی مناقصه شماره ۹۲/۲

شرکت مخابرات استان فارس در نظر دارد نسبت به خرید ۴ قلم کابل فیبرنوری به شرح ذیل براساس استاندارد شرکت مخابرات ایران و مشخصات موجود در اسناد از طریق مناقصه عمومی به صورت صددرصد ریالی و با رعایت قانون حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی و اجرایی کشور به صورت یکجا یا جداگانه اقدام نماید. لذا از کلیه تامین کنندگان حقوقی داخلی واجد شرایط دعوت به عمل می‌آید پس از نشر آگهی در ساعات اداری به اداره خرید و قراردادهای این شرکت واقع در خیابان قصردشت نبش خیابان ولی‌عصر(عج)- ساختمان مرکزی شرکت مخابرات استان فارس- طبقه اول(تلفن: ۶۱۱۲۰۷۸-۰۷۱۱) مراجعه و ضمن واریز مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ ریال(دویست هزار ریال) به حساب شماره ۱۵۶۷۸۹۱۰۰۵ و کدشناسه۲۴۰۰۴۸۰۵۰۸۱۲۲ بانک ملت شعبه سراسری جام، اسناد مناقصه را دریافت و پس از بررسی کامل با توجه به مفاد آن و تاریخ‌های ذیل، کلیه صفحات اسناد مذکور را مهر و امضاء نموده و به همراه پیشنهاد قیمت خود حداکثر تا ساعت ۱۵:۰۰ روز شنبه مورخ ۹۲/۴/۸ به نشانی مذکور واحد دبیرخانه تحویل و رسید دریافت نمایند، سایر اطلاعات و جزئیات مربوط به مناقصه در اسناد درج شده است.
ضمنا اسناد مناقصه بر روی پرتال این شرکت (WWW.SHIRAZTEL.CO.IR) به صورت رایگان قابل دسترس می‌باشد

ردیف	نوع کابل	متراژ
۱	کابل فیبر نوری NZ 6 *12کانالی	۶۰۰۰۰متر
۲	کابل فیبر نوری NZ8*6 کانالی	۵۰۰۰۰متر
۳	کابل فیبر نوری NZ8*6 خاکی	٤٠٠٠٠متر
٤	کابل فیبر نوری NZ6*4 خاکی	۵۰۰۰۰متر

۱- مبلغ سپرده شرکت در مناقصه: ۱/۲۵۹/۷۹۳/۰۰۰ ریال
۲- تاریخ شروع فروش اسناد: از تاریخ انتشار آگهی
۳- تاریخ پایان فروش اسناد: تا ساعت ۱۵:۰۰ روز شنبه مورخ ۹۲/۴/۸
۴- زمان نهایی تحویل پاکت‌ها: حداکثر تا آخر وقت اداری روز شنبه مورخ ۹۲/۴/۸
۵- تاریخ بازگشایی پاکت‌های الف و ب: روز یکشنبه مورخ ۹۲/۴/۹ ساعت ۱۴:۰۰ اتاق کمیسیون معاملات
۶- تاریخ بازگشایی پاکت‌های ج: روز یکشنبه مورخ ۹۲/۴/۱۶ ساعت ۱۴:۰۰ اتاق کمیسیون معاملات
- پیشنهاد دهنده، مکلف است معادل مبلغ سپرده، تضمین‌های معتبر مطابق مقررات تسلیم و یا مبلغ مذکور را به صورت ضمانتنامه بانکی و یا چک بانکی تضمینی در وجه شرکت مخابرات استان فارس تهیه و ضمیمه پیشنهاد خود ارائه نماید.
تذکر: به پیشنهادهای فاقد سپرده، سپرده مخدوش، سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و یا فاقد امضاء، مشروط، مخدوش و پیشنهادهایی که بعد از مدت مقرر واصل شود مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

شرکت مخابرات استان فارس
WWW.SHIRAZTEL.CO.IR

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده
شرکت ارتباطات جامع نوین سهامی خاص ثبت شده به شماره ۱۸۲۲۸۴

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت ارتباطات جامع نوین (سهامی خاص) دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت که راس ساعت ۹ صبح روز دوشنبه ۱۳۹۲/۴/۱۰ در نشانی تهران خیابان پاسداران، خیابان شهید گل‌نبی خیابان شهید ناطق‌نوری، نبش کوچه رفیق دوست پلاک ۳۹، طبقه سوم تشکیل می‌گردد، حضور به هم رسانند.
دستور جلسه: انتخاب اعضای هیئت مدیره

هیئت مدیره شرکت ارتباطات جامع نوین

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی و فوق‌العاده شرکت تولیدی اتصالات لوله یزد (سهامی خاص) به شماره ثبت ۳۵۲۴۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۸۶۶۹۷

بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام دعوت می‌نماید تا در مجمع عمومی عادی و فوق‌العاده شرکت تولیدی اتصالات لوله یزد (سهامی خاص) به شماره ثبت فوق که رأس ساعت ۱۰ صبح روز ۹۲/۴/۲۳ در محل قانونی شرکت واقع در تهران ـ خیابان آزادی ـ شماره ۲۳۵ تشکیل خواهد یافت حضور به هم رسانند.
دستور جلسه: ۱ـ استماع گزارش هیئت‌مدیره و بازرسین شرکت در خصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۹۱/۱۲/۳۰
۲ـ اتخاذ تصمیم در مورد ادامه فعالیت و یا انحلال شرکت طبق ماده ۱۱ بند ۲ اساسنامه

هیئت مدیره
شرکت تولیدی اتصالات لوله یزد (سهامی خاص)

آگهی مناقصه شماره ۹۲/۴

موضوع مناقصه: عبارت است از طراحی و خرید و نصب و راه‌اندازی تعداد ۹ دستگاه رپیتر(۴ دستگاه SHIFTING و ۵ دستگاه CHANNEL) در سطح استان خراسان جنوبی طبق شرایط منضم به طرح قرارداد
-شرط تهیه اسناد: کلیه شرکتهای واجد شرایط با واریز مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ ریال به حساب سیبای شماره ۰۱۰۶۰۳۴۳۹۸۰۰۱ بانک ملی می‌توانند در مناقصه شرکت نمایند.
- مهلت تهیه اسناد: از مورخ ۹۲/۳/۲۹ تا پایان وقت اداری ۹۲/۴/۸ و تحویل اسناد پایان وقت اداری مورخ ۹۲/۴/۱۹ و بازگشائی پاکت‌ها مورخ ۹۱/۴/۲۳
- تضمین: تضمین شرکت در مناقصه مبلغ ۱۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به صورت ضمانتنامه بانکی و یا چک بانکی تضمینی و یا واریز نقدی به حساب سیبای بانک ملی به شماره ۰۱۰۶۰۳۴۳۹۸۰۰۱ به نام مخابرات خراسان جنوبی می‌باشد.
- محل تهیه اسناد: بیرجند- بلوار پاسداران- میدان جانبازان- شرکت مخابرات خراسان جنوبی- اتاق شماره ۱۲۴- تلفن تماس ۴۴۴۵۴۴۴-۰۵۶۱ و فاکس ۴۴۲۴۰۰۴-۰۵۶۱
- اسناد مناقصه در سایت اینترنتی شرکت مخابرات خراسان جنوبی به آدرس: www.tci-sk.ir قابل رویت می‌باشد.
- این شرکت در رد یک یا تمامی پیشنهادها مختار است.

شرکت مخابرات خراسان جنوبی

آگهی دعوت

مجمع عمومی عادی سالانه **شرکت سهامی خاص تولیدی و شیمیایی روناس** ثبت شده به شماره ۱۹۶۳۰ با شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۵۱۷۷۰ ساعت ۱۰ صبح روز شنبه ۱۳۹۲/۴/۱۵ در محل شرکت تشکیل می‌گردد.
از کلیه صاحبان سهام دعوت می‌شود در روز و ساعت مقرر حضور به هم رسانند.
دستور جلسه:
۱. استماع گزارش هیئت مدیره و بازرسان در مورد عملکرد سال ۱۳۹۱ ۲. تصویب ترازنامه عملکرد سال ۱۳۹۱ ۳. اخذ تصمیم در مورد سود و زیان سال ۱۳۹۱ ۴. دادن مفاصاحساب به هیئت‌مدیره نسبت به سال ۱۳۹۱ و سال‌های قبل از آن ۵. انتخاب هیئت‌مدیره و بازرسان ۶. تعیین روزنامه کثیرالانتشار و سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی باشد.

هیئت‌مدیره
شرکت تولیدی و شیمیایی روناس (سهامی خاص)

آگهی دعوت سهامداران شرکت کرانه تجارت بین‌الملل (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۲۲۵۶۷۴ جهت تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده که در ساعت ۱۴ مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۱۰ در محل دفتر مرکزی واقع در خیابان جمهوری بین فخررازی و دانشگاه پلاک ۱۰۰۷ طبقه۴ تشکیل می‌گردد، حضور به هم رسانند.
دستور جلسه:
۱ـ افزایش سرمایه

هیئت مدیره
شرکت کرانه تجارت بین‌الملل (سهامی خاص)

شرکت آب و فاضلاب منطقه ۶ شهر تهران

آگهی مناقصه عمومی (دو مرحله‌ای) ویژه اعتبارات جاری به شماره ۹۲/۱۵

۱ـ موضوع مناقصه: نصب و تغییرات انشعابات آب مشترکین به تعداد ۲۴۹۵ فقره در اقطار ۱/۲ الی ۲ اینچ و همچنین ساخت و نصب پلاک آب به تعداد ۴۰۰۰ عدد در محدوده تحت پوشش ۱۷ شهریور شرکت آب و فاضلاب منطقه شش شهر تهران.
۲ـ نام دستگاه مناقصه‌گزار: شرکت آب و فاضلاب منطقه شش شهر تهران.
۳ـ مهلت خرید و محل دریافت اسناد مناقصه: متقاضیان شرکت در مناقصه می‌توانند حداکثر تا **ساعت ۱۵ روز شنبه مورخ ۹۲/۴/۸** با واریز مبلغ ۲۱۲،۰۰۰ ریال به حساب جاری ۴۲۱۹۲۷۷۹/۴۱ بانک ملت شعبه شهری در وجه شرکت آب و فاضلاب منطقه شش شهر تهران و معرفی‌نامه معتبر به دبیرخانه این شرکت به نشانی تهران ـ شهری ـ خیابان ۲۴ متری (زکریای رازی) مراجعه و نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند.
۴ـ محل اعتبار: از محل اعتبارات جاری شرکت
۵ـ برآورد اولیه مناقصه و مدت اجرای کار: مبلغ کل برآورد اولیه مناقصه به عدد ۱،۶۴۹،۴۵۰،۰۰۰ ریال ـ ۱۲ ماه شمسی.
۶ـ مبلغ سپرده شرکت در مناقصه: به میزان ۸۲،۴۷۲،۵۰۰ ریال و به یکی از انواع ذیل می‌باشد: ضمانتنامه بانکی و یا واریز نقدی به حساب جاری ۴۲۱۹۲۷۷۹/۴۱ بانک ملت شعبه شهری واریز و یا چک بانکی تضمینی به نام شرکت آب و فاضلاب منطقه شش شهر تهران تهیه و ضمیمه پیشنهاد به دستگاه مناقصه‌گزار تسلیم نماید.
به پیشنهادهای فاقد سپرده، سپرده‌های مخدوش، سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۷ـ مهلت و محل تحویل پیشنهاد: تا پایان وقت اداری **روز چهارشنبه مورخ ۹۲/۴/۱۹** دبیرخانه شرکت آب و فاضلاب منطقه شش شهر تهران.
۸ـ زمان گشایش پاکت‌های (الف، ب): ساعت ۱۰ صبح روز شنبه مورخ ۹۲/۴/۲۲
۹ـ شرایط اختصاصی شرکت در مناقصه:
تنها اشخاص حقوقی حق شرکت در مناقصه را دارند.
۱۰ـ برنده مناقصه بعد از ارزیابی کمیته فنی و بازرگانی و بررسی پیشنهادهای واصله مشخص می‌گردد.
۱۱ـ سایر اطلاعات و مدارک مورد نیاز مربوطه، در اسناد مناقصه مندرج می‌باشد.
۱۲ـ هزینه درج آگهی در یک نوبت به عهده برنده مناقصه می‌باشد و کمیسیون در رد تمام یا قبول هر یک از پیشنهادها مختار است و مبلغ پرداختی بابت خرید اسناد قابل استرداد نمی‌باشد.
نشانی سایت ملی مناقصات: http://iets.mporg.ir
۱۳ـ برای کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۵۵۹۰۳۰۸۵ تماس حاصل نمایید.

امور بازرگانی و قراردادها
شرکت آب و فاضلاب منطقه شش شهر تهران

شرکت آب و فاضلاب منطقه ۶ شهر تهران

آگهی مناقصه عمومی (دو مرحله‌ای) ویژه اعتبارات جاری به شماره ۹۲/۱۴

۱ـ موضوع مناقصه: نصب و تغییرات انشعابات آب مشترکین به تعداد ۲۱۰۷ فقره در اقطار ۱/۲ الی ۲ اینچ و همچنین ساخت و نصب پلاک آب به تعداد ۴۰۰۰ عدد در محدوده تحت پوشش ناحیه خانی‌آباد شرکت آب و فاضلاب منطقه شش شهر تهران.
۲ـ نام دستگاه مناقصه‌گزار: شرکت آب و فاضلاب منطقه شش شهر تهران.
۳ـ مهلت خرید و محل دریافت اسناد مناقصه: متقاضیان شرکت در مناقصه می‌توانند حداکثر تا **ساعت ۱۵ روز شنبه مورخ ۹۲/۴/۸** با واریز مبلغ ۲۱۲،۰۰۰ ریال به حساب جاری ۴۲۱۹۲۷۷۹/۴۱ بانک ملت شعبه شهری در وجه شرکت آب و فاضلاب منطقه شش شهر تهران و معرفی‌نامه معتبر به دبیرخانه این شرکت به نشانی تهران ـ شهری ـ خیابان ۲۴ متری (زکریای رازی) مراجعه و نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند.
۴ـ محل اعتبار: از محل اعتبارات جاری شرکت
۵ـ برآورد اولیه مناقصه و مدت اجرای کار: مبلغ کل برآورد اولیه مناقصه به عدد ۱،۶۲۶،۷۵۰،۰۰۰ ریال ـ ۱۲ ماه شمسی.
۶ـ مبلغ سپرده شرکت در مناقصه: به میزان ۸۱،۳۳۷،۵۰۰ ریال و به یکی از انواع ذیل می‌باشد: ضمانتنامه بانکی و یا واریز نقدی به حساب جاری ۴۲۱۹۲۷۷۹/۴۱ بانک ملت شعبه شهری واریز و یا چک بانکی تضمینی به نام شرکت آب و فاضلاب منطقه شش شهر تهران تهیه و ضمیمه پیشنهاد به دستگاه مناقصه‌گزار تسلیم نماید.
به پیشنهادهای فاقد سپرده، سپرده‌های مخدوش، سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۷ـ مهلت و محل تحویل پیشنهاد: تا پایان وقت اداری **روز چهارشنبه مورخ ۹۲/۴/۱۹** دبیرخانه شرکت آب و فاضلاب منطقه شش شهر تهران.
۸ـ زمان گشایش پاکت‌های (الف، ب): ساعت ۹:۳۰ صبح روز شنبه مورخ ۹۲/۴/۲۲
۹ـ شرایط اختصاصی شرکت در مناقصه:
تنها اشخاص حقوقی حق شرکت در مناقصه را دارند.
۱۰ـ برنده مناقصه بعد از ارزیابی کمیته فنی و بازرگانی و بررسی پیشنهادهای واصله مشخص می‌گردد.
۱۱ـ سایر اطلاعات و مدارک مورد نیاز مربوطه، در اسناد مناقصه مندرج می‌باشد.
۱۲ـ هزینه درج آگهی در یک نوبت به عهده برنده مناقصه می‌باشد و کمیسیون در رد تمام یا قبول هر یک از پیشنهادها مختار است و مبلغ پرداختی بابت خرید اسناد قابل استرداد نمی‌باشد.
نشانی سایت ملی مناقصات: http://iets.mporg.ir
۱۳ـ برای کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۵۵۹۰۳۰۸۵ تماس حاصل نمایید.

امور بازرگانی و قراردادها
شرکت آب و فاضلاب منطقه شش شهر تهران

آگهی مناقصه

شرکت سیمان بجنورد در نظر دارد طراحی، تأمین و اجراء سیستم آتش‌نشانی و اطفاء حریق مخازن ذخیره سوخت مازوت کارخانه را از طریق مناقصه عمومی و بر اساس شرایط مندرج در اسناد مناقصه به پیمانکار ذیصلاح واگذار نماید.
لذا بدینوسیله از کلیه اشخاص حقوقی که دارای سوابق معتبر و امکانات مکفی و قابل قبول در زمینه فوق می‌باشند دعوت به عمل می‌آید جهت دریافت اسناد مناقصه از تاریخ درج آگهی به مدت ۱۵ روز به آدرس‌های ذیل مراجعه نمایند:
آدرس کارخانه سیمان بجنورد: کیلومتر ۳۷ جاده بجنورد شیروان
آدرس دفتر مرکزی: تهران ـ خیابان استاد مطهری ـ خیابان میرعماد ـ کوچه چهاردهم ـ پلاک ۱۶ ـ دفتر مرکزی شرکت سیمان بجنورد. تلفن ۸۸۷۵۹۵۷۱ -۰۲۱
ضمناً جهت کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۲۲۳۴۹۹۶-۰۵۸۴ تماس حاصل فرمایید.

واحد بازرگانی شرکت سیمان بجنورد

تعداد اوراق مشارکت فرابورس افزایش یافت

رییس اداره نظارت بازار فرابورس از گشایش نماد اوراق مشارکت شهرداری دزفول خبر داد و گفت: معاملات این اوراق با نرخ سود علی الحساب سالانه ۲۰درصد از اول تیر در بازار ابزارهای نوین مالی انجام می‌شود.

افسانه اروجی با اعلام این خبر افزود: در پی موافقت فرابورس با پذیرش اوراق مشارکت شهرداری دزفول در بازار ابزارهای نوین مالی و پذیره نویسی ۶۰۰ میلیارد ریال از طریق شعب بانک شهر در ۲۷اسفند سال ۹۱، معاملات دست دوم اوراق از اول تیر در این بازار آغاز می شود.وی با اشاره به با نام و قابل معامله بودن اوراق در فرابورس تصریح کرد: نرخ سودعلی الحساب سالانه این اوراق ۲۰درصد است وبه مدت چهار سال هر سه ماه یک بار توسط شرکت سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه پرداخت می شود.

به گفته اروجی کارمزد معاملات دست دوم اوراق بر اساس نرخ‌های کارمزد فرابورس از خریداران و فروشندگان دریافت می‌شود.وی خاطر نشان کرد: خرید اوراق با داشتن کد معاملاتی فعال انجام شده و تمام سرمایه‌گذاران با مراجعه به شبکه کارگزاری فرابورس می‌توانند اوراق را به قیمت اسمی هر ورقه یک میلیون ریال خریداری کنند.از سوی دیگر مدیر عامل شرکت پالایشگاه نفت بندرعباس با ارسال نامه‌ای به بورس در خصوص آیین نامه اجرایی بند سه قانون بودجه سال ۹۱ شفاف سازی کرد.

مدیر عامل شرکت اصل چهل و چهاری پالایشگاه بندرعباس که شرکت تحت مدیریتش به منظور تعدیل مثبت از ۲۹ اردیبهشت تاکنون بسته است و علیرغم اعلام تعدیل ۵۰ درصدی سود در سال ۹۱، هنوز نماد آن مورد بازگشایی قرار نگرفته است، با ارسال نامه‌ای به بورس در مورد آیین‌نامه اجرایی بند سه قانون بودجه سال ۹۱ شفاف سازی کرد.هاشم نامور در این نامه گفت:پیرو نامه مدیر هماهنگی بودجه و سرمایه گذاری معاونت برنامه ریزی و نظارت بر منابع هیدروکربری وزارت نفت مبنی بر عدم تاثیر خذف تبصره یک ماده هفت آیین نامه اجرایی بند سه قانون بودجه سال ۹۱ کل کشور موضوع تصویب نامه هیات وزیران در نحوه و مبنای تعیین میزان یارانه قابل پرداخت به شرکت‌های پالایشی ایفا می شود.مضافا سود هر سهم که طی صورت‌های مالی سال ۹۱ ارائه و تاکنون انتشار نیافته است به قوت خود باقی و تغییری نخواهد داشت. لذا کسر مبلغ ۱۷۴ ریال از سود سال مالی ۹۱ این شرکت کاملا منتفی و کن لم یکن تلقی می شود.آیین نامه اجرایی بند سه قانون بودجه سال ۹۱ توسط مدیر هماهنگی بودجه و سرمایه گذاری معاونت برنامه ریزی وزارت نفت به شرکتهای ملی پخش و ۹ شرکت پالایشگاهی ارسال شده است.

بازار در یک نگاه

جدول شاخص‌های بورس

عنوان شاخص	مقدار	بیشترین	کمترین	تغییر	درصد
شاخص کل	٤٨٧٨٣	٤٨٧٩٥/٣	٤٨٥٢٦/١	٤٤٩/٧	٠/٩٣
شاخص ۳۰شرکت بزرگ	٢٤٧١	٢٤٧١/٦	٢٤٤٧/٩	٤٤/٥	١/٨٣
شاخص آزادشناور	٥٧٠٠٦/١	٥٧٠٠٧/٦	٥٦٦١٧/٨	٨١١/٦	١/٤٤
شاخص بازاراول	٣٧٩٧٤/١	٣٧٩٧٩/٣	٣٧٦٠٠/٧	٥٧٩	١/٥٥
شاخص بازاردوم	٨٥٤٨٣/١	٨٦٠١١/٣	٨٥٤٨٣/١	(٣٥٩/١)	(٠/٤٢)
شاخص صنعت	٤٢١٠٦/٨	٤٢١٤١/١	٤١٩٦٧/٥	٢٥٧/٢	٠/٦١

آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (سه شنبه ۹۲/۳/۲۸)

مجموع حجم معاملات	١/٩٠٦/٣١٧/٧٤٥ میلیون سهم
مجموع ارزش معاملات	٦/٣٠٧/٧٥١ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	٥٢١٢٥ معامله
ارزش بازار	٢/٣٢١/٦٤٣ میلیارد ریال

رشد معاملات سلف در بورس کالا

در حالی ۱۳۶ هزار تن انواع محصولات فولادی در بورس کالای ایران مورد معامله قرار گرفت که تولیدکنندگان ورق‌های فولادی شاهد تامین مالی ۲۳۰۰ میلیاردی از طریق معاملات سلف بودند.

به گزارش ایسنا در تالار محصولات صنعتی و معدنی، شرکت فولاد مبارکه اصفهان، معامله ۱۷ هزار و ۵۰ تن ورق گرم Cرا به قیمت ۱۶ هزار و ۲۷۷ ریال و به صورت سلف روی تابلوی معاملات ثبت کرد.

این شرکت همچنین، ۱۱ هزار و ۹۹۰ تن ورق گرم Bرا به قیمت ۱۶ هزار و ۸۹ ریال و به صورت سلف معامله کرد. علاوه بر این، ۱۸۰۰ تن ورق سرد B، ۱۴۵۰تن ورق گالوانیزه Gو ۲۵۰ تن ورق قلع‌اندود شرکت فولاد مبارکه اصفهان بصورت سلف به فروش رفت. این در حالی است که معامله ۱۰۳ هزار و ۵۰ تن انواع ورق فولادی شرکت فولاد مبارکه اصفهان در خارج از بورس به صورت سلف در سیستم معاملات مچینگ ثبت شد. از دیگر محصولات فولادی معامله شده می‌توان به ۹۹۰ تن سبد میلگرد ۱۴-A3-۲۵شرکت فولاد صنعت بناب به قیمت ۱۷ هزار و ۸۵۰ ریال اشاره کرد.

در مجموع در تالار محصولات صنعتی و معدنی بورس کالای ایران ۱۳۷ هزار و ۸۸۰ تن انواع کالا به ارزش بیش از ۲۳۸۵ میلیارد ریال توسط مشتریان خریداری شد.

دلایل افزایش بی‌سابقه شاخص های بورس تهران



یک کارگزار بورس علت افزایش بی سابقه بورس تهران و هجوم سهامداران به خریداری سهام شرکت‌های بورسی را تشریح کرد و گفت: در صورت لغو تحریم‌ها شاخص بورس به ۷۰ هزار واحد هم می رسد.

حسین خزلی خرازی مدیر عامل کارگزاری بانک تات(در حال تبدیل به آینده) در گفتگو با ایسنا، علت رکوردشکنی‌های شاخص بورس را تشریح کرد و توضیح داد:همه اذعان دارند که اقتصاد کشور ذاتا از لحاظ درونی مشکلی ندارد و اگر بپذیریم که بزرگ‌ترین بنگاه‌های اقتصادی شامل پالایشگاه‌ها، پتروشیمی‌ها، سنگ آهنی‌ها، فولادی‌ها و بخش‌های ساختمانی و ۹۰ درصد بنگاه‌های سیمانی در بورس حضور دارند، همه این بنگاه‌ها ذاتا تولیدکننده هستند و فروش و صادرات مطلوبی در سال ۹۱ داشته و برای سال ۹۲ پیش بینی‌های خوبی ارائه کرده‌اند.

وی افزود:در این میان فقط صنعت خودرو در کشور به دلیل رشد تمام شده قیمت خودرو و نبود امکان واردات، با مشکلاتی در سال گذشته مواجه بوده است ولی غیر از آن تمام صنایع بورسی از وضع مطلوبی برخوردار بوده‌اند.

وی مشکل اول کشور را روابط بین الملل و تحریم‌ها دانست و بیان کرد:انتظاری که فعالان بازار سرمایه دارند و احساسی که در این دو روز داشته‌اند این است که با این انتخاب، مشکلات روابط بین‌الملل به سمت مطلوبی پیش رود لذا اگر مشکلات روابط بین‌الملل کاهش یابد، تمام شرکت‌ها و بنگاه‌ها می‌توانند فروش‌های خوبی داشته باشند و حاشیه سود بیشتری کسب کنند.

این فعال با سابقه بورس تهران اضافه کرد:این در حالی است که ممکن است انتظار بازار هیجانی باشد ولی مبتنی بر این تحلیل است که در صورت رفع تحریم‌ها، عمده صنایع بورسی می‌توانند فروش‌های واقعی داشته باشند.به گفته دبیر کل سابق کانون کارگزاران، ممکن است تا ماه آینده میانگین P/Eبازار افزایش یابد ولی این امر مبتنی بر انتظار رشد سودآوری بوده و این رشد واقعی است.

وی در مورد روند افزایشی شاخص بورس گفت:در شرایط مثبت و ایده آل و لغو تحریم‌ها شاخص بورس تهران تا پایان امسال به ۷۰ هزار واحد می‌رسد همچنین از لحاظ داخلی نیز روی کار آمدن تیم منسجم تر با برنامه‌های جدی تر اقتصادی منجر به افزایش رونق بورس خواهد شد.

به گفته خرازی بازار بورس با بازار سکه و ارز رابطه معکوس دارد به طوری که وقتی احساس مطلوبی در بازار مالی و فضای بین‌المللی وجود داشته باشد، سرمایه‌گذاران به سمت دارایی مالی و سرمایه گذاری واقعی جذب می شوند.

این کارگزار بورس تهران انتظارات بورس از دولت آینده را تشریح کرد و گفت: بر اساس سیاست کلی نظام قرار است تامین مالی جهت رشد اقتصادی هشت درصدی در سال توسط بازار سرمایه انجام شود که امیدواریم بنگاه‌های اقتصادی عمده نیاز خود را برای رشد تولید از طریق بازار سرمایه انجام دهند.

وی انواع ابزار تامین مالی در بورس را تشریح کرد و گفت: مهم‌ترین این ابزارها افزایش سرمایه در بورس، انتشار انواع اوراق بدهی در بورس، صکوک، گواهی سپرده، معاملات سلف و نسیه در بورس کالا است که می‌تواند انواع ابزار تامین مالی در چهار بورس فعال در کشور باشد زیرا باید بتوانیم از این طریق، ۴۰درصد منابع مورد نیاز برای رشد اقتصادی هشت درصدی را از طریق بورس فراهم کنیم.

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
مخابرات ایران	۱,۹۴۵	(۲۸)
بیمه البرز	۴,۹۹۸	۷
کابل البرز	۲,۱۹۳	۸۴
ایران ترانسفو	۲,۶۷۳	۱۰۲
پارس‌سویچ	۲,۷۴۰	۶۲
موتوژن	۶,۲۵۵	۲۴۰
صنایع‌جوشکاب‌یزد	۲,۹۷۷	۱۱۴
کارخانجات تولیدی شهید قندی	۲,۸۰۸	۱۰۸
گسترش نفت و گاز پارسیان	۸,۶۹۰	۶
بیمه پارسیان	۱,۹۲۹	۷۴
درخشان تهران	۴,۳۵۲	(۱۸۰)
سرمایه گذاری پردیس	۱,۷۲۱	۶۶
گروه صنعتی بارز	۶,۵۸۷	(۲۷۴)
ح . گروه صنعتی بارز	۴,۷۷۲	۲۱
تراکتورسازی‌ایران	۲,۶۱۰	۱۰۰
پمپ سازی ایران	۲,۵۷۶	۹۹
تولیدتجهیزات‌سنگین‌هپکو	۹۵۰	(۹)
ماشین‌سازی‌نیرومحرکه	۹۸۳	۳۷
گسترش‌صنایع‌وخدمات‌کشاورزی	۳,۳۲۱	۱۲۷
کمباین سازی ایران	۸۰۳	(۴)
تکنوتار	۲,۸۸۰	(۹۴)
توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۱,۳۱۴	۵۰
بین‌المللی‌توسعه‌ساختمان	۱,۶۵۶	(۶۹)
سخت آژند	۱,۷۵۸	(۷۳)
سامان گستراصفهان	۱,۲۴۳	(۲۵)
سرمایه گذاری شاهد	۱,۶۰۵	(۴۸)
عمران‌وتوسعه‌فارس	۱,۱۹۰	۴
سرمایه‌گذاری مسکن	۱,۶۲۹	۶۲
نوسازی‌وساختمان‌تهران	۳,۲۱۶	(۱۳۴)
افست	۴,۰۸۹	۱۵۷
فیبر ایران	۳,۷۳۶	۱۴۳
کارتن ایران	۲,۷۹۷	(۳۱)
صنایع‌کاغذسازی‌کاوه	۱۰,۰۶۲	۳۸۷
تایدواترخاورمیانه	۴,۷۴۰	۱۲۴
حمل‌ونقل‌توکا	۴,۷۴۰	۱۸۲
حمل و نقل بین المللی خلیج فارس	۱,۱۷۵	(۱)
حفاری شمال	۴,۵۷۲	۱۷۵
کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران	۱,۳۲۷	۵۱
ساپیاآذین	۵۵۴	۲۱
ایران خودرودیزل	۶۵۶	۲۵
گروه‌بهمن	۱,۷۱۸	۶۶
پارس خودرو	۷۳۵	۲۸
ریخته‌گری تراکتورسازی ایران	۷۹۷	۳۰
رادیاتور ایران	۱,۰۸۶	۴۱
قطعات اتومبیل ایران	۱,۲۴۴	۴۷
زامیاد	۸۸۰	۳۳
فنرسازی‌زر	۶۹۶	۳۶
سایپا	۱,۰۹۳	۴۲
الکتریک خودرو شرق	۶۴۸	۲۴
فنرسازی‌خاور	۷۹۰	۳۰
گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۱,۶۸۸	۶۴
لنت ترمزایران	۱,۵۷۳	۶۰
نیرو محرکه	۸۶۹	۳۳
تولیدمحورخودرو	۱,۵۱۲	(۶۲)
مهرکام‌پارس	۶۱۵	۱۹
موتورسازان‌تراکتورسازی‌ایران	۸۵۹	۳۳
مهندسی‌نصیرماشین	۱,۳۷۳	۵۲
محورسازان‌ایران‌خودرو	۵۷۲	۲۲
ایرکا پارت صنعت	۱,۵۹۹	۶۱
سایپا دیزل	۵۷۶	۲۲
داروسازی ابوریحان	۹,۹۲۶	۳۸۱
کارخانجات‌داروپخش	۷,۹۴۶	(۳۳۱)
داروسازی اسوه	۱۳,۵۱۲	(۴۸۲)
البرزدارو	۷,۳۲۱	۲۸۱
بیمه دانا	۶,۷۷۲	(۲۸۲)
پارس دارو	۱۶,۵۵۰	(۴۱۰)
داروسازی جابرابن‌حیان	۳,۴۵۷	(۶۸)
دارویی رازک	۱۸,۰۰۰	(۱۶۶)
گروه دارویی سبحان	۳,۹۵۰	(۴۲)
داروسازی سینا	۹,۳۸۰	۱۷۴
ح . داروسازی سینا	۷,۶۸۰	(۶۶۱)
شیمی داروئی داروپخش	۴,۷۱۴	(۱۹۶)
لابراتوارداروسازی دکترعبیدی	۴,۱۶۰	(۹۳)
داروسازی فارابی	۱۱,۰۰۰	(۵۷)
داروسازی اکسیر	۷,۶۰۲	(۲۸۲)
دارویی لقمان	۲,۸۲۰	۲۸۱
ایران‌دارو	۵,۴۰۰	۱۹۵
داروسازی کوثر	۲,۱۲۰	(۱۸)
خدمات‌انفورماتیک	۱۳,۳۲۷	(۵۵۵)

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
تجارت الکترونیک پارسیان	۶,۳۷۹	(۹۸)
کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۳,۷۴۸	۱۴۴
مدیریت‌پروژه‌های‌نیروگاهی	۳,۳۸۵	۱۳۰
کارت اعتباری ایران کیش	۷,۴۱۵	(۳۰۸)
کشاورزی ودامپروی مگسال	۲۰,۸۷۸	(۸۶۷)
سیمان داراب	۴,۳۹۵	(۱۸۳)
سیمان آرتا اردبیل	۱۷,۱۷۷	(۷۱۵)
سیمان بجنورد	۴,۰۰۰	۷۲
سیمان بهبهان	۳۴,۹۹۰	۷۴۱
سیمان‌سپاهان	۱,۷۹۰	(۷۴)
سیمان تهران	۵,۱۰۹	(۲۱۲)
سیمان خزر	۲,۸۷۵	۱۱۰
سیمان دورود	۱۰,۰۶۰	۳۸۶
سیمان‌شاهرود	۳,۹۴۱	۱۵۱
سیمان شرق	۱,۸۹۸	(۷۹)
سیمان شمال	۲,۷۰۶	(۱۱۲)
سیمان‌اصفهان	۱۹,۲۰۰	۷۱۸
سیمان‌غرب	۷,۲۶۳	(۱۶۲)
سیمان فارس و خوزستان	۲,۵۷۰	(۱۰)
سیمان‌مازندران	۱۴,۸۸۸	(۶۱۹)
سیمان سفیدنی‌ریز	۱۴,۸۶۸	(۶۱۹)
سیمان‌هرمزگان	۱۳,۰۵۰	۵۰۱
سیمان‌هگمتان	۴,۶۵۵	(۱۹۳)
سیمان ایلام	۵,۰۵۰	(۴۹)
سیمان کارون	۵,۸۵۰	۲۵
سیمان کردستان	۱۳,۹۴۴	(۵۸۰)
سیمان کرمان	۷,۷۰۰	(۴۵)
پتروشیمی شازند	۱۲,۹۹۹	(۸۶)
نفت بهران	۲۴,۸۱۱	۹۵۴
پتروشیمی آبادان	۱۲,۳۰۰	۲۲
پتروشیمی پردیس	۱۷,۹۹۰	(۶۸۷)
پلی‌اکریل	۷۱۹	۲۷
پارس پامچال	۱۱,۴۴۵	۴۴۰
پالایش نفت اصفهان	۲۸,۴۶۵	۱,۰۹۴
تهران شیمی	۵,۹۰۹	(۲۴۶)
پتروشیمی خارک	۲۲,۰۸۸	۸۴۹
دوده صنعتی پارس	۱۰,۵۰۰	(۳۸۹)
صنعتی رنگین	۱,۶۲۳	۶۲
صنایع‌شیمیایی‌سینا	۵,۰۸۹	۱۳۱
پتروشیمی‌فارابی	۱۴,۷۸۸	(۶۱۶)
صنایع شیمیایی فارس	۷,۰۵۰	(۲۰۷)
پتروشیمی فناوران	۲۵,۰۴۵	۳,۵۵۴
لعابیران	۶,۴۰۰	۱۳۸
نفت پارس	۱۱,۹۸۹	۴۶۱
پتروشیمی‌شیراز	۶,۶۶۶	۲۵۶
صنایع‌شیمیایی‌ایران	۳۱,۸۹۵	(۳۱۸)
کشت‌وصنعت‌پیاذر	۳,۹۵۰	۵۶
لبنیات‌کالبر	۴,۷۴۳	۱۸۲
بهنوش ایران	۶,۱۲۳	۲۳۵
پارس مینو	۴,۰۳۲	۱۵۵
کشت و صنعت چین چین	۱۱,۴۴۸	۴۴۰
خوراک دام پارس	۱۲,۶۱۰	۴۸۵
دشت مرغاب	۲,۵۰۸	۹۶
سالمین	۷,۷۸۹	۲۹۹
پگاه‌آذربایجان‌غربی	۱,۲۷۴	۴۹
شیرپاستوریزه‌پگاه‌خراسان	۴,۸۱۶	۱۸۵
شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	۵,۶۷۸	۲۱۸
شهد ایران	۳,۱۹۵	۱۲۲
تولیدی‌مهرام	۶,۱۷۳	۲۳۷
صنایع آذرآب	۵,۱۳۷	۱۹۷
ماشین سازی اراک	۲,۸۴۳	۱۰۹
صنایع پتروشیمی خلیج فارس	۹,۷۶۸	(۱۴۵)
کالسیمین	۶,۱۵۲	(۴۸)
مس شهیدباهنر	۳,۲۶۱	۱۲۵
جام‌دارو	۴,۹۵۰	۱۹۰
فولاد امیرکبیرکاشان	۶,۰۴۰	۲۵
فولاد خراسان	۷,۶۶۰	(۱۹۲)
فولاد خوزستان	۳۱,۵۰۰	۱۴۷
فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	۷,۲۰۲	(۲۱)
فروسیلیس ایران	۸,۳۶۷	۳۲۱
ملی سرب‌وروی ایران	۲,۴۲۹	۳۸
لامیران	۲,۸۹۵	۱۱۱
لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۲,۳۹۲	۹۲
آلومراد	۲,۵۰۰	(۴۵)
ملی صنایع مس ایران	۳,۳۶۶	۱۲۹
نورد آلومینیوم	۵,۴۵۸	۲۰۹
نوردوقطعات فولادی	۳,۲۰۸	۱۲۳
فولاد مبارکه اصفهان	۵,۰۲۰	(۲۴)
فولاد آلیاژی ایران	۶,۰۸۸	۲۳۴

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
فولادکاویان	۲,۱۲۵	۸۱
فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	۱۷,۷۹۲	۶۸۴
قند ثابت خراسان	۵,۰۲۴	۱۹۳
کارخانجات قند قزوین	۷,۹۶۶	۳۰۶
قند شیرین خراسان	۴,۹۵۵	۱۹۰
شکرشاهرود	۷,۳۱۷	۲۸۱
قنداصفهان	۳۹,۷۲۱	۱,۵۲۷
قند لرستان	۳۶,۴۲۸	۱,۴۰۱
قند مرودشت	۱۷,۵۸۵	۶۷۶
قندنقش‌جهان	۹,۴۲۰	۱۰۸
قند نیشابور	۵,۵۱۵	۲۱۲
ح . قند نیشابور	۴,۰۲۱	۲۹۷
قندهکمتان	۲۶,۲۹۹	۷۶۲
آبسال	۱,۹۹۰	۷۶
سرما آفرین	۲,۰۶۶	۷۹
داده‌پردازی‌ایران	۳,۷۹۰	(۳)
ایران‌ارقام	۲,۲۳۲	(۸۰)
ایران مرینوس	۷,۵۴۶	۲۹۰
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌آذربایجان	۱,۰۶۰	۲۷
سرمایه گذاری البرز(هلدینگ	۲,۹۶۲	(۴۸)
گروه مدیریت سرمایه گذاری امید	۵,۹۰۰	(۷۱)
بانک انصار	۲,۴۲۰	۹۳
سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۴,۹۰۰	(۵۶)
بانک صادرات ایران	۱,۳۳۱	۵۱
بانک ملت	۱,۵۴۳	۵۹
سرمایه‌گذاری‌بهمن	۱,۲۱۳	۴۶
سرمایه گذاری صنعت بیمه	۱,۱۳۲	۴۳
بانک‌پارسیان	۲,۳۱۲	۸۸
بانک پاسارگاد	۱,۸۳۵	۷۰
داروپخش (هلدینگ	۸,۳۴۸	۳۲۱
پست بانک ایران	۵,۵۷۳	(۲۳۲)
بانک تجارت	۱,۵۹۳	۶۱
توسعه‌شهری‌توس‌گستر	۳,۱۷۲	(۱۳۲)
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۱,۵۷۶	(۳۳)
سرمایه گذاری پارس توشه	۱,۶۵۰	۱۸
توسعه‌صنعتی‌ایران	۱,۵۸۲	۶۰
سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ	۲,۷۸۸	(۱۰۷)
سرمایه‌گذاری رنا(هلدینگ	۸۱۳	۳۱
سرمایه‌گذاری سایپا	۱,۰۲۵	۳۹
سرمایه گذاری ساختمان‌ایران	۲,۸۵۲	۱۰۹
سرمایه‌گذاری سپه	۱,۶۸۲	(۱۱)
بانک سینا	۱,۵۸۲	۶۰
گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۱,۸۲۵	۷۰
سرمایه‌گذاری‌صندوق‌بازنشستگی	۴,۶۰۰	۱۴۴
سرمایه گذاری صنعت ومعدن	۱,۶۱۷	۶۲
سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ	۳,۸۲۰	(۵۳)
لیزینگ رایان سایپا	۱,۳۲۸	۵۱
لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۱,۸۷۹	۷۲
لیزینگ‌خودروغدیر	۷۷۵	۲۹
لیزینگ‌ایران	۱,۷۹۷	۶۹
توسعه‌معادن‌وفلزات	۶,۲۵۱	(۱۲۴)
سرمایه‌گذاری‌ملت	۴۸۸	۱۸
سرمایه‌گذاری صنعت نفت	۱,۳۵۰	۵۱
ح . سرمایه‌گذاری صنعت نفت	۴۱۲	۳۰
بانک‌اقتصادنوین	۲,۹۷۸	۱۱۴
سرمایه‌گذاری‌نیرو	۱,۱۷۵	۴۵
سرمایه‌گذاری ملی‌ایران	۱,۹۱۸	۷۳
بانک کارآفرین	۲,۲۵۸	۸۶
کاشی اصفهان	۱,۴۷۳	۵۶
باما	۸,۵۳۹	(۱۸۶)
معادن بافق	۱۷,۵۰۰	۱۲۰
پشم‌شیشه‌ایران	۴,۸۸۸	۱۸۸
تولیدی کاشی تکسرام	۱,۲۸۵	۳۸
معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۱۱,۴۸۹	۳۶
چینی ایران	۴,۰۰۴	۱۵۴
کاشی وسرامیک حافظ	۲,۲۳۲	۸۵
صنایع‌خاک‌چینی‌ایران	۱۳,۲۵۰	(۱۹۵)
کارخانجات‌تولیدی‌شیشه‌رازی	۱,۶۵۲	۶۳
صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۸,۱۹۵	(۶۶)
توسعه معادن روی ایران	۲,۵۵۵	۹۸
ساپیاشیشه	۸۴۱	۳۲
سرامیک‌های‌صنعتی‌اردکان	۲۷,۸۰۵	(۸۹۳)
فرآورده‌های نسوز پارس	۱,۶۳۹	۶۳
شیشه و گاز	۳,۵۵۰	(۸۴)
معدنی و صنعتی گل گهر	۱۰,۶۸۰	(۲۳۱)
تامین ماسه ریخته‌گری	۲,۷۵۰	۲۲
کاشی نیلو	۱,۷۰۷	۶۵
تولیدی‌گرانیت‌بهسرام	۱,۱۹۷	۴۶
شیشه همدان	۳,۳۴۰	۸

کوتاه از چهار گوشه کشور

انتخاب نماینده مردم ایلام در مجلس شورای اسلامی

ایلام ـ خبرنگار اطلاعات: نماینده مردم ایلام در مجلس شورای اسلامی مشخص شد.

ولی‌الله حیاتی رئیس ستاد انتخابات ایلام در این باره گفت: با اتمام کار شمارش آرا، تکلیف دومین کرسی نمایندگی حوزه انتخابیه ایلام در مجلس شورای اسلامی مشخص شد.

وی گفت: عمران علی‌محمدی با اخذ ۶۵ هزار و ۴۲۳ رأی توانست به عنوان نماینده مردم ایلام به مجلس نهم راه یابد.

مشارکت ۶۲/۷ درصد مردم آذربایجان‌غربی در انتخابات میاندوره‌ای خبرگان رهبری

ارومیه ـ خبرنگار اطلاعات: ۶۲/۷درصد مردم آذربایجان‌غربی (واجدین شرایط) در انتخابات میاندوره‌ای چهارمین مجلس خبرگان رهبری شرکت کردند.

عیسی قنبری معاون سیاسی ـ امنیتی استاندار و رئیس ستاد انتخابات آذربایجان‌غربی با اعلام این خبر افزود: حجت‌الاسلام عسگر دیرباز با کسب ۸۵۸ هزار و ۷۰۳ رأی به عنوان منتخب مردم آذربایجان‌غربی در مجلس خبرگان رهبری انتخاب شد. علی‌نژاد جانشین ستاد انتخابات آذربایجان‌غربی نیز میزان مشارکت مردم آذربایجان‌غربی در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری را ۶۷/۲درصد اعلام کرد و گفت: ۶۲/۹۴ درصد از این آرا به نام رئیس جمهوری منتخب بوده است.

ایجاد مسیر دوچرخه در شهر قزوین

قزوین ـ خبرنگار اطلاعات: کارشناس سازمان حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری قزوین از ایجاد مسیر دوچرخه در محدوده خیابان شهید بابایی تا بوستان باراجین خبر داد.

ابوالفضل صالحی افزود: عملیات اجرایی این پروژه شامل خط‌کشی طولی، خط‌کشی هاشور، اجرای شابلون دوچرخه و علائم نوشتاری دوچرخه است.

وی اعتبار این طرح را ۳۵۰ میلیون تومان اعلام کرد و گفت: اجرای مسیر دوچرخه در بولوار الغدیر (حدفاصل بولوار نوروزیان تا میدان گل‌ها) بولوار ۲۲ بهمن (حدفاصل میدان گل‌ها تا ایران‌دوچرخ)، حدفاصل میدان عدل تا چهارراه عدل، ضلع جنوبی خیابان بوعلی حدفاصل بولوار مدرس تا محور نادری از برنامه‌های آتی سازمان حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری قزوین است.

هدایت آب‌های سطحی شمال بزرگراه تهران ـ زنجان

* پروژه هدایت آب‌های سطحی شمال بزرگراه تهران ـ زنجان با اعتبار یک میلیارد تومان در منطقه ۳ شهرداری قزوین آغاز شد.

مدیر منطقه ۳ شهرداری قزوین گفت: با اجرای این پروژه از جریان سیل هنگام بارندگی شدید و ورود آن به منطقه پونک و مینودر جلوگیری خواهد شد. ناصر گنجی طول این پروژه را ۲۲۰۰ متر اعلام کرد و گفت: با اجرای این پروژه در ظرف مدت ۸ماه آب‌های ناشی از سیلاب وارد کانال می‌شود و به رودخانه وشته هدایت خواهد شد.

وی همچنین از اجرای پروژه آماده‌سازی بولوار ایران با اعتبار ۹۵۰ میلیون تومان خبر داد و افزود: با اجرای این پروژه و بازگشایی خیابان ایران شمالی شهروندان می‌توانند از میدان جانبازان به میدان امیرکبیر در پونک دسترسی راحتی داشته باشند. به گفته گنجی این پروژه در مدت ۱۰ ماه به بهره‌برداری خواهد رسید.

انتصاب در استانداری لرستان

خرم‌آباد ـ خبرنگار اطلاعات: سرپرست جدید معاونت سیاسی ـ امنیتی استانداری لرستان منصوب شد. طی حکمی از سوی استاندار لرستان، سجاد معین به عنوان سرپرست معاونت سیاسی ـ امنیتی استانداری منصوب شد.

معین با حفظ سمت معاونت توسعه مدیریت و منابع انسانی به عنوان سرپرست معاونت سیاسی منصوب شده است.

پیش از این حسن شریعت‌نژاد معاون سیاسی ـ امنیتی استانداری لرستان بود.

افتتاح ۱۸ طرح تولیدی و عمرانی در اردبیل

اردبیل ـ خبرنگار اطلاعات: همزمان با هفته جهادکشاورزی ۱۸ طرح تولیدی و پروژه عمرانی با اولویت بخش‌های توسعه‌ای کشاورزی در استان اردبیل به بهره‌برداری می‌رسد.

عادل عبدایمانی رئیس سازمان جهادکشاورزی استان اردبیل با اعلام این مطلب افزود: با آغاز هفته جهادکشاورزی شاهد برگزاری برنامه‌های مختلفی خواهیم بود که از آن جمله افتتاح ۱۲ طرح تولیدی و پروژه عمرانی است که با ۱۰۶ میلیارد تومان سرمایه‌گذاری در نقاط مختلف استان و با حضور مسئولان ارشد به بهره‌برداری می‌رسد.

توسعه فعالیت‌های اقتصادی نیازمند تأمین زیرساخت‌ها است

قزوین ـ خبرنگار اطلاعات: ایجاد و تقویت زیرساخت‌های لازم برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی ضروری است و باید در اولویت کاری دستگاه‌های مسئول از جمله شهرک‌های صنعتی قرار گیرد.

محمدحسین یزدان‌پناه بازرس کل استان قزوین که در جمع مدیرعامل و کارشناسان شرکت شهرک‌های صنعتی این استان سخن می‌گفت، افزود: بسترسازی مناسب برای ورود آسانتر سرمایه به استان، حمایت واقعی از تولید، سیاستگذاری و ایجاد زیرساخت‌های لازم از مهمترین وظایف و مأموریت‌های شرکت شهرک‌های صنعتی است.

وی تأکید کرد: رفع موانع و مشکلات پیش‌روی توسعه و گسترش صنایع و ارائه خدمات به متقاضیان برای ایجاد واحدهای صنعتی و تولیدی، موجبات رغبت سرمایه‌گذاران و رضایتمندی هرچه بیشتر آنان را در ارتقای بهره‌وری و رشد و شکوفایی اقتصادی فراهم می‌آورد.

بازرس کل استان قزوین مقوله نظارت و بازرسی را امری بدیهی و غیرقابل انکار در تمام سیستم‌ها و دستگاه‌ها دانست و گفت: سازمان بازرسی به عنوان عالی‌ترین ارگان نظارتی در کشور با نگاه نظارت اثربخش و رویکرد پیشگیرانه ناظر بر اجرای صحیح قوانین و حُسن جریان امور در دستگاه‌های اجرایی است.

مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی استان قزوین هم در این نشست با تأکید بر اهمیت مقوله بازرسی گفت: نظارت و بازرسی موجب تقویت خود کنترلی و اصلاح امور می‌شود.

عبدالقهار ناصحی همچنین با ارائه گزارشی از مجموعه اقدام‌ها و فعالیت‌های شرکت شهرک‌های صنعتی استان قزوین و بیان برخی مشکلات موجود اعلام کرد: تعاملات سازنده با دستگاه نظارتی به ویژه در چند سال اخیر و بهره‌گیری از دیدگاه‌های کارشناسان و بازرسان شرکت شهرک‌های صنعتی را در وضع مناسبی برای خدمت‌رسانی قرار داده است.

بهره‌برداری از ۱۲۴ پروژه کشاورزی در سیستان و بلوچستان

زاهدان ـ خبرنگار اطلاعات: همزمان با هفته جهاد کشاورزی بهره‌برداری از ۱۲۴ پروژه کشاورزی در استان سیستان و بلوچستان آغاز شد.

مهندس رضا نجفی رئیس سازمان جهاد کشاورزی سیستان و بلوچستان گفت: این پروژه‌ها شامل ۴۷ پروژه بهبود تولیدات دامی، ۴۰ پروژه آب و خاک و امور فنی ـ مهندسی، ۱۳ پروژه بهبود تولیدات گیاهی، ۱۴ پروژه شیلات، ۹ پروژه منابع طبیعی و آبخیزداری و یک پروژه صنایع کشاورزی با هزینه ۲۰۰ میلیارد ریال است.

وی با اشاره به کلنگ‌زنی فاز ۲ پروژه انتقال آب به روش کم‌فشار در شش ناحیه به وسعت ۲۱۰۰ هکتار در شهرستان هامون، افزود: قدردانی از ۴۰ تولیدکننده برتر بخش کشاورزی، ۹۷ نفر از بازنشستگان و ۱۰۷ نفر از ایثارگران سازمان و ادارات وابسته، صعود با قله تفتان و همایش پیاده‌روی و کوهپیمایی در شهرستان‌ها با حضور همکاران و خانواده‌ها، تجدید میثاق با آرمان‌های شهدا در محل گلزار شهدا و دیدار با خانواده معظم شهدا در استان و شهرستان‌ها از برنامه‌های هفته جهاد کشاورزی است.

مهندس نجفی با اشاره به رشد ۳۵درصدی سطح زیرکشت امسال نسبت به پارسال گفت: تاکنون ۸۰۰۰ تن گندم مازاد بر مصرف کشاورزان خریداری شده است و این طرح تا پایان فصل برداشت گندم در سراسر استان ادامه خواهد داشت.

وی اعلام کرد: یکی از پروژه‌های بسیار مهم که در هفته جهاد کشاورزی به بهره‌برداری می‌رسد، پروژه آبیاری تحت فشار در سطح ۲۷۳۰ هکتار است که با ۱۳میلیارد و ۶۰۰میلیون ریال اعتبار اجرا شد.

به گفته رئیس سازمان جهاد کشاورزی سیستان و بلوچستان ۱۸هزار هکتار از زمین‌های کشاورزی این استان به سیستم‌های نوین آبیاری تحت فشار تجهیز شده است.

او اعلام کرد: در اجرای توسعه بخش کشاورزی سیستان و بلوچستان به ویژه از نیمه دوم سال ۹۱ تاکنون ۱۴۱۲ طرح با اعتبار ۲۲۰۰ میلیارد ریال به تصویب کمیسیون رسیده است که بیش از ۷۰۰میلیارد ریال آن جذب و اجرا شده است.

این طرح‌ها شامل دام و طیور، محصولات باغی و گلخانه‌ای و طرح‌های شیلاتی و آب و خاک است.

وی گفت: سرمایه‌گذار برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مرغداری، شترمرغ و گلخانه تاکنون ۲۴۰ میلیارد ریال اعتبار پیش‌بینی کرده است.

فعالیت ۱۷۸۰ بازرس نظارت در بازار مشهد

مشهد ـ خبرنگار اطلاعات : معاون برنامه‌ریزی و اشتغال استانداری خراسان رضوی گفت: با توجه به نزدیکی ماه مبارک رمضان و آغاز سفرهای تابستانی زائران، وضع بازار استان به ویژه مشهد مقدس به طور پیوسته توسط بازرسان و با همکاری مجامع امور صنفی کنترل می‌شود.

رضا جمشیدی در این باره افزود: طرح ابتکاری نظارت بر بازار، با تصویب کمیسیون تنظیم بازار استان مورد اجرا قرار گرفته است که در آن نظارت، پیش از آغاز طرح کشوری ضیافت اجرا می‌شود.

وی ادامه داد: طرح تشدید نظارت بر بازار از ۲۵ اردیبهشت امسال آغاز شده است و طی آن ۸۰ بازرس سازمان صنعت، معدن و تجارت و نمایندگان اداره کل تعزیرات حکومتی در قالب ۳۵ تیم سیار و همچنین در محل ایستگاه‌های ثابت مواردی چون درج نشدن قیمت، کم‌فروشی، گرانفروشی و احتکار را بررسی می‌کند.

وی اظهار داشت: علاوه بر این ۱۷۰۰ بازرس افتخاری نیز در اجرای این طرح همکاری می‌کنند و عمده نظارت‌ها معطوف به کالاهای اساسی مورد نیاز مردم و زائران از جمله برنج، شکر، گوشت مرغ، گوشت قرمز و روغن خواهد بود.

وی از آغاز طرح توزیع مرغ منجمد در فروشگاه‌های زنجیره‌ای خبر داد و گفت: در این طرح مرغ منجمد با قیمت مصوب ۵۱هزار ریال به مصرف‌کنندگان عرضه خواهد شد.

معاون استاندار خراسان رضوی ادامه داد: محدودیتی برای توزیع مرغ منجمد وجود ندارد و در صورت تقاضا، امکان عرضهٔ آن از طریق تعاونی‌های مصرف فراهم است.

به گفته وی همچنین میزان قابل توجهی برنج، شکر و گوشت قرمز نیز از طریق فروشگاه‌های منتخب در اختیار مردم قرار خواهد گرفت.

جمشیدی افزود: برای تسهیل در دسترسی مردم به کالاهای مورد نیازشان، دو نمایشگاه عرضه مستقیم کالا در نمایشگاه بین‌المللی و نیز خیابان نخریسی مشهد پیش از آغاز ماه مبارک رمضان برپا خواهد شد.

وی تأکید کرد: تمام پیش‌بینی‌های لازم برای تأمین نیاز بازار در ماه‌های آتی انجام شده است و مشکلی درباره ذخیره‌سازی کالاهای اساسی وجود ندارد.

او تأکید کرد: از فرمانداران خواسته شده است با همکاری ادارات و اصناف، نسبت به نظارت بر بازار در شهرستان‌های متبوع خود اهتمام داشته باشند.

افزایش تولید دام و طیور در اردبیل

اردبیل ـ خبرنگار اطلاعات: میزان تولید در بخش طیور با بازسازی و نوسازی ناوگان فرسوده دام و طیور به بیش از ۲۷ هزار تن رسیده است.

عادل عبدایمانی رئیس سازمان جهادکشاورزی استان اردبیل با اعلام این مطلب افزود: ۲۸ درصد واحد طیور در استان اردبیل در مصرف سوخت به مرحله بهینه رسیده‌اند به‌طوری که با کاهش مصرف سوخت یک روند رو به رشد را در بخش افزایش تولید در حوزه دام و طیور شاهد هستیم.

وی به سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در این بخش و افزایش تولید از ۱۸ هزار و ۵۰۰ تن به ۲۷ هزار تن اشاره کرد و یادآور شد: پیش‌بینی می‌کنیم تا پایان امسال این رقم به ۳۵ هزار تن برسد.

رئیس سازمان جهادکشاورزی استان اردبیل در ادامه سخنانش از اعطای تسهیلات کم بهره بانکی برای طرح‌های توسعه بخش کشاورزی خبر داد و گفت: بیش از ۲۰۰۰ میلیارد تومان از محل صندوق توسعه ملی در اختیار مهندسان بخش کشاورزی قرارگرفته است تا با تامین نقدینگی بتوانند واحدهای تولیدی خود را افزایش دهند.

وی افزود: در استان اردبیل با ریاست استاندار اردبیل و دبیری جهادکشاورزی تصویب و عملیاتی شدن این طرح در دستور کار قرارگرفته به طوری که ۲۸۰۰ طرح با اشتغالزایی ۴۰۰۰ نفر و پرداخت ۱۵۰ میلیارد تومان تسهیلات کم بهره در اختیار فعالان این بخش قرارگرفته است.

رئیس سازمان جهادکشاورزی استان اردبیل از جذب نیروهای فارغ‌التحصیل دانشگاهی در بخش کشاورزی خبرداد و افزود: ۱۲۶ تعاونی مهر برای فارغ‌التحصیلان کشاورزی تشکیل شده که درکنار آن برای ۸۵ تعاونی نیز موافقت اصولی صادر شده است.

عبدایمانی به افزایش کیفی تولیدات بخش کشاورزی اشاره‌کرد و افزود: با همکاری ۱۶ کلینیک گیاه‌پزشکی و ۱۶۳ فارغ‌التحصیل این بخش شبکه مراقبت و طرح‌های نوین در افزایش کیفی محصولات در ۷۶ هزار هکتار در مرحله اجرا است. وی ادامه داد: با استفاده از حشرات مفید که جایگزین خوبی برای سموم شیمیایی و کودهاست مبارزه بیولوژیک در ۱۸ هزار هکتار درحال انجام است.

رئیس سازمان جهادکشاورزی استان اردبیل اضافه‌کرد: برای نخستین بار در ۳۳ هکتار مبارزه نوین در اراضی سیب‌زمینی و بیش از ۲۰۰۰ هکتار مبارزه با آفات به شکل بیولوژیک درحال انجام است.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی : ertebat@ettelaat.com

بقیه از صفحه ۱۳

هزینه گزاف تغییر کاربری زمین

شهرداری تهران برای تغییر کاربری هر متر مربع زمینی که در سال ۸۶ به وسیله شرکت تعاونی مسکن کارگری در ناحیه۲ منطقه۵ خریداری شده است، ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان مطالبه می‌کند. آیا این کار با هدف مسئولان که جلوگیری از گران شدن مسکن است، مغایرت ندارد؟

شهروند تهرانی

تأخیر در ساخت کمربندی

پس از گذشت ۶ سال از شروع عملیات احداث جاده کمربندی گالیکش (استان گلستان)، هنوز این جاده آماده نشده است. از مسئولان استان سئوال می‌کنیم که عملیات ساخت این کمربندی کی به اتمام می‌رسد؟

گالیکش ـ عطار

با سیب‌زمینی ۲ هزار تومانی چه کنیم؟

گرانی بی‌رویه میوه باعث شده است بسیاری از مردان سرپرست خانواده نتوانند آن را تهیه کنند و شرمنده زن و فرزندان خود باشند! حال میوه نمی‌خوریم، اما رسیدن قیمت سیب زمینی که خوراک اصلی فقرا است به کیلویی ۲۰۰۰ تومان را دیگر چه کنیم!؟

همدان ـ از اهالی

مقاوم‌نبودن ساختمان‌های طرح نواب!

در مناظره انتخاباتی ۱۰ خرداد۹۲ که از تلویزیون پخش شد، یکی از نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری اعلام کرد که ساختمان‌های مسکن مهر مقاوم نیستند و پس از مدتی باید از نو ساخته شوند! به ایشان عرض می‌کنم که ساختمان‌های طرح نواب که ۲۰ سال پیش به وسیله شهرداری و با هزینه گزاف ساخته شده نیز در حال خراب‌شدن است و نمای بیرونی و مقاومت درونی آن‌ها در حال از بین رفتن است!

خانم ساکن در ساختمان‌های طرح نواب

تقاضا از ضمیمه خانواده روزنامه اطلاعات

از مسئولان روزنامه اطلاعات تقاضا می‌کنم در ضمیمه خانواده به ۳ پرسش من پاسخ دهند. علت تغییر رنگ ناخن‌ها و پدیدارشدن خطوط تیره رنگ در ناخن دست و پا چیست؟ طرز پیوند درخت پسته و زمان مناسب آن را بیان کنند و طرز تهیه پنیر پیتزا را بنویسند.

سنندج ـ خواننده روزنامه اطلاعات

عدم رعایت نظافت در پیاده‌رو

در خیابان شریعتی روبروی ایستگاه متروی صدر، باشگاه شهید چمران قرار دارد که دارای سالن‌های سینما و رستوران است. متأسفانه پیاده‌رو مقابل این باشگاه با وجود داشتن چند کارگر همیشه کثیف و پر از آشغال است و باعث به خطر افتادن بهداشت عمومی می‌شود. از شهرداری منطقه تقاضا می‌شود برای رعایت بهداشت به این باشگاه تذکر لازم را بدهند.

از اهالی محل

تهیه روزنامه‌های تاریخ گذشته

به عنوان خواننده روزنامه اطلاعات، روزنامه‌های تاریخ گذشته مانند روزنامه ۷ خرداد۹۲ را چگونه می‌توانم تهیه کنم؟

خواننده روزنامه اطلاعات

خط ارتباطی: نسخه روزنامه‌های تاریخ گذشته را می‌توان از تک‌فروشی روزنامه اطلاعات واقع در بزرگراه شهید حقانی، نبش خیابان نفت جنوبی تهیه کرد و جهت هماهنگی نیز با شماره تلفن ۲۹۹۹۳۴۱۱ تماس گرفت.

افزایش ظرفیت پذیرش کارشناسی ارشد

چندی قبل مسئولان وزارت علوم اعلام کردند که ظرفیت پذیرش کنکور کارشناسی ارشد را ۱۷ درصد افزایش داده‌اند، اما بعد مشخص شد که این افزایش ظرفیت متعلق به دانشگاه‌های غیرانتفاعی است که در این صورت باید گفت این افزایش ظرفیت برای داوطلبانی که امکان تحصیل در دانشگاه‌های غیرانتفاعی را به دلیل هزینه بالای مالی ندارند، مشکلی را حل نخواهد کرد.

سنندج ـ داوطلب کنکور کارشناسی ارشد

اخبار کوتاه شهرستان

واگذاری ۳۰۰۰ واحد مسکونی اطراف حرم امام رضا(ع) به مردم

مشهد ـ خبرنگار اطلاعات: سخنگوی سازمان مجری طرح نوسازی و بهسازی بافت پیرامون حرم مطهر رضوی گفت: ۳۰۰۰ واحد مسکونی ثامن در اطراف حرم امام رضا(ع) به مردم واگذار می‌شود.

عباسعلی رشید با بیان این که در همسایگی امام رضا(ع) بودن موهبتی است که آرزوی بیشتر مردم کشور است، افزود: در همین زمینه طرح مسکن ثامن برای پاسخگویی به این نیاز ایجاد شد.

وی ادامه داد: استقبال از خرید آپارتمان‌های موجود در اطراف حرم چشمگیر بود به طوری که در مراحل اجرای این طرح، حدود ۳۰۰۰ نفر این آپارتمان‌ها را پیش خرید کردند.

او تأکید کرد: این آپارتمان‌ها به صورت واحدهای ۶۵ مترمربعی است که ساخت و واگذاری آن در سال ۹۱ به پایان رسیده است.

رشید افزود: بیشترین افرادی که این آپارتمان‌ها را خریداری کرده‌اند، از شهرهای دیگر ایران به جز مشهد هستند.

وی یادآور شد: این واحدها در حال واگذاری به افراد است و اجرای این طرح موجب برآورده شدن آرزوی مردم کشور برای برخوردار شدن از آپارتمانی در مجاورت حرم امام رضا(ع) شد.

آماده‌سازی پروژه راه آهن گرگان- بجنورد

بجنورد ـ خبرنگار اطلاعات: پروژه راه آهن بجنورد به زودی با حضور رئیس جمهوری کلنگ زنی می‌شود

استاندار خراسان شمالی در بازدید از پروژه راه آهن گرگان-بجنورد-مشهد، این پروژه را بزرگترین پروژه تاریخ انقلاب در خطه خراسان شمالی نام برد که بزودی با حضور رئیس جمهوری کلنگ زنی می‌شود.

محمود احمدی بیغش، با حضور در محل اجرای پروژه راه آهن بجنورد به مشهد از نزدیک در جریان روند آماده سازی بسترهای اجرای این پروژه عظیم قرار گرفت.

وی در بازدید پروژه مذکور گفت: رئیس جمهوری هیچ پروژه‌ای را که تا پایان دولت دهم به بهره برداری نرسد کلنگ زنی نمی کند اما این موضوع به دلیل اهمیت ویژه آن، عملیاتی می‌شود.

وی اضافه کرد: چند ماه پیش عملیات اجرایی قطعه‌ای دیگر از این پروژه در همین مسیر توسط قرارگاه خاتم آغاز شده و در حال اجرا است.

وی اعلام کرد: این پروژه به صورت فاینانس، با اعتبار ۱۵۰۰ میلیارد تومان و عاملیت یکی از بانک‌ها آغاز می‌شود و تا ابتدای سال ۹۶ به بهره برداری خواهد رسید.

علی استیری، معاون شرکت مسکن آستان قدس و مدیر اجرایی این قطعه از پروژه راه آهن مذکور نیز در توضیحی دراین زمینه گفت: تفاهمنامه همکاری آن منعقد شده است و ۳۰۲ کیلومتر ریل گذاری خواهد شد.

صدور الکترونیکی پروانه بهره‌برداری در کرمان

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: نخستین پروانه بهره‌برداری بند «ب» دفاتر خدمات مسافرتی استان کرمان به صورت الکترونیکی صادر شد.

معاون گردشگری اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان با اشاره به راه‌اندازی سامانه الکترونیکی صدور مجوز گردشگری گفت: این سامانه به صورت الکترونیکی مجوز و پروانه بهره‌برداری دفاتر خدمات مسافرتی را در اختیار متقاضیان بخش گردشگری استان کرمان قرار می‌دهد.

محمدحسین تجلی افزود: متقاضیان با داشتن مدارک مورد نیاز این سایت می‌توانند مجوز مورد نظر را در ۲ ماه دریافت کنند.

وی یادآور شد: با توجه به تعداد آثار تاریخی و گردشگری استان کرمان، راه‌اندازی سایت‌های گردشگری به معرفی و شناساندن این آثار کمک شایانی می‌کند.

به گفته او استان کرمان ۱۲۲ دفتر خدمات مسافرتی، ۲۶ هتل، ۳۲ مهمانپذیر و ۱۱۶ واحد پذیرایی و تفریحی دارد.

گلکاری فضای سبز قزوین

قزوین ـ خبرنگار اطلاعات: طرح گلکاری تابستانی در سطح ۴۰هزار مترمربع از فضای سبز شهر قزوین در دست اجرا است.

مدیرعامل سازمان پارک‌ها و فضای سبز قزوین گفت: عملیات گلکاری هر سال در دو مرحله و در سطح ۸۰هزار مترمربع اجرا می‌شود.

سیدمهدی کاظمی با اشاره به وجود ۵۸هزار مترمربع سطح زیر کشت گل‌های دائمی، پوششی و درختچه‌های زینتی در بوستان‌ها، میادین و لچکی‌های فضای سبز شهر، افزود: گلکاری فصلی نیز در کنار گلکاری دائمی هر سال در دو مرحله انجام می‌شود که با توجه به ظرافت و وجود گل‌های رنگارنگ، زیبایی و طراوت ویژه‌ای به سیمای شهر می‌بخشد.

آمادگی صنعتگران و تجار منطقه آزاد اروند برای حضور در بازار عمان

خرمشهر ـ خبرنگار اطلاعات: صنعتگران و تجار منطقه آزاد اروند برای حضور در بازار عمان اعلام آمادگی کردند.

مهدی نیک‌پی مدیرعامل سازمان منطقه آزاد اروند در نشست میز کشور عمان که با حضور مسئولان سازمان توسعه تجارت ایران و صنعتگران شهرهای آبادان، خرمشهر برگزار شد، با بیان مطلب بالا افزود: این نشست با دو هدف عمده بررسی مشکلات و موانع صدور کالا به کشور عمان و همچنین ارائه راهکارهای اجرایی برای حضور در بازار این کشور برگزار شد.

وی افزود: همچنین اعلام آمادگی بیش از پیش صنعتگران و تجار برای معرفی پتانسیل‌ها و امکانات موجود در کشور عمان برای حضور در نمایشگاه توانمندی‌های صادراتی در این کشور از دیگر اهداف برگزاری نشست بود. او یکی از مهمترین مشکلات در جهت پیشبرد مناسبات اقتصادی با کشور عمان را عدم استفاده مطلوب از توان و پتانسیل انجمن‌های تولیدی، صادراتی و فنی مهندسی دانست و گفت: از دیگر مشکلات حمل کالاهای صادراتی توسط لنجداران و عدم اطلاع‌رسانی و تبلیغات مناسب از تولیدات ایرانی در کشور عمان است.

وی در ادامه سخنانش نداشتن شناخت کافی تجار، بازرگانان، فعالان و سرمایه‌گذاران عمانی با تولیدات و توانایی صادراتی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری جمهوری اسلامی ایران را یکی دیگر از ضعف‌های موجود دانست.

رئیس هیأت‌مدیره سازمان منطقه آزاد اروند به تشریح راهکارهای اجرایی برای بهبود و حضور پررنگ در کشور عمان پرداخت و گفت: فعال‌کردن رایزن‌های بازرگانی دو کشور و ارتباط آنها با تجار، بازرگانان و همچنین اعزام و پذیرش هیأت‌های تجاری به صورت ملی و استانی با رویکرد صادراتی و سرمایه‌گذاری در بهبود روابط اقتصادی با این کشور مؤثر است.

نیک‌پی اعطای یارانه حمل و نقل به کشتیرانی برای حمل محصولات صادراتی به کشور عمان و توسعه همکاری مناطق آزاد ایران و عمان را راهی مناسب برای ورود به بازار این کشور دانست و افزود: با فعال‌کردن شورای مشترک بازرگانان دو کشور تقویت همکاری‌های دوطرف در حوزه صیادی و شیلات باتوجه به پتانسیل‌های موجود، فعال‌سازی شعب بانک‌ها برای نقل و انتقال وجوه و برگزاری نمایشگاه‌های اختصاصی و حضور فعال در نمایشگاه‌های تخصصی عمان می‌توان روابط اقتصادی دو کشور را توسعه داد.

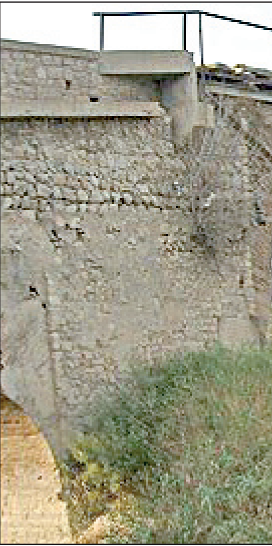
در این جلسه که به مدت ۲ ساعت به طول انجامید، تجار، بازرگانان و صنعتگران به اعلام دیدگاه‌ها و سئوالات خود در زمینه کشور عمان پرداختند.

به گزارش روابط‌عمومی و امور بین‌الملل منطقه آزاد اروند، رئیس اداره خلیج‌فارس سازمان توسعه تجارت ایران گفت: باتوجه به روابط سیاسی بسیار خوب بین دو کشور جمهوری اسلامی ایران و عمان، این پتانسیل برای فعالان حوزه تجارت و اقتصاد با تلاش بیشتر وجود دارد تا سطح مبادلات تجاری و اقتصادی بین دو کشور نیز ارتقا پیدا کند.

فرزاد پیل تن افزود: میزان سطح روابط تجاری بین دو کشور ۲۵۰ میلیون دلار در سال است که ۱۷۰ میلیون دلار آن مربوط به صادرات ما به عمان است و بقیه آن نیز واردات ما از این کشور را تشکیل می‌دهد.

او گفت: ما در حوزه‌های مختلف صدورکالا از جمله مواد غذایی، کالاهای صنعتی و الکترونیکی به این کشور پتانسیل صادرات را داریم و بخشی از این پتانسیل‌ها نیز تحقق پیدا کرده است. وی همچنین در زمینه صدور خدمات فنی و مهندسی به کشور عمان گفت: فعالیت‌های خیلی خوبی از جانب شرکت‌های ایرانی در زمینه تأسیس نیروگاه، پالایشگاه، جاده‌سازی، توسعه باندهای فرودگاهی و سیستم‌های آب و فاضلاب در عمان در حال انجام است و در زمینه معادن و صنعت نفت و گاز هم جمهوری اسلامی ایران این ظرفیت را دارد که در کشور عمان حضور داشته باشد.

پایان فاز ۲ مرمت پل تاریخی خان مرودشت



شیراز ـ خبرنگار اطلاعات: فاز ۲ مرمت بخش‌هایی از پل تاریخی خان در مرودشت فارس به پایان رسید.

قدرت‌الله تاج‌بخش، سرپرست اداره کل میراث فرهنگی فارس با اعلام مطلب بالا افزود: عملیات مرمت این اثر ارزشمند تاریخی که از ماه‌های آغازین سال ۹۱ شروع شده بود، هم اکنون به پایان رسیده است.

او افزود: این عملیات شامل مرمت و بازسازی طاق‌های آجری جناقی دهانه دوم و سوم پل و همچنین مرمت نمای بخش‌های سنگی و آجری دهانه‌های پل مذکور بوده است.

وی با اشاره به این مطلب که مرمت این پل تاریخی با اختصاص ۶۳۹ میلیون ریال اعتبار انجام گرفته است، گفت: پل تاریخی خان در نزدیکی مرودشت و بر سر راه شیراز ـ اصفهان روی رودخانه کر بنا شده و از آثار دوره صفویه است که بین سال‌های ۱۰۲۱ تا ۱۰۴۳ هـ.ق توسط امام قلی خان حکمران فارس و فرزند الله‌وردی خان سردار محبوب شاه عباس اول ساخته شده است.

او اضافه کرد: انتخاب محل ساخت پل با دقت و دانش بسیاری صورت گرفته است به طوری که پایه‌های پل روی بستر صخره‌ای رودخانه‌ای قرار دارد و همین امر باعث استحکام و ماندگاری پل در طول چند قرن گذشته شده است.

سرپرست اداره کل میراث فرهنگی فارس همچنین گفت: پل خان دارای پنج دهانه است که سه دهانه شمالی بزرگ‌تر و دو دهانه جنوبی کوچک‌تر است.

طول پل قدیم ۱۰۱ متر و عرض آن حدود ۵ متر بوده، طاق دهانه بزرگ وسط پل برآمده و عرض پل در این قسمت بیش از ۵/۷ متر است. ارتفاع پل در دهانه وسطی بیش از ۱۳ متر است و پایه‌های پل از سنگ‌های تراشیده و ملات ساروج ساخته شده و از استحکام بسیاری برخوردار است. روی این پایه‌ها، طاق‌هایی با قوس جناغی برپا شده است.

پل خان به شماره ۹۲۹ در فهرست میراث ملی ایران به ثبت رسیده است.

نماینده مردم تنکابن، عباس آباد و رامسر انتخاب شد

تنکابن ـ خبرنگار اطلاعات: شمس‌الله شریعت‌نژاد به عنوان نماینده منتخب مردم تنکابن، عباس‌آباد و رامسر به مجلس شورای اسلامی راه یافت. دکتر سیدابراهیم هاشمی فرماندار ویژه تنکابن با بیان این که از مجموع ۱۴۸ هزار و ۶۰۸ رأی ماخوذه، شمس‌الله شریعت‌نژاد با ۵۲ هزار و ۸۵ رأی به عنوان نماینده مردم تنکابن، رامسر و عباس‌آباد در مجلس شورای اسلامی انتخاب شد، افزود: پس از وی غلامرضا مشایخی با ۴۱هزار و ۳۷۶ رأی، جمیشد حجتی‌نیا با ۲۵ هزار و ۸۴۸ رأی، علی پورآهنگریان با ۱۷ هزار و ۶۰۵ رأی، سید عباس موسوی با ۸۹۰۲ رأی و ابوالفضل رمضانی با ۲۷۹۲ رأی از راهیابی به بهارستان بازماندند. هاشمی گفت: انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه تنکابن، رامسر و عباس‌آباد با نظر شورای نگهبان در مرحله نخست باطل شده بود.

نتایج آرای منتخب شورای شهر تنکابن

نتایج چهارمین دوره انتخابات شورای شهر تنکابن نیز اعلام شد.

به گفته ابراهیم هاشمی، در انتخابات شورای اسلامی شهر تنکابن، عبدالناصر حیدری ۳۹۳۰ رأی، علیرضا فلاحتکار ۳۸۵۲ رأی، تقی پزشکی ۳۸۰۹ رأی، یاسر گلیج ۳۵۱۵ رأی، کامبیز گلیجانی مقدم ۳۲۱۱ رأی، مصطفی شاپوری ۲۸۹۵ رأی، جلال نوری‌زاده ۲۷۳۰ رأی کسب کردند و راهی پارلمان محلی شدند. بنابر این گزارش، جهانبخش پورآهنگریان و ابراهیم عاطف و عبدالعلی نیکفرجام نیز به عنوان اعضای علی البدل انتخاب شدند. فرماندار ویژه تنکابن در پایان از حضور مردم در پای صندوق‌های رأی قدردانی کرد.

بهره‌برداری از ۵ طرح مهر ماندگار منابع آب خراسان شمالی

بجنورد ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای خراسان شمالی از بهره‌برداری پنج طرح مهر ماندگار مدیریت منابع آب استان در دولت نهم و دهم خبر داد و گفت: بخش اصلی کار اجرایی پنج طرح مدیریت منابع آب این استان در زمره طرح‌های مهر ماندگار پایان یافته و این طرح‌ها آماده بهره‌برداری است.

مهندس علیرضا عامری افزود: این پنج طرح شامل طرح بزرگ آبرسانی به شهر بجنورد از سد شیرین دره، طرح آبرسانی به اسفراین از سد اسفراین، طرح آبرسانی به شهرهای گرمه و جاجرم، سد گلول و شبکه آبیاری پایاب سد شیرین دره است.

وی مجموع اعتبار هزینه شده برای اجرای این ۵ طرح را حدود ۲۱۵۰ میلیارد ریال اعلام کرد.

ارسال طرح توجیهی منطقه‌ویژه‌اقتصادی قوچان به‌شورای‌هماهنگی‌مناطق آزاد کشور

مشهد ـ خبرنگار اطلاعات: فرماندار قوچان از ارسال طرح توجیهی منطقه ویژه اقتصادی این شهرستان به شورای هماهنگی مناطق آزاد کشور خبر داد.

اسماعیل حیدری آزاد اظهار داشت: در دور چهارم سفرهای استانی، هیات وزیران با توجه به موقعیت جغرافیایی ویژه قوچان به عنوان دروازه ارتباطی ایران با کشورهای آسیای مرکزی، ظرفیت مراکز آموزش عالی و جمعیت جوان متخصص با ایجاد منطقه ویژه اقتصادی موافقت شد.

وی ادامه داد: با پیگیری‌های به عمل آمده، کارشناسان شورای هماهنگی مناطق آزاد کشور در بازدیدی از منطقه و پس از بررسی مدارک و مستندات، طرح پیشنهادی را ارائه کردند و این طرح برای طی سایر مراحل اداری به هیات دولت و مجلس شورای اسلامی ارائه شده است. وی همچنین به دیگر مصوبه سفر چهارم هیات دولت به استان خراسان رضوی از آغاز اجرای پروژه کنارگذر جنوبی شهرستان قوچان در آینده‌ای نزدیک خبر داد و اظهار داشت: با پیگیری‌های استانداری، با جذب ۱۰ میلیارد ریال از اعتبارات سال مالی ۹۰ و ۳۰ میلیارد ریال از اعتبارات سال مالی ۹۱ بزودی شاهد تجهیز کارگاه برای آغاز به کار این پروژه خواهیم بود.

فرماندار قوچان اظهار داشت: این کنارگذر به طول ۱۵ کیلومتر در چهار قطعه و با اعتبار ۳۰۰ میلیارد ریال اجرایی خواهد شد.

تدوین سند امر به معروف و نهی از منکر در ایلام

ایلام ـ خبرنگار اطلاعات: سند امر به معروف و نهی از منکر در ایلام تدوین شد.

فرمانده سپاه امیرالمومنین(ع) ایلام گفت: این نظام‌نامه و سند در راستای احیای امر به معروف و نهی از منکر در استان ایلام تدوین شده است.

سردار سیدصادق کاکی در نشست اعضای ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان ایلام افزود: این نظام‌نامه در کارگروه‌های مختلف ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان ایلام تدوین شده است.

وی سپس از اعضای ستاد امور به معروف و نهی از منکر استان ایلام خواست پس از مطالعه این سند نظرات کارشناسی و اصلاحی خود را به دبیرخانه ستاد ارسال کنند. او افزود: این سند و نظام‌نامه با استفاده از نظرات اعضای ستاد اصلاح و تدوین نهایی می‌شود.

آیت‌الله محمدنقی لطفی نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه ایلام نیز در این نشست تأکید کرد: اعضای ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر باید شناسایی شوند و اولویت‌بندی منکرات در استان را در دستور کار خود قرار دهند. وی افزود: مقابله با منکرات و جلوگیری از نهادینه شدن منکرات که با باورهای دینی مردم در تضاد است، در دستور کار قرار دارد.

در ادامه محمود عباس‌زاده مشکینی استاندار ایلام با اشاره به تدوین سند امر معروف و نهی از منکر در استان، افزود: تهیه این سند با استفاده از سازوکار مناسب ضروری است. در ادامه این نشست اعضای ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان ایلام پیرامون موضوع‌های مطروحه به بحث و تبادل نظر پرداختند.

تبریز در تدارک برگزاری چهارمین دوره مسابقات ملی مهارتی و روباتیک

تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: چهارمین دوره مسابقات ملی مهارتی و رباتیک ۲۱ و ۲۲ شهریور به میزبانی مرکز علمی ـ کاربردی خانه کارگر تبریز برگزار می‌شود.

دبیر اجرایی و مجری طرح‌های آموزشی خانه کارگر تبریز هدف از برگزاری این مسابقات را ایجاد محیطی علمی و رقابتی در راستای بروز خلاقیت‌های دانشجویان و پیشرفت علم روباتیک، تشویق و حمایت از دستاوردهای شرکت کنندگان، گسترش علم و فناوری و ایجاد زمینه ارتباط صنعت و دانشگاه اعلام کرد و گفت: دانش و فناوری و روباتیک با هدف راحتی انسان و صرفه‌جویی در وقت، کاهش هزینه‌ها، افزایش کیفیت و افزایش بهره‌وری پدید آمده است و به عنوان یکی از دستاوردها و علوم جدید دانش بشری به شمار می‌رود.

حاج کریم صادق‌زاده علم و دانش و پژوهش را از اصلی‌ترین عوامل پیشرفت کشور دانست و اظهار امیدواری کرد این دوره از مسابقات محیطی مناسب برای ارائه و تبادل دستاوردهای علمی در زمینه‌های علم روباتیک باشد. وی با اشاره به نیاز فزاینده کشور برای استفاده از روبات‌ها در عرصه‌های مختلف صنعتی، نظامی، پزشکی، اجتماعی افزود: خانه کارگر تبریز به منظور معرفی هر چه بیشتر این علم با مشارکت و همکاری ۲۰ مرکز دولتی و خصوصی برگزاری چهارمین دوره این مسابقات را در دستور کار خود قرار داده است.

به گفته صادق‌زاده این دوره از مسابقات در رشته‌های تعقیب خط ساده، تعقیب خط ویژه و روبات‌های آتش نشان، مین‌یاب خودکار و مسیریاب نوین (رالی سرعت) برگزار خواهد شد. وی یادآور شد: علاقه‌مندان به شرکت در این دوره از مسابقات تا ۱۵ تیر فرصت دارند با مراجعه به سایت http://whrobocup.ir اقدام به نامنویسی کنند.

پیشرفت مطالعات طرح جامع تأمین و انتقال آب آشامیدنی قزوین

قزوین ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای قزوین از پیشرفت ۵۰درصدی مطالعات مرحله دوم طرح تأمین و انتقال آب آشامیدنی در ناحیه یک این استان خبر داد.

حمید قزوینی افزود: مطالعات مرحله نخست طرح جامع تأمین و انتقال آب آشامیدنی و صنعت استان سال ۹۰ با هدف بررسی و ارزیابی پتانسیل منابع آب موجود اعم از سطحی و زیرزمینی، پیش‌بینی و تأمین مصارف تا سال ۱۴۱۵ انجام شد. وی اعلام کرد: طراحی تفصیلی انتقال آب آشامیدنی به شهرهای آبیک، خاکعلی، شریفیه، محمدیه و شهرک مهرگان (مسکن مهر)، بیدستان، الوند، قزوین، محمودآباد نمونه و اقبالیه و ۹۵ روستای واقع در محدوده آبیک تا اقبالیه با جمعیتی بالغ بر ۶۵درصد کل جمعیت استان در قالب طرح تأمین و انتقال آب آشامیدنی ناحیه یک استان، مرحله دوم مطالعات را با ۵۰درصد پیشرفت طی می‌کند.

مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای قزوین تصویب مبانی طرح جامع تأمین و انتقال آب آشامیدنی و صنعت را از اقدام‌های صورت گرفته این شرکت برای پیشبرد مطالعات تأمین آب آشامیدنی و صنعت استان اعلام کرد.

نمره قبولی ارتش در سربازی ولایت

آنچه ارتش را از سایر نهادها متمایز می‌کند، روحیه اطاعت و فرمانبرداری آحاد کارکنان آن از فقیهی عادل و شجاع که در زمان غیبت امام عصر(عج) زمام امور امت اسلامی به دست اوست با نام مقدس ولایت فقیه که به فرموده پیر و مرادمان حضرت امام خمینی(ره) همان ولایت رسول‌الله(ص) است، می‌باشد.

جملات بالا بخشی از مقاله سرهنگ ستاد، «محمدرضا تقی‌زاده» از سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس ارتش جمهوری اسلامی ایران است است.

در ادامه این مقاله می‌خوانیم:

ارتش تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با برخورداری از چنین پیشینه‌ای برای خود اسم و رسمی پیدا کرده بود و در ظاهر امر چنین وانمود می‌کرد که تا پای جان برای حفظ رژیم پهلوی ایستاده است،اما به یکباره چه اتفاقی این هیمنه وفاداری به شاه را فرو ریخت؟ آیا ارتش در اجرای مأموریتش کوتاه آمد و یا مؤلفه دیگری وارد کار شده بود؟

خط قرمز ارتش

آستانه وفاداری نیروهای ارتش به رژیم پهلوی و در واقع خط قرمزهای کارکنان ارتش برای این وفاداری، مردم و اسلام بود. به عبارت دیگر ارتش تا آنجا وفادار بود که رودرروی مردم و اعتقادات خود قرار نگیرد. بدنه این ارتش را افراد مسلمانی تشکیل می‌دادند که حاضر نبودند اهانت به اسلام را تحمل کنند و شاید برای ناظران جهانی مخصوصاً کسانی که سرمایه‌گذاری‌های کلانی روی ارتش ایران کرده بودند تا آن را با فرهنگ مورد علاقه خود آمیخته کنند اصلاً قابل باور و تصور نبود که ارتش با وجود حصارهای امنیتی و تبلیغاتی‌ای که از طرف رژیم جبار آن روز انجام می‌شد،پیش از آن که کاملاً آثار پیروزی حتی آشکار باشد،آنطور شجاعانه پیوستگی خود با ملت و انقلاب را ابراز کند و حماسه‌هایی فراموش نشدنی را رقم بزنند.

در واقع حضور و نفوذ عناصر قدرت‌های خارجی در ارتش فقط به این معنا نیست که به ارتش سلاح،آموزش و روش بدهند و ارتش را به خود وابسته کنند،بلکه بهره‌برداری سیاسی هم بدنبال نفوذ بیگانگان در ارتش یک حقیقت اجتناب‌ناپذیر است.

فرهنگ عاشورا الگویی برای مبارزه

برای درک بهتر این امر باید به عمق این اعتقاد توجه کرد. نیروهایی که به دلیل تعهد به دین، خود را در برابر حکومت پهلوی متعهد نمی‌دیدند، بصورت تدریجی در درون بافت حکومتی مبارزه‌ای منفی را آغاز و با همنوایی با ملت و اطاعت از مرجعیت، زمینه‌های فروپاشی نظام شاهنشاهی را فراهم کردند. این نیروها بیش از سایر ایرانیان به فساد حکومت پهلوی پی بردند و به همین دلیل اعتقادی به مشروعیت آنان نداشتند و با روحیه‌ای برگرفته از فرهنگ عاشورایی با ظلم و ظالم مبارزه کردند.

دیدگاه نظامی حضرت امام(ره)

ارتش اگرچه تحت سیطره ستمشاهی بود اما باورهای دینی و حماسی نیروی آن به تلنگری نیاز داشت. در این بین نقش حضرت امام خمینی(ره) در جداسازی ارتش از نظام ستمشاهی نقشی بی‌بدیل است که از هیچ انقلابی کپی‌برداری نشده است و وامدار هیچ نهضت و انقلابی نیست. برای تغییر این رویکرد،تحلیل و تبیین این نقش بسیار مهم است.

زبان و گویش امام(ره) با نظامیان بگونه‌ای بود که گویا تلاش کرده است بدون این که غرور آنان جریحه‌دار شود آنان را به خود و فطرت خویش بازگرداند. امام(ره) در این شیوه موفق بود و این موفقیت نشان از شناخت دقیق ایشان نسبت به روانشناسی رفتاری نظامیان داشته است و همین عامل که امام(ره) ارتش را با نیرویی با اعتقادات دینی ارزیابی می‌کردند؛ عامل ارتباط ایشان از تبعید تا پیروزی انقلاب اسلامی با ارتشیان بوده است که با دعوت به پیوستن به خیل ملت به پا خاسته، دل‌های آماده ارتشیان به انقلاب اسلامی پیوست و با ولایت امر مسلمین گره خورد. انقلاب پوسته کثیف و نالایقی را که به دست اقلیتی خیانتکار روی این ارتش را گرفته بود، کَند و این هنر حضرت امام(ره) بود.

ارتش سربلند در امتحان دفاع

در جایی که مشروعیت ارتش‌های دنیا از قانون و مردم ناشی می‌شود،ارتش جمهوری اسلامی ایران علاوه بر داشتن مشروعیت قانونی و مردمی، با توجه به این که فرمانده‌اش ولی امر مسلمین است، مشروعیت الهی یافت و در بوته آزمایش ۱۰ سال حضور در دفع توطئه‌های داخلی و دوران دفاع مقدس با تقدیم ۴۹ هزارو ۸۵۰ شهید در چشم مردم عزیز شد و با سازماندهی محکم و فرماندهی قوی رهبر کبیر انقلاب و هدایت قاطعانه مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای از چنان استحکام و پشتوانه‌ای برخوردار شد که به تعبیر مقام معظم فرماندهی کل قوا «ارتش کلمه طیبه»شد.

حاصل پیوند ارتش با ولایت

امروزه دشمنان از ابهت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی که ارتش نیز عضو آن است تحت لوای مرجعی عالیقدر و رهبری فرزانه می‌هراسند و جرأت نمی‌کنند به ملت و سرزمین ایران جسارت کنند و این،حاصل شجاعت نیروها، تزکیه الهی فرماندهان و پیوند ناگسستنی آنان با ولایت‌فقیه است.

سوسنگرد الگویی از فرماندهی مقام معظم رهبری

ارتش با رحلت جانسوز حضرت امام(ره) که بزرگترین حامی و پشتوانه آن بود، فردی را به عنوان ولی فقیه و فرمانده دید که او را در همه عرصه‌های دفاع‌مقدس در کنار خود و حتی جلوتر در همه صحنه‌های مناطق عملیاتی یافته بود. گوشه‌ای از این حماسه حضور ولایت در دوران دفاع مقدس در آزادسازی سوسنگرد نمایان است.

مقام معظم رهبری پیرامون این حضور می‌فرمایند:«ساعت یک و نیم نیمه شب به سرهنگ قاسمی، فرمانده «لشکر ۹۲» نوشتم که داماد حضرت امام،از قول امام، پیغام دادند که فردا باید حصر سوسنگرد شکسته شود و اگر «تیپ۲» لشکر ۹۲ نباشد این کار انجام نمی‌شود. به تیمسار ظهیرنژاد گفتم و ایشان هم قول داده که با بنی صدر صحبت کند. تیپ بیاید و شما هم آماده باشید که تیپ را به کار بگیرید. مبادا به خاطر پیغامی که سر شب آمده، تیپ را از دور خارج کنید. نامه را دادم به دست یکی از برادرها و گفتم این نامه را می‌بری و اگر سرهنگ قاسمی خواب هم بود از خواب بیدارش می‌کنی و نامه را به دستش می‌دهی.

یک نامه هم ساعت ۲ نیمه شب به سرتیپ فلاحی با همین مضمون نوشتم با این اضافه که امام گفتند سرتیپ فلاحی هم باید در جریان عملیات باشند و نظارت کنند. این ماجرا را هم نوشتم که می‌خواستند تیپ را از ما بگیرند و گفتیم که باید تیپ باشد و شما مسئول هستید که این را بگیرید و کار کنید.

هر دو نامه را به شهید چمران دادم و گفتم شما هم بنویس که نظرهردوی‌مان باشد. ایشان هم پای هرکدام یک شرح دردمندانه‌ای نوشتند. من خیلی قرص و محکم نوشتم. او خیلی دردمندانه. گفتم هر کس بخواند دلش می‌سوزد. ساعت ۲ هم نامه دوم را برای سرتیپ فلاحی فرستادم.

خیالم راحت بود که کار انجام می‌شود اما باز هم دغدغه داشتیم. بارها شده بود که کار تا لحظات آخر رسیده بود و به دلیلی تعطیل شده بود. صبح زود که از خواب برای نماز بلند شدم، دیدم اوضاع خوب است. ساعت ۵ صبح، تیپ ۲ از خط عبور کرده بود. همان زمان که نامه را دریافت کردند، مشغول شده بودند و بعد از دریافت نامه حرکت کرده بودند.»

ولایت در کنار رزمندگان شانه به شانه در حال جهاد بود. مقام معظم رهبری یک عالم دینی است که ضمن تحقیق و تبلیغ دین در مقام یک شخصیت سیاسی بلندمرتبه همچون یک فرمانده دلیر،لباس مبارزه با دشمن را به تن کرده و با حضور امیدبخش خویش، شور و هیجانی زائدالوصف به جبهه‌ها و رزمندگان می‌بخشید.

در فضایی که بنی‌صدر با اهمال کاری اجازه پیشرفت در امور جنگی را نمی‌داد و وضع به خاطر خیانت‌های او به هم ریخته بود، فقط وجود چهره‌ای برجسته مانند امام خامنه‌ای عزیز می‌توانست به این اوضاع نظم ببخشد و با حضور فیزیکی‌ای که ایشان در جای جای جبهه‌ها داشتند، تسلط بسیار مناسبی بر فضای تاکتیکی مناطق عملیاتی پیدا کرده بودند و در واقع بادرایت و بینش عملیاتی معظم‌له بود که فعالیت‌های خائنانه بنی‌صدر خنثی و فتوحات ارزشمندی نصیب رزمندگان اسلام شد.

«عملیات فرمانده کل قوا» سرآغاز موفقیت‌ها

«عملیات فرمانده کل قوا» بلافاصله پس از خلع بنی‌صدر از سمت فرماندهی کل قوا انجام شد. پیش از آن بسیاری بر این باور بودند که کشور در « گرداب عمیق بی‌ثباتی سیاسی » فرو خواهد رفت و سرنوشت نظام و انقلاب با توجه به حضور نیروهای دشمن در خاک ایران تعیین خواهد شد. از سوی دیگر بنی‌صدر با تبلیغات گسترده خود این تصور را ایجاد کرده بود که فقط او قادر به ادامه و مهار جنگ و به کارگیری نیروهای نظامی است، لذا بسیاری از منابع غربی احتمال حمایت نیروهای نظامی از بنی‌صدر را مورد بررسی قرار دادند.

در این اوضاع با پیروزی «عملیات فرمانده کل قوا» که در آن برای نخستین بار نیروهای خودی با ۵۳ کیلومتر پیشروی ۲۵۰ تن از نیروهای دشمن را به اسارت درآوردند، تصورات موجود درهم شکست و امکان عبور از مرحله بحران سیاسی با این پیروزی نظامی فراهم شد و این ها همه از ثمرات حضور ولایت در صحنه عملی جنگ بود. وجود ایشان سران نظامی کشور را که تا پیش از عزل بنی‌صدر که از اتفاق نظر برخوردار نبودند متفق‌القول کرد و استراتژی جدیدی بر جبهه‌ها حاکم شد.

ایجاد اعتماد به نفس و امید به پیروزی در نیروهای خودی و تضعیف روحیه عراقی‌ها پایه‌های استراتژی جدید نظامی را شکل می‌دادند. این خودباوری، بی‌تردید از ثمرات ارزشمند حضور ایشان بود که با اجرای سلسله عملیات‌های محدود در منطقه جنوب و غرب تکمیل شد و این شروع پیروزی‌های درخشان بعدی در عملیات‌های کم نظیری مانند طریق‌القدس،ثامن‌الائمه(ع)،فتح‌المبین و بیت‌المقدس شد.

چمران و مقام معظم رهبری

حضور مقام معظم رهبری در جبهه‌های جنگ در امتداد نقش حضرت امام(ره)، در واقع به عنوان حلقه واسط امام و رزمندگان و انعکاس آنچه که در جبهه‌ها اتفاق می‌افتاد و بیان حالات معنوی و عاشورایی رزمندگان و مظلومیتی که بر آنها حاکم بود در تصمیم‌گیری‌های حضرت امام(ره) نقش اساسی ایفا می‌کرد. این تسلط به حدی برجسته و عیان بود که حجت‌الاسلام ذوالنور در بیان خاطرات خود در این مورد می‌گوید: شهید چمران در صحنه جنگ تبعیت از مقام معظم رهبری را برای خود مانند وحی مُنزَل می‌دانست. او ممکن بود با برخی دیگر مانند بنی‌صدر سرشاخ شود، ولی با مقام معظم رهبری همپوشانی و هم‌افزایی کاملا مشهودی بود.

در آن زمان جایگاه مسئول اداره امور ارتش و سپاه از ناحیه امام(ره) به ایشان اعطا شده بود. در حقیقت،معاون فرمانده کل قوا در خصوص ارتش و سپاه بودند. در دوره‌ای هم ریاست شورای عالی دفاع بودند. ایشان در جریان اعزام سپاهیان ۱۰۰ هزار نفری حضرت رسول(ص)، لباس بسیجی تن می‌کردند و پیشانی‌بند می‌بستند و چفیه بر گردن داشتند و شهر به شهر می‌گشتند و تبلیغ و سخنرانی می‌کردند تا انگیزه حضور در جبهه را در مردم ایجاد کنند و سپس خود در منطقه حضور پیدا می‌کردند. در روزهای آخر جنگ ایشان حضور ممتد در جبهه‌ها داشتند و حضور ایشان یک حضور چشمگیر و پررنگ بود.

فرمایش حضرت امام خمینی(ره) به مقام معظم رهبری

از مقام معظم رهبری نقل است که: «اوایل جنگ من در منطقه حضور داشتم در حالی که امام جمعه تهران هم بودم. در منطقه لباس نظامی به تن می‌کردم، وقتی به تهران می‌آمدم، لباس روحانی را روی لباس نظامی می‌پوشیدم، اول هم محضر امام(ره) می‌رسیدم و گزارشی از جبهه خدمتشان ارائه می‌کردم و رهنمود می‌گرفتم. بعد برای ایراد خطبه‌های نماز جمعه می‌رفتم. یک روز می‌خواستم محضر امام(ره) برسم، بند پوتین‌هایم را که داشتم باز می‌کردم، امام(ره) از پشت پنجره خیره خیره به کار من نگاه می‌کردند. بعد که رفتم داخل دست امام(ره) را بوسیدم؛ امام(ره) دستی پشت کتف من زدند و لبخند رضایتی روی لب‌های مبارکشان نقش بست و فرمودند یک روزی پوشیدن لباس جنگی در فقه ما خلاف مروت بود؛ ولی امروز این لباس زیبنده تن شماست.»

بنابراین ارتش از این افتخار که نه فقط توفیق خدمت و اطاعت از ولایت فقیه را دارد، برخوردار است بلکه به سربازی در کنار مجاهدی نستوه و خستگی‌ناپذیر بر خود می‌بالد و آنگاه که ایشان در بیانات دیدار با فرماندهان در مورخ ۲۸ فروردین ۹۲ ارتش را علمی،دینی و اعتقادی،عملی ،مردمی و دارای ابتکار و ارتش تجربه شده و آزموده خواندند ارتش به نمره قبولی خود در سربازی ولایت مهر تائید دیگری زد.

در نهایت باید گفت که ارتش ولایی است زیرا مأموریت حراست از نظام مقدس ایران اسلامی را برعهده گرفته و برای اثبات این وفاداری خویش همواره در طی ۳۴ سال عمر شکوهمند نظام اسلامی در همه عرصه‌ها اعم از علمی،پژوهشی، جهادی و سازندگی در بطن جریانات حضوری فعال و پیوسته پا در رکاب داشته است.

آزموده است، چون پس از جدایی از حکومت ستمشاهی و لبیک گفتن به حضرت امام(ره) در تمامی حوادثی که به وجودش برای حراست از نظام نیاز بوده است در صحنه حاضر بوده است. حضور ۲۰ ماهه در مناطق مختلف آشوب‌زده و درگیر کشور به منظور مقابله با ضدانقلاب و حفاظت از صیانت کشور و ایفای نقش محوری در هشت سال دفاع مقدس با انجام بیش از ۴۲۲ عملیات زمینی و عملیات‌های هوایی و دریایی در کنار تمامی رزمندگان اسلام و ملت و اهدای بیش از ۴۹ هزارو ۸۵۰ شهید، ۱۸۴ هزار و ۴۳۴ جانباز و ۲۵ هزار و ۸۷۵ آزاده از جمله امتحانات ارتش بوده که از همه آنها سربلند بیرون آمده است.

در پایان یاد و خاطره حضرت امام خمینی(ره) را که با نفس مسیحایی خود به سرزمین ایران روحی تازه بخشیدند گرامی می داریم و درود می‌فرستیم به روح پاک شهدای گرانقدر دوران ایثار و شهادت که با نثار خون خود راهی را برای این ملت مشخص کردند که راه عزت و افتخار است.

*** شهید چمران در صحنه جنگ تبعیت از مقام معظم رهبری را برای خود مانند وحی مُنزَل می‌دانست. او ممکن بود با برخی دیگر مانند بنی‌صدر سرشاخ شود، ولی با مقام معظم رهبری همپوشانی و هم‌افزایی کاملا مشهودی بود**

*** آنچه ارتش را از سایر نهادها متمایز می‌کند، روحیه اطاعت و فرمانبرداری آحاد کارکنان آن از فقیهی عادل و شجاع است**

*** امروزه دشمنان از ابهت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی که ارتش نیز عضو آن است تحت لوای مرجعی عالیقدر و رهبری فرزانه می‌هراسند و جرأت نمی‌کنند به ملت و سرزمین ایران جسارت کنند و این،حاصل شجاعت نیروها، تزکیه الهی فرماندهان و پیوند ناگسستنی آنان با ولایت‌فقیه است**

همداستانی صلیب سرخ و بعثی ها علیه اسرای ایرانی

رژیم بعثی عراق در طول جنگ تحمیلی با ایجاد جنگ روانی در اردوگاه های اسرای کشورمان سعی در پایین نگه داشتن روحیه اسرا می کرد. مطلب زیرروایت یکی از آزادگان به نام «همت شاهی آذر» از این جنگ های روانی است.

***

بیست و یکم تیر سال ۱۳۶۷ درست یک سال مانده از خدمت سربازی‌ام در مناطق جنگی «عین خوش» و «نهرانبر» انجام وظیفه می‌کردم که ناگهان دشمن عملیات خود را آغاز کرد.

لحظه به لحظه دشمن بر فشار حملاتش می‌افزود. از بخت بد سلاح‌های سنگین ما در مرکز تعمیر و نگهداری سلاح قرار داشت و ما ناچار بودیم با ژ ۳ و کلاشینکف در مقابل هجوم بی‌امان دشمن مقاومت کنیم تا عصر آن روز در حالی که زیر آتش شدید دشمن قرار داشتیم و تلفات زیادی داده بودیم، با چنگ و دندان ایستادگی کردیم.

مهماتمان تمام شده بود. رفته رفته حلقه محاصره دشمن تنگ‌تر می‌شد. عراقی‌ها مثل مور و ملخ همه جای منطقه را گرفته بودند. راهی جز اسارت نداشتیم.

آنها پس از خلع سلاح و ضرب و جرح ما، چشم‌ها و دست‌هایمان را بستند، ما را به «العماره» بردند. در «العماره» وقتی چشم‌هایمان را باز کردند، دیدم دشمنان دین و قرآن نیروهای زیادی از یگان‌های مختلف را به اسارت گرفته اند و همگی را در آن جا جمع کرده‌اند.

بعثی‌ها تا شب از ما با باتوم و کابل پذیرایی کردند. با توجه به این که شماری از اسرا هنگام عملیات مجروح شده بودند، بر اثر شدت ضربات مشت و لگد و باتوم و کابل، به شهادت رسیدند و عده‌ای نیز به شدت زخمی شدند.

آن شب ما را با فشار و عذاب به درون یک سوله وارد کردند. سوله چنان تنگ بود که حتی جایی برای نشستن نداشتیم، چه برسد به این که پایمال را دراز کنیم و راحت بخوابیم.

بدون آب و غذا، با بدنی کبود و زخمی باید شب را در سوله می‌گذراندیم. آن شب ناله زخمی‌ها و گرسنگی و تشنگی دست به دست هم داده بود تا ما را از پای در آورد. نه پتویی داشتیم و نه زیرانداز. از شدت ضعف هر کس به زمین می‌نشست.

نزدیکی‌های صبح کمی به وضع موجود عادت کرده بودیم که ناگهان عراقی‌ها، یکباره وحشیانه به داخل سوله هجوم آوردند تا ما را از سوله بیرون کنند. حمله وحشیانه آنها به داخل سوله همراه با ضرب و جرح اسرا و ازدحام جمعیت در داخل سوله سبب شد شماری از اسرا و عده‌ای از جمله زخمی‌ها، در زیردست و پا شهید شوند. ما در آن روز و همچنین شب اول اسارت، نیروهای زیادی را از دست دادیم، روحشان شاد.

ایران یا اروپا

امرداد ۱۳۶۹ آخرین روزهای اسارت را در کمپ شش رمادی دو، پشت سر می گذاشتیم. یک روز مأموران صلیب سرخ جهانی وارد اردوگاه شدند و خطاب به ما گفتند: «زمان آزادی شما فرا رسیده است و همین روزها آزاد خواهید شد. شما مختارید از بین ایران و اروپا یکی را انتخاب کنید. همه امکانات در خارج از کشور در اختیار شما قرار داده خواهد شد. حال حواستان را جمع کنید و یکی را انتخاب کنید. ایران یا اروپا».

چند تن از اسرا که در ایران تمامی اعضای خانواده‌شان را از دست داده بودند برای اقامت در اروپا ثبت‌نام کردند. اما ما خطاب به مأموران صلیب سرخ گفتیم: «ایران برای ما بهشت برین است و هرگز اروپا را به این مکان مقدس ترجیح نخواهیم داد. ایران وطن ماست. پاره تن ماست و ما ذره‌ای از خاک آن را با همه اروپا و کشورهای بیگانه دیگر عوض نمی‌کنیم.»

بعد از رفتن مأموران صلیب سرخ، فردی به نام «ابریشم‌چی» دام خود را پهن کرد و در میان تدابیر امنیتی به یاوه‌گویی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران و مسئولان نظام پرداخت. با نهایت تأسف فقط یک نفر که اراده مصممی نداشت به آنها (منافقین) پیوست و من و بقیه اسرا اعتنایی نسبت به اظهارات ابریشم‌چی نکردیم و کاری کردیم که زود اردوگاه را ترک کند.

چرا که دل‌های ما فقط به شوق ایران عزیز می‌تپید: زیرا شنیده بودیم که بدان اعتقاد داشتیم که «چو ایران نباشد، تن من مباد!»

منبع : فارس

آمریکا از خاورمیانه چه می‌خواهد؟

سرویس خارجی: وزیرامور خارجه آمریکا هر بار به بهانه پیشبرد روند سازش عازم خاورمیانه می‌شود اما ظاهرا در پس پرده به دنبال ایجاد ائتلاف علیه ایران و محور مقاومت در منطقه است.«جان کری» قصد دارد به زودی، برای پنجمین بار از زمان تصدی مسئولیت دستگاه دیپلماسی آمریکاراهی خاورمیانه شود. بهانه او نیزبرای سفرهای متعدد،احیای مذاکرات سازش میان اسرائیل وفلسطینی هاست،آن هم برای حل بحران دیرپای منطقه. اما دیدارهای فشرده و متعدد سران و دولتمردان کشورهای منطقه از کشورهای عربی گرفته تا ترکیه با باراک اوباما طی یکی دوماه گذشته، نشان می دهد ماجرا فراتر از این حرف‌هاست و مذاکرات سازش تنها بخش کوچکی ازیک پروژه بزرگتر است وموضوع احیای گفت‌وگوی اسرائیل و فلسطینی ها در واقع به عنوان پوششی برای عملیاتی بزرگتر در منطقه عمل می کند.به نظر می رسد که آمریکایی ها در صدد برآمده‌اند در راستای منافع خود و امنیت اسرائیل، نظم نوینی را در منطقه ایجاد کنند که برای نیل به این منظور،به این جمع‌بندی رسیده‌اندکه لازم است ایران و همپیمانانش درمحورمقاومت را به لحاظ سیاسی،اقتصادی وامنیتی محاصره کنندوازاین روبه نظرمی رسد هدف اصلی سفرهای متعدد جان کری به خاورمیانه،تشکیل ائتلافی ضدایرانی وضدمقاومت درمنطقه باشد.شاهداین مدعا،تلاش مرموزی است که ازماه‌ها پیش برای ترغیب اتحادیه اروپا به قراردادن حزب‌الله در فهرست سازمان‌های تروریستی آغاز شد وهربارآمریکا،اسرائیل و برخی کشورهای اروپایی،بهانه‌ای جدید برای متهم کردن محور مقاومت جور می‌کنند تا فشار همه‌جانبه بر حزب‌الله راافزایش دهند.مسئولان آمریکایی و اسرائیلی، زمانی حزب‌الله راعامل بمب‌گذاری دراتوبوس توریست‌های اسرائیلی دربلغارستان معرفی ومدتی بعد،ازحضورآن جنگ داخلی سوریه وکمک به نیروهای هوادار بشاراسدانتقاد می کنند.حتی باراک اوباماطی تماس تلفنی با «میشل سلیمان»همتای لبنانی خود،دراین رابطه گفت‌وگوونگرانی عمیق خوددرانسبت به حضورنیروهای حزب‌الله درسوریه ابرازکرد.این درحالی است که منطقه«القصیر» درنزدیکی مرز لبنان که ازاهمیت استراتژیک برای سوریه ولبنان برخورداراست، هفته‌ها صحنه درگیری شدید میان نیروهای بشاراسد ومخالفان مسلح بودکه نهایتاازکنترل تروریست‌هاخارج‌شدودراین‌میان،هدف نیروهای حزب‌الله ازحضوردرالقصیر، صرفا جلوگیری از تسری ناآرامی‌های سوریه به داخل مرزهای لبنان بود.اما آنچه باعث تعجب از گله و شکایت آمریکایی هاازیاری رساندن حزب‌الله به ارتش سوریه می‌شود، حمایت‌های مالی و تسلیحاتی بی‌دریغ و هنگفت خود آنها ونیز متحدانشان از گروه‌های مخالف اسد است. با یک حساب سرانگشتی می توان تخمین زد، از زمان شروع ناآرامی ها در سوریه، ایالات متحده تاکنون مجموعا ۸۰۳ میلیون دلار برای سرنگونی بشار اسد هزینه کرده که طبق ادعای خود آنها، ۳۸۵ میلیون دلار آن بابت کمک به آوارگان وپناهندگان سوری بوده است.عربستان،امارات،قطر،انگلیس، فرانسه وآلمان نیزازدیگرحامیان مالی وتسلیحاتی مخالفان اسدهستند که هیچ یک ازآنها، هرگز با مخالفت آمریکا و مجامع بین‌المللی روبرو نشده‌اند.با این حال، اندک حمایت حزب‌الله ازبشار اسد به اندازه‌ای بزرگنمایی شده که گویی علت تداوم دو ساله این جنگ، نیروهای حزب‌الله بوده‌اند و بس.البته این صرفا حزب‌الله نیست که هدف اتهام‌زنی قرار گرفته.ایران نیزدیگرهدف اتهامات کشورهای غربی وعربی است که هرروزبا انتشار خبری درباره حضورنیروهای وابسته به جمهوری اسلامی در سوریه، می کوشندایران را عامل تداوم کشتارغیرنظامیان دراین کشورمعرفی کنند.ازاین رو،با توجه به تحولات سوریه،دگرگونی درمعادله قدرت درعرصه نظامی به نفع سوریه وامکان بازگشت این کشوربه جایگاه گذشته خود، به عنوان کشوری تاثیر گذاردرمنطقه،تلاش آمریکا،اسرائیل وبرخی کشورهای عربی واروپایی رااز اهمیت بیشتری برخوردار کرده‌است. با این حال،به رغم تهاجمی بودن ظاهری اقدامات این کشورها، ناظران بین‌المللی بر این باورندکه اقدامات آنها نوعی تلاش منفعلانه و تدافعی نسبت به وضعیت جدید منطقه وقدرت گرفتن مجدد محور مقاومت به رهبری ایران است.

حفظ برتری اسرائیل یا برقراری صلح؟

درچنین‌شرایطی،آمریکایی هاازیک سو از لزوم احیای روند صلح خاورمیانه سخن می گویند و از طرف دیگر، برای حفظ برتری نظامی رژیم صهیونیستی، انواع تسلیحات را روانه سرزمین‌های اشغالی می کنند که این تضاد،خودمانع برقراری ثبات وآرامش بوده است. از«حرف» تا «عمل» سیاستمداران آمریکایی راه بسیاراست.«زبان»آنها اغلب بریک چیزمی چرخدو«دست»آنها به چیزی دیگر. بهترین نمود این تناقض در گفتارورفتار،مسئله صلح خاورمیانه وایجاد کشورفلسطینی است که سال‌هاست بلاتکلیف مانده.هرچند جان کری ازز مان روی کارآمدن،ظاهرابحث راه حل ایجاددوکشوررا با جدیت دنبال می کند، اما طرح چنین راه‌حلی به سال‌ها قبل وزمان جیمی کارترباز می گردد. پایگاه خبری «آلترنت»درمطلبی در این باره نوشت: اودراوایل ریاست جمهوری خود،درموردحل‌وفصل مشکل مردم فلسطین،موضع به ظاهرمنصفانه‌ای اتخاذ کردودرآن موقع،ازایجاد سرزمین مستقل فلسطینی برای پناهندگان فلسطینی به عنوان «الزام نهایی» سخن گفت.همین موضع گیری موجب شد او را صلح جو و طرفدار حقوق مردم فلسطین بنامند.اما بعدهاجیمی کارترنه تنهاوعده خودرامنکرشد، بلکه اظهارداشت:«من هرگزفکر نمی کردم وفکرنمی‌کنم که ایجاد کشوری مستقل به نام فلسطین برای ما و منافع آمریکا مناسب باشد......به نظر من داشتن یک کشور مستقل فلسطین بین اسرائیل واردن،درتضادبامنافع طرفین وصلح منطقه است!»از آن زمان تاکنون نیزتغییراساسی دررویکرد آمریکایی ها به وجود نیامده. شاهداین مدعا، سخنان وعملکرد رئیس جمهور آمریکاست. باراک اوباما سال جاری درسرزمین‌های اشغالی خطاب به دانشجویان اسرائیلی با اشاره به اینکه حقوق مردم فلسطین برای تعیین سرنوشت خودباید به رسمیت شناخته شود،گفت:«این منصفانه نیست که یک کودک فلسطینی نمی تواند در کشور خود رشد کندو مجبور است درحضوریک ارتش خارجی که زندگی والدین وی راکنترل می کنند، زندگی کند.» درواقع،او چنین به مخاطبان خود القاء می کند که نه اشغال و نه اخراج، پاسخ و راه‌حل نهایی این مشکل نیست.

اوباما سپس تاکید می کند، همانطور که اسرائیلی ها برای خود کشوری مستقل ساخته‌اند، باید این حق را برای فلسطینیان هم قائل باشند.اما هنوز چندی از این ژست عدالت محور او نگذشته بود که «چاک هیگل» وزیر دفاع او در سفر به سرزمین های اشغالی،قراردادی برای فروش هواپیمای «وی. ۲۲- آسپری» مشهور به «عقاب ماهیگیر»، چند فروند هواپیمای «کی. سی -۱۳۵» و نیز هواپیمای سوخت‌رسان دوربرد با اسرائیلی ها به امضا رساند.علاوه بر آن، کمیته نیروهای مسلح مجلس نمایندگان آمریکا دراقدامی،لایحه افزایش ۴۸۸ میلیون دلاری کمک نظامی آمریکا به اسرائیل را به منظور توسعه سامانه‌های موشکی این رژیم تصویب کرد.طبق متن این پیشنهاد،آمریکا سال ۲۰۱۴، مبلغ ۲۶۸ میلیون دلاردیگررابرای توسعه دوسامانه رهگیر«آرو-۳»که موشک‌های دوربردرا رهگیری می کندو همچنین سامانه«عصای جادویی»که موشک‌های میان بردرا رهگیری می کند،تخصیص می‌دهد. این لایحه همچنین ۲۲۰ میلیون دلاردرسال ۲۰۱۴ برای تأمین بودجه‌خرید سکوهای پرتاب بیشتر برای سامانه دفاع موشکی «گنبد آهنین»تخصیص می دهد. به این ترتیب،اوباما نیزکه از حق و حقوق فلسطینی ها برای داشتن کشورمستقل سخن می گوید وشعار صلح درمنطقه را سرمی دهد، کمک نظامی و تسلیحاتی به اسرائیل را درصدراولویت‌های سیاست خارجی خود قرارداده است؛موردی که هیچ سازگاری با برقراری صلح در منطقه نداردو تنها می تواند منجربه افزایش تنش در خاورمیانه شود.البته آمریکاعلاوه براسرائیل، متحدان دیگرخوددرمنطقه را نیزازکمک تسلیحاتی ونظامی بی‌نصیب نگذاشته وآنها رانیز به بهانه‌های مختلف، از جمله تهدید برنامه هسته‌ای ایران،به خریدسلاح‌های مختلف ترغیب می‌کند. ازآخرین موارد می توان به قراردادهای فروش ۱۰میلیارد دلار تجهیزات نظامی آمریکابه‌عربستان‌سعودی وامارات‌اشاره کردکه‌البته‌بخشی ازاین‌مبلغ صرف تامین تسلیحات برای اسرائیل شد. اما هرگز سخنی از ارسال سلاح برای فلسطینی‌ها از طرف آمریکا و اعراب که متحد «محمودعباس» به شمار می آیند، نبوده است. به هر حال، «چاک هیگل» در تور خاورمیانه‌ای خود قراردادی با امارات به امضا رساند که شامل فروش ۲۶ فروند جت «اف-۱۶» به ارزش تقریبی ۵میلیارد دلاربود. گفته می شود این هواپیماها به موشک‌های ضد رادار پیشرفته مجهز خواهند بود. علاوه بر امارات، آمریکا قراردادی نیز با عربستان سعودی منعقد کرد تا این موشک‌ها را در اختیار ریاض قرار دهد.اما در این میان، اسرائیل پیشرفته‌ترین تسلیحات‌رادریافت‌کردتابر اساس خط مشی سنتی واشنگتن، برتری نظامی‌اش بر کشورهای عرب حفظ شود؛ موردی که چاک هیگل نیز بر آن تاکید کردو گفت:«آمریکا همچنان به برتری نظامی اسرائیل پایبند است و این رژیم را به سلاح‌های گوناگون مجهز می کند.»هر چند بیان این گونه اظهارنظرها از سوی مقامات آمریکایی نه تازه است، نه غیر منتظره،ولی وقتی کسی مثل چاک هیگل، با گشاده دستی کم سابقه، می خواهد برترین تکنولوژی نظامی روز را در اختیار اسرائیل بگذارد،دوراز انتظاراست، چراکه او مردی است که در کنگره آمریکا به‌سختگیری‌براسرائیل شهرت‌داشت،اما ظاهرا او نیز مانند سایرسیاستمداران و دولتمردان آمریکایی، پیرو سیاست ومشی ورویکردی است که پیشتربرای آنها ترسیم شده وآن چیزی نیست جز برتری‌منافع اسرائیل بر منافع فلسطینی‌ها، که تاکنون نیز غیر از این نبوده است.

> *به نظر می‌رسد آمریکایی‌ها در صدد بر آمده‌اند که در راستای منافع خود و امنیت اسرائیل نظم نوینی را در منطقه ایجاد کنند که برای نیل به این منظور، به این جمع‌بندی رسیده‌اند که لازم است ایران و همپیمانانش در محور مقاومت را به لحاظ سیاسی، اقتصادی و امنیتی محاصره کنند، از این رو هدف اصلی سفرهای متعدد «جان کری» به خاورمیانه، می‌تواند تشکیل یک ائتلاف ضدایرانی و ضدمقاومت در منطقه باشد

جاسوسان دربرابر نبرد بزرگ

SPIES AGAINST ARMAGEDDON

نوشته: دان راویو – یوسی ملمن ■ ترجمه: مرتضی میرمطهری | ۲۴۰

بحث پیرامون «اوسیراک» از حدود معمولی گذشت، زیرا مواضعی که اتخاذ شد، حالت قرار گرفتن یک سازمان اسرائیلی در برابر سازمانی دیگر را نداشت. با آنکه موضوع محرمانه بود، جرّ و بحث داخلی درباره آن نسبتاً آشکار بود: تحلیل گران موساد و «امان» ترغیب شدند که نظراتشان را ابراز دارند.

برخی از بلندپایه‌ترین مقامات امنیتی از جمله «هوفی» رئیس موساد، با حمله به عراق در آن زمان مخالف بودند، «هوفی» عملیات خرابکارانه و فشار دیپلماتیک را ترجیح می‌داد. معاون و جانشین او در آینده «ناهوم آدمونی»[4] با حمله موافق بود. همین اختلاف‌نظرها در «امان» وجود داشت. در آنجا رئیس «امان» ژنرال «یهوشوا ساگوی»[5] با ضربه زدن به عراق حداقل در آن مرحله مخالف بود، در حالی که معاونانش به طور کلی موافق بودند.

تنها نظری که واقعاً اهمیت داشت، نظر «مناخیم بگین» بود و او قصد داشت که توانایی بالقوه اتمی عراق را در هم بکوبد.

تهیه مقدمات حمله به معنای آن بود که افراد بیشتری از قضیه مطلع شوند، اما حتی یک کلمه در این باره با عامه مردم در میان گذاشته نشد.

تاریخ‌هایی برای انجام حمله در سال ۱۹۸۱ انتخاب شد، اما سه بار به تأخیر افتاد. وقت از دست می‌رفت. از نظر اسرائیل قبل از آنکه راکتور با گذاشتن میله‌های اورانیوم «داغ» شود، حمله باید صورت می گرفت. با ابراز نگرانی از تشعشعات رادیواکتیو، «بگین» گفت: «بچه‌های بغداد نباید صدمه ببینند.»

لغو زمان حمله معمولاً به خاطر شرایط هوا بود، اما یک بار به علت درز کردن موضوع در محافل سیاسی، حمله به تأخیر انداخته شد. رهبر اقلیت مخالف «شیمون پرز» که خودش را بنیانگذار زرادخانه اتمی اسرائیل می‌دانست و به این جهت در این زمینه تخصص داشت، نگرانی‌اش را ابراز کرد.

«پرز» در مورد نقشه حمله از «یوزی ایون»[6] یکی از اعضای کمیسیون انرژی اتمی اسرائیل که در «دیمونا» کارکرده بود، اطلاعاتی به دستش رسیده بود. پروفسور «ایون» همچنین عضو گروه ویژه‌ای بود که توسط اداره فنی «امان» برای ارزیابی پیشرفت اتمی عراق ایجاد شده بود. مطالعات او به این نتیجه رسیده بود که راکتور «اوسیراک» تا مدت زمان بسیار طولانی قادر نخواهد بود مواد شکاف‌پذیری[7] تولید کند که برای ساختن بمب اتمی مناسب باشد. «یوزی ایون» حتی تعهدش را برای محرمانه نگهداشتن موضوع نقض کرده و بدون اجازه آنچه را که می‌دانست به «پرز» گفته بود. رهبر اقلیت نزد «بگین» رفت و به او هشدار داد که حمله نکند، زیرا اسرائیل در جامعه بین‌المللی آنچنان به شدت محکوم خواهد شد که به دولتی منفور و مطرود تبدیل خواهد گردید. «پرز» با لحنی آوازگونه گفت: «ما مانند خاربنی تنها در کویر خواهیم شد.»

«بگین» از درز کردن خبر عصبانی بود، اما کسی نمی توانست جلویش را بگیرد. تصمیم گرفت عملیات را به تأخیر اندازد، اما اصرار ورزید که تاریخ جدیدی باید فوراً مشخص شود.

سرانجام صبح روز یکشنبه ۷ژوئن، هشت هواپیمای جنگنده به پرواز درآمدند. قرار بود هواپیماهای جنگنده بمب‌افکن «اف‌ـ۱۶.آ» ساخت آمریکا حمله را انجام دهند. چند هواپیمای جنگنده «اف‌ـ۱۵» نیز آن‌ها را همراهی می کردند تا در صورت لزوم، از هواپیماهای بمب‌افکن دفاع کنند.

ادامه دارد

4- NAHUM ADMONY
5- YEHOSHUA SAGUY
6-UZI EVEN
7-FISSILE MATERIALS

رویارویی و پنهانکاری

CONFRONT AND CONCEAL
OBAMA'S SECRET WARS AND SURPRISING USE OF AMERICAN POWER
DAVID E. SANGER
CHIEF WASHINGTON CORRESPONDENT FOR THE NEW YORK TIMES
BESTSELLING AUTHOR OF THE INHERITANCE
CROWN

نوشته: ■ دیوید سَنگِر
مترجم: ■ منوچهر بیگدلی خمسه
۶۰

بنابراین لایتر می‌خواست صبر کنیم و اطلاعات بیشتری به دست آوریم. بایدن هم تا حدی موافق این فکر بود.

برآورد شخص بایدن معاون رئیس جمهور دودلی او را تایید می کند. در اواخر ژانویهٔ ۲۰۱۲ بایدن یادآور شد که اوباما «با همهٔ افراد ارشد، از جمله رئیس ستاد دور میز نشست و گفت [من باید تصمیم بگیرم. عقیدهٔ شما چیست؟]

اول از دانیلون پرسید، بعد از کلینتون، سپس از مقامات بلند پایهٔ دیگر، منجمله پانتا که جزئیات را بیشتر می‌دانست. بایدن بعداً گفت:« تک تک افراد طفره رفتند، به استثنای پانتا لئون گفت اقدام کنید.

بقیه همگی گفتند ٤٩ درصد، ٥١درصد». اوباما در ساعت هفت بعد ازظهر جلسه را پایان داد و گفت می‌رود که فکر کند.

«الان به شما نمی گویم چه تصمیمی دارم ـ باید بروم و بیشتر درباره‌اش فکر کنم، اما به زودی تصمیم را خواهم گرفت» ١٦ ساعت بعد، در ساعت ٨و ٢٠ دقیقهٔ بامداد یک روز جمعه، اوباما با دانیلون و دنیس مک دانائو، معاون اول دانیلون و دستیار دیرین اوباما در سنا، در اتاق دیپلماتیک کاخ سفید ملاقات کرد. اوباما لباس بادگیر پوشیده بود و به طرف هلیکوپتر راه افتاد. اوباما گفت: «عمل می کنیم. می رویم که نیرو اعزام کنیم. فرمان‌ها را بنویسید.» در نظر کسانی که اوباما را بهتر می‌شناختند، غافلگیر کننده بود. او معمولاً در تندروی احتیاط می‌کرد، علی‌الخصوص اگر پای اعزام نیرو به میدان در میان بود. او می‌دانست که مدارک هنوز ناقص است. همچنین می‌دانست ممکن است روی ریاست جمهوری خود شرط‌بندی کرده باشد. اگر بن‌لادن در آن پرویس نمی‌بود، اوباما جیمی کارتری می‌شد بدون مزرعهٔ بادام‌زمینی.

اما وضعیتی در بین بود که او مدتهای مدید به آن اندیشیده بود. در جریان مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری، زنی از اهالی ناشویل Nashville از سناتور جوان ایلی‌نویز [اوباما] ضمن مباحثهٔ او با جان مک‌کین، کاندیدای جمهوری‌خواهان، پرسید آیا ارادهٔ تعقیب رهبران القاعده در داخل پاکستان را دارد، ولو این کار به منزلهٔ نقض حاکمیت یک متحد باشد. او پاسخ داد: «اگر ما اسامه‌بن‌لادن را پیدا کنیم و دولت پاکستان از بیرون راندن او عاجز یا بی‌رغبت باشد، آن وقت فکر می کنم که باید ما دست به عمل زنیم و آنها را بیرن بکشیم. ما بن‌لادن را خواهیم کشت. ما القاعده را له خواهیم کرد. این کار باید بزرگترین اولویت امنیت ملی ما باشد.

حال در مواجهه با واقعیت، همه چیز تیره و تارتر از جریان مبارزاتی می‌نمود. اوباما می‌دانست که تنها راه پی‌بردن به اینکه آیا بن‌لادن «را پیدا کنیم» فرستادن تکاوران بود تا بلکه او را ببینند. هرچند که واکنش‌های احتمالی پاکستان سخت آزار دهنده بود. در اتاق وضعیت، دانیلون، برنان، و اوباما در این باره بحث کرده بودند که ممکن است مردم اسلام‌آباد سفارت آمریکا را زیر و رو کنند، یا دولت پاکستان با ایالات متحده روابط دیپلماتیکش را قطع کند ـ و با طالبان کاملاًهمدست شود. حال بر عهدهٔ دانیلون ـ حقوقدان محتاط و جنگاور همیشگی ـ بود تا فرمانها را با مقررات درگیری که اوباما امیدوار بود خطر آن عواقب را به حداقل رساند، صادر کند. در ساعات آخر نیمروز، تیم سیل آمادهٔ حرکت بود.

امّا اوضاع جوّی در اندیشه‌ای دیگر بود. اواخر آن روز دانیلون ناچار شد به اوباما تلفن کند و به او بگوید که ابرِ غلیظ می تواند باعث تاخیر اجباری شود. اوباما هم نمی توانست صرفاً در اتاق وضعیت بنشیند و مقدمات حمله را هدایت کند: قرار بود غروب شنبه در ضیافت شام انجمن خبرنگاران کاخ سفید سخنرانی کند.

این ضیافت برنامهٔ سالانهٔ از قبل تدارک شده‌ای بود که در تالار رقص پر ازدحام هتل هیلتون واشنگتن برگزار می‌شد و در آنجا گزارشگران گردن دراز می‌کردند تا ببینند کدام شخصیت‌های مشهور را رقابت آنها به ضیافت آورده است.

ادامه دارد

کنگره بین‌المللی بزرگداشت پدر گرامی امام راحل برگزار می‌شود

اراک ـ خبرنگار اطلاعات: نخستین کنگره بین‌المللی بزرگداشت پدر گرامی حضرت امام خمینی(ره)، یکم و دوم آبان امسال در خمین برگزار خواهد شد.

علی اکبر شعبانی فرد استاندار استان مرکزی با بیان این مطلب افزود: به همین منظور چاپ مجموعه ۵۰ جلدی کتاب آثار حضرت امام خمینی(ره) و همچنین صحیفه‌نور حضرت امام در حال پیگیری است.

آیت‌الله سید مصطفی موسوی خمینی پدر بزرگوار امام راحل در ۱۲ ذیقعده ۱۳۲۰ هجری قمری در سن چهل و نه سالگی در جاده اراک ـ خمین توسط اشرار به شهادت رسید و پیکر مطهرش در نجف اشرف دفن شد.

آیت‌الله فارغ دزفولی دعوت حق را لبیک گفت

کرج – آیت‌الله هدایت‌الله فارغ دزفولی از علمای برجسته استان البرز دوشنبه شب در سن ۹۲ سالگی به لقاءالله پیوست.

این عالم ربانی یکی از شخصیت‌های مبارز دوران پیروزی انقلاب اسلامی بود که در پس از یک دوره سه ساله بیماری به دیار باقی شتافت.

وی نخستین امام جماعت مسجد صاحب‌الزمان(عج) کرج بود و برای به ثمر رساندن پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) و تشویق مردم به مبارزه با رژیم طاغوت نقش آفرینی کرد. آیین تشییع پیکر این عالم ربانی امروز ساعت ۱۱ پیش از ظهر از مقابل مسجد صاحب الزمان(عج) واقع در خیابان شهید بهشتی کرج با حضور قشرهای مختلف مردم برگزار می‌شود و سپس برای خاکسپاری به زادگاهش دزفول در استان خوزستان انتقال می‌یابد.

بهره‌برداری از ۱۰ هزار واحد مسکن‌مهر در شهر جدید هشتگرد با حضور رئیس جمهوری

سرویس شهرستانها ـ ۱۰ هزار واحد مسکن مهر درشهر جدید هشتگرد واقع در استان البرز صبح دیروز با حضور رئیس جمهوری افتتاح شد.

علی نیکزاد وزیر راه و شهرسازی، غلامحسین الهام سخنگوی دولت و علی عربیان استاندار البرز، دکتر محمود احمدی‌نژاد را در آیین افتتاح این پروژه‌ها همراهی می کردند. در این آیین رئیس جمهوری کلید یکی از این واحدهای مسکونی را تحویل مالک آن داد.

هر یک از واحدهای مسکونی مهر افتتاح شده بین ۷۵ تا ۸۲ متر مربع زیربنا دارد و در اجرای این پروژه، آورده متقاضیان ۱۴۰ میلیون ریال و کمک دولت، تسهیلات ۲۵۰ میلیون ریالی و اجرای خدمات زیربنایی است.

وزیر راه و شهرسازی در آیین گشایش ۱۰ هزار مسکن مهر استان البرز در شهر جدید هشتگرد گفت: ساخت مسکن مهر با طراحی بومی و ایرانی و اسلامی اجرایی شده است. علی نیکزاد با اشاره به روند ساخت مسکن مهر در شهر جدید هشتگرد گفت: ۳۰ هزار واحد مسکونی در این شهر در دست ساخت است که در ۷ ماه آینده تکمیل و به مردم واگذار می‌شود.

مردم در انتخابات به خط اعتدال رأی دادند

سرویس خبر: مردم همیشه در صحنه و وفادار به نظام در این انتخابات افتخار آفرین اندیشه اخلاقی خود را نشان دادند که نه تندرو افراطی‌اند و نه کندرو تفریطی، لذا با این تفکر، رئیس جمهوری که در خط اعتدال کشور را مدیریت کند، انتخاب کردند.

آیت الله محسنی گرکانی رئیس دیوان عالی کشور درجلسه هیات عمومی دیوان با اعلام این مطلب افزود: امید و آرزوی همه ملت ایران این است که رئیس جمهوری منتخب، حلال مشکلات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشور باشد تا کشورمان را از بحران زدگی نجات دهد. وی با تبیین جایگاه مهم امنیت و نقش آن در اجتماع افزود: امنیت در اجتماع بشر از مهم‌ترین و با اولویت‌ترین مسائل فردی و اجتماعی است و هیچ عنصری مهم‌تر از امنیت برای پیشرفت نیست، زیرا توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که سازنده و مسبب پیشرفت یک کشور است در بستر امنیت پدید می آید

پاکسازی نقاط جرم خیز تهران از مجرمان

سرویس خبر: رئیس پلیس پیشگیری تهران گفت: تمام نقاط جرم خیز و آلوده تهران نظارت و بازرسی شد.

سرهنگ خانچرلی گفت: طرح کنترل و سرکشی از محل‌های جرم خیز برای پاکسازی، دستگیری متهمان و کشف وسایل نقلیه اعم از خودرو و موتورسیکلت مسروقه در حوزه زیر مجموعه سرکلانتری‌های پلیس پیشگیری پایتخت، اجرا شد و در اجرای این طرح، ۲۱ خودرو مسروقه و ۸۲ موتورسیکلت مسروقه کشف و ۴۳ سارق لوازم داخلی خودرو، زورگیر و سارق خودرو، سه توزیع کننده مواد مخدر شناسایی و بازداشت شدند. در بازرسی از وسایل همراه متهمان ۱۹ قبضه سلاح سرد و مقادیری مواد مخدر کشف و ضبط شد.

حمایت قوه قضائیه از خلق حماسه اقتصادی

سرویس خبر: معاون اول قوه‌قضائیه درنشست خبری به مناسبت هفته قوه قضائیه بربرنامه ریزی و حمایت دستگاه قضا از خلق حماسه اقتصادی پس از حماسه سیاسی با حمایت از سرمایه گذاری داخلی و خارجی و کارآفرینی، مقابله جدی با قاچاق کالا و مفاسد اقتصادی و سرعت و دقت در رسیدگی به پرونده تخلفات اقتصادی تأکید کرد.

حجت الاسلام والمسلمین رئیسی افزود: یکی از جلوه‌های مهم حماسه‌ساز کشور حضور گسترده مردم در انتخابات ۲۴ خرداد بود.

وی با اشاره به حضور ۷۰ درصدی مردم در انتخابات گفت: ما باید به خاطر زمان شناسی مردم و خلق حماسه سیاسی از سوی آنها شکرگزار خدا باشیم و بدون شک زمینه‌ساز این حماسه مقام معظم رهبری بودند. ایشان زمینه را برای رقابتی سالم فراهم کردند و مردم نیز با بصیرت در آن شرکت کردند.

معاون اول قوه قضائیه با تبریک به رئیس جمهوری منتخب مردم، به همکاری قوه قضائیه با رئیس قوه‌مجریه اشاره کرد و گفت: دستگاه قضایی تلاش دارد تا با همکاری لازم با رئیس جمهوری منتخب بتواند وی را در انجام وظایف و اجرای برنامه‌ها همراهی کند.

وی ایجاد حماسه سیاسی را زمینه‌ساز خلق حماسه اقتصادی دانست و گفت: بدون شک حماسه اقتصادی در پرتو همکاری همه اجزای نظام شکل خواهد گرفت که در رأس آن همکاری سه قوه مطرح است.

حجت الاسلام و المسلمین رئیسی اضافه کرد: در ارتباط با حماسه اقتصادی، دستورالعملی از سوی رئیس قوه قضائیه آماده و به بخش‌های مختلف ابلاغ شد.

وی در تشریح این دستورالعمل گفت: حمایت از سرمایه‌گذاری و کارآفرینی، صدور مجوز برای بخش‌های خصوصی، رسیدگی سریع و دقیق به پرونده‌های فساداقتصادی و مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر، کالا و ارز از جمله مهمترین محورهای این دستورالعمل است.

معاون اول قوه قضائیه افزود: در دادگستری‌های استان‌ها در سراسر کشور باید کمیته‌های حمایت از سرمایه‌گذاری فعال شود و این کمیته‌ها از سوی رؤسای کل دادگستری و با مشارکت دولت و قوه‌قضائیه کارها را پیگیری کنند.

او گفت: در سازمان بازرسی دفتری با عنوان حمایت از سرمایه‌گذاری است که باید فعال تر عمل کند و دادگاه های تخصصی هم باید فعال تر و با سرعت بیشتر اقدام به رسیدگی به پرونده های اقتصادی کنند.

وی تولید ملی را منوط به مبارزه با قاچاق کالا و ارز دانست و گفت: تولید ملی بدون مبارزه با قاچاق کالا امکان‌پذیر نیست.

*** تخلف جدی انتخاباتی نداشتیم**

معاون قوه قضائیه درادامه با اشاره به نامگذاری یکی از روزهای این هفته با عنوان «قانونمداری و توجه به قانون»، گفت: امروز توجه به قانون مورد تأکید همگان است و اگر انتخابات خوبی داشتیم به همین دلیل است. تخلفاتی که در انتخابات اخیر به دستگاه قضایی گزارش شد، نسبت به انتخابات قبلی جدی نبود و این موضوع به دلیل قانونمداری است و پرونده ای به عنوان تخلفات انتخاباتی در سراسر کشور نداریم و باید از کاندیداها و هوادارانشان قدردانی کرد.

حجت‌الاسلام رئیسی در بخش دیگر سخنان خود رعایت حقوق شهروندان را مورد تأکید دستگاه قضایی دانست و افزود: این موضوع باید از سوی مسئولان مورد توجه قرار گیرد.

*** ثبت الکترونیکی ۷۰ درصد دادخواست‌ها**

معاون اول قوه قضائیه با اشاره به تشکیل سامانه خدمات الکترونیک دستگاه قضایی (شبکه سخا) گفت: در تهران امروز بیش از ۷۰ درصد دادخواست‌ها به صورت الکترونیک ثبت می‌شود و کاربران با دریافت کد رهگیری و بدون مراجعه به دستگاه قضایی می‌توانند دادخواست خود را پیگیری کنند که این موضوع کاهش مراجعان به سازمان‌ها را به دنبال دارد.

او درباره هفته قوه قضائیه نیز گفت: در این هفته که از یکم تا هفتم تیر است، عملکرد قوه قضائیه از زبان رئیس این قوه و سخنگو بیان می‌شود و قوه قضائیه آمادگی دریافت نظرات و دیدگاه های صاحبنظران و فرهیختگان را درباره عملکرد این قوه دارد.

وی درباره وجود برخی مشکلات بین قوای مجریه و قضائیه گفت: ارتباط بین دستگاه‌ها باید براساس قانون باشد و بهترین روش برا به دلیل بی توجهی به قانون، شاهد برخی مشکلات بودیم.

او درخصوص برخورد قضایی با عاملان فساد اقتصادی بویژه در پرونده بیمه ایران گفت: قوه قضائیه حاشیه امنی برای کسی قائل نیست و بصورت عادلانه به پرونده‌ها رسیدگی می کند

*** ممنوع‌الخروج کردن سرمایه‌گذاران**

حجت‌الاسلام و المسلمین رئیسی در باره این که دستگاه قضا چه تضمینی برای سرمایه‌گذاری ایرانیان خارج از کشور دارد؟ گفت: اصولا سرمایه‌گذاری در کشور باید مورد حمایت دستگاه‌های مختلف قرار گیرد و دستگاه قضایی هم این سرمایه‌گذاری را تضمین می‌کند و ما در دستگاه قضایی از هرگونه سرمایه‌گذاری به صورت قانونمند حمایت می‌کنیم و یقین داریم اینگونه سرمایه‌گذاری چرخ تولید را به حرکت در می‌آورد. البته قوه‌قضائیه با حمایت از فعالیت‌های سالم اقتصادی به پرونده‌های مفاسد اقتصادی هم رسیدگی می کند، ولی رسیدگی به پرونده‌های اقتصادی نباید به توقف سرمایه‌گذاری و توقیف ابزار کار کارخانه‌ها منجر شود.

معاون اول قوه قضائیه اضافه کرد: در این رابطه باید در بحث ممنوع‌الخروج کردن بعضی سرمایه‌گذاران و کارآفرینان که مساله بانکی دارند حتماً تجدیدنظر شود. البته پیگیری معوقه‌های بانکی حتماً باید انجام شود اما راهکارهایی باید باشد که هم معوقات بانکی رسیدگی شود و هم ممنوع‌الخروجی برطرف شود.

او درباره کاهش بودجه دستگاه قضایی نیز گفت: یکی از مسائل سال‌های اخیر مسأله کمبود بودجه است. ما بخش حاکمیتی هستیم و خودمان تولید درآمد نمی کنیم و درآمدهایی هم که وجود دارد به حساب خزانه واریز می‌شود.

وی افزود: هر سال باید یک جهش در بودجه قوه قضائیه وجود داشته باشد زیرا ما در بعضی بخش‌ها مثل سازمان زندان‌ها و سازمان ثبت مشکل بودجه‌ای داریم. البته باید سعی کنیم با صرفه‌جویی کارها را دنبال کنیم ولی این بدین معنا نیست که کمبود نداشته باشیم.

سرعت و سبقت غیر مجاز عامل وقوع ۵۰ درصد تصادفات است

سرویس خبر: رئیس پلیس راهورناجا با اعلام آغاز طرح تابستانی پلیس از امروز، مدیریت سرعت و سبقت را نخستین اولویت پلیس در اجرای این طرح تابستانه اعلام کرد و گفت: این دو عنصر عامل وقوع ۵۰ درصد تصادفات است.

سردار اسکندر مومنی در مراسم بازدید از روند اجرای طرح ترافیکی تابستانی پلیس راهور که در محل آزادراه تهران - کرج برگزار شد، افزود: مرحله نخست طرح تابستانی پلیس راهور از امروز (۲۹ خرداد) آغاز می‌شود و تا نخستین روز از ماه مبارک رمضان ادامه خواهد داشت.

به گفته وی مرحله دوم طرح نیز از ۳ روز مانده به پایان ماه مبارک رمضان تا ۳۱ شهریور ادامه خواهد یافت.

سردارمومنی از به‌کارگیری ۴۰ هزار نفر از عوامل پلیس راهور در قالب ۱۰ هزار تیم گشتی با پشتیبانی ۳۰ فروند بالگرد در اجرای طرح تابستانی خبرداد و ابراز امیدواری کرد: با همکاری دیگر دستگاه‌ها تابستان کم حادثه‌ای پیش رو داشته باشیم.

وی با بیان این که همکاری و هماهنگی خوبی میان عوامل اجرایی دخیل در این طرح انجام شده است افزود: راهداری، سازمان امداد و نجات هلال‌احمر، اورژانس کشور، شهرداری‌ها، آتش نشانی‌ها و همیاران پلیس در این طرح حضور دارند.

سردار مومنی کنترل و مدیریت سرعت و سبقت را اولویت اول پلیس در طرح تابستانی اعلام کرد و گفت: عمده علت تصادفات ناشی از رعایت نکردن این دو عنصر هنگام رانندگی است.

او افزود: معتقدیم اگر بتوانیم این دو عامل را مدیریت کنیم، آمار سوانح و حوادث رانندگی حدود ۵۰ درصد کاهش خواهد یافت و پس از آن نیز استفاده از کمربند ایمنی برای همه سرنشینان خودروها در جاده و کلاه‌ایمنی برای موتورسواران تاثیر بسزایی در کاهش آمار تصادفات خواهد داشت.

*** افزایش دوربین‌ها در جاده فیروزکوه**

سردارمومنی از افزایش دوربین‌ها در جاده فیروزکوه خبرداد و گفت: در جاده چالوس نیز با توجه به حجم تردد، نصب آزمایشی دوربین‌ها آغاز شده است و تا پایان طرح تابستانی پس از یک دوره ارشادی، عملی خواهد شد.

رئیس پلیس راهورناجا با بیان این که بیشترین حجم ترافیک کشور در محورهای استان‌های گیلان، مازندران، گلستان، قزوین و تهران است، افزود: در این استان‌ها ما به طور دائم در حال اجرای طرح هستیم.

وی با اشاره به جمعیت ۱۰ میلیونی استان‌های شمالی و جمعیت ۱۵ میلیونی ساکن در دامنه‌های جنوبی البرز، اظهارداشت: متاسفانه برای تردد این افراد حتی یک مسیر رفت و برگشت جدا از هم وجود ندارد

کشف ۱۹۰۰ کیلوگرم تریاک در ۲ استان

سرویس حوادث– ۱۹۰۰ کیلوگرم تریاک در استان‌های سیستان و بلوچستان و هرمزگان کشف شد.

سرتیپ دوم غلامنبی کوهکن فرمانده مرزبانی سیستان و بلوچستان گفت: مرزداران یک دستگاه خودرو تویوتا که بدون توجه به علائم هشدار دهنده حریم امنیتی قصد ورود به داخل کشور را داشت مشاهده کردند و برای جلوگیری از ورود آن وارد عمل شدند، اما قاچاقچیان که در برابر اقدام سریع مرزداران غافلگیر شده بودند با برجا گذاشتن محموله مواد مخدر مجبور به عقب‌نشینی به عمق خاک کشور پاکستان شدند.

فرمانده مرزبانی سیستان و بلوچستان افزود: تیم‌های پاکسازی ضمن و اپایش کامل منطقه موفق شدند در بازرسی از خودرو برجا مانده از قاچاقچیان مقدار ۱۶۰۰ کیلوگرم تریاک کشف و ضبط کنند.

فرمانده ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان بشاگرد در استان هرمزگان گفت: ۳۰۰ کیلوگرم موادمخدر از نوع تریاک و شیره در این شهرستان کشف شد.

سرهنگ علی پهلوانی افزود: این مقدار موادمخدر از یک دستگاه وانت در محور بشاگرد به میناب کشف شد. وی افزود: در این زمینه متهمان دستگیر و به همراه مواد مخدر کشف شده به مراجع قضایی تحویل شدند.

خسارت سیل و تگرگ در ۳ کشور

سرویس خبر: سیل و تگرگ در سه کشور آسیایی و اروپایی تلفات و خساراتی برجا گذاشت.

بر اثر بارش باران‌های سیل‌آسا در نواحی شمالی هند چندین جاده، ساختمان و خودرو زیر آب رفت و ۶۰ تن جان خود را از دست دادند و عده‌ای همچنان ناپدید هستند.

بارش شدید باران‌های گرمسیری و سیلاب در منطقه میندانائو در جنوب فیلیپین هم بیش از ۹۸ هزار نفر را بی‌خانمان کرد. هنوز آماری از تلفات ناشی از سیلاب «میندانائو» دریافت نشده است.

بارش تگرگ‌هایی به بزرگی توپ پینگ‌پنگ همراه با توفان در منطقه مرکزی فرانسه از جمله شهر «تور» سقف بسیاری از خانه‌ها را فرو ریخت و به بدنه بسیاری از خودروها آسیب رساند. بر اثر بارش این تگرگ و وزش توفان بخش زیادی از محصولات کشاورزی از بین رفت و برق ۱۳ هزار خانه نیز هنگام وقوع توفان قطع شد.

خسارت سیل در چین

حدود ۱۷ هزار نفر در منطقه خودمختار شین جیانگ چین بر اثر سیل و رانش زمین در پی بارش باران‌های سیل‌آسا آسیب دیدند.

بر اساس اعلام مرکز کنترل سیل و مقابله با خشکسالی استان شین جیان بارش باران از جمله گذشته بیشتر مناطق جنوب این استان را تحت تاثیر قرار داده است. بارش این باران‌ها ۸۲۳ هکتار از زمین‌های کشاورزی و تاسیسات زیربنایی بخشی از پل‌ها و جاده‌های چین را تخریب کرد.

مرگ ٤ نفر در آتش‌سوزی یک خانه

اهواز ـ فرمانده انتظامی امیدیه خوزستان از کشته شدن؛ اعضای یک خانواده ٤ نفری بر اثر آتش‌سوزی در این شهرستان خبرداد.

سرهنگ سهیلی درباره این حادثه گفت: حادثه در منطقه پاچه کوه شهرستان امیدیه اتفاق افتاد و منجر به مرگ اعضای یک خانواده ٤ نفری شامل پدر مادر و دو فرزندشان شد.

وی گفت: حادثه بر اثر اتصال سیم برق به اثاثه منزل روی داد و اعضای خانواده که در خواب بودند به علت خفگی ناشی از آتش‌سوزی جان خود را از دست دادند.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

چند نکته در خور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می‌کنیم:
- موضوع پیام‌ها جنبه‌های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
- پیام‌ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن‌ها خودداری شود.
- خوانندگان محترم شهرستانی در پیام هایشان، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند.
- چاپ پیام‌ها بر اساس نوبت است.

با تشکر - سرویس ارتباطات مردمی

درخواست از رئیس جمهوری برگزیده مردم

ضمن شادباش، از جناب آقای دکتر روحانی که با عنایت ویژه همیشگی به استادان دانشگاه، فروتنانه خود را فرزند دانشگاه و حوزه می‌دانند، تقاضا دارد نسبت به همسان‌سازی حقوق آن گروه از اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها که در مرتبه «استاد تمام» بازنشسته شده‌اند، با استادان شاغل و در قالب طرح تکریم استادان بازنشسته مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، عنایت خاص مبذول دارند. این طرح بنا بود از آغاز سال ۱۳۹۰ به مرحله اجرا در آید، ولی نشد، بخشنامه با وجود وعده‌های مناسب، هنوز اجرایی نشده است.

دکتر حسن بشیری بُد ـ استاد بازنشسته دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

ایستادگی ایرانیان در برابر منافقان

صحنه ایستادگی رأی‌دهندگان ایرانی در انگلستان مقابل منافقانی که سعی داشتند مردم را از حضور در انتخابات بازدارند، به بیگانگان نشان داد که مردم ایران برای حفظ و حراست از میهن عزیز خود در هر کجا که باشند، از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کنند. به دشمنان ایران عزیز می گوییم که این مردم، نه درخت‌اند و نه سایه، آنان انسان‌هایی بی‌همتا هستند.

شهرضا (اصفهان) ـ یک هموطن

حضور همه اقلیت‌های مذهبی در انتخابات

همه اقلیت‌های مذهبی در روز خلق حماسه سیاسی در پای صندوق‌های رأی حضور یافتند و حماسه آفریدند. جا دارد مسئولان رسانه ملی با در نظر گرفتن عشق همه این عزیزان به ایران اسلامی و حضور مؤثر آنان در جشن‌های ملی، حضور آنان را ارج بگذارند و به جای تکرار عبارت «مردم مسلمان ما»، از «مردم ایران ما» استفاده کنند.

دزفول ـ یک فرهنگی

طلوع دولت راستی‌ها و درستی‌ها

با تبریک به آقای دکتر حسن روحانی که با کسب اکثریت آراء توانستند اعتماد مردم ایران را جلب کنند، به همه مردم ایران نوید می‌دهیم که با طلوع دولت راستی‌ها و درستی‌ها، دوران هیاهو به پایان می‌رسد و امید است که رئیس جمهوری منتخب بتواند با درایت، کیاست و همت خود به مشکلات اقتصادی مردم پایان دهد.

یک فرهنگی

پیشنهادی به رئیس جمهوری منتخب

با تبریک به آقای دکتر روحانی برای پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری، به ایشان پیشنهاد می‌کنم به هنگام تشکیل کابینه خود آقای دکتر صالحی را که به عنوان وزیر امور خارجه فعالیت می‌کند و فردی مفید و مسئولیت‌پذیر است در کابینه‌اش حفظ کنند.

شهروند تهرانی

نوبت ادای دین منتخب ملت

ملت ایران با شرکت گسترده در انتخابات، دین خود را به مسئولان نظام مانند همیشه ادا کردند. اکنون نوبت ادای دین منتخب ملت ایران است که با رسیدن به داد فقرا که بیش از دیگر قشرها به او امید بسته‌اند، مشکلات معیشتی و به خصوص گرانی دارو و درمان را حل کند.

کرج ـ آستاراکی

نتیجه پایبندی به ائتلاف

از آقای عارف که با پایبندی به ائتلاف با بزرگواری از انتخابات کنار کشیدند و سهم به‌سزایی در این پیروزی بزرگ داشتند، تشکر می‌کنم.

لاهیجان ـ کیا

برخی از روزنامه‌ها بداخلاقی‌ها را کنار بگذارند

در روزهایی که اتحاد و همدلی در میان همه مردم ایران در داخل و خارج از کشور موج می‌زند و همه به آینده خود و کشورشان دلگرم شده‌اند، چرا یک یا دو روزنامه خاص سعی دارند با زیر سؤال بردن پیشینه و اقدامات یک جریان سیاسی به خصوص، فضا را ملتهب جلوه دهند؟ مسئولان این روزنامه‌ها توجه داشته باشند که این پیروزی، پیروزی خرد و اعتدال است و در جایی که بینش مردم ایران دنیا را خیره کرده است، جایی برای این بداخلاقی‌های رسانه‌ای وجود ندارد.

قم ـ یک مسلمان ایرانی

صیانت جوانمردانه از آرای مردم

به عنوان عضوی از خانواده ملت بزرگ ایران از وزیر محترم کشور و همکاران او در ستاد برگزاری انتخابات که جوانمردانه از آرای مردم صیانت کردند و حق را به حقدار رساندند، تشکر می‌کنم.

تلفن به خط ارتباطی

اصولگرایان خود را سرزنش نکنند

قبل و بعد از انتخابات ریاست جمهوری برخی از هواداران اصولگرایان، آنان را سرزنش می‌کنند که در صورت ائتلاف در این جبهه می‌توانستند از چنین شکستی جلوگیری کنند. در صورتی که نتایج آراء نشان می‌دهد که حتی در صورت ائتلاف اصولگرایان نیز باز هم آقای دکتر روحانی برنده انتخابات می‌شد. از اینرو به اصولگرایان توصیه می‌شود خود را سرزنش نکنند و همه با هم رئیس جمهوری منتخب را در اعتلای ایران عزیز یاری رسانند.

شهروند تهرانی

شیرینی ثبات عقیده و رأی

ثبات عقیده و قدم و استحکام رأی و اراده در ساحت سیاست و اجتماع و همچنین صبر و وفاداری به مردم از سوی آقایان هاشمی رفسنجانی و خاتمی پاسخ شیرین و امیدبخشی را در برداشت که همانا حضور باشکوه ملت ایران در انتخابات ریاست‌جمهوری بود.

از رأی‌دهندگان در انتخابات

به یاد امام راحل

با سلام به روح بلند امام خمینی(ره)، جا دارد در این روزهایی که ایران غرق در شادمانی و سرور است از امام راحل عظیم‌الشأن نیز یاد کنیم که با بنیانگذاری چنین انتخابات سرنوشت‌سازی باعث غرور و سربلندی همه ما مردم شده‌اند.

قم ـ احمدی

خدمت با همان نشاط و تلاش گذشته

از آقای قالیباف شهردار سخت‌کوش تهران به دلیل حضور پرشور در انتخابات ریاست‌جمهوری تشکر می‌شود و انتظار می‌رود با همان نشاط و تلاش گذشته به شهروندان تهرانی خدمت کنند.

شهروند تهرانی

برابری حقوق زنان و مردان

آقای دکتر حسن روحانی، رئیس جمهوری منتخب زنان کشور هم هستند و از اینرو برای حل مشکلات زنان باید تلاش مضاعف داشته باشند. خانم‌ها برای خروج از کشور نیاز به رضایت همسرانشان دارند، اما رأی‌شان در پای صندوق‌های انتخاباتی با آنان یکی است. امید است رئیس جمهوری منتخب بتواند حقوق زنان را آن‌گونه که شایسته آنان است، ارتقاء دهد.

خانم شهروند

بازگرداندن سرمایه‌های انسانی

در سال‌های اخیر، عده‌ای از اساتید دانشگاه و نخبگان دستگاه‌های مختلف علمی و اجرایی کشور به بهانه‌های گوناگون بازنشسته، بازخرید و یا اخراج شده‌اند که امیدواریم دولت آینده با قدرشناسی از خدمات افراد یاد شده، آنان را بر سر کارهایشان باز گرداند تا بتوانند بیش از پیش در راه اعتلای کشور خود تلاش کنند.

استاد بازنشسته دانشگاه

راه‌اندازی دبیرخانه فعالتر و با تدبیرتر

پیشنهاد می‌شود آقای دکتر روحانی با راه‌اندازی دبیرخانه‌ای فعالتر و با تدبیر بیشتر در نهاد ریاست جمهوری بتواند امور مربوط به مبادلات و ارتباطات داخلی و خارجی و همچنین قرار ملاقات‌ها را در مدت کوتاهی سامان بخشد. کارگزاران ایشان نیز باید با برنامه‌ریزی دقیق‌تری، سالن بزرگی مانند محل همایش‌های صدا و سیما را برای کنفرانس‌های خبری دکتر روحانی در نظر بگیرند تا مانند اولین کنفرانس خبری، ازدحام خبرنگاران در محل مصاحبه به وجود نیاید.

شهروند تهرانی

نکته‌ای در خصوص روابط ایران و آمریکا

رئیس جمهوری منتخب در اولین کنفرانس خبری خود در خصوص رابطه ایران و آمریکا با اشاره به پذیرش مواردی از سوی آمریکا، امکان مذاکره مستقیم را ممکن دانستند. ذکر این نکته لازم است که اولین‌بار کارتر رئیس جمهوری وقت آمریکا در اوایل انقلاب و پس از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ایران، با نوشتن نامه‌ای این رابطه را قطع کرد و اکنون نیز بالغو این نامه و سایر اقدام‌های لازم از سوی مقامات آمریکایی، امکان پی‌گیری مذاکرات ایران و آمریکا وجود داد.

کارشناس بازنشسته وزارت امور خارجه

بقیه در صفحه ۹

برپایی اردوی تیم ملی والیبال نشسته جوانان، فردا در گنبد

مرحله جدید تمرینات تیم ملی والیبال نشسته جوانان، برای حضور در رقابت‌های پاراآسیایی – ۲۰۱۳ مالزی در گنبد برگزار می‌شود.

مرحله جدید تمرینات تیم ملی والیبال نشسته جوانان، برای بازی های پاراآسیایی مالزی با حضور ۱۳ ملی‌پوش، از فردا آغاز می‌شود.

محمدرضا سبحانی‌نیا، محمدجواد کریمی‌زاده (اصفهان)، آرش سیف‌زاده (گیلان)، آرش قره قلپاقی، وحید بایلری (گلستان)، امیر زارعی، مصطفی زارعی (مرکزی)، مرتضی جعفری‌زاغی، حسین گلستانی (قم)، محسن ابویی (یزد)، علیرضا بختیاری (تهران)، علی رضایی (فارس) و مهدی بابادی (خراسان رضوی) ملی‌پوشان دعوت شده به این مرحله از اردو هستند.

اعضای تیم ملی والیبال نشسته جوانان، تمرینات خود را زیر نظر حسن بخشعلی‌پور، حسن محمدی و مهرداد شوشتری انجام می‌دهند و سرپرستی اردو، بر عهده فرشید عاشوری است.

تیم ملی والیبال نشسته جوانان تا زمان اعزام به بازی‌های پاراآسیایی مالزی (آبان امسال) ۳ مرحله اردوی دیگر خواهد داشت. اعضای کادر فنی، امیدوارند از عنوان قهرمانی جوانان جهان – که در اختیار ایران است – دفاع کنند.

چهارمین مرحله تمرینات تیم ملی والیبال نشسته جوانان، از فردا تا ٦ تیر درشهرستان گنبد برپا خواهد بود.

پیشنهاد باشگاه اماراتی به وزنه‌بردار المپیکی ایران

وزنه‌بردار المپیکی دسته ۹٤ کیلوگرم، برای حضور در رقابت‌های جام باشگاه‌های آسیا، از یک تیم اماراتی پیشنهاد دارد.

سعید محمدپور دراین باره، گفت: از یک تیم باشگاهی در امارات، برای حضور در رقابت‌های وزنه‌برداری جام باشگاه‌های آسیا پیشنهاد دارم. اگر آنها پول خوبی بدهند، صددرصد قرارداد می‌بندم.

وی افزود: هر روز تمرین‌های خود را انجام می‌دهم تا در لیگ برتر ایران یا برای آن تیم اماراتی، وزنه بزنم.

فعالیت غیرقانونی ۱۰ رییس در فدراسیون های ورزشی!

۱۰ رییس فدراسیون ورزشی با وجود پایان دوره چهار ساله ریاستشان، ماه‌هاست که بدون حکم سرپرستی از وزارتخانه، فعالیت غیرقانونی دارند.

بحث برگزاری انتخابات فدراسیون‌های ورزشی، مدت‌هاست که در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. بخش عمده دلایل برگزار نشدن انتخابات فدراسیون‌ها به اتفاقاتی بازمی‌گردد که بعد از برکناری روسای پنج فدراسیون و تعلیق ورزش ایران بوجود آمد.

وضع روسای فدراسیون‌هایی که دوره چهار ساله ریاستشان به پایان رسیده است و فدراسیون‌هایی که با سرپرست اداره می‌شوند رادر پی مرور می کنیم.

فدراسیون‌های شنا، شیرجه و واترپلو، قایقرانی، کشتی، سوارکاری، اسکیت، ورزش‌های سه گانه، چوگان، کوهنوردی، کنگ‌فو، بدنسازی و پرورش اندام، پهلوانی و زورخانه‌ای، نجات غریق، ورزش‌های کارگری، اتومبیلرانی و موتورسواری و نابینایان ۱۵ فدراسیونی هستند که تکلیف روسای آنها، مشخص نیست. دوره ریاست چهار ساله روسای فدراسیون ورزشی، ماه‌هاست به پایان رسیده و فقط مسئولان پنج فدراسیون با حکم سرپرستی وزارت ورزش و جوانان فعالیت می کنند.

فدراسیون‌های شنا، شیرجه، واترپلو، ورزش‌های نابینایان، اتومبیلرانی و موتورسواری، زورخانه‌ای و قایقرانی، چند ماه است که توسط سرپرستان جدید اداره می‌شوند. مسئولان این فدراسیون‌ها، کمتر از شش ماه است که بر مسند ریاست فدراسیون‌ها تکیه زده اند و عملکرد قانونی دارند. اما سایر فدراسیون‌هایی که از آنها نام برده شد، نه فقط رییس ندارند، بلکه مسئولانشان بدون حکم سرپرستی، از وزارت ورزش به طور غیرقانونی کار می کنند.

دیروز با پیروزی یک – صفر فوتبال ایران مقابل کره جنوبی برپا شد

دومین جشن ملی ایرانیان

تیم ملی فوتبال ایران با پیروزی یک بر صفر مقابل کره جنوبی، برای چهارمین بار به جام جهانی صعود کرد.

ملی پوشان فوتبال ایران، دیروز با نمایش منطقی و دور از احساس مقابل کره جنوبی با نتیجه یک بر صفر، حسرتی که چهار سال پیش در دل ایرانی ها ماند، در همین کشور به اشک شوق تبدیل کرد.

ایران در رقابت های مقدماتی با پنج پیروزی، یک تساوی، دو شکست و کسب ١٦ امتیاز به عنوان تیم نخست گروه یکم در منطقه آسیا، راهی جام جهانی – ۲۰۱٤ برزیل شد. نکته جالب در صعود ملی پوشان به جام جهانی، کسب ۹ امتیاز از ١٦ امتیاز در سه بازی آخر بود؛ وقتی که امیدهای صعود، بسیار کم شده بود.

شاگردان کی روش – که در دیدارهای آغازین خود، چندان مطمئن نشان نداده بودند – در ۳ بازی آخر، کاری کردند کارستان. گرفتن ٦ امتیاز از کره جنوبی و برد دوبله تیمی که چهار سال پیش، ایران را از جام جهانی محروم کرده بود، لذتی فراتر از پاسخ به کری خوانی های نه چندان دوستانه سرمربی، کاپیتان و بازیکنان این تیم داشت.

ایران، در جام های جهانی ۱۹۷۸ آرژانتین، ۱۹۹۸ فرانسه و ۲۰۰٦ آلمان شرکت کرده است و با توجه به روند یکی درمیان حضور در جام جهانی، این بار نوبت ما بود که در بزرگترین رویداد فوتبالی جهان(جام جهانی – ۲۰۱٤ برزیل) شرکت کنیم. مردان آریایی، تاکنون در جام جهانی نتوانسته اند، از گروه خود صعود کنند؛ ایران، فقط یک برد در جام جهانی به دست آورده که مقابل آمریکا در سال ۱۹۹۸ بوده است.

با توجه به برگزاری رقابت های مقدماتی جام جهانی در سایر قاره ها، ایران به عنوان سومین تیم، راهی جام جهانی – ۲۰۱٤ برزیل شد. پیش از ایران، تیم های ژاپن و استرالیا، صعود خود را به جام جهانی جشن گرفتند. برزیل به عنوان میزبان جام جهانی در این دوره از رقابت ها حضور دارد.

لحظه به لحظه بازی

دیدار تیم های ملی فوتبال ایران – کره جنوبی، دیروز در ورزشگاه «مونسو» شهر اولسان در حضور بیش از ۳۰ هزار تماشاگر و قضاوت داور چینی برگزار شد. رضا قوچان نژاد در دقیقه ۵۹ تک گل ایران را به ثمر رساند.

رحمان احمدی، سیدجلال حسینی، پژمان منتظری، خسرو حیدری(٦٥ غلامرضا رضایی)، امیرحسین صادقی، هاشم بیک‌زاده، مجتبی جباری، آندرانیک تیموریان، جواد نکونام، مسعود شجاعی(۸۲ احسان حاجی صفی) و رضاقوچان‌نژاد (۹۲ فرزاد حاتمی) در این دیدار برای ایران به میدان رفتند.

دقایق ابتدایی این دیدار، طبق پیش‌بینی‌ها با حملات پر تعداد کره‌ای‌ها آغاز شد و آنها تلاش کردند با ارسال از جناحین، دروازه ایران را به خطر بیندازند. بازیکنان ایران در پنج دقیقه ابتدایی به دنبال گرفتن توپ از بازیکنان حریف بودند.

نیمه دوم با برتری کره ای ها آغاز شد، آنها همچنان به ارسال از جناحین تاکید داشتند. در دقیقه ٤۹ رضا قوچان نژاد در یکی از موقعیت های کم تعداد ایران می توانست دروازه کره را با خطر مواجه کند که تعلل او، این فرصت را از ایران گرفت.

در دقیقه ۵۱ تعلل مسعود شجاعی و پاس اشتباه او، موقعیت را در اختیار کره ای ها قرار داد.

در دقیقه ۵۵ آندرانیک تیموریان به خاطر خطایی که مرتکب شد و توپ را با دست لمس کرد، از داور چینی کارت زرد گرفت.

رضا قوچان نژاد در دقیقه ۵۹ از اشتباه دفاع کره استفاده کرد و از موقعیتی کم اثر، بهترین استفاده را ایجاد کرد و با ضربه‌ای دقیق و فنی، دروازه کره جنوبی را باز کرد تا ایران از حریف پیش بیفتد.

بعد از این گل، کره ای ها که رمق نیمه اول را نداشتند، تلاش کردند تا روی دروازه ایران خطرساز شوند، ولی کم اشتباه بودن مدافعان ایران این فرصت را از آنها گرفت.

در دقیقه ۷۵ خطای امیرحسین صادقی، یک موقعیت ایده‌آل را در جناح راست برای کره ایجاد کرد که ارسال این توپ، دو موقعیت مطلوب برای کره را بوجود آورد که رحمان احمدی با شهامت این دو موقعیت که بهترین موقعیت‌های کره بودند را مهار کرد. احمدی در این صحنه، نمایشی فوق العاده داشت.

در دقیقه ۸۲ مسعود شجاعی، پشت محوطه جریمه خطایی را روی بازیکن کره انجام داد، ولی حریف نتوانست از این موقعیت استفاده کند. شجاعی در دقیقه ۸۲ با دریافت کارت زرد و در شرایطی که مصدوم شده بود، جایش را به احسان حاجی صفی داد. در دقایق پایانی، کره‌ای ها حملات زیادی را روی دروازه ایران انجام دادند، ولی نتوانستند به گل برسند.

قوچان نژاد: خدا را شکر

رضا قوچان نژاد، مهاجم ملی‌پوش فوتبال ایران که گل پیروزی بخش کشورمان را به ثمر رساند، بعد از پیروزی مقابل کره جنوبی، گفت: همه بازیکنان با تمام وجود دویدند و خدا را شکر که به برزیل رسیدیم.

قوچان نژاد، که به عنوان بهترین بازیکن این بازی انتخاب شد، افزود: در نیمه دوم، خیلی زحمت کشیدیم؛ همه بچه‌ها با هم زحمت کشیدند. هرچه توانستیم دویدیم. خدا را شکر که بردیم.

وی درباره افزایش روحیه ملی‌پوشان، بعد از به ثمر رسیدن گل توسط او، گفت: معلوم است، بعد از این گل همه اطمینان‌ها زیاد شد و همه با هم، دست به دست هم دادیم تا بازی را ببریم.

مهاجم گلزن ایران با اشاره به موقعیت‌های زیاد حریف، گفت: خدا را شکر در دقایق پایانی، شانس آوردیم و گل نخوردیم. خدا را شکر می کنم که این مسابقه را با برد تمام کردیم و خودمان را به برزیل رساندیم.

مشت گره کرده کی‌روش به «چوی»

کی روش و شاگردانش، پس از پیروزی و صعود به جام جهانی فوتبال به سمت نیمکت کره‌ای‌ها رفتند وبا مشت گره کرده، قدرت خود را به آنها نشان دادند.

نیمکت تیم ملی فوتبال ایران، پس از به صدا در آمدن سوت داور به سمت نیمکت کره‌جنوبی هجوم برد و کارلوس کی‌روش، سرمربی تیم ملی ایران برای سرمربی کره جنوبی، کُری خواند و مشت گره کرده‌اش را به «چوی» نشان داد.

ملی‌پوشان ایران، بعد از این پیروزی درورزشگاه‌اولسان کره‌جنوبی، جشن گرفتند.

استقبال از تیم ملی فوتبال

جزییات برگزاری آیین استقبال از ملی پوشان فوتبال، پس از صعود به جام جهانی – ۲۰۱٤ برزیل اعلام شد.

به گزارش روابط عمومی فدراسیون فوتبال، این فدراسیون پس از صعود مستقیم تیم ملی فوتبال به جام جهانی – ۲۰۱٤ برزیل، آیین ویژه ای برای استقبال از ملی پوشان در ورزشگاه آزادی تهران، تدارک دیده است.

این آیین، ساعت ۱۷ امروز در ورزشگاه آزادی، با حضور علاقه مندان و طرفداران تیم ملی فوتبال کشورمان برگزار خواهد شد. بازیکنان، پس از ورود به ورزشگاه آزادی، دور افتخار می زنند و صعود به جام جهانی را همراه با تماشاگران پرشور، جشن خواهند گرفت.

در این آیین، از ملی پوشان قدردانی می‌شود و در پایان، نورافشانی باشکوهی برگزار خواهد شد. فقط آقایان می توانند در این آیین حضور داشته باشند و از بانوان علاقه مند به تیم ملی، درخواست می شود که از آمدن به ورزشگاه آزادی، خودداری کنند. رسانه‌های گروهی، برای حضور و پوشش خبری این آیین با همراه داشتن کارت سازمان لیگ و حراست وزارت ورزش و جوانان می توانند حضور یابند.

شادی مردم تهران

تعداد زیادی از جوانان و مردم تهران با در دست داشتن پرچم ایران در مسیر خیابان ولیعصر (عج) به سمت میدان ولیعصر (عج) شادی و جشن گرفتند.

همچنین موج عظیمی از موتورسواران که پرچم‌های ایران را در دست داشتند با خوشحالی به سمت میدان ولیعصر (عج) حرکت کردند. تعداد زیادی از مردم تهران در خیابان‌ها و معابر خود با در دست داشتن پرچم ایران، شعار «ایران، ایران» سر دادند. موج شادی اتومبیل‌ها و موتورسوارها، ترافیک سنگینی را در شهر تهران ایجاد کرد. گزارش ها، حاکی از شلوغی در همه محله های تهران از جمله تهرانپارس، پیروزی، صادقیه، شهرک اکباتان، خیابان‌های آزادی، انقلاب، کارگر، میرداماد، شهید حقانی و میدان‌های ونک، ولی عصر (عج)، انقلاب، رازی و ... بود.

تهران، میدان مادر – لحظاتی پس از پیروزی تیم ملی – عکس: محسن وزیری

رهبر معظم انقلاب صعود ایران به جام جهانی را تبریک گفتند

در پی صعود تیم ملی فوتبال به جام جهانی برزیل، رهبر معظم انقلاب اسلامی با صدور پیامی کسب این موفقیت را تبریک گفتند.

متن پیام رهبر معظم انقلاب به این شرح است:

بسمه تعالی

پیروزی تیم ملی فوتبال، مردم و به‌ویژه ورزش دوستان کشور را شادمان کرد. از عزیزانی که این شادمانی را پدید آوردند متشکرم، خسته نباشید.

سید علی خامنه ای
۲۸ خرداد ماه ۱۳۹۲

پیام تبریک احمدی‌نژاد

محمود احمدی‌نژاد، رئیس جمهوری در پیامی، صعود مقتدرانه و دلنشین تیم ملی فوتبال کشورمان را به جام جهانی تبریک گفت.

در این پیام تبریک آمده است:

صعود مقتدرانه و دلنشین به جام جهانی فوتبال که با تلاش خستگی‌ناپذیر و غیرت و هوشمندی جوانان عزیز و برومندمان بدست آمد را به ملت بزرگ و به ویژه ورزشکاران سربلند میهن، صمیمانه تبریک عرض می‌نمایم.این اتفاق مبارک، یکبار دیگر بر شایستگی‌های جوانان و ملت سربلند صحه گذاشت و نوار افتخارآفرینی قهرمانان ورزشی ما را طولانی‌تر و درخشان‌تر کرد.با قدردانی از همه دست‌اندرکاران و مربیان، از خداوند منان برای همگان سلامتی و عزت و موفقیت تحت عنایات امام عصر (عج) مسئلت دارم. برافراشته باد، پرچم و نام و یاد ایران.

پیام تبریک رئیس جمهوری منتخب

دکتر حسن روحانی، رئیس جمهوری منتخب مردم ایران، صعود سرافرازانه تیم ملی فوتبال کشورمان را به جام جهانی برزیل، تبریک گفت و این موفقیت را مایه مباهات و خوشحالی همه ملت دانست.

متن پیام رئیس جمهوری منتخب به این شرح است:صعود سرافرازانه تیم ملی فوتبال کشورمان به جام جهانی ـ ۲۰۱٤ برزیل، مایه مباهات و خوشحالی همه ایرانیان و آنانی که به سربلندی ایران و ایرانی می‌اندیشند، گردید.این موفقیت ارزشمند را به ملت بزرگ ایران، بویژه ورزشکاران، ورزش دوستان و جامعه ورزشی کشور صمیمانه تبریک می گویم.اطمینان دارم این موفقیت، مقدمه‌ای برای پیروزی‌های دیگر و حضور مقتدرانه ایران اسلامی در همه عرصه‌ها خواهد بود.

اینجانب خود را در شادی ملت بزرگ ایران سهیم دانسته و برای یکایک ایرانیان در عرصه‌های گوناگون عزت‌آفرینی، آرزوی بهروزی و سعادت دارم.

پیام تبریک آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، پس از پیروزی غرورآفرین ملی‌پوشان فوتبال و صعود به جام‌جهانی پیام تبریکی صادر کرد.

پیروزی غرورآفرین و صعود تیم ملی فوتبال ایران به جام جهانی ـ ۲۰۱٤ برزیل را به مردم ورزش‌دوست، جوانان با احساس، زحمتکشان تیم و بویژه بازیکنان باتعصب تبریک می گویم و مانند همه ایرانیان در این جشن ملی شادمانم.خدا را شکر که این حماسه ورزشی در پیوند زمانی با آن حماسه سیاسی، خوشحالی ملی و تحیر جهان از ایرانیان را برای خلق اتفاقات شگفت‌انگیز، تکمیل کرد.

امیدوارم با برنامه و استفاده از کارشناسان و تمرین‌های علمی و عملی، شاهد تداوم پیروزی‌های بیشتر در همه رشته‌های ورزشی در میادین بین‌المللی باشیم.

پیام تبریک رئیس مجلس شورای اسلامی

علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی با صدور پیامی، صعود تیم ملی فوتبال به جام جهانی را به تیم ملی فوتبال کشورمان تبریک گفت.

علی لاریجانی در پیام تبریک خود آورده است: صعود افتخار آفرین و غرورانگیز جوانان غیور تیم ملی فوتبال در عرصه رقابت‌های مقدماتی انتخابی جام جهانی ـ ۲۰۱٤ برزیل، موجب شور و شعف ملت شریف و بزرگ ایران شد.در حالی که مردم آگاه ایران در روز جمعه ۲٤ خرداد با خلق حماسه سیاسی جهان را متحیر خویش ساختند، فرزندان غیرتمند ملت، شکوه و عظمت این کشور بزرگ را در حماسه‌ای دیگر رقم زدند. جوانان قوی‌تن و قوی‌دل جمهوری اسلامی ایران که مفتخر به صعود تیم کشورمان در این رقابت‌ها شدند، شادی و سرور به همراه جشن پیروزی را در جای‌جای کشور پهناورمان به ارمغان آوردند.

اینجانب از سوی خود و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، پیروزی درخشان و صعود تیم ملی به جام جهانی فوتبال را به ملت بزرگ ایران، جامعه ورزشی کشور و مسئولان، مربیان و کادر فنی و بازیکنان تیم ملی فوتبال کشورمان تبریک گفته و امیدوارم جوانان سرافراز کشورمان در همه عرصه‌ها و رقابت‌ها پیروز و موفق باشند.

ترحیم

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان والده جناب آقای **دکتر علی منصوریان** وکیل محترم دادگستری را به اطلاع می‌رساند.
مجلس ختم روز چهارشنبه ۹۲/۳/۲۹ از ساعت ۱۸ تا ۱۹/۳۰ در مسجد نور واقع در میدان فاطمی برگزار می‌گردد.
کانون وکلای دادگستری مرکز

همکار محترم جناب آقای دکتر پیمان امیدوار
با نهایت تأسف فقدان پدر گرامیتان را به شما و خانواده محترمتان صمیمانه تسلیت عرض می‌نمائیم. مجلس ترحیم آن مرحوم در مسجد حضرت ابوالفضل(ع) واقع در خیابان ستارخان روز پنج‌شنبه مورخ ۹۲/۳/۳۰ از ساعت ۱۸/۳۰ لغایت ۲۰ منعقد می‌باشد.
آزمایشگاه پاتوبیولوژی دی

بازگشت همه به سوی اوست
با نهایت تأسف درگذشت حاجیه خانم **فاطمه اویسی**، مادر گرامی جناب آقای مهندس علی شیعه بیگی مدیرعامل و جناب آقای ابوالقاسم شیعه بیگی نایب رئیس هیأت مدیره شرکت ناورود را به اطلاع همکاران و دوستان می‌رساند.
مجلس ترحیم آن مرحومه در روز یکشنبه ۹۲/۴/۲ از ساعت ۱۷ الی ۱۸/۳۰ در مسجدالرضا واقع در میدان نیلوفر برگزار می‌شود.
هیأت مدیره شرکت ناورود

بازگشت همه به سوی اوست
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان مرحومه **معصومه طالبی‌مرادی** را به اطلاع کلیه بستگان، دوستان و همشهریان محترم می‌رساند.
به همین مناسبت مراسم ترحیمی روز پنجشنبه ۹۲/۳/۳۰ از ساعت ۴ تا ۵/۳۰ بعد از ظهر در مسجد نور شبستری‌ها واقع در میدان دکتر فاطمی، اول خیابان یکم برگزار می‌گردد.
حضور سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحومه و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
خانواده‌های:
اناری ـ طالبی مرادی ـ طباطبایی ـ گلشن ـ نجابتی ـ رحیمی ـ مرادی شبستری ـ سیدغیاثی ـ ثابتی ـ خبازی ـ مجرب ـ میرغیاثی ـ گل صنم مرادی ـ محمدلوئی ـ نوروزی ـ جوان ـ ابراهیمی و سایر وابستگان

انا لله و انا الیه راجعون
با نهایت تأثر و تأسف درگذشت پدری مهربان و همسری فداکار مرحوم مغفور شادروان **حاج مهدی قلی شکری‌زاده (بزرگ خاندان شکری‌زاده)** را به اطلاع کلیه دوستان و آشنایان محترم می‌رساند.
مراسم هفتمین روز درگذشت آن مرحوم در روز جمعه مورخ ۹۲/۳/۳۱ از ساعت ۹/۳۰ الی ۱۱ صبح واقع در پیچ شمیران، ابتدای خیابان شریعتی نرسیده به تقاطع سمیه مجتمع فرهنگی بنیس برگزار می‌گردد.
حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
از طرف خانواده‌های:
شکری‌زاده، خوشوقت، ابوالفتحی، عزیزی، بهاری، جواهری، جوادی، ناصری، کاظمی نیا، عبدالهی، شمس‌نورائی، صفاری و سایر دوستان و آشنایان

به نام یزدان پاک
درگذشت پدر و برادر مهربانمان، شادروان **علی اصغر حیدرزاده** (کارمند بازنشسته راه‌آهن) را به آگاهی می‌رسانیم.
به‌همین‌مناسبت‌مجلس‌ختمی از ساعت ۱۴:۳۰ الی ۱۶ روز جمعه مورخه ۹۲/۳/۳۱ در مسجد جامع واقع در شهرک غرب برگزار می‌شود.
خانواده‌های: حیدرزاده ـ جعفری ـ علائی حیدری ـ حیدری ـ تفرشی ـ طالب‌زاده ـ تین‌نژاد ـ صفایی ـ پزشکپور ـ حاتمیان ـ حاتمی و کلیه وابستگان

هو الحی لا یموت
با نهایت تأثر درگذشت روانشاد حاجیه بانو **شوکت آغا انصاری** را به آگاهی دوستان و آشنایان و همکاران محترم می‌رسانیم. مجلس یادبود آن مرحومه روز چهارشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۹۲ از ساعت ۱۸ الی ۱۹/۳۰ در مسجد نور واقع در میدان فاطمی برگزار می‌گردد.
خانواده‌های: انصاری ـ منصوریان ـ مهدوی ـ شریعت‌زاده ـ صمدی ـ جهانسوز ـ حیدرزاده ـ قاسمپور ـ عبدی ـ خلیلی

یادبود

یادبود
۲۹ خرداد ماه هشتمین سال درگذشت اسطوره کامل انسانیت و محبت خانم **سیروس دخت تمدن** همسر فداکار و مادر عزیزمان را گرامی می‌داریم.
یاد و خاطره شیرین و فراموش نشدنی وی همیشه در دلهای ما زنده است
روحش شاد و یادش جاودان باد،
دکتر تمدن ـ رامین ـ رضا

از ۲۸ خرداد ۱۳۷۹
۱۳ سال گذشت
مادری عزیز، فرهنگی فرزانه
مادر نمونه سال ۱۳۴۸ ـ از قم
بانو سکینه مقاره‌ای
«محسنی کاشانی»



سالها ما را بدنیا غمگساری کرد و رفت
با بد و خوب حوادث پایداری کرد و رفت
یادت همراه ماست، زحماتت را فراموش نمی‌کنیم.
ملک زمان ـ پریچهر ـ علی ـ محمد ـ مهین (محسنی کاشانی)

انوشم با مرگ تو روشنی از آفتاب رفت
نور از حیاط گم شد و عشرت به خاک رفت
مادر مُرد و کاخ بلند خیال ریخت
در تندباد حادثه همچون حباب رفت
پسرم خردادماه تلخ‌ترین روزهای زندگیمان دوباره از راه رسید.
سه سال از خاموشی ستاره روشنی بخش وجودمان گذشت نازنینم چه کوتاه بود عمر خوشبختی ما و چه طاقت‌فرساست زندگی بعد از تو... ناباورانه روزها را گذراندیم بدون حضور تو نام و یادت گرامی باد.
پدر ـ دکتر سیدمحی‌الدین سجادی
مادر ـ عشرت‌الملوک حبیبی
خواهر ـ بهار سجادی

پدرم در دلم از داغ تو غوغاست هنوز
غم فقدان تو پنهان به دل ماست هنوز
سی‌ام خرداد تلخ‌ترین روزهای زندگی مان دوباره از راه رسید.
یکسال از خاموشی پدری بزرگوار و همسری مهربان مرحوم **حاج علی پیرحیاتی** (پدر شهید حمید پیرحیاتی) می‌گذرد.
ناباورانه روزها را گذراندیم بدون حضور او که باور داشتیم بودنش نماد عینی شرف و مفهوم بخشایش بود. دنیای با او بودن به ما نیاموخت که بی او چه کنیم اما وفایش به ما آموخت که محبت‌های بی‌منت و بی‌صدای او را که جاودانه در جان زندگیمان سبز است فراموش نکنیم.
به همین منظور برای گرامیداشت یاد و خاطره این انسان نمونه و طلب آمرزش و مغفرت برای آن مرحوم مراسمی مورخ ۹۲/۳/۳۰ ساعت ۱۰ صبح در محل بهشت‌زهرا برگزار خواهد شد.
از طرف همسر و فرزندان

تسلیت

جناب آقای دکتر بهرام عین‌الهی
معاون محترم آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
با اندوه فراوان درگذشت مادر گرامیتان را صمیمانه تسلیت عرض نموده، از خدای بزرگ برای آن فقیده سعیده شادی روح و علو درجات و برای آن همکار محترم سلامت، سعادت و طول عمر مسئلت مینمائیم.
هیأت امناء، هیأت‌مدیره و پرسنل
بانک چشم جمهوری اسلامی ایران

جناب آقای دکتر بهرام عین‌الهی
معاون محترم آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
با تأسف و تألم درگذشت والده ماجده جنابعالی را به آن همکار محترم و خانواده محترم صمیمانه تسلیت میگوئیم، از درگاه ذات مقدس باریتعالی برای آن مرحومه شادی روح و برای جنابعالی و خاندان محترم صبر و بردباری مسئلت داریم.
گروه چشم‌پزشکی و مرکز تحقیقات چشم
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

درگذشت **استاد جلیل شهناز** را تسلیت میگوئیم.
اکبر گلپایگانی (گلپا) ـ پرفسور منصور حسنی میانرودی

بازگشت همه بسوی اوست
جناب آقای مهندس علی شیعه بیگی
مدیرعامل محترم شرکت ناورود
بانهایت تأثر و تأسف درگذشت مادر گرامیتان را تسلیت عرض می‌نمائیم.
شرکت ناودیس راه

برادر ارجمندم جناب آقای دکتر بهرام عین‌الهی
استاد محترم دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی شهید بهشتی
با اندوه فراوان درگذشت والده مکرمه حضرتعالی را صمیمانه تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال صبر جمیل، عزت و بقای بازماندگان را مسئلت دارد.
دکتر مختوم شهنازی

حضرات آیات جنابان آقایان
مهدوی کنی و باقری کنی
با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده و برای کلیه بازماندگان صبر جمیل آرزومندم.
اسدا... عسگراولادی

در آگهی تسلیت مورخ ۹۲/۳/۲۷ مربوط به فوت مادر آقای رسول مهاجری، اسم مهشید فرشید افشار اشتباه بوده و بانو فرشید افشار صحیح است.

مدیرعامل، هیئت مدیره و همکاران محترم
بیمارستان بهمن
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مرحوم **«دکتر ابراهیم خیراندیش»** را به شما و جامعه پزشکان تسلیت عرض می‌نمائیم.
هیئت مدیره و مدیرعامل بیمارستان سجاد

جناب آقای مهندس روح‌اله علیزاده
مدیریت محترم عامل شرکت کارتن شمال
با کمال تأثر و تأسف مصیبت وارده را صمیمانه تسلیت عرض نموده از خداوند منان برای آن فقیده سعیده طلب آمرزش و برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر و شکیبایی خواستاریم.
انجمن مدیران صنایع کارتن و ورق

جامعه مهندسان مشاور ایران
سرکار خانم سعیده دارابی
درگذشت مادر بزرگوارتان را تسلیت گفته، خود را در این غم شریک می‌دانیم.
مهندسین مشاور بندآب

جناب آقای حاج عزت‌اله فرجی
مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و برای آن مرحوم از پیشگاه خداوند متعال رحمت واسعه و برای جنابعالی و بازماندگان محترم صبر و سلامتی آرزومندیم.
محمود ثباتی ـ اباسل اسدی ـ عباس رضایی‌زاده ـ احمد علیپور

جناب آقای مهندس علی شیعه‌بیگی
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت والده مکرمه را خدمت جنابعالی و خاندان محترم تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند متعال برای آن مرحومه علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می‌نمایم.
مهندس حسن زندی‌نژاد

اناللهِ و انا الیه راجعون
همکار محترم جناب آقای دکتر عبدالله زاده
با نهایت تأسف درگذشت برادر گرامیتان را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض کرده، از درگاه خداوند منان، غفران واسعه برای آن مرحوم و صبر و سلامت برای شما و خانواده محترمتان آرزو می‌نمائیم.
هیأت‌علمی و اعضای دفتر پژوهش‌های فرهنگی

خانواده محترم دکتر ابراهیم خیراندیش
درگذشت جانگداز همکار محترم را به شما تسلیت عرض نموده در غم فقدان آن بزرگوار با شما شریک هستیم.
دکتر پرویز وحدانی ـ دکتر محمود میرهاشمی ـ دکتر بهرام نصری رازین ـ دکتر محمود نبوی ـ دکتر مصطفی عمیدی ـ دکتر حسین خطایی ـ دکتر علیرضا فامیلی ـ دکتر داود صمدی طاری ـ مهندس علی جوادی ـ مهندس اسماعیل صالحی

جناب آقای مهندس علی شیعه‌بیگی
مدیرعامل محترم شرکت ناورود
با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده، از درگاه ایزد منان برای آن مرحومه علو درجات و برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.
شرکت آباد راهان پارس ـ شرکت آباد راه‌گستر پارس

جناب آقای مهندس ابراهیمی
رئیس محترم هیئت مدیره شرکت الموت
با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده، از درگاه ایزد منان برای آن مرحوم علو درجات و برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.
شرکت آبادراهان پارس ـ شرکت آباد راه‌گستر پارس

جناب آقای مهندس شیعه بیگی
مصیبت وارده را به حضور جنابعالی تسلیت عرض می‌نمائیم.
شرکت آرمه‌نو

خانواده محترم مرحوم دکتر ابراهیم خیراندیش
هیئت مدیره و پزشکان محترم بیمارستان بهمن
بانهایت‌تأسف‌درگذشت‌مرحوم‌مغفور، شادروان‌دکترابراهیم خیراندیش‌راصمیمانه‌تسلیت‌عرض‌نموده، از خداوندمتعال برای آن مرحوم علو درجات مسئلت می‌نمائیم.
هیئت مدیره و مدیرعامل بیمارستان مهر

جناب آقای مهندس علی شیعه بیگی
مدیرعامل محترم شرکت ناورود
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مادر گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از درگاه خداوند متعال برای آن مرحومه رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.
منوچهر درودی

همکار گرامی جناب آقای دکتر سیدعلی متینی
بااندوه‌فراوان‌درگذشت‌پدرهمسرگرامیتان‌راصمیمانه‌تسلیت عرض نموده، از درگاه ذات مقدس باریتعالی برای جنابعالی و خانواده محترم سلامت و سعادت مسئلت می‌نماییم.
دکتر احد عاطف وحید و بانو

خانواده محترم مرحوم دکتر ابراهیم خیراندیش
و پزشکان محترم بیمارستان بهمن
مصیبت وارده را صمیمانه تسلیت عرض نموده و بقای عمر و سلامتی برای آن بزرگواران آرزومندم.
دکتر احمد نادری
مدیرعامل بیمارستان جم

جناب آقای مهندس علی شیعه‌بیگی
مدیرعامل محترم شرکت ناورود
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مادر گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده از درگاه خداوند متعال برای آن مرحومه رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.
هیئت‌مدیره و کارکنان
شرکت مهندسان مشاور پاسیلو

جناب آقای دکتر فرهاد سمیعی
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت پدر بزرگوارتان را خدمت جنابعالی و خانواده معزز تسلیت عرض نموده، از درگاه خداوند متعال صبر و شکیبایی برای بازماندگان و علو درجات برای آن مرحوم خواستاریم.
شرکت بی ان ام
محمدحسن مرادی

آگهی تصمیمات شرکت فائض سهامی خاص به شماره ثبت ۲۵۳۶۲۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۹۴۰۴۱۶
طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۱/۴/۲۵ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۷/۱۲ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۰/۱۲/۲۹ به تصویب رسید. موسسه حسابرسی آزموده‌کاران به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۶۸۶۰۰ به سمت بازرس اصلی و علی‌اصغر فرخ به ش ملی ۰۰۴۸۶۵۰۰۱۳ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۹۱/۱۵۱۱۹۷

آگهی تصمیمات شرکت جم رایان سهامی خاص به شماره ثبت ۲۰۴۵۴۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۴۶۲۳۲۲
طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۱/۴/۲۸ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۶/۲۹ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۰ به تصویب رسید. مؤسسه حسابرسی آزمودگان به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۲۵۲۳۳۹ بسمت بازرس اصلی و مهرداد آل علی به کدملی ۰۰۴۵۷۱۳۸۶۳ شناسه ملی بسمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: مصطفی رفعت‌نژاد به کدملی ۰۰۳۴۹۴۷۶۵۵ ـ مقصود نور جهانی به کدملی ۰۰۳۶۸۴۲۲۹۱ ـ مهدی قنادان به کدملی ۰۹۴۳۲۱۹۱۸۷ ـ به موجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۴/۲۸ مهدی قنادان به سمت رئیس هیئت مدیره و مصطفی رفعت‌نژاد به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و مسعود زینعلی خارج از اعضا به کدملی ۰۰۳۷۱۳۲۷۹۲ به سمت مدیرعامل تعیین گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور از جمله چک، سفته، برات و قراردادها با امضاء متفق مدیرعامل و یکی از اعضای هیأت مدیره همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و مراسلات با امضاء منفرد هر یک از اعضای هیأت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۹۱/۱۴۶۹۲۴

آگهی تصمیمات شرکت مهندسین مشاور پایا بنیان صنعت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۲۰۹۹۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۶۲۲۸۴۲
طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۱/۳/۱۶ شرکت مزبور که در تاریخ ۷/۱۷/ح واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۸۹ به تصویب رسید. زهرا سحرخیز راد به ک‌ملی ۰۰۴۲۳۲۲۶۹۳ به سمت بازرس اصلی و ساسان امین طینت به ک‌ملی ۰۰۶۳۸۵۷۶۸۵ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: مهران عامل نیکنام به ک‌م ۰۰۶۶۹۵۵۲۱۱ و مهرزاد عامل نیکنام همدانی به ک‌م ۰۴۵۱۵۹۲۵۰۶ و مریم عامل نیکنام همدانی به ک‌م ۰۰۶۹۵۰۰۹۸۳ و شعله دولتشاهی به ک‌م ۳۹۶۱۶۴۹۶۵۰ به موجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۳/۱۶ مریم عامل نیکنام همدانی به سمت رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل مهران عادل نیکنام به سمت نایب رئیس هیئت مدیره تعیین گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور از جمله چک، سفته، برات، قراردادها و عقود اسلامی با امضاء مدیرعامل منفرداً همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و مراسلات با امضاء مدیرعامل منفرداً و در غیاب وی با امضاء نایب رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۹۱/۱۴۶۸۰۵

آگهی افزایش سرمایه شرکت قالبسازی ایران قدر شقایق سهامی خاص ثبت شده به شماره ۱۰۴۱۴۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۴۸۰۳۶۲
به موجب صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۹۱/۵/۱۱ سرمایه شرکت از مبلغ ۶۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به ۶۷/۷۶۸/۰۰۰/۰۰۰ مبلغ ریال منقسم به ۱۳/۵۵۳/۶۰۰ سهم ریالی ۵۰۰۰۰ بانام که تماماً پرداخت شده از طریق تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت شرکت تأمین گردیده افزایش یافته است ماده مربوطه اساسنامه به شرح فوق اصلاح و ذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ ۹۱/۸/۱ تکمیل امضاء گردیده است.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۹۱/۱۴۶۸۱۱

آگهی تصمیمات شرکت آژند نیا سهامی خاص به شماره ثبت ۸۱۱۴۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۲۵۱۳۵
طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۶/۱۵ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۷/۱۸ واصل گردید موارد ذیل به تصویب مجمع مزبور رسید: عبداله عالمی به ک‌م ۰۰۴۴۵۱۵۳۴۰ به سمت بازرس اصلی و شیلا افضلی به ک‌م ۰۰۷۱۴۷۲۲۰۷ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت تعیین گردید. اعضاء هیئت مدیره به مدت دو سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: علیرضا حسینی سیانکی به ک‌م ۰۰۷۵۴۳۷۰۰۷ به سمت رئیس هیئت مدیره و نسرین وکیلی به ک‌م ۳۷۳۲۳۶۸۰۵۱ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و محمد حقیقی به ک‌م ۰۰۵۳۰۳۴۸۷۲ به سمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره تعیین شدند.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۹۱/۱۴۷۶۲۸

آگهی تصمیمات شرکت مهندسی نرم‌افزار رایورز سهامی خاص به شماره ثبت ۷۵۹۵۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۲۰۸۳۳۷
طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۱/۴/۱۴ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۸/۱۴ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۰ به تصویب رسید. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. اعضاء هیأت مدیره به مدت دو سال بقرار ذیل انتخاب گردیدند. پرویز رحمتی به ک م ۱۰۱۶۹۰۱۲۳۷ مجید عرفانیان خلخالی به ک م ۰۰۴۴۹۳۳۹۶۷ محمدرضا شمشیری‌راد به ک م ۰۰۳۹۲۷۲۶۶۴ مسعود حیدریان به ک م ۰۰۴۱۱۰۱۳۹۱ مهداد رزاقی به ک م ۰۴۵۰۹۷۰۴۲۶ بموجب صورتجلسه هیأت مدیره مورخ ۹۱/۴/۱۴ مجید عرفانیان خلخالی بسمت رئیس هیأت مدیره و محمدرضا شمشیری‌راد بسمت نایب رئیس هیأت مدیره و پرویز رحمتی بسمت مدیرعامل تعیین گردیدند و امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور و بهادار با امضاء ثابت مدیرعامل و یکی از اعضای هیأت مدیره همراه با مهر شرکت و نامه‌های اداری با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر است.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۹۱/۱۶۸۰۶۸

آگهی تصمیمات شرکت شتابکار سهامی خاص به شماره ثبت ۵۰۵۳۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۵۶۹۴۵
طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۱/۴/۲۸ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۸/۱۵ واصل گردید موارد ذیل به تصویب مجمع مزبور رسید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۰ به تصویب رسید. موسسه حسابرسی آتیه‌اندیش ارقام به شناسنامه ملی ۱۰۱۰۳۲۹۷۹۶۵ به سمت بازرس اصلی و سیامک اعتمادی‌نژاد با کد ملی ۰۰۳۱۱۶۹۹۰۲ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۹۱/۱۶۷۹۳۶

آگهی تصمیمات شرکت سیمان آبیک سهامی عام به شماره ثبت ۱۹۸۷۰۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۴۰۵۲۲۰
باستناد صورتجلسه هیأت مدیره مورخ ۹۱/۸/۲ شرکت سیمان فارس و خوزستان به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۲۳۵۶۱۵ به نمایندگی جدید اسفندیار سالاروند به کد ملی ۴۲۱۹۴۲۶۸۶۸ به سمت رئیس هیأت مدیره برای بقیه مدت تصدی هیأت مدیره انتخاب گردیدند و بقیه اعضا در سمت‌های خود ابقا گردیدند و همچنین حق امضا بقوت خود کمافی‌السابق باقیست.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۹۱/۱۶۵۲۷۶

آگهی تصمیمات شرکت ساختمانی شنگرف سهامی خاص به شماره ثبت ۴۰۴۹۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۸۵۸۸۷۷
طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۱/۵/۱۵ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۶/۲۷ واصل گردید: مجید شیخ‌بهایی به کد ملی ۱۲۸۵۴۴۴۸۳۳ به سمت بازرس اصلی و مهسا شیخ‌بهایی به کد ملی ۰۰۱۲۱۹۴۹۶۴ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۹۱/۱۶۴۴۸۳

آگهی افزایش سرمایه شرکت بازرگانی سام‌پخش سهامی خاص به شماره ثبت ۱۸۸۴۰۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۳۰۴۳۱۶
به موجب صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۹۱/۶/۳۰ سرمایه شرکت از مبلغ ۵۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به مبلغ ۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به ۱۵۰/۰۰۰ سهم ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریالی بانام که تماما پرداخت شده از طریق مطالبات حال شده تامین گردیده افزایش یافته است. ماده مربوطه در اساسنامه بشرح فوق اصلاح و ذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ ۹۱/۸/۲۳ تکمیل امضاء گردیده است.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۹۱/۱۶۵۰۵۴

آگهی تصمیمات شرکت بیمه توسعه سهامی خاص به شماره ثبت ۲۰۰۷۵۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۴۲۵۰۴۴
طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۱/۴/۲۵ و تنفس مربوطه شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۷/۲۶ واصل گردید موارد ذیل به تصویب مجمع مزبور رسید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به پایان اسفند ۱۳۹۰ به تصویب رسید. موسسه حسابرسی آبان حساب به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۲۹۴۹۵ به سمت بازرس اصلی و موسسه حسابرسی و بهبود سیستم‌های مدیریت حسابرسین به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۱۶۹۹۱ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات و دنیای اقتصاد جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۹۱/۱۶۳۶۹۲

آگهی تغییرات شرکت کک طبس سهامی خاص به شماره ثبت ۲۲۴۷۰۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۶۵۹۲۲۰
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۷/۵ کلیه چک‌ها و اوراق و اسناد تعهدآور مکاتبات با بانکها با امضای مدیرعامل و یکی از اعضای هیئت مدیره و مجتمعا همراه با مهر شرکت و در غیاب مدیرعامل با امضای رئیس هیئت مدیره و یکی دیگر از اعضای هیئت مدیره و مکاتبات عادی اداری با امضای مدیرعامل و مهر شرکت و در غیاب مدیرعامل با امضای رئیس یا نائب رئیس هیئت مدیره معتبر می‌باشد.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۹۱/۱۴۹۸۷۹

آگهی تصمیمات شرکت سرمایه‌گذاری صبا تامین سهامی عام به شماره ثبت ۱۴۷۹۶۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۹۰۸۳۷۰
طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۱/۶/۲۷ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۷/۱۹ واصل گردید موارد ذیل به تصویب رسید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۹۱/۲/۳۱ به تصویب رسید. سازمان حسابرسی به ش م ۱۰۱۰۱۱۳۶۳۳۲ به سمت بازرس قانونی برای مدت یکسال انتخاب شدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی های شرکت تعیین گردید.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۹۱/۱۵۱۷۹۲

آگهی افزایش سرمایه شرکت کارخانجات چینی بهداشتی مروارید سهامی خاص ثبت شده به شماره ۷۸۲۴۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۲۳۱۰۳۲
بموجب صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۹۱/۶/۵ و هیات مدیره مورخ ۹۱/۶/۱۴ سرمایه شرکت از مبلغ ۳۶/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به مبلغ ۶۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به ۶۰۰۰۰۰۰ سهم ۱۰۰۰۰ ریالی با نام که تماما پرداخت شده از طریق سود تقسیم نشده تامین گردیده افزایش یافته ماده مربوطه اساسنامه بشرح فوق اصلاح و ذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ ۹۱/۸/۲ تکمیل امضاء گردیده است.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۹۱/۱۴۷۹۶۸

آگهی تصمیمات شرکت آسیا سیم سهامی خاص به شماره ثبت ۷۶۲۳۷ و شماره ملی ۱۰۱۰۱۲۱۱۱۲۶
طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۱/۴/۲۷ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۸/۸ واصل گردید:
۱- ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۰ به تصویب رسید.
۲- آقای مجید حسینی با شماره ملی ۳۹۳۲۷۵۱۲۵۶ به سمت بازرس اصلی و آقای آرش حسینی علمداری با شماره ملی ۳۹۳۲۷۵۲۲۲۸ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند.
۳- روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.
۴- بموجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۴/۲۷ آقایان رحمن حسینی با کدملی ۳۹۳۲۴۸۷۶۷۲ به سمت رئیس هیئت مدیره، و خانم سحر حسینی با کدملی ۰۰۵۹۹۰۷۵۶۸ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره وآقای سامان حسینی با کدملی ۰۰۷۳۵۶۷۴۸۵ به سمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره تعیین گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک، سفته، برات بدون محدودیت و غیره با امضاء رئیس هیئت مدیره به تنهایی همراه با مهر شرکت و درغیاب ایشان با امضای دو نفر دیگر از اعضای هیئت مدیره مشترکا همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۹۱/۱۶۱۴۷۴

آگهی تصمیمات شرکت پدیدار صنعت سازش سهامی خاص به شماره ثبت ۱۶۵۹۲۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۰۸۴۷۳۱
طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۵/۳۰ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۶/۲۸ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۰ به تصویب رسید. علی روشنفکر راد به کدملی ۲۵۹۳۶۰۵۸۱۲ به سمت بازرس اصلی و سیدابوالفضل صدر طهوری به کدملی ۱۶۳۷۹۵۰۷۲۱ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: غلامحسین سازش به کدملی ۲۲۹۵۷۱۸۲۸۷ و مسعود سازش به کدملی ۲۲۹۶۷۷۹۰۹۳ و محمدمهدی سازش به کدملی ۲۲۹۱۹۵۷۲۲۸- بموجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۵/۳۰ غلامحسین سازش به سمت رئیس هیئت مدیره، محمدمهدی سازی به سمت نایب رئیس هیئت مدیره، مسعودسازش به سمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره تعیین گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک، سفته، برات با امضاء مدیرعامل یا یکی از مدیران همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و مراسلات با امضاء مدیرعامل یا یکی از مدیران همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۹۱/۱۴۷۴۶۸

آگهی تصمیمات شرکت طراحی و مهندسی قطعات کرمان خودرو سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۳۱۷۰ و شناسه ملی ۱۰۶۳۰۰۵۸۶۷۸
طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۱/۷/۱۸ و تنفس های مربوطه شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۷/۳۰ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۰ بتصویب رسید. محمد تقی سجادی به شم ۲۰۹۱۷۹۱۲۲۹ به سمت بازرس اصلی و فتحاله نجفی به ش م ۶۶۰۹۱۴۰۶۳۴ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج‌آگهی‌های شرکت تعیین گردید. اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: شرکت صنایع خودروسازی کرمان به شم ۱۰۱۰۱۲۶۳۹۲۹ شرکت خدمات و تجارت مدیران پارس به شم ۱۰۱۰۱۳۵۰۷۱۹ به نمایندگی سید محمد رفیع نبوی به شم ۱۳۷۷۸۳۳۲۶۷ مرتضی خوشنویس راد به شم ۰۰۴۱۶۰۲۰۳۱ بموجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۴/۲۸ سید حسین کرباسی بنمایندگی از شرکت صنایع خودروسازی کرمان به سمت رئیس هیئت مدیره، سید محمد رفیع نبوی به سمت نایب رئیس هیئت مدیره، مرتضی خوشنویس به سمت عضو هیئت مدیره و مدیرعامل تعیین گردیدند. امضا کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک، سفته، برات با امضاء دو نفر از اعضا هیئت مدیره همراه با مهرشرکت معتبر می‌باشد.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۹۱/۱۵۷۶۷۰

آگهی تصمیمات شرکت سازنده مخازن تحت فشار کاوش سهامی خاص به شماره ثبت ۲۰۰۹۶۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۴۲۷۱۷۷
طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۱/۴/۳ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۷/۱۹ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۰ بتصویب رسید. موسسه حسابرسی بهمند به ش‌ملی ۱۰۱۰۰۱۷۴۳۹۰ به سمت بازرس اصلی و علی مشرقی آرانی به ک‌ملی ۶۱۹۹۴۹۱۰۵ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج‌آگهی‌های شرکت تعیین گردید.اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: شرکت سازنده توربوکمپرسور به شم ۱۰۱۰۱۳۱۰۶۷۰ به نمایندگی بهرام توسلی به ک م ۱۸۱۸۹۳۹۲۶۶ و نصراله محمد حسین فلاح به ک م ۰۰۴۲۲۹۹۲۵۱ و عباس فریور به ک‌م ۱۴۵۲۰۱۱۳۱۰ و ماشاءاله عدالتی به ک‌م ۱۲۶۰۳۷۶۲۲ و جواد بلوچی سیرجانی به ک‌م ۲۲۹۷۳۸۱۶۴۶ به موجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۴/۳ محمد حسین فلاح به سمت رئیس هیئت مدیره و عباس فریور به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و بهرام توسلی به سمت مدیرعامل تعیین گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور از جمله چک سفته برات عقود اسلامی با امضاء مشترک مدیرعامل به اتفاق یکی از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و مراسلات با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد. محل شرکت به میدان ونک خ ونک غربی پ ۶۱ط ۴ واحد۴۰۲ انتقال یافت.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۹۱/۱۴۹۷۷۵

آگهی تصمیمات شرکت کشت و صنعت نیکان نوین پرور سهامی خاص به شماره ثبت ۱۶۶۸۲۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۰۹۳۶۱۹
طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۷/۱۵ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۷/۱۴ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۰ بتصویب رسید. هاشم حمامی تتماج به کد ملی ۰۰۵۱۴۴۹۳۶۶ به سمت بازرس اصلی و حمیدرضا منوچهری به کد ملی ۰۰۵۲۲۸۲۳۷۶ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند.
روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج‌آگهی‌های شرکت تعیین گردید.اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: داریوش سعیدی افشار به کد ملی ۰۰۴۶۱۱۷۲۲۹ و خلیل جباری ثانی به کدملی ۱۳۷۶۳۳۴۴۹۶ و خسرو مافی به کد ملی ۵۰۸۹۱۸۱۶۸۳ و محمود رضا دیلمی به کد ملی ۴۸۳۹۳۴۸۳۹۱ بموجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۷/۱۵ خلیل جباری ثانی به سمت رئیس هیئت مدیره، محمودرضا دیلمی به سمت نایب رئیس هیئت مدیره، داریوش سعیدی افشار به سمت مدیرعامل تعیین گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک، سفته، برات با امضاء متفق مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و اداری با امضاء مدیرعامل و یا رئیس هیئت مدیره به تنهایی همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۹۱/۱۴۹۶۵۶

آگهی تصمیمات شرکت مدیریت طرح آتیه‌سازان سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۳۶۲۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۷۶۸۷۵۴
طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۵/۲۴ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۷/۲۳ واصل گردید موارد ذیل به تصویب مجمع مزبور رسید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۰ به تصویب رسید. سازمان حسابرسی به شم ۱۰۱۰۱۱۳۶۳۳۲ به سمت بازرس قانونی برای مدت یکسال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت تعیین گردید.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۹۱/۱۵۷۱۲۸

آگهی تصمیمات شرکت صنایع خمیر و کاغذ اترک سهامی خاص به شماره ثبت ۱۶۸۰۸۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۰۶۱۰۶
طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۶/۱۱ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۸/۲۹ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۰ به تصویب رسید.
مؤسسه حسابرسی کاربرد تحقیق به شناسه ملی ۱۰۲۶۰۱۰۳۰۰۰ به سمت بازرس اصلی و عباس جالوسی به کدملی ۰۰۳۸۵۹۰۰۸۵ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند.
روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.
اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل سیدمحمود سرجوقیان به کدملی ۱۲۸۵۴۷۳۱۸۳ به سمت رئیس هیئت مدیره، آزاده سرجوقیان به کدملی ۱۲۸۴۹۲۰۳۰۵ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره، آزیتا سرجوقیان به کدملی ۱۲۸۵۰۱۶۸۲۳ به سمت عضو هیئت مدیره و محمود کیخسروی به کدملی ۱۲۸۶۴۱۰۱۰۱ خارج از اعضاء هیئت مدیره به سمت مدیرعامل تعیین گردیدند.
حق امضاء کلیه اسناد و اوراق تعهدآور و بهادار از جمله چک، سفته، برات و قراردادها با امضاء مشترک سیدمحمود سرجوقیان و محمود کیخسروی متفقاً یا با امضاء هر یک منفرداً همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد و اوراق عادی با امضاء هر یک منفرداً همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۹۱/۱۵۷۶۷۰

آگهی تصمیمات شرکت پارمیس درمان تهران سهامی خاص به شماره ثبت ۱۶۰۴۸۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۰۳۱۴۲۰
طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۷/۶ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۷/۲۶ واصل گردید: اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: علیرضا مهجوری به کدملی ۰۰۷۳۴۰۰۷۶۹ و مسعود مهجوری به کدملی ۰۰۳۰۶۸۵۱۷۶ و ملیحه اظهری مهربانی به کدملی ۰۰۴۲۳۰۰۴۷۹ ـ به موجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۷/۶ علیرضا مهجوری به سمت رئیس هیئت مدیره، ملیحه اظهری مهربانی به سمت نایب رئیس هیئت مدیره، مسعود مهجوری به سمت مدیرعامل تعیین گردیدند.
امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک، سفته، برات و قراردادهای تعهدآور با امضاء دو نفر از اعضای هیئت مدیره متفقاً و نامه‌های عادی با امضای مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۹۱/۱۶۰۹۰۶

آگهی تصمیمات شرکت مه پروتئین سهامی خاص به شماره ثبت ۸۸۵۳۲۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۲۹۳۳۳
طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۹۰/۱۲/۲ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۶/۲۹ واصل گردید موارد ذیل به تصویب مجمع مزبور رسید: رضا صالح‌آبادی به ک‌م ۱۲۶۱۵۲۳۲۷۱ به سمت بازرس اصلی و هوشنگ مسگرمقدم به ک‌م ۰۰۴۲۲۳۴۹۱۳ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال انتخاب شدند.
روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت تعیین گردید.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۹۱/۱۶۱۰۸۶

آگهی تصمیمات شرکت دلتا فرآیند سهامی خاص به شماره ثبت ۲۱۸۰۴۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۵۹۳۸۴۹
طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۱/۴/۲۲ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۸/۲ واصل گردید موارد ذیل به تصویب مجمع مزبور رسید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۰ به تصویب رسید.
غلامحسین نیری به کدملی ۴۵۹۰۹۵۲۱۳۰ به سمت بازرس اصلی و مرجان کرمانشاهانی به کدملی ۰۰۶۷۳۱۱۴۷۴ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال انتخاب گردیدند.
روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت تعیین گردید.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۹۱/۱۶۰۸۵۷

آگهی تغییرات شرکت دخانیات ایران سهامی خاص به شماره ثبت ۱۲۸۰۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۴۹۲۱۲۰
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۹۰/۹/۲۸ کاظم معتمدی فربه ک‌م ۶۴۳۹۵۵۴۸۳۲ و سعید آتشباری به ک‌م ۵۰۶۹۶۴۹۲۵۶ حمید علیخانی به ک‌م ۰۴۹۱۲۱۳۲۵ به سمت اعضای اصلی هیئت مدیره و حسین آیینی به ک‌م ۳۸۰۱۶۶۵۲۹۱ به سمت عضو علی‌البدل برای مدت ۲ سال انتخاب شدند.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۹۱/۱۴۶۷۹۶

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ مؤسسه اطلاعات
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سردبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت جنوبی - ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

اطلاعات

سال هشتاد و هفتم

تقویم اطلاعات

چهارشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۹۲
۱۰ شعبان ۱۴۳۴ ـ ۱۹ ژوئن ۲۰۱۳

ظهر شرعی	۱۳ و ۰۶ دقیقه
غروب آفتاب	۲۰ و ۲۳ دقیقه
اذان مغرب	۲۰ و ۴۴ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۰ و ۱۲ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۴ و ۰۲ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۵ و ۴۹ دقیقه

ترکیه تهدید به مداخله ارتش برای سرکوب معترضان کرد

سرویس خارجی: به دنبال آغاز اعتصاب دو اتحادیه بزرگ کارگری در ترکیه، آنکارا هشدار داد که برای آرام کردن اوضاع پس از سه هفته اعتراضات ضد دولتی ارتش را وارد عمل می کند. اعضای اتحادیه های کارگری ترکیه در حمایت از معترضان ضد دولتی، در آنکارا دست به تظاهرات زدند. اعضای اتحادیه کارگری ترکیه، سندیکاهای کارگری، کنفدراسیون حقوق بگیران بخش دولتی و اتحادیه‌های پزشکان، مهندسان، معماران و دندانپزشکان ترکیه در خیابان های مرکزی آنکارا تجمع کرده و در حمایت از معترضان علیه دولت شعار دادند. معترضان همچنین استفاده از زور توسط پلیس و نیروهای امنیتی ترکیه علیه معترضان را محکوم کردند. تظاهر کنندگان اعلام کردند تا زمانی که دولت آنکارا خواست معترضان را نپذیرد، به اعتصاب و اعتراضات خود ادامه خواهند داد. این درحالی است که بولنت آرینچ، معاون نخست وزیر ترکیه گفت: پلیس از تمامی توان خود برای خاتمه دادن به ناآرامی ها استفاده می کند و اگر این کافی نباشد از ارتش و نیروهای مسلح در شهرها استفاده خواهد شد. آرینچ افزود: اعتراضات سالم و بی ضرری که از ۲۰ روز پیش آغاز شد، کاملا پایان یافته و هر گونه اعتراض بیشتری فورا سرکوب خواهد شد. رجب طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه نیز گفته است تک تک کسانی که خیابان‌ها را ناامن کرده‌اند شناسایی خواهند شد. احمد داود اوغلو وزیر خارجه ترکیه نیز گفت: ترکیه با ناآرامی ها در میدان تقسیم استانبول و پیامدهای این خشونت ها مقابله می کند. وی افزود: هدف اصلی معترضان در پارک گزی میدان تقسیم، عدم تحقق خواست مردم ترکیه است و ترک ها نباید کنترل و اعتماد به نفس خود را از دست بدهند.

واکنش غرب

آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان از روند حوداث در ترکیه انتقاد کرد و گفت: باید به صراحت بگویم از آنچه در ترکیه رخ داده است شوکه شده‌ام. وقایع ترکیه هیچ تناسبی با معیارهای ما از آزادی تظاهرات و آزادی عقیده و بیان ندارد. مرکل افزود: نمی خواهد به حکومت ترکیه هیچ اندرزی از بیرون بدهد اما از ترکیه‌ای که وارد قرن ۲۱ شده انتظار می رود این را بپذیرد که مردم حق دارند نظر دیگری جز نظر حکومت داشته باشند. مارتین شولتز، رئیس پارلمان اتحادیه اروپا نیز از اردوغان خواست به معیارهای دموکراسی اتحادیه اروپا پایبند بماند. وی گفت: این ترکیه است که قصد دارد وارد اتحادیه اروپا شود نه برعکس. در حال حاضر ترکیه به زبان یک کشور دموکراتیک و قانون‌مدار حرف نمی زند. به گفته وی این خطر ترکیه را تهدید می کند که در جامعه جهانی طرد شود. ازسویی به دنبال خشونت‌های ترکیه، وزارت خارجه آلمان از همه اتباع خود در این کشور خواست از ناآرامی‌ها دوری کنند و از حضور در مکان‌های شلوغ خودداری ورزند. مسئولان بیمارستانی برآورد کرده‌اند در جریان اعتراضات ترکیه چهار نفر کشته و ۵۰۰۰ نفر مجروح شده اند. ناآرامی ها در ترکیه در اعتراض به تغییر کاربری پارک گزی استانبول و بر پایه ملاحظات زیست‌محیطی آغاز شد، اما بعد از آن منتقدان به عملکرد حزب حاکم عدالت و توسعه، به معترضان پیوستند.

ازسویی با ادامه تظاهرات ضد دولتی در سراسر ترکیه پلیس ۲۱ نفر از افراد بازداشت شده را آزاد کرد و گفته می شود اتباعی از روسیه، فرانسه، انگلیس، یونان و کانادا نیز در میان معترضان آزادشده حضور داشتند. رسانه های چاپ ترکیه نیز از سفر هیاتی از وزارت گردشگری به روسیه و آلمان با هدف جذب گردشگر همزمان با ادامه تظاهرات ضد دولتی خبر دادند. درتحولی دیگر در بیانیه پایانی کنفرانس دو روزه کردهای ترکیه در شهر دیاربکر، آزادی عبدالله اوجالان، سرکرده «پ.ک.ک» و خودمختاری ویژه برای مناطق کردنشین ترکیه بار دیگر مطرح شد. این کنفرانس با نام «وحدت کردستان شمالی و کنفرانس راه حل» برگزار شد و بر اساس گزارش‌ها این کنفرانس با سازماندهی گروه‌های حامی «پ.ک.ک» و با درخواست عبدالله اوجالان برگزار شد. خبر دیگر اینکه آنکارا در واکنش به گزارش روزنامه گاردین درباره جاسوسی لندن از وزیر دارایی ترکیه در سال ۲۰۰۹، کاردار سفارت انگلیس را برای ارائه توضیح فراخواند.

رژیم صهیونیستی: ایده تشکیل دولت فلسطین به بن‌بست رسیده است

سرویس خارجی: وزیر اقتصاد رژیم صهیونیستی از فلسطین به عنوان سرزمین تاریخی اسرائیل یاد کرد و گفت ایده تشکیل دولت فلسطین در این سرزمین به بن‌بست رسیده است. «نفتالی بینیت» افزود: هیچ گاه در تاریخ اسرائیل گروهی از مردم انرژی زیادی برای یک امر بیهوده تلف نکرده‌اند. بینیت که ریاست حزب افراطی خانه یهودی را بر عهده دارد، گفت مشکل اصلی این است که مقامات اسرائیل به سادگی اعلام نمی کنند کرانه باختری از آن ملت اسرائیل است.

وی تصریح کرد مهم‌ترین مسئله برای سرزمین تاریخی اسرائیل ساخت‌وساز است و مدعی شد در این سرزمین هرگز دولت فلسطین وجود نداشت و ما اشغالگر نیستیم. دراین حال «نبیل ابوردینه» سخنگوی رسمی ریاست تشکیلات خودگردان فلسطین از دولت اسرائیل خواست موضع خود را درباره اظهارات بینیت بیان کند. وی گفت این اظهارات خطرناک از سوی یک وزیر دولت اسرائیل که عملیات شهرک‌سازی را ادامه می دهد و از اجرای تعهدات شانه خالی می کند، بیان شده است.

ابوردینه تصریح کرد این اظهارات نه تنها پیامی به باراک اوباما رئیس جمهوری آمریکاست که تلاش‌های متوالی برای احیای روند سازش انجام می دهد بلکه چالش و مخالفت آشکار با همه تلاش‌های صورت گرفته درباره روند سازش است. ازسویی رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین در دیدار با وزیر خارجه کانادا در رام‌الله، تلاش‌های صورت گرفته در رابطه با احیای روند سازش را بررسی کرد. محمود عباس در دیدار با «جان برد»، بر پایبندی طرف فلسطینی به تحقق صلح فراگیر و عادلانه بر اساس اصل راه حل دو دولت به منظور تشکیل دولت فلسطین در مرزهای سال ۱۹۶۷ به پایتختی قدس تاکید کرد.

وی همچنین بر موضع فلسطین مبنی بر ضرورت آزادسازی اسرا، توقف شهرک‌سازی در اراضی فلسطینی بویژه در قدس و ازسرگیری مذاکرات جدی که به پایان اشغالگری منتهی شده و خواست‌های ملت فلسطین در خصوص تشکیل دولت مستقل را محقق کند، تاکید کرد. درهمین راستا رئیس جمهوری پیشین آمریکا در جریان سفر به سرزمین‌های اشغالی گفت، هیچ جایگزینی برای کشور فلسطین وجود ندارد. بیل کلینتون افزود: من در این مساله با شیمون پرز رئیس رژیم صهیونیستی هم‌عقیده‌ام و فکر نمی کنم در تمامی این سال‌ها یک جایگزین معتبر برای ایجاد کشور فلسطین به وجود آمده باشد. وی گفت: راه حل دو کشوری تنها راه حلی است که ماهیت اصلی اسرائیل را به عنوان یک کشور یهودی اما دموکرات حفظ می کند و به اقلیت‌ها نیز حق رای می دهد. کلینتون افزود: فرقی نمی کند شما چه تعداد فلسطینی را از آنجا خارج کرده‌اید چرا که آنها بچه‌های بیشتری به دنیا می‌آورند. خبر دیگر اینکه نیروهای رژیم صهیونیستی در اقدامی بی‌سابقه ضمن یورش به منازل فلسطینی‌های ساکن شهر اشغالی قدس و مغازه‌های آنها ۱۱۵ شهروند فلسطینی را بازداشت کردند. ۷۵ تن از فلسطینی‌های مذکور از ساکنان منطقه السلام قدس هستند و ۴۰ تن دیگر در منطقه بیت حنینا و شعفاط زندگی می کنند. درتحولی دیگر رئیس رژیم صهیونیستی از اظهارات جنگ‌طلبانه نخست‌وزیر این رژیم برای حمله یکجانبه علیه تاسیسات هسته‌ای ایران انتقاد کرد.

شیمون پرز در آستانه جشن ۹۰ سالگی خود در مصاحبه‌ای با رویترز، نظرات خود را درباره برنامه هسته ای ایران بیان کرد. وی ضمن مخالفت با حمله یکجانبه ارتش اسرائیل به تاسیسات هسته‌ای ایران، از اظهارات جنگ‌طلبانه بنیامین نتانیاهو انتقاد کرد.

پرز گفت: چرا اسرائیل باید از جنگ و سلاح صحبت کند؟ ما باید متوجه شویم، کارهایی هست که نمی‌توان آنها را انجام داد. وی مدعی شد فقط آمریکا می تواند مانع دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای شود.

رئیس رژیم صهیونیستی همچنین از سرگیری مذاکرات سازش بین اسرائیلی‌ها و فلسطینیان را خواستار شد.

دیدار هیات حماس با «مرسی» در قاهره

هیات جنبش حماس به ریاست خالد مشعل رئیس دفتر سیاسی این جنبش که به قاهره سفر کرده است با رئیس جمهوری مصر دیدار و گفتگو کرد. در این دیدار آخرین تحولات پرونده آشتی ملی فلسطینیان و تلاش هایی که مصر برای اتحاد فلسطینیان انجام می دهد، مورد بررسی قرار گرفت و مرسی بر ضرورت تلاش های دو طرف فتح و حماس برای تحقق آشتی به منظور تقویت موضع فلسطینیان در قبال روند سازش تاکید کرد و گفت قضیه قدس و آنچه در آن رخ می دهد، برای مصر اولویت دارد.

تجاوز جنگنده‌های آمریکایی به حریم هوایی سوریه

سرویس خارجی: یک منبع امنیتی اردن اعلام کرد شش جنگنده آمریکایی با نقض حریم هوایی سوریه، وارد آسمان این کشور شدند. این شش جنگنده که از نوع «اف -۱۶» بودند رأس ساعت ۱۸ دوشنبه گذشته به وقت دمشق، وارد حریم هوایی سوریه شده و در مسافتی به طول پنج کیلومتر در حریم هوایی این کشور پرواز کردند. هواپیماهای آمریکایی بلافاصله پس از طی مسافت مذکور به سرعت از حریم هوایی سوریه خارج شدند و تمامی مدت این عملیات تنها یک دقیقه به طول انجامید. این منبع اردنی در ادامه مدعی شد: ورود هواپیماهای آمریکایی به حریم هوایی سوریه به صورت عمدی و هدفمند نبود و احتمالا به اشتباه صورت گرفت و خلبانان آمریکایی فورا به سمت مرزهای اردن تغییر جهت دادند. همچنین هواپیماهای سوری پس از ورود جنگنده‌های آمریکایی به آسمان سوریه، بلافاصله بر فراز مناطقی از استان درعا در نزدیکی مرز با اردن به پرواز درآمدند. از آغاز بحران سوریه این اولین باری است که هواپیماهایی جنگی آمریکا وارد حریم هوایی سوریه می‌شوند. جنگنده‌های آمریکایی برای شرکت در یک رزمایش نظامی به اردن اعزام شده‌اند اما واشنگتن اعلام کرده حتی پس از پایان رزمایش، این هواپیماها به همراه سامانه‌های موشکی پاتریوت در اردن باقی خواهند ماند. ازسویی باراک اوباما رئیس جمهوری آمریکا درباره ایده منطقه پرواز ممنوع بر فراز سوریه گفت: ممکن است اعمال منطقه پرواز ممنوع بر فراز سوریه مشکل را حل نکند و اقداماتی که ما قرار است انجام دهیم باید بسیار محتاطانه باشد. وی با ادعای اینکه نیروی هوایی سوریه قدرتمند نیست و آنها نمی توانند به خوبی هدف گیری کنند گفت: در صورت اعمال منطقه پرواز ممنوع، همه عملیات‌ها از زمین انجام می شود. اوباما درباره مداخله نظامی در سوریه نیز گفت: بمباران خاک سوریه ممکن است جواب عکس دهد چرا که ممکن است بمب‌های ما به طور سهوی با سایت‌های سلاح‌های شیمیایی اصابت کند و نتیجه فاجعه بار خواهد بود. سفیر آمریکا در ناتو نیز تاکید کرد: آمریکا از ائتلاف ناتو نمی خواهد از ایجاد منطقه پرواز ممنوع بر فراز سوریه حمایت کند و این مساله هم اکنون در دستور کار این ائتلاف نیست. همچنین بان کی مون دبیرکل سازمان ملل گفت پیشنهاد کشورهای عضو سازمان ملل برای ایجاد منطقه پرواز ممنوع بر فراز سوریه درگیری‌های نظامی در سوریه را دو چندان می کند. الکساندر لوکاشویچ، سخنگوی وزارت خارجه روسیه نیز اعلام کرد: کشورش اجازه ایجاد منطقه پرواز ممنوع بر فراز سوریه را نمی دهد.

خبر دیگر اینکه رئیس رژیم صهیونیستی از طرح آمریکا برای مسلح کردن شورشیان سوری حمایت کرد. شیمون پرز گفت نگرانی وجود ندارد که این تسلیحات علیه اسرائیل استفاده شود یا اینکه درگیری‌ها در سوریه را تشدید کند. کاخ سفید اعلام کرد قرار است اوباما مبلغ ۳۰۰ میلیون دلار به بهانه کمک های بشردوستانه برای حل بحران سوریه اختصاص دهد و کمتر از نصف این بودجه به سوریه و باقیمانده آن به کشورهای همسایه سوریه که در حال مبارزه با هجوم پناهندگان سوری هستند، داده خواهد شد. کاخ سفید مدعی شده بودجه اختصاصی آمریکا برای حل بحران سوریه صرف تامین غذا، آب، تجهیزات پزشکی و پناهگاه برای سوری ها خواهد شد. گفتنی است آمریکا در طول دو سال ناآرامی سوریه مبلغی بالغ بر ۸۰۰ میلیون دلار به بهانه کمک های بشردوستانه به دست شورشیان سوری رسانده است. دراین حال رویترز اعلام کرد عربستان سعودی از دو ماه پیش اقدام به ارسال سلاح برای شورشیان در سوریه کرده است. به گفته منابع آگاه، عربستان سعودی سلاح هایی همچون موشک های ضد هوایی را برای شورشیان سوریه ارسال و فرانسه نیز هزینه انتقال این سلاح ها به سوریه را پرداخت کرده است. گفته می شود تجهیزات نظامی عربستان سعودی برای «سلیم ادریس» رهبر گروه موسوم به ارتش آزاد سوریه فرستاده شده است. ازسویی یکی از سرکردگان ارتش آزاد سوریه اعلام کرد نخستین محموله تسلیحات سنگین از سوی یکی از کشورهای منطقه و از طریق ترکیه وارد خاک سوریه شد. وی افزود: این محموله شامل ۲۵۰ موشک «کونکورس» است که سهم بالایی از آن به گردان «احرار الشام» تحویل داده شده است. وی با اشاره به نقش یکی از کشورهای منطقه در انتقال تسلیحات سنگین برای مخالفان سوری، از آگاهی مقامات آمریکا و موافقت آنها با این مسئله خبر داد. این درحالی است که نتایج نظرسنجی جدید موسسه آمریکایی گالوپ حاکی از آن است که با وجود حجم گسترده تبلیغات رسانه‌های آمریکایی علیه سوریه، فقط ۳۷ درصد از افراد بالغ آمریکایی با کمک نظامی مستقیم به مخالفان اسد موافقند و ۵۴ درصد با آن مخالفند. روزنامه واشنگتن پست نیز تصمیم کاخ سفید برای تجهیز تسلیحاتی شورشیان سوری را ایده‌ای بد توصیف کرد و با تاکید بر اینکه چنین تصمیمی منجر به گسترش جنگ می‌شود، نوشت: آمریکا درصدد حمایت از شورشیانی است که آینده آنها مبهم است.

توصیه اسد به غرب

بشار اسد، رئیس جمهوری سوریه در مصاحبه با روزنامه آلمانی «فرانکفورتر آلگماینه سایتونگ»، تاکید کرد: در صورتی که اروپا بخواهد به گروه‌های مسلح در سوریه کمک تسلیحاتی کند بهای این اقدام را خواهد پرداخت. وی افزود: اگر اروپا مبادرت به این اقدام کند، در حقیقت کشورهای اروپایی به مقصد و هدفی برای تروریسم تبدیل می شوند و در نهایت بهای این اقدامشان را خواهند پرداخت. اسد درباره حضور نیروهای حزب الله لبنان در سوریه نیز گفت: در رسانه‌ها درباره این مساله مبالغه شده است به ویژه در خصوص شهر القصیر زیاده روی شد و حزب الله فقط به ارتش سوریه در پاکسازی مرزهای لبنان کمک کرد و ارتش سوریه تقریبا به تنهایی با گروه‌های تروریستی مبارزه می کند. هیچ یک از گردان‌های حزب الله لبنان در سوریه حضور ندارند مگر شماری از اعضای این حزب که آن‌هم در نواحی مرزی و مرزهای شهر القصیر که گروه‌های تروریستی در آنجا فعالیت می کنند حضور دارند. اسد درباره حمایت‌های روسیه و ایران از سوریه نیز گفت: حمایت‌هایی که ایران و روسیه ارائه می دهند کاملا قانونی است. ازسویی بشار جعفری نماینده دائم سوریه در سازمان ملل اعلام کرد، تمامی جهان شاهد کشتار و شکنجه کودکان سوری از سوی گروه‌های مسلح است. وی در نشست ویژه شورای امنیت در خصوص استفاده از کودکان در درگیری‌های مسلحانه گفت: دولت سوریه قانونی را تصویب کرده که بر اساس آن هر کس کودکان کمتر از ۱۶ سال را وارد درگیری‌های مسلحانه کند، مجرم شناخته می‌شود. جعفری خاطرنشان کرد دولت سوریه به تعهدات خود مبنی بر حفاظت از شهروندانش به ویژه کودکان پایبند است. دراین حال نخست‌وزیر عراق با انتقاد از فتوای برخی مفتی‌های عراقی برای جنگ در سوریه، نسبت به خطرات و پیامدهای دخالت در درگیری‌های سوریه و مسلح کردن مخالفان برای عراق و منطقه هشدار داد. نوری مالکی از علمای دینی خواست اگر واقعا جدی هستند به جای فتوا دادن به جنگ در سوریه، فتوای جنگ علیه اسرائیل و دعوت برای قطع روابط با اسرائیل بدهند. خبر دیگر اینکه به دنبال اقدام اخیر محمد مرسی مبنی بر قطع کامل روابط دیپلماتیک مصر با سوریه، وزارت خارجه روسیه با ابراز شگفتی از این امر از مقامات مصری خواست دراین باره توضیح بیشتری بدهند. الکساندر لوکاشویچ، سخنگوی وزارت خارجه روسیه اعلام کرد در حالی که همه برای برگزاری نشست «ژنو ۲» تلاش می کنند، ناگهان با تصمیم مصر درباره قطع روابط با سوریه روبرو و از این مساله بسیار غافلگیر شدیم. این تصمیم بدون شک مانع از آن می شود که نقش مصر در تلاش‌های منطقه‌ای برای حل بحران سوریه مثبت ارزیابی شود.

تحولات میدانی

منابع خبری از کشته شدن دو نفر و زخمی شدن دهها تن دیگر در انفجار منطقه بستان الدور دمشق خبر دادند. این اقدام تروریستی ناشی از انفجار یک خودرو بمبگذاری شده بود. ازسویی افراد مسلح با شلیک به سمت «نزیه الجندی» رئیس دانشکده تربیت الحسکه، او را مقابل درب این دانشکده در منطقه «النشوه الشرقیه» استان الحسکه ترور کردند. شلیک به سمت الجندی بلافاصله موجب مرگ وی شد. همچنین از استان حمص گزارش شده که چندین گروه مسلح به مرکز پلیس بازار قدیمی حمص حمله کردند که موجب درگیری‌های شدید بین عناصر پلیس مستقر در این مرکز با افراد مسلح شد. در نتیجه این درگیری‌ها دو نیروی پلیس و بیش از ۳۰ فرد مسلح کشته شدند. درتحولی دیگر شاه اردن برای بررسی بحران سوریه عازم لندن شد و با نخست وزیر و وزیر خارجه انگلیس دیدار کرد. عبدالله دوم دو روز قبل نیز با کاترین اشتون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا دیدار کرد و بر راهکار سیاسی برای حل بحران سوریه که وحدت ملت و اراضی این کشور را حفظ کند تأکید کرده بود. دراین حال کانادا پیشنهاد داده در یک دوره سه ساله ۱۰۰ میلیون دلار به اردن کمک کند تا بتواند با موضوع پناهندگان سوری که از درگیری‌های داخلی به اردن فرار کرده‌اند، کنار بیاید.

توافق پوتین و اوباما برای مذاکره درباره سوریه

ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه بعداز مذاکرات با باراک اوباما همتای آمریکایی خود در حاشیه نشست «گروه۸» اعلام کرد مسکو و واشنگتن موافقت کرده‌اند مذاکرات برای حل و فصل بحران سوریه را فعال‌تر کرده و مخالفان و دولت سوریه را متقاعد سازند تا در چارچوب کنفرانس بین المللی آتی در ژنو، پای میز مذاکره بنشینند. پوتین گفت: موضعگیری روسیه و آمریکا در خصوص برخی مسائل هنوز بر یکدیگر منطبق نیست، ولی ما در خصوص تمایل برای توقف خشونت‌ها و افزایش تلفات مردمی در سوریه، حل و فصل این مناقشه از طریق مسالمت آمیز و از جمله با کمک مذاکرات ژنو با یکدیگر هم عقیده هستیم.

نیروهای افغان مسئولیت تأمین امنیت درسراسر افغانستان را به عهده گرفتند

سرویس خارجی: ناتو رهبری کل عملیات‌های نظامی را در مراسم ویژه‌ای رسما به نیروهای امنیتی افغان واگذار کرد. در این مراسم که تحت عنوان «انتقال مسئولیت‌های امنیتی و رهبری کل عملیات های نظامی از نیروهای خارجی به نیروهای افغان»، در کابل برگزار شد، حامد کرزی، رئیس جمهوری افغانستان، مقام‌های ارشد دولتی، دبیر کل ناتو و فرمانده عمومی نیروهای بین المللی در افغانستان، حضور داشتند. حامد کرزی در این مراسم گفت که از فردا نیروهای افغان تمام عملیات‌های نظامی را در سراسر افغانستان به تنهایی و بدون نقش نیروهای خارجی هدایت خواهند کرد. در مراسم انتقال رهبری عملیات‌های نظامی از ناتو به نیروهای امنیتی افغان تعداد زیادی از افسران ارتش، سربازان پلیس و کارمندان امنیت ملی افغانستان نیز حاضر بودند. کرزی در این مراسم از نیروهای امنیتی افغانستان خواست که هنگام فعالیت‌های نظامی در روستاهای کشور به جز موارد انتقال زخمی ها، تحت هیچ شرایطی از عملیات هوایی استفاده نکنند. حکومت افغانستان در سال‌های اخیر که مسئولیت راه اندازی عملیات های شبانه و حملات هوایی به دوش نیروهای ناتو بود، پیوسته از راه اندازی این عملیات‌ها انتقاد کرده است. رئیس جمهوری افغانستان در مورد امضای توافقنامه امنیتی با آمریکا گفت که افغانستان توافقنامه‌های امنیتی را با توجه به منافع ملی خود امضا می کند.

وی گفت که پیمان‌های امنیتی و استراتژیک باید مبتنی بر حاکمیت ملی و تقویت نیروهای افغان امضا شود. اشرف غنی احمدزی، رئیس روند انتقال مسئولیت‌های امنیتی در این مراسم گفت که در حال حاضر امنیت سراسر افغانستان زیر نظر نیروهای پلیس، ارتش و امنیت ملی افغانستان است. وی افزود: با خروج نیروهای بین المللی از افغانستان وضعیت امنیتی کشور بهتر شده است. در حال حاضر بیش از ۱۰۰ هزار نیروی نظامی در چارچوب ناتو و ایساف در افغانستان مشغول ماموریت‌های نظامی هستند. در مراسم انتقال رهبری عملیات‌های نظامی ناتو به سربازان افغان، آندرس فوگ راسموسن، دبیر کل ناتو گفت: ناتو و متحدان بین‌المللی افغانستان، برنامه جدید و متفاوتی را برای آینده افغانستان طرح ریزی کرده‌اند. دبیر کل ناتو گفت: این طرح «حمایت قاطع» نام دارد و هدف آن مشورت‌دهی به نیروهای امنیتی افغان، آموزش‌های پیشرفته نظامی و یاری این نیروها است. افغانستان نه امروز و نه هم در آینده هیچگاه تنها گذاشته نخواهد شد. راسموسن افزود: چالش هایی در جریان روند انتقال مسئولیت‌های امنیتی از نیروهای خارجی به سربازان افغان وجود داشته که در آینده نیز وجود خواهند داشت. امروز هدف مشترک ما تحقق یافت، ما هنوز هم کارهای سخت و دشواری تا ۱۸ ماه آینده در پیش داریم و باید دستاوردهای خود را سرعت ببخشیم و بعد از ۲۰۱۵ که فصل دیگری آغاز می شود، باید دستاوردهای خود را حفظ کنیم و آن را گسترش دهیم.

کابل لرزید

پلیس افغانستان از انفجار بمب در نزدیکی پارلمان ملی این کشور در غرب کابل در منطقه «پل سرخ» خبر داد. «حشمت استانکزی»، سخنگوی فرماندهی پلیس کابل گفت که در این انفجار سه تن کشته و سه تن دیگر زخمی شده‌اند. رسانه‌ها این انفجار را ناشی از یک حمله انتحاری گزارش کرده و گفته‌اند که هدف حمله کننده انتحاری خودرو حامل «محمد محقق»، رهبر حزب وحدت و عضو مجلس نمایندگان افغانستان بوده است. محقق لحظاتی پس از این انفجار به شبکه خبری «بی.بی.سی» گفت که شدت انفجار به حدی بود که خودروی زرهی وی را کاملا منهدم کرد. وی گفت که در روزهای اخیر هشدارهای امنیتی زیادی دریافت کرده بود. محمد محقق از چهره‌های جهادی عضو مجلس نمایندگان و از سران جبهه ملی افغانستان، جریان سیاسی مخالف دولت است. انفجار در غرب کابل لحظاتی قبل از آغاز مراسم مرحله پایانی انتقال مسئولیت‌های امنیتی از نیروهای بین‌المللی به نیروهای امنیتی افغانستان رخ داد.

اوباما: دلیلی برای توقف مذاکرات با ایران وجود ندارد

باراک اوباما رئیس جمهوری آمریکا در واکنش به انتخابات ایران گفت: تا زمانیکه دلیل محکمی برای گفتگو وجود دارد، من فکر می کنم دلیلی ندارد مذاکرات متوقف شود.

به گزارش خبرگزاری فارس به نقل از روزنامه جروزالم پست، «باراک اوباما» در اولین واکنش خود درباره انتخابات ایران گفت: انتخابات ایران و پیروزی یک میانه رو نشانه این است که ایرانیان به دنبال دستور کار متفاوتی هستند. وی گفت: اما هنوز مشخص نیست که آیا پیشرفتی در موضوع هسته‌ای ایران حاصل می شود یا نه.

رئیس جمهوری آمریکا در یک مصاحبه تلویزیونی افزود: آمریکا و متحدانش مایل به برگزاری مذاکرات با ایران پیرامون موضوع هسته‌ای این کشور هستند و مادامیکه تهران ثابت نکند به دنبال ساخت سلاح هسته‌ای نیست تحریم‌ها علیه این کشور لغو نمی شود. اوباما اظهار داشت: تا زمانیکه دلیل محکمی برای گفتگو وجود دارد من فکر می کنم دلیلی ندارد مذاکرات متوقف شود. بر اساس این گزارش، پیروزی غیرمنتظره حسن روحانی که به زودی جانشین محمود احمدی نژاد می شود از طرف آمریکا به عنوان یک تحول مثبت یاد شده است.

اوباما در این زمینه گفت: من فکر می کنم نتیجه انتخابات ایران نشان داد؛ ایرانی ها به دنبال تغییر هستند. وی گفت: ایرانی ها نیروهای تندرو در انتخابات را کنار زدند. این مساله حاکی از این است که ایرانی ها تشنه تعامل با جامعه بین المللی هستند. به گزارش خبرگزاری فارس به نقل از خبرگزاری «نووستی»، «ولادیمیر پوتین» رئیس جمهوری روسیه روی این مسئله حساب می کند که «حسن روحانی» رئیس جمهوری منتخب ایران این امکان را دارد تا به حل و فصل مسائل مربوط به برنامه هسته‌ای این کشور کمک کند. پوتین در پایان مذاکرات خود با «باراک اوباما» همتای آمریکایی خود به خبرنگاران گفت: امیدواریم که بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران، امکان تازه‌ای برای حل و فصل مسئله هسته‌ای این کشور پیدا شده است و رئیس جمهوری منتخب ایران اکنون می تواند به حل این مشکل کمک کند.

رئیس جمهوری روسیه همچنین تاکید کرد که در این رابطه مسکو هم قصد دارد نهایت تلاش خود را بکار ببرد تا چه در سطح دوجانبه و چه در چارچوب جریانات بین المللی به رفع مشکلات در این زمینه کمک کند. حسن روحانی روز دوشنبه در نخستین کنفرانس مطبوعاتی خود بعد از پیروزی در انتخابات اعلام کرد که قصد دارد مذاکرات با گروه «۱+۵» در رابطه با حل و فصل مسائل مربوط به برنامه هسته‌ای ایران را فعال سازد. رئیس جمهوری فرانسه: انتخابات ایران می تواند نقطه عطف توسعه این کشور باشد. رئیس جمهوری فرانسه گفت: اگر ایرانی‌ها اراده و خواست کافی داشته باشند، انتخابات می تواند نقطه عطفی برای توسعه این کشور باشد. به گزارش فارس به نقل از رادیو صدای روسیه، با گذشت چند روز از اعلام نتیجه انتخابات ریاست جمهوری ایران، واکنش‌ها به این رخداد همچنان ادامه دارد. دیروز «فرانسوا اولاند» رئیس جمهوری فرانسه نیز به جمع سران اروپایی پیوست که از این انتخابات استقبال کرده‌اند.

اولاند که در حاشیه اجلاس سران گروه «جی ۸» صحبت می کرد، این انتخابات را نقطه عطف جدیدی برای توسعه ایران دانست. وی در این مورد گفت: به عقیده من اگر ایران خواست و اراده‌ای کافی داشته باشد، انتخابات می تواند نقطه عطف جدیدی در توسعه این کشور باشد. رئیس جمهوری فرانسه همچنین اعلام کرد که قصد دارد در این نشست با «ولادیمیر پوتین» رئیس جمهوری روسیه در مورد موضوع سوریه گفتگو کند. کاترین اشتون اعلام کرد که به دنبال انتخاب حسن روحانی به عنوان رئیس جمهور جدید ایران به درخواست‌ها از تهران برای اعتمادسازی نسبت به برنامه هسته‌ای اش ادامه خواهد داد. مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی گفت: برنامه هسته‌ای ایران علیرغم افزایش تحریم‌ها به صورت مداوم گسترش یافته و تحریم‌ها اثری روی آن نداشته است. به گزارش خبرگزاری فارس، «یوکیا آمانو» روز دوشنبه گفت: با وجود اعمال تحریم‌ها علیه ایران، این کشور همچنان بی‌وقفه به گسترش برنامه هسته‌ای خود ادامه می دهد.

کوتاه از سراسر جهان

جاسوسی انگلیس در اجلاس گروه ۲۰ جنجال به پا کرد

ایسنا: مقامات دولت های ترکیه، روسیه و آفریقای جنوبی در پی افشای گزارش‌هایی مبنی بر اینکه انگلیس در زمان برگزاری اجلاس گروه ۲۰ در لندن، از سیاستمداران خارجی جاسوسی کرده است، مراتب اعتراض خود را اعلام کردند. دولت ترکیه در اعتراض به این اقدامات کاردار سفارت انگلیس را در آنکارا احضار کرد.

آفریقای جنوبی این گزارش‌ها را دال بر «نقض حریم خصوصی» دانسته و یک سیاستمدار عالی‌رتبه روسیه آن را «رسوایی» خوانده است. سخنگوی وزارت امور خارجه چین نیز خواستار توضیح دولتمردان انگلیسی شده است.

محاکمه سیف‌الاسلام قذافی در لیبی

فارس: دادستانی کل لیبی اعلام کرد «سیف‌الاسلام قذافی» فرزند دیکتاتور سابق این کشور و «عبدالله السنوسی» رئیس دستگاه اطلاعات لیبی در دوره قذافی، ماه اوت (مرداد ماه) محاکمه خواهند شد.

دفتر دادستانی کل لیبی اعلام کرد که سیف‌الاسلام و السنوسی و چند مسئول دیگر دوره قذافی ماه اوت به اتهام ارتکاب جنایت در جریان انقلاب لیبی در سال ۲۰۱۱، محاکمه خواهند شد.

«صادق الصور» عضو دفتر دادستانی کل لیبی اعلام کرد که جلسه نخست محاکمه نیمه اول ماه اوت خواهد بود.

اتحادیه اروپا خواستار آزادی مسلمانان زندانی میانمار شد

ایرنا: اتحادیه اروپا پس از سکوت طولانی مدت، خواستار آزادی مسلمانان میانماری زندانی در تایلند شد.

بیش از ۲ هزار مسلمان میانمار (روهینگیا) از این کشور شرق آسیا از دیماه ۹۱ در زندان های تایلند به سر می برند. پارلمان اتحادیه اروپا در واکنش به وضعیت این زندانیان خواستار آزادی آنان و فراهم کردن زمینه دسترسی مسلمانان روهینگیا به آژانس پناهندگان سازمان ملل شده است. دیده بان حقوق بشر نیز خواستار آزادی مسلمانان زندانی در تایلند شد.

تمایل مالی برای توافق با شورشیان «طوارق»

فارس: دولت مالی بر اهتمام خود برای دستیابی به توافق با شورشیان طوارق با هدف برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در ۲۸ ژوئیه (۶ مرداد) تاکید کرد.

پلیس مالی ۲۱ نفر را که قصد داشتند با وجود وضع حالت فوق العاده در این کشور، علیه پیش نویس توافق بین دولت مالی و شورشیان طوارق تظاهرات کنند بازداشت کرد.

همه بازداشتی ها از اعضای ائتلاف یک سازمان غیر دولتی هستند که برای شرکت در تظاهرات فراخوان داده بود.

اوباما جاسوسی از شهروندان آمریکایی را کم اهمیت جلوه داد

فارس: باراک اوباما جنجال به راه افتاده بعد از افشای برنامه های محرمانه جاسوسی آژانس امنیت ملی آمریکا از مکالمات تلفنی و ارتباطات اینترنتی شهروندان آمریکایی و کشورهای خارجی را کم اهمیت جلوه داد و مدعی شد که این برنامه ها شفاف هستند.

رئیس جمهوری آمریکا با نادیده گرفتن نگرانی هایی که درباره آسیب پذیری این برنامه ها در قبال سوء استفاده مقامات دولتی به وجود آمده است، مدعی شد: اگر شما یک آمریکایی هستید، آژانس امنیت ملی آمریکا به تماس های تلفنی شما گوش نمی دهد و ایمیل های شما را هدف نمی گیرد مگر اینکه حکم دادگاه داشته باشد.

حمله مسلحانه به مدرسه‌ای در نیجریه ۱۱ کشته داشت

فارس: ارتش نیجریه اعلام کرد که ۱۱ تن در حمله افراد مسلح مظنون به عضویت در گروه شورشی «بوکوحرام» به مدرسه‌ای در روستای داماتورو در شمال شرق این کشور کشته شدند.

«ایلی لازاروس»، سخنگوی ارتش نیجریه در ایالت یوبی در بیانیه‌ای اعلام کرد: دو معلم و دو تن از تندروها و همچنین هفت تن از دانش آموزان در حمله به یک دبیرستان دولتی کشته شدند. بوکوحرام پیش از این نیز به مدارس نیجریه حمله کرده بود.

الدیار: ۷۰۰ هزار عنصر سلفی آماده بحران آفرینی در لبنان هستند

مهر: یک روزنامه لبنانی در گزارشی طرح خطرناک سلفی ها و تکفیری ها برای شعله ور نمودن آتش فتنه مذهبی در لبنان را فاش کرد.

منابع آگاه در سوریه به روزنامه الدیار اعلام کردند: بیش از ۷۰۰ هزار جنگجوی سلفی و تکفیری از جبهه النصره و ارتش آزاد پس از شکست های مکرر این تروریست ها از ارتش سوریه آماده نفوذ به خاک لبنان و بحران آفرینی در این کشور هستند.

این عناصر تروریستی هم اکنون در خاک سوریه حضور دارند و خود را برای نفوذ به خاک لبنان آماده می کنند.

انتشار فهرست زندانیان محکوم به حبس نامحدود گوانتانامو

ایسنا: وزارت دفاع آمریکا نام ٤٦ تن از زندانیان نامحدود زندان گوانتانامو را منتشر کرد. این لیست ۱۵ صفحه‌ای که برای نخستین بار جزئیاتی را درباره این زندانیان مطرح کرده در پاسخ به درخواست‌های آزادی اطلاعات روزنامه‌های نیویورک تایمز و میامی هرالد منتشر شد.

این زندانیان که به حبس نامحدود محکوم شده‌اند شامل ۲٦ یمنی، ۱۲ افغان، سه تبعه سعودی، دو لیبیایی، یک کنیایی، یک مراکشی و یک تبعه سومالی هستند. دو تن از این زندانیان که هر دو افغانی بودند، جان باخته‌اند. یکی از آن‌ها خودکشی کرده و دیگری سکته قلبی کرده است.

«آسانژ» تا ۵ سال دیگر میهمان سفارت اکوادور در لندن است

ایسنا: «ریکاردو پاتینو»، وزیر امور خارجه اکوادور اظهار داشت: جولیان آسانژ، بنیان گذار وب سایت ویکی لیکس می تواند تا زمانی که یک راه حل دیپلماتیک به دست آید برای پنج سال دیگر در سفارت اکوادور در انگلیس بماند.

وی تاکید کرد که هیچ طرحی برای آنکه آسانژ را به طور قاچاقی (در صندوق عقب یک خودرو) از سفارت بیرون بیاوریم، نداریم. مذاکرات پاتینو با ویلیام هیگ، همتای انگلیسی وی در آستانه یک ساله شدن حضور جولیان آسانژ در سفارت اکوادور، در نشست ٤٥ دقیقه‌ای آنها تحولی در خصوص مساله آسانژ به دست نیامده است.

تظاهرات هزاران نفری در برزیل علیه سیاست های اقتصادی

ایرنا: دهها‌هزار برزیلی در خیابان‌های شهرهای بزرگ این کشور در پی خشم و عصبانیت گسترده ناشی از خدمات عمومی ضعیف، خشونت پلیس و فساد دولتی دست به راهپیمایی اعتراضی زدند. این تظاهرات اعتراضی که از سوی شبکه‌های اجتماعی سازماندهی شده بود در شهرهای ریودوژانیرو، سائوپائولو، بلو هوریزونته و پایتخت برزیل برگزار شد و طی آن معترضان از ساختمان کنگره بالا رفته و به آن حمله کردند.

۲۷ کشته در انفجار انتحاری شمال غرب پاکستان

ایسنا: مقام های پلیس پاکستان اعلام کردند، شمار قربانیان انفجار انتحاری در منطقه «مردان» از شهرهای ایالت خیبرپختونخوا در شمال غرب پاکستان به ۲۷ کشته و ۲۵ زخمی افزایش یافت. این حادثه تروریستی با اقدام یک بمبگذار انتحاری به هنگام تشییع جنازه عبدالله، رئیس اتحادیه جایگاه داران سی ان جی شهر مردان و هدف قرار دادن نمازگزاران در منطقه «شیر گره» این شهر صورت گرفته است. رئیس پلیس شهر مردان گفت: در این انفجار انتحاری ۲۷ نفر از جمله «عمران مهمند» نماینده مجلس ایالت خیبرپختونخوا از حزب تحریک انصاف پاکستان کشته و بیش از ۲۵ نفر نیز در این حادثه زخمی شدند.

۳۱ شهید در حمله انتحاری بغداد

منابع پلیس عراق اعلام کردند که بر اثر یک حمله انتحاری در حسینیه‌ای در شمال بغداد ۳۱ تن شهید و ٦۰ تن دیگر زخمی شدند. این منابع پلیس در مصاحبه با شبکه خبری سومریه نیوز اظهار داشتند که یک عامل انتحاری با بستن کمربند انفجاری در حسینیه حبیب بن مظاهر اسدی در شمال بغداد خود را منفجر کرد که طی آن ۳۱ تن کشته و ٦۰ تن دیگر زخمی شدند. یک منبع پلیس که خواست اسمش فاش نشود، تصریح کرد: نیروهای امنیتی مکان وقوع انفجار را محاصره کردند و اجازه ندادند که مردم به این مکان نزدیک شوند. در یک حادثه دیگر منابع اعلام کردند: با انفجار بمبی که خودروی گشت زنی پلیس را در منطقه المنصور در غرب بغداد هدف قرار داده بود، پنج غیرنظامی زخمی شدند.

تظاهرات اعتراض آمیز مقابل سفارت آمریکا در یمن

سرویس خارجی: شماری از فعالان یمنی با برگزاری تظاهرات اعتراض آمیز در مقابل سفارت آمریکا در صنعا پایتخت یمن، تعطیلی زندان گوانتانامو را خواستار شدند. شماری از فعالان در مقابل سفارت آمریکا در صنعا تجمع کرده و با سر دادن شعارهایی، نسبت به عمل نکردن آمریکا به وعده‌های خود برای تعطیلی زندان گوانتانامو اعتراض کردند. در این اعتراضات همچنین یک هیئت آمریکایی که به منظور هماهنگی با گروه صلح در خصوص زندانیان گوانتانامو به یمن سفر کرده است، حضور داشت. این در حالی است که، رئیس جمهوری یمن، در دیدار با فرماندهان ارتش این کشور و تشکر از کسانی که در بازسازی ساختار ارتش کمک کردند گفت: وحدت نیروهای مسلح ارتش اساس وحدت ملی یمن است.

***کویت**

اکثر نمایندگان پارلمان منحل شده کویت در سال ۲۰۱۲ که جبهه اصلی مخالفان این کشور را تشکیل می دهند، اعلام کردند که انتخابات پارلمانی آتی را تحریم می کنند. بعد از آنکه رهبران مخالف کویتی با حضور ۲۳ نماینده از جریان سلفی و جنبش اسلامی «حدس» و نمایندگان فراکسیون «کار مردمی» در دفتر احمد سعدون، رئیس اسبق پارلمان در پایتخت کویت نشستی برگزار کردند، اعلام داشتند که انتخابات پارلمانی آتی را تحریم می کنند.

***اردن**

پادشاه اردن توافقنامه حقوقی را با انگلیس امضا کرد که به موجب آن به دو کشور اجازه داده می‌شود که مظنونان موجود نزد دو کشور را تحویل بگیرند و از نظر سیاستمداران و کارشناسان این امر تحویل «ابوقتاده» را به اردن ممکن خواهد کرد.

ویژهٔ فرهنگ، تاریخ و تمدن ایران و جهان

فرهنگی ۱۳۲

چهارشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۹۲ / ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات / شماره ۲۵۶۱۹

آموزه



ادوارد براون:

در مورد روحیه شکسته و امیدهای بر باد رفته و هرج و مرجی که در ایران حکمفرماست روسیه و انگلیس مسئول مستقیمند و روزی باید جوابگو باشند

سرسخن

کریم فیضی

در حاشیه دیجیتالیسم

فتوشاپ؛ برزخ مجاز و حقیقت

چندی پیش قصد داشتم در حاشیه و جنب یادداشت‌های مربوط به دیجیتالیسم، مطلبی را نیز درباره حضور و سیطرهٔ فتوشاپ به قلم بیاورم که عنوان اولیه آن را «فتو شاپیسم» در نظر گرفته بودم ولی از نوشتن آن به صورت موقت خودداری کردم تا درباره ماهیت و مبانی آن بیشتر بیندیشیم و آنچه می‌نویسم، با تامل و تحقیق کافی و لازم همراه باشد.

به نظر می‌رسد افزودن «ایسم» به برنامه‌ای مانند «فتوشاپ» اغراق‌آمیز و تا حدودی گمراه کننده و دور از واقعیت است. در تایید این سخن می‌توان به «برنامه» بودن فتوشاپ اشاره و استناد کرد. بنا براین، داستان در فتوشاپ غیر از دیجیتال است که ایسم پذیر است، چون عملاً یک «ایسم»است؛ ایسمی واقعی و دامنگستر. ما اگر دیجیتالیسم را مکتب ندانیم و نتوانیم آن را در کنار مکتب‌های دیگر قرار بدهیم، به طور قطع می‌توانیم از آن به عنوان «شیوه» یاد کنیم، شیوه‌ای فراگیر و قوی و غیر قابل خدشه که به مبنای و زیربناها راه دارد و توانسته بنیادها را به شکلی واقعی و اساسی تحت تاثیر خودش قرار دهد. با این وصف و تحریر، روشن است که فتو شاپ را نمی‌توان در قامت و جامه ایسم گنجاند. از این حیث، موضوع فتوشاپ از دیجیتال متفاوت است.

نهایت حرفی که در شرایط فعلی کارکردهای این دو یعنی دیجیتالیته و فتوشاپ می‌توان به زبان آورد، این است که اگر قائل به هویت دیجیتالیسم باشیم، فتوشاپ را باید زیر مجموعه دیجیتالیسم بدانیم. طبق این تفسیر، فتوشاپ با تمام کارکردهای تعیین کننده اش و با هویت و ماهیتی که دارد و می‌توان ادعا کرد که مبهم و ناشناخته مانده، از اجزاء دیجیتالیسم است و احیاناً اگر آن را یک مکتب یا شیوه و ایسم دیگری بدانیم، در طول دیجیتالیسم خواهد بود، نه در عرض آن. یکی از دلایل روشن این موضوع این است که فتوشاپ، حتی اگر از خانواده دیجیتالیسم هم محسوب نشود، برآمده از دیجیتالیسم است، نه مستقل از آن. به عبارت دیگر: فتوشاپ، از ابزارهای دیجیتال است. اگر دیجیتال و سیطره و پتانسیل های آن نبود، فتوشاپ هرگز نمی‌توانست وجود داشته باشد. پس ما در صورت اعتقاد به هم خانوادگی دیجیتالیسم و فتوشاپیسم، باید مقام پدری را به دیجیتالیته بدهیم و مقام‌هایی از نوع فرزندی یا فرزند خواندگی هم نصیب فتوشاپ خواهد بود.

اما این سخن به معنای کم اهمیت بودن فتوشاپ نیست و چیزی از شگفتی‌ها و شگفت‌آفرینی‌های این برنامه/ابزار مهم و پر انبساط و پر فعلیت کم نمی‌کند. همانگونه که اشاره خواهیم کرد، فتوشاپ پدیده‌ای عجیب و غریب است که باید روی اضلاع و کارکردهای آن بحث کرد. خطاست اگر تصور کنیم فتوشاپ همان است که ما می‌دانیم و می‌شناسیم. شناخت و معرفی فتوشاپ بر پایه کارکردهای فعلی و امروزی آن، آنهم برای یا از طرف کسانی که تماس و آشنایی و ارتباط آنها با فتوشاپ، در ردیف‌های معمولی است و قابلیتی غیر از طراحی در فتوشاپ سراغ ندارند، بدون تردید به شوخی شبیه‌تر است تا واقعیت. فتوشاپ تا امروز را نمی‌توان به فردا تعمیم داد. قالب آینده‌ای فتوشاپ، علاوه بر تفاوت در کم و کیف کارکرد، به لحاظ حضور و سیطره نیز متفاوت از جایگاه آن در شرایط امروزی خواهد بود، همچنان که این جایگاه در مقایسه با گذشته، تفاوت پرنوسان حیرت‌آوری را تجربه کرده و به حد و حدود امروزی رسیده است.

اگر به این نکته توجه بیابیم که فتوشاپ با قابلیت‌های کوچک و بزرگ خودش که به عرصه‌ای خاص محدود نمی‌شود، برهه و دوره جدیدی را رقم زده و این رقم زنی با قدرت بیشتری در آینده خواهد داشت، طبعاً تصویر ما از فتوشاپ متفاوت و تامل برانگیزتر خواهد بود. بر خلاف کسانی که فتوشاپ را در قواره و قامت یک برنامه نرم‌افزاری متعارف و معمولی ارزیابی می‌کنند، بر اساس برخی شواهد و قراین، تفسیر ما از این «برنامه نرم‌افزاری به ظاهر متعارف، چیزی در مایه‌های یک الفبای تازه است، الفبای جدید ناشناخته‌ای که در آینده کتاب‌های متفاوتی به زبان و قلم آن نوشته خواهد شد و فضای کاملاً متفاوتی به وسیله آن ایجاد یا به عبارت دقیق‌تر «حادث» خواهد شد.

طبق این تفسیر، شما نمی‌توانید فتوشاپ را به فضای مجازی منحصر کنید. در این تلقی، فتوشاپ فراتر از فضای مجازی عمل می‌کند و جنبه واقعی و غیر مجازی‌اش، جدی‌تر و واضح‌تر از صبغه‌های مجازیک آن است. در حقیقت، فتوشاپ بیش از آنکه با عالم مجازی و مجاری کامپیوتری به معنای عام کلمه (اعم از اینترنت و بنیادی الکترونیکی و قابلیت‌های سایبر ـ دیجیتالیسم) در ارتباط باشد، با عالم واقع و جهان واقعی و محسوس در رابطه است. به این لحاظ، فتوشاپ، برزخی است میان مجاز و واقعیت. از مجاز برای واقعیت و تبیین و تفسیر متفاوت و متنوع آن بهره‌می گیرد و از واقعیت برای دگرگون جلوه دادن مجاز استفاده می‌کند. اشتباه است اگر کسی فکر کند که فتوشاپ به یکی از دو جهان مجاز و حقیقت تعلق دارد.

گزارش حکیم میرزا مهدی آشتیانی

راجع به عدلیه اصفهان

منوچهر صدوقی سُها: به میانهٔ دست نوشته‌های استاد ناالاقدم آقا میرزا مهدی آشتیانی حکیم اعظم متأخّر ایران در گذشتهٔ ۱۳۳۲ خورشیدی که به وساطت آقایان خسرو خوانساری و شهرام انصاری و مرحمت سرکار خانم بهجت آشتیانی صبیّه محترمهٔ استاد به دست من بنده رسیده است گزارشی موجود است در چهار صفحه بر اوراق «وزارت عدلیّه» مشتمل بر مطالبی والا در باب عدل در ساحت حکمت و عرفان و نیز مطلبی چند استطرادی از قبیل مزایای تمدّن و لزوم قوّهٔ مقنّنه در نظام مملکت البتّه به شیوه‌ای اصطلاحی و با نثری منشیانه و منتهی می‌شود به بیان وقایعی که در دادگستری اصفهان اتّفاق افتاده بوده است از قبیل توهین به آقای حاجی سیّد علی محمّدمدّرس که از علمای اعلام آن ولایت می‌بوده است و در عدلیهٔ نیز اشتغال به وکالت دعاوی می‌نموده و متعاقب آن شکایت برخی از علماء از برخی از اعضاء عدلیّهٔ ولایت اصفهان> و نهایهٔ مأموریّت استاد اعظم که بدانگاه سمت مستشاری دیوان عالی تمیز <= دیوان کشور> می‌داشته است به اصفهان جهت تحقیق ماوقع و متعاقباً گزارش آن به وزارت متبوعه که بدان هنگام ادیب السّلطنهٔ سمیعی وزیر آن می‌بوده است...

باری چون دیده بر اوراق معهودم افتاد به یادآوردم که مرحوم مبرور استاد سیّد جلال‌الدّین آشتیانی به دیباچهٔ طبع خویش از «اساس التّوحید» استاد اعظم <= طهران، امیرکبیری، ۱۳۷۶> مطلبی از شخص شخیص آن بزرگ = آقا میرزامهدی آشتیانی> نقل فرموده است در باب مأموریّت معظّم له به اصفهان و چنینم در دل افتاد که این رقیمه گزارش همان مأموریت می‌بوده باشد و از پی رجوع بدان دیباچه چنین یافتم که سیّد از پی اشعار به سفری به اصفهان به ایّام نوروز سالی از سالیان حدود ۱۳۲۵ خورشیدی به خدمت استاد اعظم در بیان وقایع آن سفر چنین می‌آورد که: «... آقامیرزامهدی را شخصی دعوت به صرف ناهار کرد. همان شخص به عنوان راهنمای محلّ دعوت با کالسکه‌ای آمد و به آقای آشتیانی گفت دختر مرحوم شریعتمدار <= فرزند آقا نجفی شهیر> شما را دعوت کرده است. وقتی به محلّ موعود رسیدیم چند نفر از آقایان محترم در اطاقی نشسته بودند. اطاق مذکور در ساختمان مجلّل و در وسط باغی قرار داشت. آقا میرزامهدی فرمودند: در چندین سال قبل که دولت من را برای دلجوئی از آقایان علماء به اصفهان فرستاد با آقای محترمی که از شاگردان سیّد محمّد باقر درچه‌ای بود دوست شدیم. پیرمرد باوقاری گفت: جناب میرزا: غلام شما اَشَنی اُم و سالها در دهِ خود عزلت اختیار کرده بودم... ص ٤/٥

و هرگونه‌ای که می‌بوده باشد اکنون آن رقیمه بدین مقام ایراد می‌کنم و کوپیهٔ صفحهٔ آغازینِ اصل آن نیز زینت گفتار می‌گردانم و سخن به تشکّر از هادی میرزائی فراهانی به پایان می‌آورم که به خواستاری من بنده به استکتاب آن پرداخت.

بسم‌الله الرحمن الرحیم. قوله تعالی: لَقَدْ أَرسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ اِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» از مضمون کلام بلاغت مشحون و مفاد آیهٔ شریفهٔ وافی هدایه چنین مفهوم و مستفاد می‌گردد: اوّل البغیهٔ أخر الدّرک و أوّل الفکر أخر العمل» یعنی غایت قصوی و مقصد علیا از ارسال رسل تکوینیّه و تشریعیّه عقول بادیات و صاعدات و ارواح مجرّدْ کلیّات و نفوس مقدّسات نزولیّات و صعودیّات و نفس معلقّات و مجردّات و ملائکه اولی اجنحهٔ مثنی و ثلاث و رباع و یزید فی الخلق کیف یشاء مثالیّات و بعثت ارواح مکرّمات کروبیین عالم لاهوت اسماء و صفات و عندلیبان قواهر اعْلون عالم جبروت و طاووسان صدر ساقهٔ تجلیّات یعنی حملهٔ خلاقت الیهیّه و امانت اسمائیّه و همچنین مقصود از انزال کتب تکوینیّه قضائیّه و قدریّه از امّ الکتاب اکبر و کتاب مبین و لوح محفوظ و کتاب محو و اثبات و کلمات تامّات بسائط وجودات و آیات باهرات و صور مفصلّات انوار سازجات و کلمهٔ طیّبیه عقول قرآنیّه و نفوس فرقانیّه و کلام جمع و جمع‌الجمع حضرات خمس و ستَ عوالم طولیّات و عرضیّات و لطایف سبع جمالی بروزات و ظهورات و انزال کتب تدوینیّه الیّهیه از صحف ابراهیم و زبور داود و تورات موسی و انجیل عیسی و قرآن عقل کلّ و ختم رسل و خاتم‌انبیاء و سرور اصفیاء محمّد مصطفی (ص) و انزال موازین شریعت و قوانین دیانت و معرفت یعنی موازین خمسهٔ: تعادل و تعاند و تلازم اکبر اوسط و اصغر و موازین تامّه ولایت و فصل‌الخطاب محور امامت و ولایت اقامهٔ سنّت عادله نصفت و اتحّاد و بسط بساط عدل و داد است. و چون بعثت اولیاء و رسل برای هدایت خلایق به صراط مستقیم توحید و طریق قویم البنیان آغازشناسی و انجام‌شناسی یعنی دعوت الی‌الله و ملکوته الاسنی بحکم ادعوا الی الله علی بصیرهٔ انا و من اتّبعنی و تکمیل معرفت و حصول کمال پرستش و عبادت حضرت الوهییّت می‌باشد.

و نیز در علم ماوراء الطّبیعه و اثولوجیا و معرفه الرّبوبیّه و فلسفهٔ اولی و سنّت عقل مضاف و شریعت برهان مستبین آمده و مبرهن گردیده دو علّت غائیّه بحکم ما هو و لم هو و هل هو فی‌البسیط واحد، در بسائط وجودیّه متّحد با علّت فاعلیّه است چنانچه شیء واحد دارای دو علّت فاعلیّه نیست همچنین دارای دو علّت غائیّهٔ عرضیّه متباینه نخواهد بود. پس بحکم این مقدمه بایستی این دو امر که اوّل آن ظهور وجود و تمیّز عابد از معبود و تجلّی شمس‌الوهییّت از مقام کنز مخفی و غیب مغرب ربوبیّت به موجب حبّ ذاتی و اسمایی و صفاتی و آثاری و حصول معرفت ذات کرّوبی صفات و پرستش و نیایش حضرت یزدان قدّوسی ایات و ثانی آن حصول عدل و داد و بسط بساط نصفت و قسط و اتحاد می‌باشد. راجع به یک امر بود یاآنکه احد هما در طول دیگری و مترتّب و یا متوقّف بر آن بوده باشد و لازم بیّن این کلام قویم البنیان آن است که اقامهٔ قسط و عدل و داد مبداء معرفت باری تعالی و عبادت ذات بی‌زوال کبریایی مبداء اعلی است.

مقصود من از کعبه و بت خانه تویی تو
مقصود تویی کعبه و بت خانه بهانه

پس صفت قسط و عدل ام الکمالات و اصل الاصول فضائل و اسطقّس الاسطقسّات محسّنات صفات است و هرگاه این صفت به نهج کمال در ذات حق تعالی و تقدّس متحقّق نمی‌بود بسط بساط جود و اعطاء خلعت وجود به ماهییّات قابله و اعیان ثابته بمقتضی الاعطایّات علی حسب القابلیّات تحقّق نمی‌گرفت بلکه هرگاه ذات باری تعالی به این صفت مّتصف نمی‌بود عاری از سائر صفات کمال و جمال و جلال می‌بود چونکه اتّصاف به ظلم ملازم با جهل و نقصان و توأم با فقر و امکان و منافی با وجوب وجود باللّذات که واجب الوجود من جمیع الجهات و الحیثیّات است می‌باشد. چنانچه حکماء الهییّن و فلاسفهٔ شامخین قدّست اسرار هم در زبر فلسفیّه خود فرموده‌اند: الحقّ عدل فی‌ذاته و عدل فی‌اسمائه و صفاته و افعاله و از این جهت است که در تمام کتب منزلهٔ الهییّه و زبر ربانیّه حضرت احدّیهٔ جلّ شانه و تعالی کبریائه

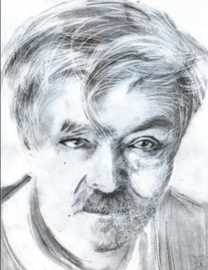
ادامه در صفحات ٤ و ٥

بهزاد؛ مردی که مینیاتور را احیا کرد

روی تابلوی فردوسی دو سال کار کرد.

او هفده نمایشگاه در داخل و خارج کشور برگزار کرد، چندین جایزه و مدال گرفت. هنرمندان ایرانی و خارجی به علت هنر و اخلاق انسانیش، بسیار او را دوست داشتند. مرحوم ملک الشعرای بهار در مدح او سرودند.

او در مدت زندگی خود قریب ٤٠٠ کار هنری به وجود آورد که بعضی از مشهورترین آنها عبارت‌اند از: (قحطی)، (بهرام و گل اندام) که به سبک مینیاتور است، خزان جوانی، دختر رز، کشتن رستم دیو سفید را، خیال، ابو علی سینا، شب قدر حافظ، رودکی، صورت شمس تبریزی و مولانا جلال الدین رومی، ابریق مرا شکستی. فتح بابل یکی از بهترین کارهای اوست که در آن پیروزی کوروش بر بابل و آزادی بردگان نموده شده است. بهزاد دارای شهرت جهانی بود، او هنر مینیاتور را به اوج خود رسانید.



شیوه مینیاتور قبل از او، همان شیوه رایج مغولی بود. حتی آداب و رسوم مغول‌ها هم در آن به چشم می‌خورد، شکل‌ها شبیه به هم و یکنواخت بود. او این شیوه را عوض کرد و شکل‌های ایرانی را وارد مینیاتور کرد. او بسیاری از ریزه‌کاری‌های زائد مینیاتور را دور ریخت. در کارهای او حالات و روحیات اشخاص مشخص است. در کار قدما سایه وجود نداشت، او سایه را وارد مینیاتور کرد و در رنگ‌آمیزی هم ابتکار کرد. بهزاد اصولا دارای قوه ابتکار بود.

راهنمای حیرت زدگان: آخرین کتاب ارنست شوماخر

دکتر احمد کتابی: کتاب راهنمای حیرت‌زدگان متضمن آخرین نظریات و دیدگاه‌های شوماخر و در واقع حاوی واپسین پیام اخلاقی و انسانی اوست. از این رو، از کتاب قبلی او: «کوچک زیباست...» تا حدودی متمایز است و بیشتر جنبهٔ فلسفی و به تعبیر دقیق‌تر صبغهٔ معرفت‌شناسی، شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی دارد. مباحث این کتاب در واقع، پیرامون دو محور اصلی متمرکز است: نقد علم‌گرایی مادی گرایانه و اکتشاف ماهیت و سازمان آگاهی.

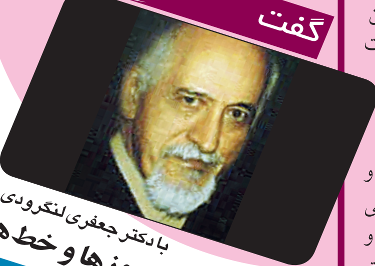
بنا به نوشتهٔ مترجم کتاب «شوماخر در این کتاب از انسان و جهان، رابطهٔ انسان با خودش، با سایر انسان‌ها و محیط‌زیست و نیز از وظیفهٔ انسان در برابر هر یک از اینها سخن می‌راند» و بر آن است که تنها درصورت ایفای این وظایف است که انسان می‌تواند رابطه‌ای حقیقی با جهان داشته باشد و معنای زندگی را بفهمد. از نظر شوماخر انسان به «نقشهٔ دانش» و «نقشهٔ زندگی» نیاز دارد و اینها بدو کمک می‌کنند، جایگاه ویژهٔ هر چیز را بداند و از آن به نحو کامل استفاده کند.

از دیدگاه او «علم برای شناخت» جای خود را به «علم برای قدرت» داده و این به خاطر آن است که حکمت و ارزش‌های والای ادیان سنتی تحت‌الشعاع جهان‌بینی ماده‌گرایانهٔ فعلی قرار گرفته است و اگر این روند ادامه یابد، به نابودی تمدن انسانی منجر خواهد شد» (پیشگفتار کتاب، صفحات هفت و هشت)

روزگار



گفت



یاد



عکس



هنر



نما



آیینه



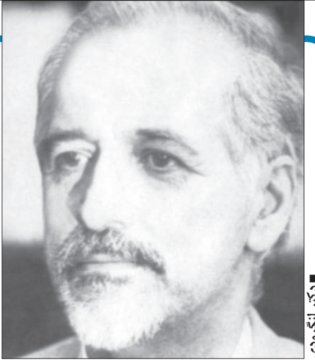
سفر



گفت

با دکتر جعفری لنگرودی

روزها و خط‌ها



■ دکتر لنگرودی

بنده در سال ۱۳۰۲ شمسی در قصبهٔ لنگرود در خانواده‌ای که عموماً از طرف پدر و مادر تحصیلات مذهبی و اشتغالات علمی روحانی داشتند متولد شدم. پدرم با اینکه مردی روحانی بود به کار کسب و تجارت مشغول بود و ترجیح می‌داد که از آن رهگذر امرار معاش کند. کشاورزی هم می‌کرد و اواخر، کار تجارتشان را هم کنار گذاشته و صرفاً به کار کشاورزی مشغول شد. تحصیلات اولیهٔ بنده نزد پدرم شروع شد، که این را در مقدمهٔ جلد پنجم دانشنامهٔ حقوقی برای قدردانی از یک معلم، نه به عنوان پدر، مختصری نوشتم. ایشان زحمت فوق‌العاده‌ای برای سوادآموزی و بخصوص خط بنده متحمل شدند، چون خودشان هم استاد خط بودند و اگر مقداری بنده در خط بد نمی‌نویسم مرهون زحمت‌های ایشان است که در امر آموزش خیلی سخت‌گیر و بی‌گذشت بودند. سواد فارسی را همان‌طور که در مقدمهٔ آن کتاب هم نوشته‌ام ایشان بنا به سلیقه‌شان بدون یاد دادن الفبای فارسی آن هم از روی دیوان نظامی گنجوی به من یاد دادند، یعنی یک دیوان نظامی مصور گذاشتند جلوی بنده و گفتند بخوان، هرچه گفتم من که سواد ندارم چه بخوانم. گفت: هر چه من می‌گویم تو بگو، و روز اول یک خط شعر به من یاد داد از مقدمه خمسه. «بسم‌الله الرحمن الرحیم ـ هست کلید در گنج حکیم» گفت این را آنقدر بگو تا فردا که همدیگر را ببینیم. خوب حافظه بچگی می‌توانست یک خط شعر را حفظ کند. بعد ایشان گفت حالا یک خط دیگر را هم یاد بگیر.

فاتحهٔ فکرت و ختم سخن
نام خدای است در او ختم کن

این یک خط راهم یاد گرفتیم و روزهای دیگر یک خط تبدیل به دو خط، و دو خط تبدیل به چهار خط، خودم نفهمیدم مشغول سیر و سیاحت در تصویرهای کتاب بودم که متوجه شدم حالا خواندن بلدم. بعد نوشتن را هم که در قدیم یک سرمشقی می‌گذاشتند و می‌گفتند بنویس، و ما می‌نوشتیم و باید تحویل می‌دادیم. تدریجاً سواد خواندن و نوشتن را از اینجا با ما شروع کردند. بعدها که ما را در مدرسه ابتدایی گذاشت باز رهایم نکرد.

انشای زبان فارسی که بسیار بااهمیت است و بخصوص در نگارش و نوشتن کتابهای مفید و سودمند باید از همان ابتدا و در بچگی به آشنا توجه کرد و متأسفانه الان بر اثر اشتباه، آن توجه قدیم به آن نمی‌شود، یکی از مسائلی بود که پدرم به آن توجه داشت و کارهای مدرسهٔ ما را کنترل می‌کرد برای اینکه ما را سرگرم کند کتابی عربی، که داستانی بود، می‌آورد و می‌گفت: این را بخوان، من برایت معنی می‌کنم، ولی این بهانه‌ای بود برای اینکه بتواند ما را یک مقداری با ادبیات عرب و یک مقداری با مفاهیم اندرزگونه و شرح حال دانشمندان آشنا کند. از جمله زمانی که من کلاس دوم سوم ابتدایی بودم کتاب کشکول مرحوم شیخ یوسف بحرانی را می‌گذاشت جلوی من و می‌گفت بخوان، خواندن این کتاب بدون اعراب کار بسیار دشواری بود می‌گفت غلط هم شده بخوان، من کم‌کم برایت اصلاح می‌کنم. بنده می‌خواندم و ایشان داستان را به طور خلاصه معنی می‌کرد، بنده مجذوب قیافه یک پیرمرد روحانی صبور و با حوصله که آن افسانه‌ها را برایم شرح می‌داد می‌شدم و همان افسانه‌ها و داستان‌ها را که مایه‌های علمی و آموزشی در آن بود تصرف می‌کردم و در درس انشاء در کلاس آن‌ها را به خرج کلاس می‌دادم و در کلاس هم مورد استقبال واقع می‌شد.

همیشه معلم انشای بنده را آخر می‌گذاشت، یک نمره بیست هم می‌داد و می‌گفت حالا بیا انشایت را بخوان و ما هم مایه را از پدر می‌گرفتیم اما در کلاس، هم خودمان را سرگرم می‌کردیم، هم معلم و شاگردها را که البته این سرگرمی یک سرگرمی علمی و صحیحی بود. حالا که آن خاطرات به یادم می‌آید می‌بینم که همه‌اش صحیح بود و برای قدردانی از اولین معلم، فکر می‌کنم که با توجه به وقت جلسه همین مقدار کافی باشد.

دوران ابتدایی و متوسطه را در لنگرود تمام کردیم و بعد به دانشسرای مقدماتی که تازه تأسیس شده بود و مرکز آن در رشت بود رفتیم، و در همین اوان مادرم از دنیا رفت و پدرم هم به فاصله خیلی کم از دنیا رفت.

در واقع با تحصیل ناچیز از نظر علمی، سرپرست خود را از دست دادیم و طبعاً وقتی بچه‌ها سرپرست علمی و سرپرست خانواده‌شان را که از نظر علمی هم علاقه‌مند به کارشان هستند از دست می‌دهند سرگردان می‌شوند، و کمتر موفق می‌شوند که در تحصیلات توفیق پیدا کنند و پشتکار نشان دهند، بخصوص که هم باید معاششان را تأمین کنند و هم برنامه درست و خوبی انتخاب کنند.

این‌ها مشکلات بعد از فوت والدین بود که با آن‌ها دست بگریبان بودیم، معذالک عشق به تحصیل سرمایه‌ای بود که مرحوم پدر و مادر به وجود آورده بودند. خانواده‌ام که یک خانوادهٔ علمی بود دست‌کم یک کتابخانه‌ای در منزل ایجاد کرده بودند که هر وقت فرصتی می‌کردیم به آن کتابخانه سر می‌زدیم و این برای ما غذای روح بود، و توصیه می‌کنم که هر خانواده‌ای دارای یک کتابخانه در منزل باشد که اگر اطفال یک لحظاتی هوس کردند یک سرگرمی صحیحی در منزلشان باشد امکان آن فراهم باشد البته از یک آماری هم در دنیا به شما خبر می‌دهم، این آمار را پیدا کنید، که مربوط به میزان هزینه‌ای است از درآمد خانواده در کشورهای پیشرفته صرف خرید کتاب می‌شود و من یک جا خواندم، در این آمار وقتی به کشورهای آسیایی می‌رسد صرف هزینه به درصد پایینی از درآمد خانواده می‌رسید که این یک کار بسیاط غلط و خطایی است و باید به طور عمومی به مردم تفهیم کنند که از آن‌ها بچه‌ها استفاده کنند.

به هر حال این مسئله از قدیم در خانواده‌های روحانیت در کشورهای اسلامی بوده یک کتابخانه‌ای داشتند تا اگر یک بچه دلش بخواهد یک مقدار از لغت مثلاً در فرهنگ قاموس یا یک جایی نگاه بکند به اندازه همت خودش بتواند پیدا کند. و من از کتابخانه استفاده می‌کردم. از آن ایام خاطره خوبی دارم که نقل می‌کنم. خیلی کوچک بودم و هنوز مدرسه ابتدایی هم نرفته بودم، در منزل ما هم که مانند منازل سابق قدیم‌ساز بود، و نسبتاً وسعتی داشت، هر وقت که مرا گم می‌کردند لابلای کتاب‌های پدرم پیدا می‌کردند، می‌آمدند می‌دیدند که بله این بچه کوچولو توی کتاب‌ها خودش را گم کرده و متعرض من نمی‌شدند.

یاد

مکاتبه با هنری لوس

خاطرات ابوالحسن ابتهاج/۹

پس از اینکه اجازه دادند با همسر، فرزندان، برادرم و نیز دو نفر از اعضای بانک ایرانیان ملاقات داشته باشم شروع کردم به نامه نوشتن به دوستان و آشنایانم. به هرکس عقلم می‌رسید که شاید بتواند در استخلاصم کمک کند نامه نوشتم. نامه‌ها را به برادر بزرگم غلامحسین خان می‌دادم و او آنها را توسط برخی از دوستانش که عازم اروپا بودند به خارج می‌رساند.

نامه‌ای هم برای هنری لوس نوشتم. او جواب نامه مرا سر راهش به خاور دور در فرودگاه مهرآباد به پرویز رائین، نمایندهٔ مجله تایم در ایران داد و نامه مزبور در زندان به دست من رسید. این نامه خیلی در من اثر کرد.

هنری لوس آدم خیلی خودپسندی بود و به فلک اعتناء نداشت. شخصی بود خودساخته و شاید در زمان خود متنفذترین شخصیت مطبوعات آمریکا بود. پدرش کشیش بود. من با او در سال ۱۳۲۸ آشنا شدم. در آن سال، وقتی به کنفرانس بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به واشنگتن می‌رفتم، یکی از دوستان مشترک ما به من تلگراف کرد که شما با هنری لوس ملاقات کنید ولی خواهش می‌کنم با او تندی نکنید چون همان علاقه‌ای که شما به بانک ملی دارید او نسبت به موسسه تایم دارد.

من با لوس در آپارتمانش در نیویورک ملاقات کردم و ضمن صحبت پرسیدم شما چرا این‌قدر به ایران بد می‌گوئید؟ ایران مملکت فقیر و بیچاره‌ای است که یک برنامه عمرانی هفت ساله درست کرده و می‌خواهد با درآمد ناچیز خود کارهائی به نفع ملتش انجام دهد. این حرف من خیلی در او اثر کرد. گفت یک روز ناهار بیائید و با همه رؤسای تایم ملاقات کنید.

■ هنری لوس؛ موسس مجله تایم

در سر میز نهار شش هفت نفر از روسای تایم حضور داشتند و سئوالات زیادی از من کردند. به آنها گفتم من نیامده‌ام به آمریکا که یک شاهی از دولت شما گدائی کنم. ما می‌خواهیم با پول خودمان یک کارهائی بکنیم و شما باید این کار را تشویق کنید. لحن تایم از آن روز به کلی عوض شد و من و هنری لوس با هم دوست شدیم.

در نامه‌ای که از زندان به هنری لوس نوشتم تأثر عمیق خود را از راه و روش آمریکا نسبت به ایران ابراز نمودم و اضافه کردم که من مایل نیستم کسی را بترسانم یا تحت تأثیر قرار دهم اما باید صادقانه و صمیمانه بگویم که امکان ندارد اوضاع ایران به صورت فعلی خود ادامه یابد و اگر تغییری اساسی در سیاست‌های دولت پدید نیاید این کشور با فاجعه عظیمی روبرو خواهد شد و در پایان گفتم اگر وضع به همین منوال پیش برود بدون شک انفجاری روی خواهد داد. پاسخ هنری لوس به نامه من چنین بود:

دوست گرامی آقای ابتهاج!

الساعه نامه شما با کمال امتنان و افتخار به دست من رسید. من این نامه را هم به خاطر نویسنده‌اش و هم به خاطر اهمیت حیاتی موضوع آن پیوسته سرمه چشم خواهم کرد.

اگر این نامه به دست شما برسد اجازه دهید که در وهله اول ستایش عمیق خود را نسبت به شما به عنوان یک انسان شجاع و شرافتمند ابراز کنم. صداقت و صمیمیت بی‌شائبه‌ای که در شما هست نه فقط در هر کشوری از جمله کشور ما کمیاب است بلکه در هر زمان و مکان دیگری نیز یا کمیاب بوده و یا در کمتر کسی به این درجه دیده شده است. جای بسی شگفتی است که بشریت با این درجه از بی‌تقوائی‌اش توانسته است که به موجودیت خود ادامه دهد. شاید دلیل این را باید در آن حکایت «خمیرمایه» جست که حضرت عیسی برای یاران خود تعریف کرد. اما در عوض هرگاه که صداقت دلیرانه پدید می‌آید دل‌های ما مردمان عادی را قوت می‌بخشد و ما را تشویق می‌کند برای آن که ارزش دوستی و همنشینی با افراد بسیار ارزشمند را داشته باشیم، کمی بیشتر از خودمان مایه گذاریم و درست به همین دلیل است که من از دوستی شما دوست عزیزم اظهار تشکر می‌کنم.

و اما درباره مسئله «کمک‌های خارجی» و موضوع عمران کشورها و مردمانی که هنوز به حد رشد و توسعه کافی نرسیده‌اند، من البته با تجزیه و تحلیل شما و راه‌حل‌های اساسی‌ای که ارائه می‌دهید موافقت دارم.

پیشرفت اقتصادی و اجتماعی مستلزم آن نیست که فساد از سراسر زندگی بشری صددرصد محو و نابود گردد. چنین چیزی تعلیق به محال است زیرا که چنین شرائطی فقط در پایان تاریخ بشریت و هنگام استقرار حکومت آسمانی به دست خواهد آمد. اما شکی هم نمی‌توان داشت که فساد بزرگ‌ترین سد راه و عامل کند کننده پیشرفت است. با مقدار معینی از فساد، پیشرفت غیرممکن نخواهد بود، اما وقتی فساد از حد گذشت پیشرفت ممکن نیست. فساد بیش از اندازه نه فقط جلوی پیشرفت کشورهای کم رشد را می‌گیرد، بلکه در پیشرفته‌ترین کشورها نیز فاجعه به بار می‌آورد. بنابراین، چه از نظر مادی و چه از نظر معنوی جامعه بشری از پیشرفته گرفته تا کم‌رشد به آنچه شما به آن عقیده دارید و اکنون اسباب گرفتاری شما را فراهم آورده است، سخت نیازمند است.

از این که سخنرانی شکوهمند شما در سانفرانسیسکو یکی از دلایل عمده مجازات شماست هم خوشوقت و هم متأسف شدم. تأسف من از این است که به یک معنی سبب گرفتاری شما بوده‌ام. اما در عین حال مفتخرم از این که هرچند تا اندازه کمی در موضع‌گیری قهرمانانه شما سهیم و شریک بوده‌ام. آیا اصلاً کاری از دست من برای شما بر میآید؟ لابد پاسخ منفی است. اما اگر کوچک‌ترین کاری از دستم ساخته باشد امیدوارم بتوانید مرا از آن مطلع کنید. از خداوند بزرگ خواهانم که این نامه چیزی به مشکلات و مسائل شما نیفزاید. شما خود می‌دانید که منظور از نوشتن آن این بوده که احترامات و ارادت یکی از دوستانتان را به شما تقدیم کنم و ضمناً به اطلاعتان برسانم که از این پس در دفاع از هدف مقدسمان سرسخت‌تر از همیشه خواهیم بود. با تقدیم عمیق‌ترین آرزوها و دعا برای سلامت وجود شما

ارادتمند هنری ر.لوس

آیا من قابل حذف است؟

در تاریخ فلسفهٔ غرب، به ویژه از زمان هابز (معاصر دکارت) برخی فلاسفه را می‌بینیم که به سادگی در صدد نفی تصور «من» از طریق تحلیلی دستور زبانی برآمدند. نکتهٔ اصلی چنان تحلیلی این است که افعالی مانند «اندیشیدن» نیازمند یک فاعل دستوری است که طبیعتاً وجود یک «من» را طرح می‌کند (در حالت اول شخص مفرد) که دارد فعل اندیشیدن را انجام می‌دهد. اما این «من» صرفاً یک زودیابی اجمالی است که اقتضای دستور زبان عادی است، اما هیچ امری واقعی را عرضه نمی‌کند برای مثال، هنگامی که می‌گوییم «دارد باران می‌بارد» نه نیاز داریم و نه می‌خواهیم که هیچ «فاعل» جدایی که فعل باریدن را انجام می‌دهد مسلم فرض کنیم. وضع مشابهی دربارهٔ «من» (در «من می‌اندیشم») صادق است. لذا اگر می‌توانیم چیزی را بیابیم که با واژه «من» کاملاً مطابقت کند، باید تشخیص دهیم که این «من» چیزی جز یک زودیابی اجمالی صرف نیست.

مثلاً این دیدگاه ویتگنشتاین بوده است که کسی که یک بار آگاهی را به عنوان یک «تجربهٔ فعلی جزئی» لحاظ کرد تا از رویکردهای مفهومی اجتناب ورزد در حالی که می‌کوشد از لیختنبرگ پیروی کند تا خود را همچون یک حشو زاید حذف کند و به جای من «می‌اندیشم» فرد بگوید «[آن] می‌اندیشد» چنان که در «می‌بارد» این ایده که «من» می‌تواند از زبان ما حذف شود، موجب عبور از خودانگاری [اصالت نفس] متعالی به خودانگاری روشن شناختی شد.

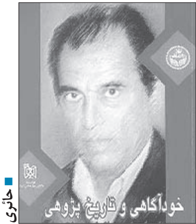
چنان رویکردی به «من» با عرف عام نیز متعارض است. عرف عام با تأکید بر اینکه ما (یا دست کم اکثر ما) در واقع به نحوی از خلال تجربه از خودمان باخبر شویم و اینکه «من» در «من می‌اندیشم» مانند «فاعل» در «دارد باران می‌بارد» به هیچ وجه زاید و غیر ضروری نیست، این رویکرد را رد می‌کند. به نظر می‌رسد که تجربهٔ عارفانه قادر به ارائه یک تعریف تجربی بر این مدعا عرف باشد و چنان رویکرد دستور زبانی را کنار بگذارد. تجربهٔ عارفانه همچنین می‌تواند جنبه‌های تجربی آنچه این فیلسوفان بیان می‌کنند را نیز عملاً تأیید کند. به عنوان مثال، ویتگنشتاین که «خود» «من» را به عنوان حشو زاید رد می‌کند، به مفهوم جالب توجه آگاهی مضاعف [دو لایه] ارجاع می‌دهد ویتگنشتاین در آغاز به نظر می‌رسد که سطح عمیق‌تر این آگاهی را از آن حیث که حیات و واقعیت یکسان است ملاحظه و بررسی می‌کند.

روایت

آرش تبریزی

بازخوانی خاطرات دکتر عبدالهادی حائری-پایانی

درمذمت فرهنگ‌آمریکایی



■ حائری

در سال ۱۹۶۰ در هر ۵۸ دقیقه یک تن کشته شده و در هر ۳۴ دقیقه یک عمل منافی عفت روی داده و در هر ۳۹ ثانیه یک دزدی صورت گرفته است. آمارهای مربوط به همان سال نشان می‌دهد که در میان هریکصد هزار آمریکایی ۳٦٤۰ تن از آنها به علت جنایت بازداشت شده‌اند. این گونه گزارشها و شاید گزارشهای تکان دهنده‌تری هرگز نمی‌توانست از شیفتگی و شیدایی نسل جوان ایرانی آن روزگار نسبت به آمریکا بکاهد، گویی این گزارشها برپرستیژ آمریکا و آمریکایی در ایران می‌افزود!

اخبار و گزارشهایی که نشانگر گستردگی تباهی و تبهکاری درجامعهٔ آمریکا بود بدان چه در مورد سال ۱۹۶۰ یاد شد، محدود نبود. برخوردهای زشت و خونینی که در همان روزگاران میان سفید پوستان وسیاه پوستان در شهرهای آمریکا چهره می‌بست و به گونه‌ای گسترده در مطبوعات ایران منعکس می‌شد، می‌توانست بیش از هر عامل دیگری برای شیفتگان راه و روش و فرهنگ آمریکایی درس عبرتی هشدار دهنده باشد. یادآوری این نکته بایسته است که در روزگاران مورد بحث ما که در محافل روشنفکری آمریکا سخن از برابری سیاه و سفید کم و بیش مطرح بود، دامنهٔ این برخوردها و خونریزیها به گونه‌ای گسترش یافت. در خردادماه ۱۳٤۰ بود که شماری از سفیدپوستان ایالت جنوبی آلاباما به کلیسای سیاه پوستان ریخته بسیاری از آنان را که سخنی جز پیرامون برابری نژادی به میان نمی‌آوردند مجروح ساختند.

در مهرماه همان سال در یکی دیگر از ایالتهای جنوبی آمریکا یعنی میسی سیپی جوانی سیاه پوست برآن شد که در دانشگاه میسی سیپی نام نویسی کند، ولی دانشجویان سفیدپوست بر ضد وی جنجال به پا کرده و به راهپیمایی پرداختند. در روند این رویدادها پلیس درگیر شد و سه کشته به جای گذارد. این دانشجوی سیاه پوست در فرجام در دانشگاه نام نویسی کرد ولی این کار به بهای جان شماری دیگر از مردم و دستگیری۱۰۸ تن از جمله یک ژنرال آمریکایی تمام شد، بدین‌سان که فرماندار ایالت در آغاز از دستور دولت مرکزی آمریکا سرباز زده و حاضر نشد نام دانشجو را بنویسد. به دنبال این سرپیچی، دولت مرکزی ناچار به نیروی نظامی متوسل گردید و دانشجوی سیاه پوست در سایهٔ حمایت نیروی نظامی دولت مرکزی در دانشگاه نام نویسی کرد.

یک رویداد بسیار بزرگی که در آذرماه سال ۱۳٤۲ نه تنها آمریکا که همه جهان را تکان داد نیز چندان با مسأله ستیز میان سیاه و سفید بی‌پیوند نبود. این رویداد همانا کشته شدن جان اف. کندی رئیس جمهوری وقت آمریکا بود. درست است که کندی قربانی جنگ قدرت میان محافل سرمایه‌داری آمریکایی بود، ولی نباید این نکته را از دیده دور داشت که وی از هواخواهان سرسخت برابری نژادی بود و از همین روی، دشمنان پر شماری در میان سفیدپوستان نژادپرست آمریکایی داشت. همو بود که قانون به سود برابری نژادی سیاه و سفید ارائه کرد. او به گاه یک سفر سیاسی سه روزه به ایالت تکزاس در شهر آلاباما کشته شد. جوانی ٢٤ ساله به نام لی هاروی اسوالد متهم به قتل شد، ولی خود وی دو روز پس ازآن به دست مردی که مشهور به جک روبی بود کشته شد و توطئه پیچیده قتل کندی را سخت پیچیده‌تر ساخت.

از دیدگاه آمریکاییان کندی رئیس جمهور بسیار محبوبی بود، و از همین روی، قتل وی که مردی٤٦ ساله بود بسیاری از مردم آمریکا را سخت ناراحت ساخت تا جایی که فردی از سرخشم، پدر زن خود را کشت زیرا وی را از قتل کندی به گونه‌ای بسنده متأسف و ناراحت ندیده بوده است. نیز یک آمریکایی دیگر به گاه تماشای یک صحنه از زندگی کندی در صفحه تلویزیون از شدت تأثر دست به خودکشی زد. وی پیش از خودکشی گفته بود: «من باید به همان شیوه‌ای که کندی مرد بمیرم،» و سپس گلوله‌ای در مغز خود شلیک کرد. یک مردآمریکایی در هنگام تماشای آیین به خاک‌سپاری جسد کندی نیز خود را کشت و یک پسر ۱۲ ساله ایتالیایی هم به مناسبت فقدان کندی به زندگی خود پایان داد.در فرجام، در تیرماه ۱۳٤۳ قانون برابری سیاه و سفید درآمریکا پس از یک رشته دگرگونی به تصویب رسید. برابر این قانون، از آن پس سیاهان حق داشتند در همهٔ رستورانها، سینماها، بلوارها و خیابانها رفت و آمد کنند. ولی کارایی این قانون تا سالهای دراز در چارچوب کتابچهٔ قانون محدود بود، زیرا نژاد پرستان آمریکایی در پهنهٔ عمل آماده پذیرفتن آن نبودند. امید در همان روزها عکسی در یکی از روزنامه‌ها دید که مدیر رستورانی را هفت تیر به دست نشان می‌داد که با کمک شاگرد خود، سیاه‌پوستی را از رستورانش بیرون می‌کرد. در برخی از ایالتهای آمریکا حتی جنبشهایی بر ضد این قانون به راه افتاد.

به رغم انتشار این اخبار وحشتناک که گزارشگر بیگانه بودن مردمی از تربیت و آیین درست انسانی است، باز هم چنین می‌نمود که فرهنگ آمریکایی روز به روز در دلهای مردم وابسته به طبقهٔ میانه، «تازه به دوران رسیدهٔ» ایرانی جایی والاتر می‌یافت.

پایان



جدید

◆ جیمز پاتر و ایدهٔ سواد رسانه‌ای ◆

درمعرض حداکثر اخبار

وقتی در یکی از نظرسنجی‌های اخیر از آمریکایی‌ها پرسیده شد که نظرشان در مورد مطبوعات چیست، ٤٦درصد نظری مساعد داشتند و ٤٥درصد، مخالف رویکرد مطبوعات بودند. (Luntz, ۲۰۰۰) همچنین در نظرسنجی‌های عمومی، تنها یک سوم افراد (۳۵درصد) اعتقاد داشتند که رسانه‌ها حقایق را به‌طور مستقیم بازتاب می‌دهند. (Rainey, ۲۰۰۵) با فرض این میزان بالای شک و تردید در مورد خبرنگاری، کاهش توجه به اخبار چندان عجیب به نظر نمی‌رسد. تنها حدود ٤٥درصد از بزرگسالان آمریکایی به‌طور منظم، روزنامه می‌خوانند و تنها ٦١درصد به تماشای اخبار تلویزیونی می‌پردازند. علاوه بر این، دلایلی وجود دارد مبنی بر اینکه میزان توجه به اخبار همچنان کاهش خواهد یافت. در یک نظرسنجی که در سال ۱۹۹۸ به انجام رسید، گزارش شد تنها ۳۸درصد از جوانان، روزنامهٔ روز قبل از نظرسنجی را مطالعه کرده‌اند، حال آنکه این رقم در بین افراد مسن‌تر ٦۹درصد بود.

با ادامهٔ این روند و جایگزینی نسل جوان فعلی که از اخبار دوری می‌کند، با نسل قدیمی‌تر که به دنبال کسب خبر بودند، میزان توجه عمومی به اخبار همچنان کاهش خواهد یافت.

چرا احتمال پی‌گیری نکردن اخبار از سوی نسل جوان بیشتر است؟ به نظر می‌رسد پاسخ به این پرسش در این نکته نهفته است که بیشتر افراد تصور می‌کنند در اطلاعات غرق شده‌اند. ما نمی‌توانیم تمام اطلاعات را در ذهن پردازش کنیم. بنابراین، احساس خستگی می‌کنیم و می‌کوشیم کمتر خود را در معرض اطلاعات قرار دهیم. در مورد اخبار نیز مردم به دنبال اطلاعاتی می‌روند که به آنها مربوط باشد. برای مثال، پالمر و چو (۱۹۹٤) در یک نظرسنجی دریافتند که میزان نیاز مردم به اطلاعات به میزان ارتباط آن موضوع با آنها بستگی دارد. در مورد مسائلی که کمتر به آنها مربوط می‌شود، افراد در وهلهٔ نخست به دنبال اطلاعاتی درباره شیوه اثرگذاری آن موضوع بر زندگی‌شان هستند. دربارهٔ مسائلی نیز که ارتباط بیشتری با آنها دارد، افراد مایلند اطلاعاتی کسب کنند که در شکل‌دهی به دیدگاهی خوب به آنها کمک می‌کند. بنابراین، آنها اطلاعاتی می‌خواهند که دیدگاه‌های متفاوتی را پوشش دهند و کارشناسانه باشند.

همچنین، بیشتر مردم از شنیدن اخبار بد خسته شده‌اند. در نظرسنجی‌ها، بیشتر مردم از میزان اخبار بد و منفی شکایت می‌کنند و خواهان کسب اخبار خوب بیشتری هستند و این چیزی است که ترجیح می‌دهند. (Galician, ۱۹۸٦) به اعتقاد عموم، خبرهای بد لزوماً جذاب‌تر نیستند. با این حال، سازمان‌های خبری همچنان به ساخت اخبار بد ادامه می‌دهند؛ یعنی اخباری دربارهٔ جرم و جنایت، آشوب و درگیری.

دلایلی که در بالا ذکر شد ـ اینکه بیشتر اخبار، نامرتبط و بد هستند ـ توضیح‌هایی قابل درک برای پاسخ به این پرسش فراهم می‌آورند که چرا مردم از اخبار دوری می‌کنند؟ با این وصف، پی‌گیری نکردن اخبار، تجربه‌ها را محدود می‌کند و از این‌رو، می‌توان گفت کاری اشتباه است. در عوض، افراد باید طیفی وسیع‌تر از اخبار را از سازمان‌های خبری بیشتر دنبال کنند. آنها از این راه می‌توانند علاوه بر اخبار منفی، خبرهای مثبت و پوشش خبری مرتبط با نیازهایشان را نیز بیابند. با در اختیار داشتن اطلاعات بیشتر، مردم می‌توانند در مورد صحت حقایق ارائه شده، قضاوت‌های بهتری داشته باشند. همچنین با کسب اطلاعات بیشتر، افراد برای دریافت حقایق خاص، گزینه‌های بیشتری پیش‌رو خواهند داشت و می‌توانند ساختارهای دانش خود را به صورتی کارآمدتر پی‌ریزی کنند.

اخبار، بازتاب رویدادهای واقعی نیستند، بلکه ساخته و پرداختهٔ خبرنگارانی هستند که خود در معرض محدودیت‌ها و تأثیرات متعددند. خبرنگاران همه روزه ناچارند از میان تمام فعالیت‌های بشری، تنها آنهایی را برگزینند که به نظرشان باید گزارش شود. در مورد هر رویداد نیز این خبرنگاران هستند که تصمیم می‌گیرند تمرکز گزارش بر چه موضوعی باشد تا مخاطبان بیشتری جذب شوند. در نهایت، خبرنگاران باید عناصر خبری را در قالبی ویژه گردآورند و برای روایت داستان آماده سازند. خبرنگاران در انجام دادن این وظایف نمی‌توانند عینیت‌گرا باشند. از این‌رو، می‌کوشند جانب اعتدال را رعایت کنند. با این حال، تحلیل دقیق اخبار نشان می‌دهد که بخش عمدهٔ خبرها متعادل تدوین نشده‌اند. فرمول‌های روایت بر روند ساخت خبر حاکم هستند. هدف از به‌کارگیری این فرمول‌ها، کمک به خبرنگاران برای انجام دادن هرچه بهتر مسئولیت‌شان است. فرمول‌ها، بخشی از دیدگاه خبری هستند؛ دیدگاهی که خود با تأثیرات و محدویت‌های بسیاری شکل گرفته است. این دیدگاه خبری، هدف خبرنگاران را از اطلاع‌رسانی عمومی به سرگرمی حداکثری مخاطبان تغییر می‌دهد و بدین ترتیب، بیشترین سود را برای سازمان‌های خبری به ارمغان می‌آورد. در این جریان، تمرکز بر نکات احساسی و ساختگی معطوف می‌شود. به همین دلیل، امروزه اخبار تنها در پی چشمان ما هستند، نه سلول‌های خاکستری مغزمان.

بسیاری از ما تنها به دلیل مطالعهٔ روزنامه و مجله و پی‌گیری اخبار رادیو و تلویزیون تصور می‌کنیم درک خوبی از رویدادهای اخیر کسب کرده‌ایم. با این حال، باید دانست بدون در اختیار داشتن دانشی جامع دربارهٔ رویدادها، نمی‌توان دربارهٔ تعادل، جامعیت یا درستی پوشش‌های خبری قضاوت کرد. برای دریافت تصویری کامل از رویدادها به ناچار باید به رسانه‌ها اعتماد کنیم.

پایان

روزگار

■ جواد میری

زندگینامه آیت‌الله شیرازی

یک عمر درس

یکی از شاگردان مرحوم رفیعی، شخصی بود به نام شیخ محمد علی جولستانی که من خودم خدمت ایشان هم تحصیل کردم و منظومه خواندم، او مرد فاضلی بود، اما متأسفانه بیان خوبی نداشت و عرفیاتش هم خوب نبود، چون عرفیات چیزی است غیر از علمیات؛ به هر حال هر صنفی یک عرفیاتی دارد، مرحوم جولستانی فرد فروافتاده‌ای بود و خیلی هم وارسته بود، من قسمت زیادی از منظومه را پیش ایشان خواندم و انصافاً به خیلی چیزها مسلط بود، در عین حال به درس مرحوم سید ابوالحسن رفیعی هم می رفت. البته نه از باب احتیاج، بلکه از این جهت که اطلاع بیشتری نسبت به مسائل پیدا کند والا خیلی همه احتیاج به حضور در درس مرحوم رفیعی نداشت، چون درس مرحوم رفیعی بسیار گیرا بود و از نظر بیان بسیار جذاب، کسانی که حتی قبلا هم اسفار خوانده بودند، دوست داشتند که در درس ایشان حاضر شوند.

به هر حال، مدتی در قزوین بودم و ایشان اجازه ای به من داد که چاپ شده، یعنی در سن ۲۹ سالگی اجازه اجتهاد به من دادند. او خط بسیار زیبایی داشت اما من قبل از اینکه از ایشان اجازه اجتهاد بگیرم، از آقای میرزا احمد آشتیانی اجازه داشتم. پیش ایشان نیز مقداری از اسفار را خواندم. پیش مرحوم آقا سید ابوالحسن نیز مقداری از فصول را خواندم. ایشان رحله الشتاء و الصیف داشتند؛ زمستانها می آمدند تهران و تابستانها می رفتند قزوین. و ما هم گاهی ایام تابستان می رفتیم قزوین و ایشان به ما خیلی محبت داشت. بعد در تهران ماند تا اینکه به مسجد جامع رفت و امامت مسجد جامع را پذیرفت منزل ایشان هم پشت مسجد جامع بود. یک مدتی هم ما برای درس به منزل ایشان می رفتیم پس از آن در مسائل مرجعیت وارد شد و دور ایشان را افرادی دیگر گرفتند ونهایتاً درس فلسفه ایشان تعطیل شد و ما دیگر به درس ایشان نرفتیم.

البته زمانی هم که به درس فلسفه ایشان می رفتیم، قبل از درس فلسفه، یک درس خارج فقه می گفت: خارج تجارت، مکاسب و خارج اجاره و دو سه کتاب دیگر ازفقه، و بعد اسفار می گفت. ما هم حرفهای ایشان را تا جایی که می توانستیم می نوشتیم. حالا هم حواشی بر اسفار دارم که در دو جلد مفصل و البته به عربی است و توضیح و تفسیر حرفهای آخوند است. این دو جلد تحت عنوان «الاسفار عن الاسفار» در سال ۸۱ به چاپ رسید.

بعد از اینکه آمدم به تهران و قرار شد که در تهران سکونت داشته باشم، (آن زمان مسجد نمی رفتم) به مدرسه مروی می رفتم و دو سه تا مباحثه داشتم. اشتغال دیگری نداشتم تا اینکه مرحوم آقای سید محمد بهبهانی روزی به من گفتند که: «شما چرا به مدرسه سپهسالار نمی روید و در آنجا درس نمی دهید؟» من چیزی نگفتم و ساکت شدم. ایشان خودشان اقدام کردند برای اینکه بروم و درس بدهم، و بنده رفتم و مشغول تدریس شدم و منظومه می گفتم. در کلاس دوم لئالی میگفتم و در کلاس سوم فلسفه. یک قسمتی از منظومه را هم آقای راشد در کلاس چهارم می گفتند و مکاسب را آقای گلپایگانی و آقای لواسانی می گفتند. آقای عصار هم اشارات تدریس می کردند.

گاهی هم که استادها نمی آمدند، این درسها به عهده من بود. مثلاً مرحوم طالقانی را در زمان شاه دستگیر کردند. درس ایشان را من یکسال می گفتم و حقوقشان را هم می دادم به خانواده شان، ولی ساواک فهمید و حقوق ایشان را از مدرسه سپهسالار قطع کرد.

مدرسه سپهسالار را آقای بروجردی پس از رفتن رضاشاه پس گرفت و یک مقداری تحت نظر آقا بود. مدرسه سپهسالار جدید مرکز دانشکده معقول و منقول بود. مدرسین زیادی آنجا تدریس می کردند. آقای عصار، آقای شیخ محمدعلی لواسانی، آقای شیخ ابوالفضل نجم آبادی، آقای میرزا وحید گلپایگانی، آقای طالقانی، ترابی، آقای ابن الدین، آقای راشد، آقای ملکی زنجانی و افراد دیگر در آنجا بودند. تمام مدرسه از طلاب پر بود و حجره ها دو نفر بودند، اما طلبه های مدرسه سپهسالار آن وقت ذو حیاتین بودند، به این معنا که اینها تغییر لباس هم می دادند. گاهی لباس روحانیت تنشان بود و گاهی هم کت و شلوار می پوشیدند و برای مقاصدشان رفت و آمد می کردند.

در آنجا تدریس می کردم، تا اینکه بعد از رفراندوم ششم بهمن سال ٤١، شاه به مدرسه سپهسالار آمد و من برای ملاقات نرفتم. بعد از رفراندوم، موجباتی پیدا شد که من استعفا کردم.

ماجرای درس دادنم در دانشکده الهیات این بود که مرحوم حاج آقای مهدی حائری یزدی از طرف آقای بروجردی به نمایندگی در آمریکا منصوب شد. یک روز در مدرسه سپهسالار نشسته بودم که آقای حائری آمد. ما باهم خیلی مانوس بودیم. پدر اوحاج شیخ عبدالکریم حائری، چون بزرگ شده سامراء بود، لذا روابط ما روابط خانوادگی بود. یک روز آمد مدرسه سپهسالار و فرمان را به من نشان داد. فرمان خیلی جالبی بود. خصوصیات عبارات یادم نیست. بعد از رفتن ایشان، مرا دعوت کردند به دانشکده که به جای او درس بدهم. ولی جای او را به من ندادند. او در دوره فوق لیسانس درس می داد و من در دوره لیسانس و آنها هم بدشان نیامد و از این مسئله خوشحال هم بودند. چند سالی در آنجا فقه و اصول درس می دادم، تا سال ٤۳ که من و آقای مطهری و صدر بلاغی و آقای مرتضی جزایری و چند نفر مهم دیگر را نیز اخراج کردند. این را هم بگویم که آقای سید محمد سبزواری که از استادان دانشکده الهیات بود، یک روز جلوی شمس العماره مرا دید و گفت: من راجع به برگشت شما به دانشکده با فروزانفر (که در آن موقع رئیس دانشکده بود) خیلی صحبت کردم و گفتم: «مگر مثل فلانی چند نفر د ردانشکده دارید؟» او گفت: دستور از بالا بود که این اشخاص اخراج شوند.

مسجد شفا به دستور آقای بروجردی ساخته شد و خود ایشان هم یک مقداری کمک کردند. چون هزینه ساختمان تماما از سهم امام بود، مرحوم آقای حکیم، و مرحوم آقای میرزا عبدالهادی و آقای خوانساری هم اجازه دادند و من در سال ۱۳٤٤ آمدم به مسجد شفا. از آن زمان تا حالا در این مسجد هستم و مشغول کارهای علمی و طلبگی بودیم و هستیم. توفیق عمده ای که من در مدت زندگی و حضور در اینجا پیدا کردم، این بود که افراد زیادی از اقلیت ها – مسیحی، زرتشتی، کلیمی، بودایی، ..... از ضالّه و مظلّه – به دست ما مسلمان شدند. در دفتری که از سال ۱۳٥٤ دارم، تا به حال حدود ٤۰۰ نفر اسم نویسی کرده اند و یادگاری گذاشته اند، چه به انگلیسی، چه آلمانی، چه کره ای، چه فرانسوی و نوشته اند که ما در محضر فلانی به اسلام گرایش پیدا کردیم.

روش ما اینگونه بود که: برای کسانی که مترجم داشتند وقت صرف می کردم، برای تفهیم مسائل. حق و حقوق اسلام را برای اینها توضیح می دادم و اینها را با اصول اسلامی آشنا می کردم. و کسانی هم که فارسی بلد بودند، با آنها راحت بودم و نیازی به مترجم نبود. بعد از آن گاهی کتابهایی که مربوط به اصول عقاید بود به آنها می دادم، تا آنچه را که من به اینها می گفتم با این کتابها تکمیل کنند. و این هم موفقیتی بود برای ما در این منطقه (یوسف آباد). شاید اگر در این منطقه نبودم این موفقیت برای من پیدا نمی شد. فعلاً که سالهای متمادی است که از انقلاب می گذرد، (غیر از شش ماه اول که ترور شده بودم و در بیمارستان پارس بستری بودم و سپس به آمریکا رفتم). در منزل درس می گویم و قبل از انقلاب نیز که در همین محل و در خیابانی دیگر بودیم، کار ما این بود که صبحها و عصرها درس داشتیم.

پایان

در راه ایران

آخرین نامه‌های دکتر مصدق/پایانی

سلامت همگی را خواهانم

۱۲٥- جواب به آقای منصور سروش

بیمارستان نجمیه ۲۹ آذرماه ۱۳٤٥

آقای محترم منصور سروش

کارت محترم و سبدگل التفاتی رسیدو موجب نهایت امتنان گردید. تشکرات قلبی اینجانب را به عموم اعضاء محترم دبیرخانه حزب ملت ایران تقدیم فرمائید. سلامت و بقای همگی را خواهانم.

۱۲٦- جواب به آقای اسد موسوی

بیمارستان نجمیه ۲۹ آذرماه ۱۳٤٥

آقای محترم و عزیزم اسد موسوی

کارت محترم و سبدگل ارسالی رسید و موجب نهایت امتنان گردید. تمنادارم تشکرات صمیمانه این اقل هموطنان را به شورای صنفی بازاریان حزب ملت ایران تقدیم نمائید. سلامت و توفیق همه را در خدمت به وطن عزیز خواستارم.

۱۲۷- جواب به کارت و... دکتر سیاگزار- برلیان

بیمارستان نجمیه ۳دی ماه ۱۳٤٥

آقای محترم عزیزم سیاگزار- برلیان

کارت محترم و سبدگل مرحمتی رسید و موجب کمال امتنان گردید. خواهانم تشکرات قلبی این جانب را به فرد فرد آقایان اعضا شورای صنفی دانشجویان حزب ملت ایران تقدیم فرمائید. سلامت و توفیق همه را در خدمت به وطن عزیز خواهانم.

۱۲۸- جواب دکتر مصدق به عباس میرعبدالباقی

بیمارستان نجمیه ۳دی‌ماه ۱۳٤٥

آقای محترم عباس میرعبدالباقی

کارت محترم و سبدگل رسید و موجب نهایت امتنان گردید، متمنی است تشکرات قلبی این جانب را به اعضای محترم شورای صنفی کارگران حزب ملت ایران تقدیم فرمائید. توفیق همه را در خدمت به وطن عزیز خواستارم.

دکتر محمد مصدق

یادی از دکتر حسین فاطمی

چو تیره شود روزگار

فاطمی شاه را با فاروق مقایسه کرد و نوشت: «بعد از واقعهٔ نهم اسفند که برای دادن گزارشی به دیدار شاه رفتم، او در حالی که سعی می‌کرد قیافهٔ معصومی به خود بگیرد گفت: «دکتر مصدق از من رنجیده، به گمان این که در حادثهٔ نهم اسفند من دست داشته‌ام». من به او [شاه] گفتم به من بفرمایید تا کجا می‌خواهید بروید؟ آیا اعمال فاروق برای شما درس عبرت نیست؟ فاروق تا توانست نوکری انگلیسی‌ها را کرد و پشت به ملت خود تا آنجا رفت که تاج و تخت خویش را از دست داد. آیا شما هم از آن راه می‌خواهید بروید؟...» دکتر فاطمی در قسمت دیگری از مقالهٔ خود نوشت: «من در طول ۱۲ سال اخیر هرگز به آستان این جوان خوش خط و خال که مثل مار افسرده موقع ضعف و جبن سر درهم می‌کشد و در فرصت مناسب نیش جانگزای خود را می‌زند سر فرود نیاورده‌ام... هرگز نشان همایونی اهدایی او را به سینه نزده‌ام... دربار دشمن همهٔ آزادمردان، وطن‌پرستان و خصم مبارزان راه استقلال و آزادی است... من از محمدرضاشاه انتظار آن را ندارم که شجاعت و شهامت خودش را در برابر بیگانگان به کار ببرد. حتی به قدر سلطان مراکش و بیک تونس هم از او حمایت از حقوق ملت را نمی‌خواهم...»

و بعد در آخر مقاله خطاب به مصدق نوشت: «... آقای دکتر مصدق، تا کی باید صبر و تحمل کرد؟ تا کی باید شاهد فجایع و رسوایی‌های پنهان و آشکار دربار بود؟... در آن موقع که شصت تیرهای افسران به طرف من نشانه گرفته بودند و مرا به توقیف‌گاه سعدآباد می‌بردند، این شعر سعدی را زمزمه می‌کردم:

چو تیره شود مرد را روزگار / همه آن کندکش نیاید به کار

وقتی ۱۸۸ روز بعد از آن سرانجام دکتر فاطمی گرفتار شد و او را در دادگاه نظامی محاکمه کردند، یکی از دلایلی که دادستان به موجب آن برای فاطمی تقاضای اعدام کرد همین مقاله بود.

در چهار روز ۲٥ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و شکست مرحلهٔ اول کودتا، عده‌ای از وزرا و وکلا علیه شاه و دربار سخنرانی کردند، بسیاری از روزنامه‌ها علیه شاه و دربار مقاله نوشتند، ولی دکتر فاطمی در نطقها و مقاله‌هایش از همه تندتر رفت.

بعدها عده‌ای از دولتیان گناه حوادث ۲۸ مرداد را مقدار زیادی به گردن تندروی‌های دکتر فاطمی و زیاده‌خواهی‌های حزب توده انداختند. دکتر فاطمی در آن چند روز تندترین حملات را نثار شاه کرد. حزب توده جمهوری دموکراتیک می‌خواست. این شعار، بازاری‌ها و مذهبی‌ها را ترساند. به طوری که این تندروی‌ها باعث شد بی‌طرفها نیز دچار وحشت شدند. روز دوشنبه ۲٦ مرداد دکتر فاطمی به دربار رفت، اتاقها را مهر و موم کرد تا اموال سلطنتی که به گفتهٔ او به ملت تعلق یافته بود حیف و میل نشود.

چندی بعد از ۲۸ مرداد، احمد هاشمی مدیر روزنامهٔ «اتحاد ملی» عکسی را به ما نشان داد که دکتر رحمت مصطفوی در آستانهٔ اتاق خواب ملکه ثریا ایستاده و در حال تفکر دست به سینه به در تکیه داده بود. دکتر فاطمی روی یک صندلی نشسته بود و با عصای خود پیراهنهای ثریا را از داخل چمدانها بیرون می‌آورد تا مأموران صورت‌برداری کنند. این عکس درست در لحظه‌ای گرفته شد که یک پیراهن زیر ثریا به عصای فاطمی آویزان بود. روز ۲۸ مرداد دکتر فاطمی با خواهرزاده‌اش دکتر سعید فاطمی در خانهٔ دکتر مصدق بود. خبرهای ناگوار از گوشه و کنار شهر می‌رسید. هرچند گاه یک گلوله توپ در خانهٔ دکتر مصدق منفجر می‌شد. دکتر فاطمی که یک بار در نیمه شب ۲٤ مرداد طعم تلخ گرفتاری در دست نظامی‌ها را چشیده بود، دانست اگر غفلت کند با توجه به تندروی‌هایی که طی آن ۱۳ روز داشته، مشکل است که جان سالم به در ببرد. در این موقع خبر دادند به همسرش گفته‌اند که او کشته شده است. دکتر فاطمی با استفاده از موقعیت و با اجازهٔ دکتر مصدق به اتفاق دکتر سعید فاطمی از آنجا خارج شد، اما بقیهٔ وزیران در انتظار تعیین سرنوشت خود، سرنوشت دکتر مصدق و سرنوشت مملکت در آنجا ماندند.

کودتای ۲٥ مرداد فاطمی را هشیار کرده بود که همیشه ممکن است اتفاق غیرمنتظره‌ای روی بدهد. درست در لحظاتی که میراشراقی در رادیو نعره می‌کشید «دکتر فاطمی به دست مردم قطعه قطعه شد» او توانست قبل از آنکه کودتاگران کاملاً بر اوضاع مسلط شوند از مخفیگاه خودش به همسرش اطلاع بدهد که ناچار است برای مدتی کوتاه مخفی بماند. این مدت کوتاه ۱۸۸ روز طول کشید.



دکتر فاطمی سرانجام پس از شش ماه زندگی در خفا ساعت یک و نیم بعدازظهر شنبه ۲۲ اسفند ۱۳۳۲ گرفتار شد. ماجرای گرفتاری او به طوری که جراید نوشتند از این قرار بود: روز جمعه یک افسر شهربانی برای دیدن خواهر خود به خانهٔ او واقع در کوچه رضائیه شمیران رفت. خواهرش گفت روز قبل در خانهٔ مقابل مرد جوانی را با ریش بلند دیده که با احتیاط از پنجره بیرون را نگاه می‌کرد و چون دید کسی مراقب او نیست شروع به آب دادن گلدانها کرد. آن زن احتمال می‌داد آن مرد یکی از افسران توده‌ای باشد. سرهنگ شهربانی از خواهرش پرسید خانه متعلق به کی است. او گفت یک افسر ارتش به نام دکتر محسنی در آنجا زندگی می‌کند. افسر شهربانی روز بعد جریان را به رؤسای خود گزارش داد. آنها هم فرمانداری نظامی را مطلع کردند. در نتیجه سرگرد علی‌اکبر مولوی با چند نفر مأمور به محل رفتند. حوالی ظهر به آنجا رسیدند و زنگ در را به صدا درآوردند. خود دکتر فاطمی در را باز کرد. ظاهراً این ساعتی بود که صاحبخانه که یک افسر پزشک عضو حزب توده بود به خانه می‌آمد. بمحض آنکه دکتر فاطمی در را باز کرد، مولوی هفت‌تیر خود را روی پیشانی او گذاشت... به این ترتیب دکتر فاطمی را گرفتند و به فرمانداری نظامی نزد سرلشکر بختیار بردند. عکسهایی که آن روز از دکتر فاطمی گرفته شد قیافهٔ او را با حالت خاصی نشان می‌دهد که فقط روانشناسان خبره می‌توانند احساسات درونی او را درک کنند.

هنر

اینگمار برگمن در ترجمه خسرو سینایی/ ۵

آن مرد به من گفت

شما درباره ریتم صحبت کردید. جالب است بدانم آیا وقتی که فیلم اپرای ـ فلوت سحرآمیز ـ را می‌ساختید. برای حفظ ریتمی که در خود اپرا هست، مشکلی داشتید؟

نه، خیلی عالی بود. ما یک زمان طولانی پنجاه و پنج روزه در اختیار داشتیم. یک اپرای دو ساعت و پانزده دقیقه‌ای بود. هیچ تغییری در آن ندادیم. موسیقی را روی نوار ضبط کردیم ـ پلی‌بک ـ و خیلی عالی بود. باید قبلاً خیلی چیزها را آماده می‌کردیم، چون البته هر حرکت، هر زاویه دوربین و همه نکات دیگر باید به دقت پیش‌بینی می‌شد. ولی باید بگویم که هر روز در استودیو بودن و این موسیقی را شنیدن، بهترین لحظات زندگیم بود. ما ساعت ۹ شروع می‌کردیم. ساعت چهار خیلی خسته و بی‌حوصله و کسل شده بودیم. امّا آن وقت موسیقی؛ موسیقی موتزارت بود که همیشه سرحالمان می‌آورد و به راهمان می‌انداخت!

برگمن

برای تأمین هزینه فیلم‌هایتان، و همچنین برای ارائه آن‌ها به بازار خارج از سوئد چگونه عمل کرده‌اید؟

این کار رای من هیچ وقت یک مشکل واقعی و اساسی نبود. در مقایسه با فیلم‌های آمریکایی یا خیلی کشورهای دیگر؛ فیلم‌های من همیشه کم‌هزینه بوده‌اند. فریادها و نجواها حدود ۴۵۰/۰۰۰ دلار هزینه داشت. خرج فیلم صحنه‌هایی یک ازدواج برایمان حدود ۲۰۰/۰۰۰ دلار بود. می‌دانید، همیشه دیوانه‌هایی پیدا می‌شوند که پولش را فراهم کنند. در این حرفه آدم‌های قمارباز و خوش خیال هم هستند!

آیا اگر در آمریکا کار می‌کردید، می‌توانستید این نوع فیلم‌هایی را که ساخته‌اید، بسازید؟

مطلقاً نه! ـ فکر می‌کنم که غیرممکن بود، نه. در حال حاضر همه چیز تغییر کرده است. من در سال ۱۹۴۲ وارد این حرفه شدم، در دوران جنگ؛ سوئد کاملاً در انزوا بود و فقط امکان دیدن فیلم‌های آلمانی را داشتیم. ما آن‌ها را نمی‌خواستیم؛ پس مجبور بودیم فیلم‌های خودمان را بسازیم. چون قبل از دوران تلویزیون بود، سوئدی‌ها به سالن‌های سینما هجوم می‌آوردند. این کشور کوچک با هفت میلیون جمعیت، سالی چهل یا پنجاه فیلم می‌ساخت. ناگهان هرکسی که جلو و عقب دوربین را تشخیص می‌داد، فیلمبردار شد و هرکس که حتی یک بار با یک بازیگر صحبت کرده بود، کارگردان از آب درآمد. البته خیلی عالی بود، چون طی سه سال من توانستم سه فیلم بسازم. سه فیلم افتضاح؛ سه شکست کامل، و من هنوز زنده مانده بودَم. ما فقط باید ادامه می‌دادیم و فیلم می‌ساختیم!، شرایط خیلی سلامت و غیرعصبی بود. مسئله پول ساختن و موفقیت در گیشه سینما نبود. اما به هر حال وقتی که فیلم پنجم من هم در گیشه فروض افتضاحی داشت، بیرونم کردند.

هنوز صبح روز بعد از اولین نمایش افتضاح یکی از فیلم‌هایم را به یاد دارم. در تختخوابم بودم و گریه می‌کردم و به نامزدم گفتم: «فکر می‌کنم هرگز دیگر نخواهند گذاشت که فیلمی بسازم». تلفن زنگ زد و مرد دیوانه‌ای به من گفت «اینگمار، فکر می‌کنم حالا ادّعایت کمتر شده باشد؛ در این صورت شاید بتوانیم باهم کار کنیم!». آن آغاز کار بود و من هنوز از آن مرد ممنونم. او تقریباً همه ریزه‌کاری‌های فیلمسازی را به من یاد داد، چون من یک آماتور سرحال و پرشور و شوق بودم و ایده‌های فراوانی برای فیلمسازی در مورد زندگی و مرد و خیلی چیزهای دیگر داشتم. هیچ کس فیلم‌های مرا نمی‌فهمید. خود من هم آن‌ها را نمی‌فهمم. وقتی یکی از آنها را می‌بینم، تمام بدنم از شرم سرخ می‌شود. فکر می‌کنم خیلی کارگردان سختی بودم. خیلی پرخاش می‌کردم و در استودیو آدم غیرقابل تحملی بودم، چون اعتماد به نفس نداشتم. البته آدم وقتی اعتماد به نفس ندارد پرخاشگر می‌شود.

ولی آن مرد به من خیلی چیزها در مورد فیلمسازی یاد داد. آیا می‌دانید مهم‌ترین چیزی که به من یاد داد چه بود؟ کاری که هنوز هم می‌کنم؟! می‌دانید که وقتی که راش‌ها و نتیجه فیلمبرداری روزانه را می‌بینیم چطور است؟ بار اول می‌گوییم: «خدایا کمک کن، به همه ما کمک کن»، همینطور نیست؟، بعد می‌گوییم: «زیاد هم بد نشده!» و یکی دیگر می‌گوید: «نه؛ خیلی هم خوب شده» حالا سومی است که می‌گوید: «عالیه!». ما سعی می‌کنیم که خودمان را جمع و جور کنیم که برای ادامه کار در روز بعد روحیه کافی داشته باشیم؛ چون خیلی زیاد پیش می‌آید که وقتی راش‌ها را می‌بینید، احساس می‌کنید که می‌خواهید زیر یک تخت پنهان شوید و هرگز دیگر بیرون نیایید؛ مثل یک سگ. آن مرد به من گفت: «من از این روحیه دادن‌ها متنفرم. سر جایت بنشین. واقع‌بین باش. سخت‌گیرترین منتقد خودت باش.

آیینه

دکتر محمدکاظم حسینیان

گزارش حکیم میرزا مهدی آشتیانی

راجع به عدلیه اصفهان

ادامه از صفحه اول

صفت قبیحهٔ ظلم را به اعلی درجّه تاکید، از ذات مقدّس خود نفی فرموده. چنانچه در قرآن مجید و فرقان حمید می‌فرماید:(ان الله لا یظلم مثقال ذرة فی‌الارض و لا فی السّماء) و در محل دیگر می‌فرماید: (ما یبدّل القول لدّی و ما انا بظلّام للعبید).

و چنانچه در قرآن مجید از غالب صفات قبیحه حتّی از مثل شرک بالله که به حکم: (ان الله لا یغفر ان یشرَک به و یغفر ما دون ذلک لمن یشاء) اقبح ذنوب و آثام می‌باشد به ظلم تعبیر شده و فرموده است. (ان الشّرک لظلم عظیم) از این بابت است که صفت عدل را حضرات متکلّمین از علماء اثنا عشریّین یکی از اصول دیانت یا مذهب شمرده و ممّیز بین کفر باطنی از اسلام حقیقی قرار داده‌اند.

پس از این مقدّمه به منصّهٔ بروز و مجلای ظهور رسیده که نیل به عروهٔ الوثقی کمال و وصول به ذروهٔ ترقّی و استقلال بدون معدلت و داد و نصفت و اتّحاد از حیّز امکان عقلی بیرون و از قدرت انسان بشری خارج است بلکه حسن عدالت و نیکویی قسط و معدلت از ابده بدیهیّات و از اجلی ضروریّات است فهی کلمه طیّبه مثلها کشجره طیبه اصلها ثابت و فرعها فی السماء چنانچه قبح ظلم که منبع تمام نقصانات و معدن و مبداء کلیّهٔ اعدام و فقدانات است نیز از اجلی ضروریات می باشد فهی کلمه خبیثه مثلها کشجرهٔ خبیثه اجتثّت من فوق‌الارض ما لها من قرارو نیز بر ضمیر ارباب معرفت و اصحاب درایت مختفی و مستور نیست که نیل بهجت عظمی معدلت و مقصد کبری نصفت میسّر نگردد مگر به وجود قوّهٔ مقنّنه فاضله و قوّهٔ مجریه عادله، چنانچه فلاسفهٔ شامخین و حکماء الهیّین فرموده‌اند: نسان مدنّی بالطّبع ای محتاج فی تعیّشه الی التّمدّن و معاونهٔ ابناء نوعه و لایمکن حصول ذلک علی نهج الصّواب الابتسنین السنن الجاریه و تقنین القوانین الفاضله العادله لئلا یختلّ نظام الاجتماع و لا ینفصم حبل التّمدّن و شمل التمدن.

به بیان اوضح چون ذات مبداء اعلی نسخهٔ آدمیت وحقیقت انسانیّت را انسان العین صفات کرّوبی ایات جمال و جلال بی‌مثال خود قرار داده و به موجب ما منعک ان تسجد لما خلقت بیدی او را به تمام اسماء حسنی و صفات علیای قدّوسی خود مُعلّم نمود و به حکم (وعلم آدم الاسماء کلّها) او را آدم اسماء و خلیفهٔ ارض و سماء و مظهر اسم جامع اعظم‌الله ساخته و قامت او را به تشریف عقل بالفعل و بالمستفاد بحیث کاد یوشک ان یحلّ عبادته ـ بعدالله تبارک و تعالی مخلّع فرموده.

این برنامج الهی و انموذج ربانیّه و مرقات اسمائیّه را در اصل فطرت و بدو خلقت به حکم «یدالله مع الجماعهٔ» مجبول به اجتماع و تمدّن و خطاب کرّوبی انتساب «تعاونوا علی البرّ و التّقوی» مأمور به تعاون نموده، و از پیشگاه این بیانات بعرصهٔ ظهور رسیده که وصول به این کمال اکمل کمالات وجودیّه و فضائل خلقیهٔ یعنی تمدّن و اجتماع و اتّحاد بدون تشبّث به قانون عدل و داد و قطع ایادی تباغض و تعادی و قلع و قمع عروق ظلم و جور و استبداد و بدون قوّهٔ مجریهٔ قانون معدلت و سیاست کاملهٔ نصفت میسّر نیست. زیرا که طباع نفوس بشریّه امّارهٔ بسوء و بحکم «انّ الانسان خلق هلوعا اذا مسّه الشّرّ جزوعاو اذا مسّه الخیر منوعا» محکوم به حکم شهوت و غضب و لوازم طبیعت و شهر دیجور مزاج و ظلمات متراکمهٔ بعضها فوق بعض نشئهٔ طبیعت و امتزاج است و بدون قوّهٔ مجریه متابعت موازین کامله و سنن عادله را نخواهد نمود بلکه به لسان حال و قال او «هل امتلأت و تقول هل من مزید» و انا ربُکم الاعلی بوده و طالب قهر و غلبه و ظلم و جور بر بنی نوع خود می‌باشد پس وصول عدالت بدون سیاست از حیّز امکان وقوعی بیرون بلکه از ممتنعات عقلیّه است.

از اینجا است که حضرت احدیّت تقدّس اسمائه و تعالی کبریائه در این آیهٔ شریفهٔ وافی هدایه انزال حدید را که از آلات و عدوات حروب سیاسات است مقرون به اقامهٔ قسط و داد فرموده.

پس از این مقدّمات چنین مفهوم و مستفاد می‌گردد که موجب سعادت هر مملکت و ترقی هر ملّت به کمال این دو قوّه یعنی مقنّنه و مجریه منوط و مربوط است.چنانچه در این شعر:

عینان عینان لم یکتبهما قلم
نونان نونان لم یکتبهما رقم
فی کلّ عین من العینین عینان
فی کلّ نون من النّونین نونان

یعنی اوّل اشاره به عدل شده که در او عین عفّت و شجاعت که از لوازم سیاست است مندرج می‌باشد و عین ثانی به علم و معرفت که موجب ترقّی مملکت و مکمّل آن عمل و ورع است إشعار گردیده.

و به نون اوّل اشاره به نصفت و انصاف که در آن دیانت و امانت مستتر است ایماء شده است و از نون ثانی به انسانیّت که در آن نون نیکویی و حسن و نجد و بنالت منطوی است تعبیر گشته و به علم کتابت قلم و ترقیم رقم اشاره به آن شده که این صفات متعالی جهات را یعنی علم و معدلت و انسانیّت که سرچشمهٔ کمالات وجود و مبداء محسّنات فضایل و فواضل است اقلام وجودیّه و ارقام حروف آیات آفاقیّه و انفسیّه به نهج کمال و نحو استکمال از موطن غیب و مکمن استتار و عالم لاریب در سجلّ کون و کتب تکوین و مجالی فیض مقدّسیّه و مشیّت ساریه و رحمانیّهٔ اثباتیّه ترقیم و تسطیر نموده بلکه به کمال ظهور صفت عدالت و نصفت که اعطاء کلّ ذی حقّ حقّه است و بروز نعت علم و معرفت تحقیقی مَا اُوتیتُم مّن العلم الاّ قَلیلَا به ذات مقدّس احدیّت جلّ شانه و تقدسّتَ اسمائه مختصّ و منحصر است و احاطه به کمالات حقیقت انسانیّت و برنامج آدمیّت و مجلای صفات الوهیّت و ربّ‌النّوع فضائل تجرّد نژاد تقدّس و منزّه از حظایر امکان و هیولیّیت را به مقتضای (قُل لّوکَانَ البَحرُ مِدَادًا لّکَلمات رَبّی لَنَفدَ البَحرُ قَبلَ أن تَنفَـدَ کَلماتُ رَبّـی) از حدود احاطهٔ اقلام ابداعیّه و اختراعیّه و ارقام بسائط انشائیّه و مرکّبات تکوینیّه خارج و غیر ممکن‌الحصول و مترتّب‌النیّل و الوصول نیست. و نیز اشاره به مطلبی است که ارباب ذوق و مکاشفه و اصحاب عرفان و مشاهده فرموده‌اندکه: حقایق صفات الهییّه و نعوت ربوبیّت در پس پردهٔ غیب مستور و در نشئهٔ مکمن بطون و خفاء پوشیده و پنهان «لم یظهر و لایظهر ابدا و انّما له‌الحکم والاثر فی کلّ ما له الوجودالعینی».

پس به حکم این اشاره حقیقت معدلت و نصفت و گوهرهٔ علم و معرفت و عین ثابتهٔ انسانیّت به مقتضای «لایسع الکون انسانا کاملاً» در حجاب عزّت و سترکبرای غیب‌الوهیّت مستور و در ازل‌الازال وجود و وعاء سرمدیّت مختفی و به زبان حال مترّنم بدین مقال:

تستَرتُ عن دهری بظلّ جناحه
فعینی تری دهری و لیس یراتی

و همچنین ایماء بدان است که اصول عدل الهی و تحقّق علم صرف و دانش محض و سازج در عالم کون و فساد و نشئهٔ مادیّت و استعداد به طور مزاجت و طریق صرافت تحقیق‌ناپذیر زیرا که نشأهٔ هیولا و عالم امکان و استعداد و دار قسر و تضادّ و تضایق و فساد و منبع جهل و عناد و معدن شرور و استبداد است.

پس ارقام کونیه و اقلام وجودیّه را در مجلای عدل حقیقی و علم تامّ و مافوق‌التّمام فسحت بروز و وسعت ظهور نیست. چنانچه حکماء طبیعیّین و حملهٔ علم السماء و العالم و سمع‌الکیان فرموده‌اندکه حصول اعتدال حقیقی و استوای واقعی در امزجهٔ مرکبّات تامّه و غیر تامّه و موالید ثلاث میسّر نیست و چون افعال نمایش صفات و ملکات نیز به حکم «النّفس و البدن یتعاکسان ایجاباَ و اعـداً» از نتایج افعال و از اثرات امزجه است، حصول عدل حقیقی و نصفت واقعی احدی را به جز محرمان حریم درگاه و مقرّبان حضرت اله که به مقتضای (ما رمیت اذ رمیت) «ولایزال تنقرب الی عبدی بالفرایض حتّی» الخ لسان حال و استعداد آنان در پس آیینه طوطی صفتم داشته‌آند می‌باشد میسّر نیست.

از مطلب دور شدیم و از مقصد باز ماندیم سخن در این بود که سعادت هر قومی و ترقّی هر مملکتی به کمال قوّهٔ مقنّنه و مجریه منوط و مربوط و بالعکس دثور و زوال آن به نقصان این دو قوّه پیوسته است. و این نکته بر قاطبهٔ علماء عالم و حکماء بنی‌آدم ظاهر و هویداست که قانون مقدّس اسلام و شریعت مطهّرهٔ محمّدیّه بهترین قوانین مقنّنهٔ عالم و کامل‌ترین شرایع منزلهٔ الهیّیه است. چنانچه در مجلسی از مجالس و محفلی از محافل که این حقیر را با بعضی از اهل کتاب در حقّانیّت مذهب اسلام مناظره افتاد پس از بیانات شافیه و ادلّهٔ کافیهٔ حقیر، حق بر لسان او جاری و ساری گردیده و چنین اظهار داشت که هر گاه ملّت اسلام و پیروان حضرت محمّد به دین مبین محمّدی و شرع مقدّس احمدی عمل می‌نمودند مذهب اسلام شرق و غرب عالم بشریّت را فرا گرفته و قاطبهٔ ملل متمدّنهٔ عالم به این دیانت مقدّسه متدیّن می‌گردیدند.

پس علّت عدم ترقّی ما ملّت ایران عمل نکردن به دین مبین و شرع قویّ‌الارکان اسلام است.

هرچه هست از قامت ناساز بد اندام ما است
ورنه تشریف تو بر بالای کس کوتاه نیست

به هر تقدیر در قوّهٔ مقنّنه به هیچ وجه نقصان و قصوری متصوّر نیست زیرا که قوانین شرعیّهٔ ما به اتّفاق عقلاء حکماء و کافّهٔ اهل حلّ و عقد بهترین قوانین ملل و ادیان بوده و قوانین عرفیّهٔ ما چون به موجب مصرّحات قانون اساسی، مذهب رسمی مذهب جعفری و هیچ قانونی بدون موافقت قوانین مقدّسهٔ اسلام حائز سمت رسمّیت نیست بایستی از قوانین شرعّیه مأخوذ و مطابق با مقرّرات شرع انور بوده باشد بنابراین قوانین عرفیّهٔ ما نیز از ملل متمدّنه اتمّ و اکمل خواهد بود. پس بر هر شخص متمدّن آزادی خواهی لازم است که تمام سعی خود را صرف تمشیت قوانین مقدّسهٔ شرع محمّدیه و تقویت قوانین عرفیّهٔ مدنیّهٔ مصوّبهٔ مجلس شوری ملی بنماید تا موجبات نشر معدلت و سعادت ملّت و ترقّی مملکت به قصوی اوج کمال و علیا ذروهٔ تعالی و استکمال عروج و صعود نماید و چون مملکت ما مشروطه و در شمار ممالک متمدّیه عالم است و مملکت مشروطه بایستی دارای مجلس شوری ملی و دوائر عرفیّه‌ای که بر طبق نظامات جاریه و قوانین موضوعه مطابق قوانین شرعّیه تشکیل یافته بوده باشد، پس هر گاه بخواهیم ما نیز در شمار ممالک متمدّیه عالم به شمار آییم بایستی بر طبق آنها مشی نموده و دارای دوائر مزبوره که بر طبق قوانین مصوّبهٔ مجلس شوری ملی و قوانین شرع مقدّس تشکیل شده باشد بوده باشیم. و تمام و کلّیت همّ خود را در تکمیل و ترقّی و تکامل آن صرف نماییم. سیما نسبت به حوزهٔ قضائیّه و محاکم عدلیّه که در صورت تطبیق نظام جملی عالم کبیر بر انسان صغیر به منزلهٔ قلب و مثابهٔ روح هر مملکتی است زیرا که منابع ثروت و موجبات ترّقی مملکت و سعادت ملّت و جامعهٔ بشریّت و مدنیّت به حصول نظام از قبیل معاملات و حدود و تعزیرات وجنحه و جنایات و مجازات و سیاسات و انکحه و مواریث و غیرها به این قوّهٔ عامله منوط و مربوط است. پس صلاح این قوّه موجب صلاح کلیّهٔ قوای مملکت و ترقّی و سعادت ملّت است و اسباب ترقّی این قوّه نیز بحمدالله از هر جهت و هر حیث برای ما موجود است زیرا که مبیّن این قانون مقدّس و مروّج این اساس کرّوبی اقتباس که علماء روحانیّین و فقهاء اثنی عشریّین کثرالله امثالهم مجلس و دار الشّورای ملّی شیّدالله ارکانه در ترویج دیانت و اساس شریعت و تقنین قوانین راجعه به نظامات مملکت نهایت همّ خود را مبذول داشته و در هر صقعی از اصقاع و ناحیه‌ای از نواحی عدّهٔ کثیره از علماء اعلام که دارای کمال علم و زهد و ورع و تقوی می‌باشد، جیلاً بعد جیل و قبیلاً بعد قبیل بر تقویت و تمشیت شرع و آیین دین مبین اسلام اشتغال می‌ورزند و قوّهٔ مجریهٔ ما نیز که محیی این قوّهٔ مقدّسه و اصل ثابت او است از توجهّات شخص اوّل مملکت حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء که به اتفّاق آراء دارای سیاست و درایت و صاحب شجاعت و شهامت و وطن خواهی و نوع پرستی است و هماره اوقات خود را در تهیّهٔ موجبات ترقّی مملکت و ترویج شریعت و تقویت دوائر دولت مصروف داشته در نهایت قوّت و شوکت و غایت ترقّی و تعالی است، اولیاء دولت و اعضاء ملّت نیز قاطبهٔ همّ خود را لیلاً و نهاراً به اصلاح مفاسد جامعه و تهیّهٔ موجبات ترقّی مملکت مصروف داشته و می‌دارند چنانچه توجّه ایشان به شکایت اهالی اصفهان و بعث اینجانب برای رسیدگی و اصلاح امور، اقوی دلیل بر این مطلب و اوثق برهان بر این مقصد می‌باشد و برای استحضار عامّهٔ حضّار محترم از موضوع شکایات اظهار می‌دارم که قبلاً از طرف عدّه‌ای از علماء اعلام اصفهان در تحت عنوان توهین به آقای حاجی سید علی محّمد مدرّس وکیل عدلیّه و فساد اخلاق بعضی اعضاء عدلیّه شکایاتی به مرکز شده و چون این شکایات از طرف علماء اعلام آغاز شده بود اینجانب را برای تحقیق و رسیدگی و اصلاح امر مبعوث داشته و راجع به این قسمت برحسب رضایت طرفین قضّیه به اصلاح اختتام یافت. سپس براثر تلگرافی که راجع به مطالبهٔ اصلاحات نوعیّه شده بود دستوری از طرف حضرت مستطاب اجلّ اکرم آقای ادیب السّلطنه وزیر محترم عدلیّه که در بین وزراء معروف به کمال فضل و براعت و دیانت و اصلاح خواهی هستند رسید که راجع به شکایات اهالی از اعمال و اخلاق و روحیّات بعضی اعضاء عدلیّه تحقیقاتی در حدود قانون نموده نتیجهٔ تحقیقات و نظریّات خود را به وزارت متبوعه انفاذ دارم تا برحسب مقتضیات قانونیّه بر تقدیر موجّهیّت شکایات موجبات رفاهیّت حال عامّه را فراهم نمایند. لذا برای تحقیق و رسیدگی به این قضّیه آقایان محترم را به سمت نمایندگی قاطبهٔ طبقات زحمت ولی تزئین این مجلس را بوجود محترم آنان تمناً کرده تا چنانچه شکایاتی از اخلاق و روحّیات و اعمال بعضی اعضاء عدلیّهٔ اصفهان داشته باشند در حدود نظامات جاریه و مراعات نزاکت و بی‌غرضی و بی‌طرفی و حفظ حیثیّات مأمورین دولت با جهات موجّه آن کتباً اظهار نمایند و نهایت اطمینان را از طرف وزارت جلیلهٔ عدلیّه به آنان می‌دهم که در اظهار شکایات به هیچ وجه دچار اشکال و معذوری نگردیده و البتّه در صورت موجّهیّت و مدلّلیت شکایات، ترتیب اثر به آنها داده خواهد شد.

شرح یک زندگی

روزنامه‌نگاران ـ ۳

شرح یک زندگی

عبدالرحمن فرامرزی در دوازده ربیع‌الاول سال ۱۳۱۵ هجری قمری مطابق سال ۱۲۷۶ هجری شمسی در روستای «گچویه» مرکز بلوک «فرامرزان» به دنیا آمد. او کوچکترین پسر «شیخ عبدالواحد» بزرگ خاندان فرامرزی و کلانتر طایفه بود. عبدالرحمن دارای دو برادر بزرگتر از خود به نام‌ها عبدالله (پدر حسن فرامرزی) و احمد، و ۱۲ خواهر بود.

با شروع جنگ جهانی اول (۱۹۱۸ـ۱۹۱۴) و هجوم سربازان انگلیسی به آن منطقه، «شیخ عبدالواحد» پسران خود احمد و عبدالرحمن را برای تحصیل به بحرین فرستاد. عبدالرحمن پنج سال داشت و احمد چند ماه از او بزرگتر بود.

عبدالرحمن فرامرزی در شهریور ماه ۱۳۴۹ در گفتگویی با اسماعیل یگانگی برای درج در مجله سپید و سیاه، درباره این سفر و حوادث بعدی چنین گفت:

«بحرین در آن زمان ایران بود. تعداد فارسی زبان‌ها در جزیره زیاد بود، مدارس ایرانی فعال بودند و به جوان‌ها فارسی و عربی درس می‌دادند. پدر من در آنجا خانه و ملک داشت. هنوز هم داریم. دو خواهرم اکنون هم در بحرین زندگی می‌کنند.»

به این ترتیب استاد که قرآن را نزد پدر خوانده بود، تحصیلات مقدماتی را در بحرین به پایان رساند. آنگاه به «احساء» در عربستان رفت. اما با بالا گرفتن کار جنگ و ماجراهای «لاورنس» انگلیسی به بحرین برگشت و در آنجا در مدارس ایرانی‌ها به تدریس فارسی و عربی مشغول شد. استاد در آن گفتگو چنین ادامه داد:

«در بحرین عشق به نویسندگی مرا وادار کرد مقالاتی به فارسی برای روزنامه‌های «استخر» و «عصر آزادی» شیراز بفرستم و مقاله‌هایی هم به زبان عربی برای روزنامه‌های «الاهرام» و «المقطم» مصر بنویسم و به سیاست ضدملی و ضداسلامی انگلیسی‌ها حمله کنم. انگلیسی‌ها که فعالیت‌های ما را مخالف سیاست خود در منطقه می‌دیدند، تصمیم گرفتند من و برادرم احمد را به جزیره سیلان یا سراندیب (سری‌لانکای امروز) تبعید کنند. یکی از خویشاوندان ما از جریان مطلع شد و به ما خبر داد. من و احمد شبانه از بحرین به قطر فرار کردیم و از آنجا خود را به جنوب ایران رساندیم و مدت ۶ ماه در روستای چاکوتاه به سر بردیم.»

دو برادر از چاکوتاه به شیراز رفتند، ولی در آنجا هم انگلیسی‌ها نفوذ داشتند. پس راهی تهران شدند. احمد فرامرزی به استخدام کتابخانه مجلس شورای ملی در آمد و عبدالرحمن در وزارت معارف (آموزش و پرورش) به کار مشغول شد. او در دارالمعلمین (دانشسرای عالی) و دارالفنون به تدریس زبان و ادبیات فارسی و عربی پرداخت. حقوق فرامرزی در این کار ساعتی ۵ قران (ریال) بود، ولی چون روزی چندین ساعت تدریس می‌کرد، با همین درآمد زندگانی‌اش تأمین می‌شد.

عبدالرحمن فرامرزی در همان حال که تدریس می‌کرد، در روزنامه اقدام هم به کار پرداخت و پس از مدتی به سردبیری آن روزنامه رسید. در ضمن در روزنامه «شفق سرخ» علی دشتی و «ستاره ایران» حسین صبا هم مقاله می‌نوشت. در سال ۱۳۰۶ عبدالرحمن با کمک برادر بزرگترش احمد مجله ادبی ـ اجتماعی «تقدم» را منتشر کرد. مجله‌ای سنگین بود، اما طی یک سال و نیم فقط ۱۱ شماره منتشر شده و بعد تعطیل شد.

فرامرزی مدتی هم در اداره «راهنمای نامه‌نگاری» معاون علی دشتی بود و وقتی دشتی برکنار شد به ریاست آن اداره رسید. او به سبب اطلاعاتی که درباره جهان عرب داشت، از سال ۱۳۱۸ با وزارت امور خارجه همکاری کرد. در سال ۱۳۲۰ که مجله «اطلاعات هفتگی» منتشر شد، فرامرزی سلسله مقالاتی به نام «داستان دوستان» در آن مجله نوشت که موفقیت زیادی پیدا کرد و بعدها به صورت کتاب منتشر شد.

بعد از سوم شهریور ۱۳۲۰ عبدالرحمن فرامرزی کار مطبوعاتی را به صورت جدی دنبال کرد. در آن زمان گرفتن امتیاز روزنامه و مجله سخت بود. او و برادر بزرگترش احمد فرامرزی تصمیم گرفتند با استفاده از امتیاز روزنامه «آینده ایران» یک روزنامه سیاسی منتشر کنند. در شناسنامه این روزنامه نام ناشران آن چنین آمده بود: روزنامه آینده ایران/صاحب امتیاز عادل خلعت‌بری/زیر نظر احمد و عبدالرحمن فرامرزی.

روزنامه «آینده ایران» از سال ۱۳۱۷ به طور نامرتب منتشر می‌شد، ولی در این دوره (سال ۱۳۲۰) به خاطر مقالات وطن‌پرستانه برادران فرامرزی و انتقاد از اشغالگران خارجی شهرت یافت و خوانندگان زیادی به دست آورد که همین باعث توقیف آن شد. در تاریخ ۱۳۲۰/۱۰/۲۳ سید محمد تدین وزیر فرهنگ (آموزش و پرورش) وقت طی نامه‌ای به مضمون زیر خواستار توقیف آن شد:

«ریاست اداره کل شهربانی، نظر به اینکه انتشار روزنامه آینده ایران برخلاف مقررات است و آقای عبدالرحمن فرامرزی حق ندارد روزنامه‌نگار باشد، خواهشمند است مقرر بفرمایید از نشر روزنامه آینده ایران و روزنامه نویسی آقای فرامرزی جلوگیری به عمل آید. وزیر فرهنگ».

فرامرزی کسی نبود که با این حمله‌ها میدان را خالی کند. بنابراین شخصاً تقاضای امتیاز روزنامه‌ای به نام کیهان کرد که اولین شماره آن روز چهارشنبه ۶ خرداد ۱۳۲۱ منتشر شد. در این دوره عبدالرحمن فرامرزی صاحب امتیاز کیهان و دکتر مصطفی مصباح‌زاده مدیر آن بود، اما پس از مدتی کوتاه این دو جای خود را عوض کردند. دکتر مصباح‌زاده صاحب امتیاز و عبدالرحمن فرامرزی مدیر آن شد.

عبدالرحمن فرامرزی درباره این تغییر و تحول به اسماعیل یگانگی خبرنگار سپید و سیاه گفت: من «روزنامه‌نویس» هستم نه «روزنامه‌چی». من عرضه اداره یک مؤسسه کوچک را ندارم، چه رسد به یک تشکیلات بزرگ. اگر قرار می‌شد اداره روزنامه کیهان به عهده من باشد از همان اول کار روزنامه تعطیل می‌شد.

ادامه دارد

گذشته

مینو صمیمی ۵

دیپلماسی به روش ایرانی

با رئیس پلیس سوئیس

با مشاهده این وضع به او گفتم: «جناب سرهنگ یک لحظه صبر کنید تا اسم و آدرس این شخص را برایتان بنویسم». و داشتم یادداشت مورد نظر را تهیه می‌کردم، که سرهنگ جلو آمد و با لحنی دوستانه‌تر از قبل جوابم داد: «اسم و آدرس لازم نیست، آن را برای خودتان نگهدارید، چون شما هم فردا با من خواهید آمد. متوجه شدید!... ما فردا به اتفاق با این شخص ملاقات خواهیم کرد».

به محض خروج سرهنگ وزیری از اتاق، روی صندلی لم دادم و نفس راحتی کشیدم. احساس این بود که هم اولین آزمایش عملی را با موفقیت گذرانده‌ام، و هم ـ علی‌رغم عدم موفقیت در بیرون کشیدن اطلاعات از دهان سرهنگ ـ حداقل پی برده‌ام که کنار آمدن با وضعیت حاکم بر تشکیلات رژیم شاه چندان کار مشکلی نباید باشد.

صبح فردای آن روز سرهنگ وزیری به سراغم آمد تا به اتفاق عازم ادارهٔ مرکزی پلیس فدرال سوئیس شویم. رانندهٔ ویژهٔ سفیر که با یک اتومبیل مرسدس بنز ما را به اداره پلیس می‌برد، جوانی بود اهل بخش ایتالیایی سوئیس، که سرهنگ وزیری در حین حرکت با نگاهی پرسوءظن گاه به او می‌نگریست و گاه به من خیره می‌ماند. شاید به این دلیل که راننده به زبان فرانسه با من صحبت می‌کرد و با کنجکاوی فراوان می‌خواست از خصوصیات سفیر آیندهٔ ایران مطلع شود، و من هم در عین حال اطلاعاتی از او راجع به منزل مسکونی سفیر در حومهٔ اعیان‌نشین شهر برن بدست می‌آوردم.

بزودی فهمیدم که چون سرهنگ وزیری غیر از فارسی هیچ زبان دیگری نمی‌داند، به این جهت از هر نظر کاملاً به من وابسته است. او در اتاق رئیس امور امنیتی پلیس فدرال سوئیس نیز بعد از آنکه کیف سیاه رنگش را باز کرد و چند نامه را روی میز رئیس پلیس گذارد، رو به من کرد و گفت: «به ایشان بگویید چون اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر اراده فرموده‌اند اوایل ماه آینده تعطیلات زمستانی خودشان را در سوئیس بگذرانند، بنابراین لازم است تمام اقدامات ضروری برای تأمین امنیت سفر شاهانه در موقع معین به مرحلهٔ اجرا گذارده شود...»

موقع ترجمهٔ سخنان سرهنگ کوشیدم با بهره‌گیری از تمام معلومات و تجربیات گذشتهٔ خود، مطلب را طوری در قالب فرهنگ مردم سوئیس بپرورانم که مسأله برای رئیس پلیس قابل هضم باشد. و به همین جهت ضمن بکارگیری جملات خیلی ساده، برای تفهیم لغات قلمبه‌ای چون «اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر» نیز فقط به ذکر «شاه ایران» بسنده کردم.

بعدها سفیر به من گفت: بختیار... پس از مدتی مورد بی‌مهری شاه قرار گرفت و مقامش را از دست داد

سپس سرهنگ به توجیه برنامهٔ سفر شاه پرداخت و مدت زیادی طول کشید تا سرانجام توانست مسأله را برای رئیس پلیس به این شکل تشریح کند که: شاه و ملکه با یک هواپیمای اختصاصی به سوئیس خواهند آمد؛ و ما ابتدا می‌بایست دو طبقه از هتل بزرگ «دولدر» را برای اقامت یک هفته‌ای آنها و ۴۰ تن همراهانشان آماده کرده، سپس وسایل لازم را برای دو هفته اسکی‌بازی شاه و ملکه در شهر «سن‌موریتس» مهیا سازیم. از میان ۴۰ همراه شاه و ملکه، ۲۵ نفرشان را مأمورین امنیتی و محافظ تشکیل می‌دادند؛ که برای همهٔ آنان نیز همیشه می‌بایست حدود ۴۰ اتومبیل بزرگ با رانندگان قابل اعتماد و نیز ۱۰ فروند هواپیمای کوچک آماده باشد.

سرهنگ وزیری که گویی هرچه بیشتر برنامهٔ بسیار «محرمانه» سفر شاه به سوئیس را افشاء می‌کرد، نگرانی و ناراحتیش افزوده‌تر می‌شد؛ سرانجام پس از جروبحث طولانی با رئیس پلیس امنیتی سوئیس توانست موافقت او را برای در اختیار نهادن ۲۵ مأمور امنیتی سوئیسی جلب کند، تا به این ترتیب کاملاً مطمئن شود که در خلال سفر شاه به سوئیس هیچ مسأله‌ای پیش نخواهد آمد.

موقعی که سرهنگ به زعم خود توانست مقام امنیتی سوئیس را کاملاً توجیه کند، نامه‌هایش را از روی میز جمع کرد و همه را ـ بجز یکی ـ در کیف سیاهرنگ خود گذاشت و قفل کرد. بعد هم نامه‌ای را که در دست داشت ـ و به دقت تا شده بود ـ به من نشان داد و گفت: «این فهرست دشمنان اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر در خارج از کشور است، و شما باید به آقای رئیس پلیس بگویید که: دولت سوئیس طی دورهٔ اقامت اعلیحضرتین در این کشور نباید به هیچیک از افرادی که نامشان در فهرست آمده ویزای ورود بدهد، و البته بهتر است اصولاً دولت سوئیس در طول این مدت تقاضای ویزای هر ایرانی را ـ حتی اگر نامش در این فهرست نباشد ـ یا نپذیرد و یا مدتی به تأخیر بیاندازد».

تقاضای سرهنگ بقدری مضحک و بی‌تناسب بود که اطمینان داشتم رئیس پلیس حتماً پس از شنیدن ترجمه آن قهقهه را سر خواهد داد. و به همین جهت از رفتار سرهنگ حیران مانده بودم که واقعاً چرا فکر نمی‌کند اینجا ایران نیست، و نمی‌تواند به خاطر مقام و موقعیت خود هر دستور مسخره‌ای را به هرکس بدهد.

چون دیدم هر دو نفر چشم به من دوخته‌اند و منتظر ترجمهٔ سخنان سرهنگ هستند، با اکراه فراوان هرچه را سرهنگ گفته بود برای رئیس پلیس بازگو کردم. و او هم البته ـ همانطور که حدس می‌زدم ـ یک مرتبه خنده را سر داد. ولی سرهنگ با مشاهدهٔ خنده رئیس پلیس چنان به من چشم غره رفت که گویی جنایت فجیعی مرتکب شده‌ام. پس از آن رئیس پلیس به من گفت: «متأسفانه شما خواسته‌ای را مطرح کرده‌اید که انجامش اصلاً برایمان مقدور نیست. زیرا سوئیس کشوری است آزاد با حکومت دموکراسی، و ما نمی‌توانیم به ایرانی‌هایی که قصد دارند به عنوان جهانگرد وارد سوئیس شوند و ویزا ندهیم».

موقعی که حرفهای رئیس پلیس را برای سرهنگ ترجمه کردم، با حالتی که آشکارا ناراحتیش را نشان می‌داد، به یکی از نام‌های مندرج در فهرست ـ که زیر آن خط قرمز کشیده شده بود ـ اشاره کرد و به من گفت: «حداقل ایشان را قانع کنید که این شخص فوق‌العاده خطرناک را به سوئیس راه ندهند. او فعلاً در بغداد به سر می‌برد، ولی خانواده‌اش در سوئیس اقامت دارند». نام آن شخص «تیمور بختیار» بود، که بعدها سفیر ایران درباره‌اش به من گفت: بختیار اولین رئیس ساواک ایران محسوب می‌شد، و در حقیقت او بود که توانست ساواک را به یک سازمان قدرتمند تبدیل کند، ولی پس از مدتی مورد بی‌مهری شاه قرار گرفت و مقامش را از دست داد.

ضمناً راجع به تیمور بختیار در گوشه و کنار می‌گفتند که: چون فرد جاه‌طلبی بود و قصد داشت جای شاه را بگیرد، شاه نیز او را یک سال بعد از برکناریش به خارج از کشور تبعید کرد. و بعد هم فهمیدم که تیمور بختیار آن موقع در بغداد علیه حکومت شاه با دولت عراق همکاری می‌کرد، و در عین حال مورد حمایت حزب توده نیز قرار داشت.

در پایان ملاقات با رئیس پلیس امنیتی سوئیس، سرانجام او راضی شد نسخه‌ای از فهرست مورد نظر سرهنگ وزیری تهیه کند و بخصوص مسأله «تیمور بختیار» را مورد توجه قرار دهد، ولی ضمناً تأکید کرد که اصلاً نمی‌تواند راجع به جلوگیری از ورود احتمالی افراد مخالف شاه به سوئیس تضمینی بدهد.

ادامه دارد

نگارستان

یادداشتی از دکتر سیروس برادران شکوهی

انقلاب الجزایر را یادآوریم

... خواست که در بزرگ مجلس را باز کنند و به جلوی سر در مجلس رفت و خطاب به جمعیت کثیری که برای پشتیبانی از او اجتماع کرده بودند گفت: «ای مردم، شما مردم خیرخواه و وطن‌پرست که در اینجا جمع شده‌اید مجلس هستید و آن جا که یک عده مخالف مصالح مملکت هستند مجلس نیست».

از آن روز، چون قیام مشروطه، بازار که غالب آن‌ها آذربایجانی نیز بودند چون سابق پشتیبان دو آتشهٔ مصدق باقی ماندند و همه جا به پشتیبانی از او برخاستند، همهٔ بازاری‌های شهرها، بخش‌های سراسر ایران پر از شور و حالی بودند اما تبریز شور دیگری داشت. در آن سال‌ها بازار و کسبه و اصناف و فرهنگیان و حتی دانش‌آموزان تبریز شور دیگری داشتند. در آن سال‌ها بازار و کسبه و اصناف و فرهنگیان و حتی دانش‌آموزان تبریز شور دیگری داشتند. من نیز با «کتاب فروشی» کنار خیابان محله‌مان که محصل کلاس هفتم و هشتم دبیرستان و داخل در این مسایل بود آشنایی و دوستی داشتم و کتاب‌ها را به مانند دست‌فروشی‌ها و روزنامه‌فروش‌ها فریاد می‌زد و هر از گاهی روزنامه‌ای را دست گرفته تیترهایش را بلند بلند می‌خواند و و آدمی را هیجان‌زده می‌ساخت. روزی در دبیرستان «سردار ملی» گفتند: در «دیکباشی» میتینگ است، من نیز با یکی دو نفر از هم کلاسی‌ها، راهی «دیکباشی» شدم، گویی مردم از زمین می‌جوشید و بیرون می‌زد، گفتند: «شاعر انقلابی»، انقلاب خواهد کرد: در یک آن محصلی بالای چارپایه پرید و با حرارت تمام فریاد زد: «از جان خود گذشتیم...» عجبا «حسن جداری تنوری»، همان کتاب‌فروشی هم محله‌ای و آشنای خودم را دیدم، با قوت هرچه تمام‌تر فریاد کشیدم: «از جان خود گذشتم» حسن، الحق داد سخن داد، سخنانش بارها با کف زدن‌های حاضرین قطع می‌شد، بار دیگر بلندتر فریاد زد: «از جان خود گذشتیم / با خون خود نوشتیم»، محو تماشای کف‌زدن‌ها بودم که به یکبار مردم را در حال فرار دیدم، در نهایت «حسن» را غرقه در خون دیدم که کشان کشان از معرکه خارج می‌شد، هنوز هم آن قیافه خونین و آن لحظه‌ی تاریخی را پیش چشم دارم.

در آن دوره‌ها نیز، عده‌ای چماق به دست، خانه ۱۰۹ پیرمرد را که اجاق گرم نهضت ملی ایران نیز بود زیر ضربات خود گرفته بودند و با کمک ایادی خارجی و داخلی، حکومت ملی ۲۸ ماهه‌ی او را که از روزهای سرفرازانه‌ی تاریخ ایران بود به خاک سیاه مذلت می‌نشاندند و شاخه‌های درخت تنومند کهنسال را یکی یکی می‌انداختند و آتش می‌زدند چون شهید «دکتر سیدحسین فاطمی» را نوعی و «محمود نریمان» و «غلامحسین صدیق» و... را نوعی و «کریم پورشیرازی» را با روزنامه‌اش، «شورش» با این شعار که: «فزون باد نیروی این پنبه‌زن / که زد پنبه خائنین وطن» را نوعی درهم می‌کوبیدند، از آن دورها صدای شاعر زمان برگوش می‌رسید که:

شها چراندی اگر سبز حاصل ملت / به هوش باش که رویاندش خدای جهان / بسی قوی‌تر و سرسبزتر ز اول بار / اگر چند صباحی عقب فتاده است آن / جزای هر عملی مثل آن بود بی‌شک / که می‌دهد به سزاوار مجزی‌منان / خراب کردی اگر خانه‌ای ز بی‌گنهی / جسارتست شود خانه‌ات اگر ویران / خراب گردد و ویران تو مرده یا زنده / به قول عام، کشیدم برات خط و نشان / زبان درازی شد خسروا ببخش مرا / بکن هر آنچه دلت خواست خانه آبادان.

آنگاه در یک دادگاه نظامی محاکمه و به سه سال حبس مجرد محکوم شد. مصدق در این دادگاه کودتاچیان و استعمار و به یک معنی جهانخواران را به باد انتقاد و استدلال و مستندات تاریخی گرفت و آنهایی را که او را به کینه، مصدق السلطنه، عوام فریب واهی، لیبرال و غربی و آمریکایی و نخست‌وزیر زیر پتو می‌گفتند همگی را در کنار «حسین آزموده و تیمور بختیار»ها به سخره و زیرمشت‌های گره کرده خود گرفت و صحنه‌های محاکمه را به دادگاه آمرین و عاملین کودتا تبدیل ساخت. حرف می‌گفت و مشت می‌کوفت و یک تنه انگلستان و آمریکا و حتی روسیه را به سان «نادرشاه» که چون محمود و اشرف افاغنه و سپاه عثمانی‌ها را شکست و هزیمت داد و با شمشیر پیروزمندانه‌ی خود با فرستاده‌ی روسیه مواجه و با اشاره به شمشیر خونین خود به او تکلیف کرد که روسیه قوای خود را از مناطق ایران بیرون کشد و دور شود و راه مملکت خود در پیش گیرد. مصدق نیز به روسیه شوروی با اشاره به پیروزی خود در لاهه و مشاهده‌ی خلع ید انگلیسی‌ها از شرکت نفت جنوب، متذکر شد که زمان «لیانازوف»ها به سر آمده، قرارداد «شیلات» ملغی و از تمدید آن قطع امید کنند و در فکر بازپرداخت ده تن طلای طلب ایران از مسایل جنگ جهانی دوم باشند و در این موارد پای فشرده و در تهران در مقابل انگلیسی‌ها شادمانه در سماور نفتی تازه ساخت زنده‌یاد «عالی نسب» چای خورد و در شمال ما مردم خرده‌پا در تبریز و رشت و تمامی شهرهای ایران، اولین بار ارابه ارابه شاهد ماهی بودیم، چقدر هم ارزان. این بود که شوروی‌ها سرگرانی با او داشتند هرکه با ایران سرگرانی داشت در دادگاه همگی را به مبارزه طلبید و تمام دستگاه‌های اداری و اجرایی و قضایی وابسته را در مدت محاکمه از کار انداخت و دنیا را متوجه دادگاه ظالمانه خود و ایران ساخت. علیرغم زندانی بودن و مواجهه با بی‌قانونی‌ها، اساس مشروطه و قانون‌گرایی و قانون‌مداری را لحظه‌ای مورد شک و تردید قرار نداد و همچنان مشروطه‌خواه و رهرو خلل‌ناپذیر رهروان قانون‌گرایی، باقی ماند و در بی دادگاه نظامی شاه حاضر نشد که از قانون اساسی مشروطه دست بردارد و به استناد قانون، دنیا را متوجه ایران و دادگاه خود ساخت. چنان که روزگاری تمام کشورهای آفریقایی، که تقریباً با شروع نهضت ملی ایران به پا خاستند، در مغرب و الجزایر تا آن سوی کره ارض، هند و چین و مالزی، همین طور اکثریت قریب به اتفاق کشورهای آفریقا که با شروع نهضت ملی ایران بود که امیدوار شدند و یکی بعد از دیگری بنای مستحکم استعمار را که اولین پایه‌اش به دست همین مرد در بند، به لرزه درآمده بود ویران ساختند.

الجزایر و انقلاب الجزایر را یادآوریم و اکتبر ۱۹۵۴، آن کشور را که نوشته‌اند کرد آغاز انقلابش تنها با ۶ نفر راه افتاده بودند! از این رو با شک و تردیدها مواجه بودند، ولی یک استدلال، عاقبت همه راهیان اولیه آنها را قانع می‌سازد و آن این که: مگر دکتر مصدق به هنگام ملی کردن نفت چند نفر پشت سرش داشت؟ یک رهبر شجاع و بزرگ، یک ملت بزرگ را بیدار می‌کند و به دنبال می‌کشد. آری مصدق نه یک ملت بزرگ و بیدار ایران را بلکه تمامی کشورهای بیدار جهان را بیدارتر ساخت و کشورهای تازه پا گرفته و رها شده از بند استعمارگران قرن بیستم را به دنبال خود کشاند، هرچند خود مجبور شد ده سال دیگر، در قریه «احمدآباد» غریبانه غروب حیات مجازی‌اش را انتظار کشد تا سرانجام روز یکشنبه ۱۴ اسفندماه، ۱۳۴۵، یک ربع به هفت صبح در بیمارستان «نجمیه» تهران که تولیت آن با خودش بود، آخرین لحظه حیاتش، حیاتی که لحظه لحظه عمر طولانی آن را قهرمانانه به سر رسانده بود و قهرمانانه زیسته بود، با این گفتار و کلمات، وقتی متوجه کوشش فرزندش جهت مداوای او در خارج از ایران را فهمید: «لعنت بر من و هرکس دیگر که در این زمان خرج چندین خانوار این ملت فقیر را صرف آوردن دکتر از خارجه بنماید. من خاک پای این ملتم» را گفت و قهرمانانه زبان فرو بست. هرچند ما امروز شرمنده و خجلت زده هستیم از این که جرأت نمی‌کنیم خاطره دکتر محمد مصدق را تکریم کنیم، حتی نگران دردسرهای بعدی از یادآوری عنوان رهبری او در نهضت ملی ایران هستیم تا حدی که جز چند روزنامه‌ای سالروز درگذشت رهبر نهضت ملی ایران را دامن‌کشان رد می‌شوند! اما نگران نباشیم، همین اجاق گرم و قلم، هر قدر کوچک و خرد هم باشد بالاخره روشنایی است و فضای تاریک زمان را می‌نوردد. از این خانه به آن خانه، از این شهر به آن شهر تا ...

آری «مصدق» شاید تنها یگانه تاریخ باشد که هر دوی این خصال یعنی قهرمانانه زیستن و قهرمانانه مردن را باهم داشت.

عکس‌های تاریخی/ ۲۳

دکتر ریاحی در جوانی

...گذشت تااینکه دریکی از جلساتی که می‌گذاشتیم واز بزرگان وقت، برای سخنرانی دعوت می‌کردیم، مرحوم ملک الشعرا بهار حاضر شد و خواست سخنرانی کند.
من جلورفتم و مانع سخنرانی او شدم و خرابش کردم!
چندی بعد، سر کلاسی بودیم که استاد ش بهار بود. او چیزی گفت و من باز مخالفت کردم. این بار دیگر به حرف آمد و گفت: نشد فرزند! یک روز آمدی وزارتخانه، با لگد در را باز کردی و آن حرفها را به من زدی، یک روز هم در سخنرانی عمومی آنجور آبروی مرا بردی، حالا هم که باز مخالفت می‌کنی! توهر بار که با من دشمنی کردی، علاقه‌ام به تو بیشتر شد، چون می دیدم از عرق میهن دوستی است که چنین می‌کنی، همان هم شد که من از وزارت کابینه قوام السلطنه استعفاء کردم و عطای وزارت را به لقایش بخشیدم. اما این‌بار مسئله «علم» است و مخالفت تو درست و منطقی نیست و اگر بود من به تو حق می‌دادم. وقتی ملک الشعرای بهار این حرف را زد، به شدت منفعل شدم. بی‌اختیار از جایم برخاستم و دستش را بوسیدم...
بخش از خاطرات زنده یاد استاد دکتر محمد امین ریاحی

هنر

اینگمار برگمن در ترجمه خسرو سینایی/۵

آن مرد به من گفت

شما درباره ریتم صحبت کردید. جالب است بدانم آیا وقتی که فیلم اپرای ـ فلوت سحرآمیز ـ را می‌ساختید. برای حفظ ریتمی که در خود اپرا هست، مشکلی داشتید؟

نه، خیلی عالی بود. ما یک زمان طولانی پنجاه و پنج روزه در اختیار داشتیم. یک اپرای دو ساعت و پانزده دقیقه‌ای بود. هیچ تغییری در آن ندادیم. موسیقی را روی نوار ضبط کردیم ـ پلی‌بَک ـ و خیلی عالی بود. باید قبلاً خیلی چیزها را آماده می‌کردیم، چون البته هر حرکت، هر زاویه دوربین و همه نکات دیگر باید به دقت پیش‌بینی می‌شد. ولی باید بگویم که هر روز در استودیو بودن و این موسیقی را شنیدن، بهترین لحظات زندگیم بود. ما ساعت ۹ شروع می‌کردیم. ساعت چهار خیلی خسته و بی‌حوصله و کسل شده بودیم. امّا آن وقت موسیقی؛ موسیقی موتزارت بود که همیشه سرحالمان می‌آورد و به راهمان می‌انداخت!

برگمن

برای تأمین هزینه فیلم‌هایتان، و همچنین برای ارائه آن‌ها به بازار خارج از سوئد چگونه عمل کرده‌اید؟

این کار رای من هیچ وقت یک مشکل واقعی و اساسی نبود. در مقایسه با فیلم‌های آمریکایی یا خیلی کشورهای دیگر؛ فیلم‌های من همیشه کم‌هزینه بوده‌اند. فریادها و نجواها حدود ۴۵۰/۰۰۰ دلار هزینه داشت. خرج فیلم صحنه‌های یک ازدواج برایمان حدود ۲۰۰/۰۰۰ دلار بود. می‌دانید، همیشه دیوانه‌هایی پیدا می‌شوند که پولش را فراهم کنند. در این حرفه آدم‌های قمارباز و خوش خیال هم هستند!

آیا اگر در آمریکا کار می‌کردید، می‌توانستید این نوع فیلم‌هایی را که ساخته‌اید، بسازید؟

مطلقا نه! ـ فکر می‌کنم که غیرممکن بود، نه. در حال حاضر همه چیز تغییر کرده است. من در سال ۱۹۴۲ وارد این حرفه شدم، در دوران جنگ؛ سوئد کاملاً در انزوا بود و فقط امکان دیدن فیلم‌های آلمانی را داشتیم. ما آن‌ها را نمی‌خواستیم؛ پس مجبور بودیم فیلم‌های خودمان را بسازیم. چون قبل از دوران تلویزیون بود، سوئدی‌ها به سالن‌های سینما هجوم می‌آوردند. این کشور کوچک با هفت میلیون جمعیت، سالی چهل یا پنجاه فیلم می‌ساخت. ناگهان هرکسی که جلو و عقب دوربین را تشخیص می‌داد، فیلمبردار شد و هرکس که حتی یک بار با یک بازیگر صحبت کرده بود، کارگردان از آب درآمد. البته خیلی عالی بود، چون طی سه سال من توانستم سه فیلم بسازم. سه فیلم افتضاح؛ سه شکست کامل، و من هنوز زنده مانده بودم. ما فقط باید ادامه می‌دادیم و فیلم می‌ساختیم!، شرایط خیلی سلامت و غیرعصبی بود. مسئله پول ساختن و موفقیت در گیشه سینما نبود. اما به هر حال وقتی که فیلم پنجم من هم در گیشه فروض افتضاحی داشت، بیرونم کردند.

هنوز صبح روز بعد از اولین نمایش افتضاح یکی از فیلم‌هایم را به یاد دارم. در تختخوابم بودم و گریه می‌کردم و به نامزدم گفتم: «فکر می‌کنم هرگز دیگر نخواهند گذاشت که فیلمی بسازم». تلفن زنگ زد و مرد دیوانه‌ای به من گفت «اینگمار، فکر می‌کنم حالا ادّعایت کمتر شده باشد؛ در این صورت شاید بتوانیم باهم کار کنیم!». آن آغاز کار بود و من هنوز از آن مرد ممنونم. او تقریباً همه ریزه‌کاری‌های فیلمسازی را به من یاد داد، چون من یک آماتور سرحال و پرشور و شوق بودم و ایده‌های فراوانی برای فیلمسازی در مورد زندگی و مرد و خیلی چیزهای دیگر داشتم. هیچ کس فیلم‌های مرا نمی‌فهمید. خود من هم آن‌ها را نمی‌فهمم. وقتی یکی از آن‌ها را می‌بینم، تمام بدنم از شرم سرخ می‌شود. فکر می‌کنم خیلی کارگردان سختی بودم. خیلی پرخاش می‌کردم و در استودیو آدم غیرقابل تحملی بودم، چون اعتماد به نفس نداشتم. البته آدم وقتی اعتماد به نفس ندارد پرخاشگر می‌شود.

ولی آن مرد به من خیلی چیزها در مورد فیلمسازی یاد داد. آیا می‌دانید مهم‌ترین چیزی که به من یاد داد چه بود؟ کاری که هنوز هم می‌کنم؟! می‌دانید که وقتی که راش‌ها و نتیجه فیلمبرداری روزانه را می‌بینیم چطور است؟ بار اول می‌گوییم: «خدایا کمک کن، به همه ما کمک کن»، همینطور نیست؟، بعد می‌گوییم: «زیاد هم بد نشده!» و یکی دیگر می‌گوید: «نه؛ خیلی هم خوب شده» حالا سومی است که می‌گوید: «عالیه!». ما سعی می‌کنیم که خودمان را جمع و جور کنیم که برای ادامه کار در روز بعد روحیه کافی داشته باشیم؛ چون خیلی زیاد پیش می‌آید که وقتی راش‌ها را می‌بینید، احساس می‌کنید که می‌خواهید زیر یک تخت پنهان شوید و هرگز دیگر بیرون نیایید؛ مثل یک سگ. آن مرد به من گفت: «من از این روحیه دادن‌ها متنفرم. سر جایت بنشین. واقع‌بین باش. سخت‌گیرترین منتقد خودت باش.

آیینه

دکتر محمدکاظم حسینیان

گزارش حکیم میرزا مهدی آشتیانی

راجع به عدلیه اصفهان

ادامه از صفحه اول

صفت قبیحهٔ ظلم را به اعلی درجّه تاکید، از ذات مقدّس خود نفی فرموده. چنانچه در قرآن مجید و فرقان حمید می‌فرماید: (ان الله لا یظلم مثقال ذرهٔ فی الارض و لا فی السّماء) و در محل دیگر می‌فرماید: (ما یبدّل القول لدّی و ما انا بظلّام للعبید).

و چنانچه در قرآن مجید از غالب صفات قبیحه حتّی از مثل شرک بالله که به حکم: (ان الله لا یغفر ان یشرَک به ویغفر ما دون ذلک لمن یشاء) اقبح ذنوب و آثام می‌باشد به ظلم تعبیر شده و فرموده است. (ان الشّرک لظلم عظیم) از این بابت است که صفت عدل را حضرات متکلّمین از علماء اثنا عشریّن یکی از اصول دیانت یا مذهب شمرده و ممّیز بین کفر باطنی از اسلام حقیقی قرار داده‌اند.

پس از این مقدّمه به منصّهٔ بروز و مجلای ظهور رسیده که نیل به عروهٔ الوثقی کمال و وصول به ذروهٔ ترقّی و استقلال بدون معدلت و داد و نصفت و اتّحاد از حیّز امکان عقلی بیرون و از قدرت انسان بشری خارج است بلکه حسن عدالت و نیکویی قسط و معدلت از ابده بدیهّیات و از اجلی ضروریّات است فهی کلمه طیّبه مثلها کشجره طیبه اصلها ثابت و فرعها فی السماء چنانچه قبح ظلم که منبع تمام نقصانات و معدن و مبداء کلّیهٔ اعدام و فقدانات است نیز از اجلی ضروریات می‌باشد فهی کلمه خبیثه مثلها کشجرهٔ خبیثه اجتثّت من فوق‌الارض ما لها من قرارو نیز بر ضمیر ارباب معرفت و اصحاب درایت مختفی و مستور نیست که نیل بهجت عظمی معدلت و مقصد کبری نصفت میسّر نگردد مگر به وجود قوّهٔ مقنّنه فاضله و قوّهٔ مجریه عادله، چنانچه فلاسفهٔ شامخین و حکماء الهیّین فرموده‌اند: نسان مدنّی بالطّبع ای محتاج فی تعیّشه الی التّمدّن و معاونهٔ ابناء نوعه و لایمکن حصول ذلک علی نهج الصّواب الابتسنین السنن الجاریه و تقنین القوانین الفاضله العادله لئلا یختلّ نظام الاجتماع و لا ینفصم حبل التّمدّن و شمل التمدن.

به بیان اوضح چون ذات مبداء اعلی نسخهٔ آدمیت وحقیقت انسانیّت را انسان العین صفات کرّوبی ایات جمال و جلال بی‌مثال خود قرار داده و به موجب ما منعک ان تسجد لما خلقت بیدی او را به تمام اسماء حسنی و صفات علیای قدّوسی خود مُعلّم نمود و به حکم (وعلم آدم الاسماء کلُها) او را آدم اسماء و خلیفهٔ ارض و سماء و مظهر اسم جامع اعظم‌الله ساخته و قامت او را به تشریف عقل بالفعل و بالمستفاد بحیث کاد یوشک ان یحلّ عبادته ـ بعدالله تبارک و تعالی مخلّع فرموده.

این برنامج الهی و انموذج ربانیّه و مرقات اسمائیّه را در اصل فطرت و بدو خلقت به حکم «یدالله مع الجماعهٔ» مجبول به اجتماع و تمدّن و خطاب کرّوبی انتساب «تعاونوا علی البرّ و التّقوی» مأمور به تعاون نموده، و از پیشگاه این بیانات بعرصهٔ ظهور رسیده که وصول به این کمال اکمل کمالات وجودیّه و فضائل خلقیهٔ یعنی تمدّن و اجتماع و اتّحاد بدون تشبّث به قانون عدل و داد و قطع ایادی تباغض و تعادی و قلع و قمع عروق ظلم و جور و استبداد و بدون قوّهٔ مجریهٔ قانون معدلت و سیاست کاملهٔ نصفت میسّر نیست. زیرا که طباع نفوس بشریّه امّارهٔ بسوء و بحکم «انّ الانسان خلق هلوعا اذا مسّه الشّرّ جزوعاو اذا مسّه الخیر منوعا» محکوم به حکم شهوت و غضب و لوازم طبیعت و شهر دیجور مزاج و ظلمات متراکمهٔ بعضها فوق بعض نشئهٔ طبیعت و امتزاج است و بدون قوّهٔ مجریه متابعت موازین کامله و سنن عادله را نخواهد نمود بلکه لسان حال و قال او «هل امتلأت و تقول هل من مزید» و انا ربُکم الاعلی بوده و طالب قهر و غلبه و ظلم و جور بر بنی نوع خود می‌باشد پس وصول عدالت بدون سیاست از حیّز امکان وقوعی بیرون بلکه از ممتنعات عقلیّه است.

از اینجا است که حضرت احدیّت تقدّس اسمائه و تعالی کبریائه در این آیهٔ شریفهٔ وافی هدایه انزال حدید را که از آلات و عدوات حروب سیاسات است مقرون به اقامهٔ قسط و داد فرموده.

پس از این مقدّمات چنین مفهوم و مستفاد می‌گردد که موجب سعادت هر مملکت و ترقی هر ملّت به کمال این دو قوّه یعنی مقنّنه و مجریه منوط و مربوط است. چنانچه در این شعر:

عینان عینان لم یکتبهما قلم
نونان نونان لم یکتبهما رقم
فی کلّ عین من العینین عینان
فی کلّ نون من النّونین نونان

یعنی اوّل اشاره به عدل شده که در او عین عفّت و شجاعت که از لوازم سیاست است مندرج می‌باشد و عین ثانی به علم و معرفت که موجب ترقّی مملکت و مکمّل آن عمل و ورع است إشعار گردیده.

و به نون اوّل اشاره به نصفت و انصاف که در آن دیانت و امانت مستتر است ایماء شده است و از نون ثانی به انسانیّت که در آن نون نیکویی و حسن و نجد و بنالت منطوی است تعبیر گشته و به علم کتابت قلم و ترقیم رقم اشاره به آن شده که این صفات متعالی جهات را یعنی علم و معدلت و انسانیّت که سرچشمهٔ کمالات وجود و مبداء محسّنات فضایل و فواضل است اقلام وجودیّه و ارقام حروف آیات آفاقیّه و انفسیّه به نهج کمال و نحو استکمال از موطن غیب و مکمن استتار و عالم لاریب در سجلّ کون و کتب تکوین و مجالی فیض مقدّسیّه و مشیّت ساریه و رحمانیّهٔ اثباتیّه ترقیم و تسطیر نموده بلکه به کمال ظهور صفت عدالت و نصفت که اعطاء کلّ ذی حقّ حقّه است و بروز نعت علم و معرفت تحقیقی مَا اُوتیتُم مّن العلم الاّ قَلیلَا به ذات مقدّس احدیّت جلّ شانه و تقدسّت اسمائه مختصّ و منحصر است و احاطه به کمالات حقیقت انسانیّت و برنامج آدمیّت و مجلای صفات‌الوهیّت و ربّ‌النّوع فضائل تجرّد نژاد تقدّس و منزّه از حظایر امکان و هیولیّیت را به مقتضای (قُل لّوکَانَ البَحرُ مدَادًا لّکَلمات رَبّی لَنَفدَ البَحرُ قَبلَ أن تَنفَدَ کَلماتُ رَبّی) از حدود احاطهٔ اقلام ابداعیّه و اختراعیّه و ارقام بسائط انشائیّه و مرکّبات تکوینیّه خارج و غیر ممکن الحصول و مترتّب النّیل و الوصول نیست. و نیز اشاره به مطلبی است که ارباب ذوق و مکاشفه و اصحاب عرفان و مشاهده فرموده‌اندکه: حقایق صفات الهیّه و نعوت ربوبیّت در پس پردهٔ غیب مستور و در نشئهٔ مکمن بطون و خفاء پوشیده و پنهان «لم یظهر و لایظهر ابدا و انّما له‌الحکم والاثر فی کلّ ما له الوجودالعینی».

پس به حکم این اشاره حقیقت معدلت و نصفت و گوهرهٔ علم و معرفت و عین ثابتهٔ انسانیّت به مقتضای «لایسع الکون انسانا کاملا» در حجاب عزّت و سترکبرای غیب‌الوهیّت مستور و در ازل‌الازال وجود و وعاء سرمدیّت مختفی و به زبان حال مترنم بدین مقال:

تستَرتُ عن دهری بظلّ جناحه
فعینی تری دهری و لیس یراتی

و همچنین ایماء بدان است که اصول عدل الهی و تحقّق علم صرف و دانش محض و سازج در عالم کون و فساد و نشئهٔ مادّیّت و استعداد به طور مزاجت و طریق صرافت تحقیق‌ناپذیر زیرا که نشأهٔ هیولا و عالم امکان و استعداد و دار قسر و تضادّ و تضایق و فساد و منبع جهل و عناد و معدن شرور و استبداد است.

پس ارقام کونیه و اقلام وجودّیه را در مجلای عدل حقیقی و علم تامّ و مافوق‌التّمام فسحت بروز و وسعت ظهور نیست. چنانچه حکماء طبیعیّین و حملهٔ علم السماء و العالم و سمع‌الکیان فرموده‌اندکه حصول اعتدال حقیقی و استوای واقعی در امزجهٔ مرکبّات تامّه و غیر تامّه و موالید ثلاث میسّر نیست و چون افعال نمایش صفات و ملکات نیز به حکم «النّفس و البدن یتعاکسان ایجاباً و اعداداً» از نتایج افعال و از اثرات امزجه است، حصول عدل حقیقی و نصفت واقعی احدی را به جز محرمان حریم درگاه و مقرّبان حضرت اله که به مقتضای (ما رمیت اذ رمیت) «ولایزال تنقرب الی عبدی بالفرایض حتّی» الخ لسان حال و استعداد آنان در پس آیینه طوطی صفتم داشته‌اند می‌باشد میسّر نیست.

از مطلب دور شدیم و از مقصد باز ماندیم سخن در این بود که سعادت هر قومی و ترقّی هر مملکتی به کمال قوّهٔ مقنّنه و مجریه منوط و مربوط و بالعکس دثور و زوال آن به نقصان این دو قوّه پیوسته است. و این نکته بر قاطبهٔ علماء عالم و حکماء بنی‌آدم ظاهر و هویداست که قانون مقدّس اسلام و شریعت مطهّرهٔ محمّدیّه بهترین قوانین مقنّنهٔ عالم و کامل‌ترین شرایع منزلهٔ الهیّه است. چنانچه در مجلسی از مجالس و محفلی از محافل که این حقیر را با بعضی از اهل کتاب در حقّانیّت مذهب اسلام مناظره افتاد پس از بیانات شافیه و ادلّهٔ کافیهٔ حقیر، حق بر لسان او جاری و ساری گردیده و چنین اظهار داشت که هرگاه ملّت اسلام و پیروان حضرت محمّد به دین مبین محمّدی و شرع مقدّس احمدی عمل می‌نمودند مذهب اسلام شرق و غرب عالم بشریّت را فرا گرفته و قاطبهٔ ملل متمدّنهٔ عالم به این دیانت مقدّسه متدیّن می‌گردیدند.

پس علّت عدم ترقّی ما ملّت ایران عمل نکردن به دین مبین و شرع قویّ‌الارکان اسلام است.

هرچه هست از قامت ناساز بد اندام ما است
ورنه تشریف تو بر بالای کس کوتاه نیست

به هر تقدیر در قوّهٔ مقنّنه به هیچ وجه نقصان و قصوری متصوّر نیست زیرا که قوانین شرعّیهٔ ما به اتفّاق عقلاء حکماء و کافّهٔ اهل حلّ و عقد بهترین قوانین ملل و ادیان بوده و قوانین عرفیّهٔ ما چون به موجب مصرّحات قانون اساسی، مذهب رسمی مذهب جعفری و هیچ قانونی بدون موافقت قوانین مقدّسهٔ اسلام حائز سمت رسمّیت نیست بایستی از قوانین شرعّیه مأخوذ و مطابق با مقرّرات شرع انور بوده باشد بنابراین قوانین عرفیّهٔ ما نیز از ملل متمدّنه اتمّ و اکمل خواهد بود. پس بر هر شخص متمدّن آزادی خواهی لازم است که تمام سعی خود را صرف تمشیت قوانین مقدّسهٔ شرع محمدّیه و تقویت قوانین عرفیّهٔ مدنیّهٔ مصوّبهٔ مجلس شوری ملی بنماید تا موجبات نشر معدلت و سعادت ملّت و ترقّی مملکت به قصوی اوج کمال و علیا ذروهٔ تعالی و استکمال عروج و صعود نماید و چون مملکت ما مشروطه و در شمار ممالک متمدّیه عالم است و مملکت مشروطه بایستی دارای مجلس شوری ملی و دوائر عرفیّه‌ای که بر طبق نظامات جاریه و قوانین موضوعه مطابق قوانین شرعّیه تشکیل یافته بوده باشد، پس هرگاه بخواهیم ما نیز در شمار ممالک متمدّیه عالم به شمار آییم بایستی بر طبق آنها مشی نموده و دارای دوائر مزبوره که بر طبق قوانین مصوّبهٔ مجلس شوری ملی و قوانین شرع مقدّس تشکیل شده باشد بوده باشیم. و تمام و کلّیّت همّ خود را در تکمیل و ترقّی و تکامل آن صرف نماییم. سیما نسبت به حوزهٔ قضائیّه و محاکم عدلیّه که در صورت تطبیق نظام جملی عالم کبیر بر انسان صغیر به منزلهٔ قلب و مثابهٔ روح هر مملکتی است زیرا که منابع ثروت و موجبات ترّقی مملکت و سعادت ملّت و جامعهٔ بشریّت و مدنیّت به حصول نظام از قبیل معاملات و حدود و تعزیرات وجنحه و جنایات و مجازات و سیاسات و انکحه و مواریث و غیرها به این قوّهٔ عامله منوط و مربوط است. پس صلاح این قوّه موجب صلاح کلیّهٔ قوای مملکت و ترقّی و سعادت ملّت است و اسباب ترقّی این قوّه نیز بحمدالله از هر جهت و هر حیث برای ما موجود است زیرا که مبیّن این قانون مقدّس و مروّج این اساس کرّوبی اقتباس که علماء روحانیّین و فقهاء اثنی عشریّین کثرالله امثالهم مجلس و دار الشّورای ملّی شیّدالله ارکانه در ترویج دیانت و اساس شریعت و تقنین قوانین راجعه به نظامات مملکت نهایت همّ خود را مبذول داشته و در هر صقعی از اصقاع و ناحیه‌ای از نواحی عدّهٔ کثیره از علماء اعلام که دارای کمال علم و زهد و ورع و تقوی می‌باشد، جیلاً بعد جیل و قبیلاً بعد قبیل بر تقویت و تمشیت شرع و آیین دین مبین اسلام اشتغال می‌ورزند و قوّهٔ مجریهٔ ما نیز که محیی این قوّهٔ مقدّسه و اصل ثابت او است از توجهّات شخص اوّل مملکت حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء که به اتفّاق آراء دارای سیاست و درایت و صاحب شجاعت و شهامت و وطن خواهی و نوع پرستی است و هماره اوقات خود را در تهیّهٔ موجبات ترقّی مملکت و ترویج شریعت و تقویت دوائر دولت مصروف داشته در نهایت قوّت و شوکت و غایت ترقّی و تعالی است، اولیاء دولت و اعضاء ملّت نیز قاطبهٔ همّ خود را لیلاً و نهاراً به اصلاح مفاسد جامعه و تهیّهٔ موجبات ترقّی مملکت مصروف داشته و می‌دارند چنانچه توجّه ایشان به شکایت اهالی اصفهان و بعث اینجانب برای رسیدگی و اصلاح امور، اقوی دلیل بر این مطلب و اوثق برهان بر این مقصد می‌باشد و برای استحضار عامّهٔ حضّار محترم از موضوع شکایات اظهار می‌دارم که قبلاً از طرف عدّه‌ای از علماء اعلام اصفهان در تحت عنوان توهین به آقای حاجی سید علی محّمد مدرّس وکیل عدلیّه و فساد اخلاق بعضی اعضاء عدلّیه شکایاتی به مرکز شده و چون این شکایات از طرف علماء اعلام آغاز شده بود اینجانب را برای تحقیق و رسیدگی و اصلاح امر مبعوث داشته و راجع به این قسمت برحسب رضایت طرفین قضّیه به اصلاح اختتام یافت. سپس براثر تلگرافی که راجع به مطالبهٔ اصلاحات نوعیّه شده بود دستوری از طرف حضرت مستطاب اجلّ اکرم آقای ادیب السّلطنه وزیر محترم عدلیّه که در بین وزراء معروف به کمال فضل و براعت و دیانت و اصلاح خواهی هستند رسید که راجع به شکایات اهالی از اعمال و اخلاق و روحیّات بعضی اعضاء عدلیّه تحقیقاتی در حدود قانون نموده نتیجهٔ تحقیقات و نظریّات خود را به وزارت متبوعه انفاذ دارم تا برحسب مقتضیات قانونیّه بر تقدیر موجّهیّت شکایات موجبات رفاهیّت حال عامّه را فراهم نمایند. لذا برای تحقیق و رسیدگی به این قضّیه آقایان محترم را به سمت نمایندگی قاطبهٔ طبقات زحمت ولی تزئین این مجلس را بوجود محترم آنان تمناّ کرده تا چنانچه شکایاتی از اخلاق و روحّیات و اعمال بعضی اعضاء عدلیّهٔ اصفهان داشته باشند در حدود نظامات جاریه و مراعات نزاکت و بی‌غرضی و بی‌طرفی و حفظ حیثیّات مأمورین دولت با جهات موجّه آن کتباً اظهار نمایند و نهایت اطمینان را از طرف وزارت جلیلهٔ عدلیّه به آنان می‌دهم که در اظهار شکایات به هیچ وجه دچار اشکال و معذوری نگردیده و البتّه در صورت موجّهیّت و مدلّلیت شکایات، ترتیب اثر به آنها داده خواهد شد.

روزنامه‌نگاران -۳۰

شرح یک زندگی

شرح یک زندگی

عبدالرحمن فرامرزی در دوازده ربیع‌الاول سال ۱۳۱۵ هجری قمری مطابق سال ۱۲۷۶ هجری شمسی در روستای «گچویه» مرکز بلوک «فرامرزان» به دنیا آمد. او کوچکترین پسر «شیخ عبدالواحد» بزرگ خاندان فرامرزی و کلانتر طایفه بود. عبدالرحمن دارای دو برادر بزرگتر از خود به نام‌ها عبدالله (پدر حسن فرامرزی) و احمد، و ۱۲ خواهر بود.

با شروع جنگ جهانی اول (۱۹۱۸ـ۱۹۱۴) و هجوم سربازان انگلیسی به آن منطقه، «شیخ عبدالواحد» پسران خود احمد و عبدالرحمن را برای تحصیل به بحرین فرستاد. عبدالرحمن پنج سال داشت و احمد چند ماه از او بزرگتر بود.

عبدالرحمن فرامرزی در شهریور ماه ۱۳۴۹ در گفتگویی با اسماعیل یگانگی برای درج در مجله سپید و سیاه، درباره این سفر و حوادث بعدی چنین گفت:

«بحرین در آن زمان ایران بود. تعداد فارسی زبان‌ها در جزیره زیاد بود، مدارس ایرانی فعال بودند و به جوان‌ها فارسی و عربی درس می‌دادند. پدر من در آنجا خانه و ملک داشت. هنوز هم داریم. دو خواهرم اکنون هم در بحرین زندگی می‌کنند.»

به این ترتیب استاد که قرآن را نزد پدر خوانده بود، تحصیلات مقدماتی را در بحرین به پایان رساند. آنگاه به «احساء» در عربستان رفت. اما با بالا گرفتن کار جنگ و ماجراهای «لاورنس» انگلیسی به بحرین برگشت و در آنجا در مدارس ایرانی‌ها به تدریس فارسی و عربی مشغول شد. استاد در آن گفتگو چنین ادامه داد:

«در بحرین عشق به نویسندگی مرا وادار کرد مقالاتی به فارسی برای روزنامه‌های «استخر» و «عصر آزادی» شیراز بفرستم و مقاله‌هایی هم به زبان عربی برای روزنامه‌های «الاهرام» و «المقطم» مصر بنویسم و به سیاست ضدملی و ضداسلامی انگلیسی‌ها حمله کنم. انگلیسی‌ها که فعالیت‌های ما را مخالف سیاست خود در منطقه می‌دیدند، تصمیم گرفتند من و برادرم احمد را به جزیره سیلان یا سراندیب (سری‌لانکای امروز) تبعید کنند. یکی از خویشاوندان ما از جریان مطلع شد و به ما خبر داد. من و احمد شبانه از بحرین به قطر فرار کردیم و از آنجا خود را به جنوب ایران رساندیم و مدت ٦ ماه در روستای چاکوتاه به سر بردیم.»

دو برادر از چاکوتاه به شیراز رفتند، ولی در آنجا هم انگلیسی‌ها نفوذ داشتند. پس راهی تهران شدند. احمد فرامرزی به استخدام کتابخانه مجلس شورای ملی درآمد و عبدالرحمن در وزارت معارف (آموزش و پرورش) به کار مشغول شد. او در دارالمعلمین (دانشسرای عالی) و دارالفنون به تدریس زبان و ادبیات فارسی و عربی پرداخت. حقوق فرامرزی در این کار ساعتی ۵ قران (ریال) بود، ولی چون روزی چندین ساعت تدریس می‌کرد، با همین درآمد زندگانی‌اش تأمین می‌شد.

عبدالرحمن فرامرزی در همان حال که تدریس می‌کرد، در روزنامه اقدام هم به کار پرداخت و پس از مدتی به سردبیری آن روزنامه رسید. در ضمن در روزنامه «شفق سرخ» علی دشتی و «ستاره ایران» حسین صبا هم مقاله می‌نوشت. در سال ۱۳۰٦ عبدالرحمن با کمک برادر بزرگترش احمد مجله ادبی ـ اجتماعی «تقدم» را منتشر کرد. مجله‌ای سنگین بود، اما طی یک سال و نیم فقط ۱۱ شماره منتشر شده و بعد تعطیل شد.

فرامرزی مدتی هم در اداره «راهنمای نامه‌نگاری» معاون علی دشتی بود و وقتی دشتی برکنار شد به ریاست آن اداره رسید. او به سبب اطلاعاتی که درباره جهان عرب داشت، از سال ۱۳۱۸ با وزارت امور خارجه همکاری کرد. در سال ۱۳۲۰ که مجله «اطلاعات هفتگی» منتشر شد، فرامرزی سلسله مقالاتی به نام «داستان دوستان» در آن مجله نوشت که موفقیت زیادی پیدا کرد و بعدها به صورت کتاب منتشر شد.

بعد از سوم شهریور ۱۳۲۰ عبدالرحمن فرامرزی کار مطبوعاتی را به صورت جدی دنبال کرد. در آن زمان گرفتن امتیاز روزنامه و مجله سخت بود. او و برادر بزرگترش احمد فرامرزی تصمیم گرفتند با استفاده از امتیاز روزنامه «آینده ایران» یک روزنامه سیاسی منتشر کنند. در شناسنامه این روزنامه نام ناشران آن چنین آمده بود: روزنامه آینده ایران/صاحب امتیاز عادل خلعت‌بری/زیر نظر احمد و عبدالرحمن فرامرزی.

روزنامه «آینده ایران» از سال ۱۳۱۷ به طور نامرتب منتشر می‌شد، ولی در این دوره (سال ۱۳۲۰) به خاطر مقالات وطن‌پرستانه برادران فرامرزی و انتقاد از اشغالگران خارجی شهرت یافت و خوانندگان زیادی به دست آورد که همین باعث توقیف آن شد. در تاریخ ۱۳۲۰/۱۰/۲۳ سید محمد تدین وزیر فرهنگ (آموزش و پرورش) وقت طی نامه‌ای به مضمون زیر خواستار توقیف آن شد:

«ریاست اداره کل شهربانی، نظر به اینکه انتشار روزنامه آینده ایران برخلاف مقررات است و آقای عبدالرحمن فرامرزی حق ندارد روزنامه‌نگار باشد، خواهشمند است مقرر بفرمایید از نشر روزنامه آینده ایران و روزنامه نویسی آقای فرامرزی جلوگیری به عمل آید. وزیر فرهنگ».

فرامرزی کسی نبود که با این حمله‌ها میدان را خالی کند. بنابراین شخصاً تقاضای امتیاز روزنامه‌ای به نام کیهان کرد که اولین شماره آن روز چهارشنبه ٦ خرداد ۱۳۲۱ منتشر شد. در این دوره عبدالرحمن فرامرزی صاحب امتیاز کیهان و دکتر مصطفی مصباح‌زاده مدیر آن بود، اما پس از مدتی کوتاه این دو جای خود را عوض کردند. دکتر مصباح‌زاده صاحب امتیاز و عبدالرحمن فرامرزی مدیر آن شد.

عبدالرحمن فرامرزی درباره این تغییر و تحول به اسماعیل یگانگی خبرنگار سپید و سیاه گفت: من «روزنامه‌نویس» هستم نه «روزنامه‌چی». من عرضه اداره یک مؤسسه کوچک را ندارم، چه رسد به یک تشکیلات بزرگ. اگر قرار می‌شد اداره روزنامه کیهان به عهده من باشد از همان اول کار روزنامه تعطیل می‌شد.

ادامه دارد

گذشته

مینو صمیمی ۵

دیپلماسی به روش ایرانی

با رئیس پلیس سوئیس

با مشاهده این وضع به او گفتم: «جناب سرهنگ یک لحظه صبر کنید تا اسم و آدرس این شخص را برایتان بنویسم». و داشتم یادداشت مورد نظر را تهیه می‌کردم، که سرهنگ جلو آمد و با لحنی دوستانه‌تر از قبل جوابم داد: «اسم و آدرس لازم نیست، آن را برای خودتان نگهدارید، چون شما هم فردا با من خواهید آمد. متوجه شدید!... ما فردا به اتفاق با این شخص ملاقات خواهیم کرد». به محض خروج سرهنگ وزیری از اتاق، روی صندلی لم دادم و نفس راحتی کشیدم. احساس این بود که هم اولین آزمایش عملی را با موفقیت گذرانده‌ام، و هم ـ علی‌رغم عدم موفقیت در بیرون کشیدن اطلاعات از دهان سرهنگ ـ حداقل پی برده‌ام که کنار آمدن با وضعیت حاکم بر تشکیلات رژیم شاه چندان کار مشکلی نباید باشد.

صبح فردای آن روز سرهنگ وزیری به سراغم آمد تا به اتفاق عازم ادارهٔ مرکزی پلیس فدرال سوئیس شویم. رانندهٔ ویژهٔ سفیر که با یک اتومبیل مرسدس بنز ما را به اداره پلیس می‌برد، جوانی بود اهل بخش ایتالیایی سوئیس، که سرهنگ وزیری در حین حرکت با نگاهی پرسوءظن گاه به او می‌نگریست و گاه به من خیره می‌ماند. شاید به این دلیل که راننده به زبان فرانسه با من صحبت می‌کرد و با کنجکاوی فراوان می‌خواست از خصوصیات سفیر آیندهٔ ایران مطلع شود، و من هم در عین حال اطلاعاتی از او راجع به منزل مسکونی سفیر در حومهٔ اعیان‌نشین شهر برن بدست می‌آوردم.

بزودی فهمیدم که چون سرهنگ وزیری غیر از فارسی هیچ زبان دیگری نمی‌داند، به این جهت از هر نظر کاملاً به من وابسته است. او در اتاق رئیس امور امنیتی پلیس فدرال سوئیس نیز بعد از آنکه کیف سیاه رنگش را باز کرد و چند نامه را روی میز رئیس پلیس گذارد، رو به من کرد و گفت: «به ایشان بگویید چون اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر اراده فرموده‌اند اوایل ماه آینده تعطیلات زمستانی خودشان را در سوئیس بگذرانند، بنابراین لازم است تمام اقدامات ضروری برای تأمین امنیت سفر شاهانه در موقع معین به مرحلهٔ اجرا گذارده شود...»

موقع ترجمهٔ سخنان سرهنگ کوشیدم با بهره‌گیری از تمام معلومات و تجربیات گذشتهٔ خود، مطلب را طوری در قالب فرهنگ مردم سوئیس بپرورانم که مسأله برای رئیس پلیس قابل هضم باشد. و به همین جهت ضمن بکارگیری جملات خیلی ساده، برای تفهیم لغات قلمبه‌ای

بعدها سفیر به من گفت: بختیار... پس از مدتی مورد بی‌مهری شاه قرار گرفت و مقامش را از دست داد

چون «اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر» نیز فقط به ذکر «شاه ایران» بسنده کردم.

سپس سرهنگ به توجیه برنامهٔ سفر شاه پرداخت و مدت زیادی طول کشید تا سرانجام توانست مسأله را برای رئیس پلیس به این شکل تشریح کند که: شاه و ملکه با یک هواپیمای اختصاصی به سوئیس خواهند آمد؛ و ما ابتدا می‌بایست دو طبقه از هتل بزرگ «دولدر» را برای اقامت یک هفته‌ای آنها و ۴۰ تن همراهانشان آماده کرده، سپس وسایل لازم را برای دو هفته اسکی‌بازی شاه و ملکه در شهر «سن موریتس» مهیا سازیم. از میان ۴۰ همراه شاه و ملکه، ۲۵ نفرشان را مأمورین امنیتی و محافظ تشکیل می‌دادند؛ که برای همهٔ آنان نیز همیشه می‌بایست حدود ۴۰ اتومبیل بزرگ با رانندگان قابل اعتماد و نیز ۱۰ فروند هواپیمای کوچک آماده باشد.

سرهنگ وزیری که گویی هرچه بیشتر برنامهٔ بسیار «محرمانه» سفر شاه به سوئیس را افشاء می‌کرد، نگرانی و ناراحتیش افزوده‌تر می‌شد؛ سرانجام پس از جروبحث طولانی با رئیس پلیس امنیتی سوئیس توانست موافقت او را برای در اختیار نهادن ۲۵ مأمور امنیتی سوئیسی جلب کند، تا به این ترتیب کاملاً مطمئن شود که در خلال سفر شاه به سوئیس هیچ مسأله‌ای پیش نخواهد آمد.

موقعی که سرهنگ به زعم خود توانست مقام امنیتی سوئیس را کاملاً توجیه کند، نامه‌هایش را از روی میز جمع کرد و همه را ـ بجز یکی ـ در کیف سیاهرنگ خود گذاشت و قفل کرد. بعد هم نامه‌ای را که در دست داشت ـ و به دقت تا شده بود ـ به من نشان داد و گفت: «این فهرست دشمنان اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر در خارج از کشور است، و شما باید به آقای رئیس پلیس بگویید که: دولت سوئیس طی دورهٔ اقامت اعلیحضرتین در این کشور نباید به هیچیک از افرادی که نامشان در فهرست آمده ویزای ورود بدهد، و البته بهتر است اصولاً دولت سوئیس در طول این مدت تقاضای ویزای هر ایرانی را ـ حتی اگر نامش در این فهرست نباشد ـ یا نپذیرد و یا مدتی به تأخیر بیاندازد».

تقاضای سرهنگ بقدری مضحک و بی‌تناسب بود که اطمینان داشتم رئیس پلیس حتماً پس از شنیدن ترجمه آن قهقهه را سر خواهد داد. و به همین جهت از رفتار سرهنگ حیران مانده بودم که واقعاً چرا فکر نمی‌کند اینجا ایران نیست، و نمی‌تواند به خاطر مقام و موقعیت خود هر دستور مسخره‌ای را به هرکس بدهد.

چون دیدم هر دو نفر چشم به من دوخته‌اند و منتظر ترجمهٔ سخنان سرهنگ هستند، با اکراه فراوان هرچه را سرهنگ گفته بود برای رئیس پلیس بازگو کردم. و او هم البته ـ همانطور که حدس می‌زدم ـ یک مرتبه خنده را سر داد. ولی سرهنگ با مشاهدهٔ خنده رئیس پلیس چنان به من چشم غره رفت که گویی جنایت فجیعی مرتکب شده‌ام. پس از آن رئیس پلیس به من گفت: «متأسفانه شما خواسته‌ای را مطرح کرده‌اید که انجامش اصلاً برایمان مقدور نیست. زیرا سوئیس کشوری است آزاد با حکومت دموکراسی، و ما نمی‌توانیم به ایرانی‌هایی که قصد دارند به عنوان جهانگرد وارد سوئیس شوند ویزا ندهیم».

موقعی که حرفهای رئیس پلیس را برای سرهنگ ترجمه کردم، با حالتی که آشکارا ناراحتیش را نشان می‌داد، به یکی از نام‌های مندرج در فهرست ـ که زیر آن خط قرمز کشیده شده بود ـ اشاره کرد و به من گفت: «حداقل ایشان را قانع کنید که این شخص فوق‌العاده خطرناک را به سوئیس راه ندهند. او فعلاً در بغداد به سر می‌برد، ولی خانواده‌اش در سوئیس اقامت دارند». نام آن شخص «تیمور بختیار» بود، که بعدها سفیر ایران درباره‌اش به من گفت: بختیار اولین رئیس ساواک ایران محسوب می‌شد، و در حقیقت او بود که توانست ساواک را به یک سازمان قدرتمند تبدیل کند، ولی پس از مدتی مورد بی‌مهری شاه قرار گرفت و مقامش را از دست داد.

ضمناً راجع به تیمور بختیار در گوشه و کنار می‌گفتند که: چون فرد جاه‌طلبی بود و قصد داشت جای شاه را بگیرد، شاه نیز او را یک سال بعد از برکناریش به خارج از کشور تبعید کرد. و بعد هم فهمیدم که تیمور بختیار آن موقع در بغداد علیه حکومت شاه با دولت عراق همکاری می‌کرد، و در عین حال مورد حمایت حزب توده نیز قرار داشت.

در پایان ملاقات با رئیس پلیس امنیتی سوئیس، سرانجام او راضی شد نسخه‌ای از فهرست مورد نظر سرهنگ وزیری تهیه کند و بخصوص مسأله «تیمور بختیار» را مورد توجه قرار دهد، ولی ضمناً تأکید کرد که اصلاً نمی‌تواند راجع به جلوگیری از ورود احتمالی افراد مخالف شاه به سوئیس تضمینی بدهد.

ادامه دارد

نگارستان

یادداشتی از دکتر سیروس برادران شکوهی

انقلاب الجزایر را یاد آوریم

... خواست که در بزرگ مجلس را باز کنند و به جلوی سر در مجلس رفت و خطاب به جمعیت کثیری که برای پشتیبانی از او اجتماع کرده بودند گفت: «ای مردم، شما مردم خیرخواه و وطن‌پرست که در اینجا جمع شده‌اید مجلس هستید و آن جا که یک عده مخالف مصالح مملکت هستند مجلس نیست».

از آن روز، چون قیام مشروطه، بازار که غالب آن‌ها آذربایجانی نیز بودند چون سابق پشتیبان دو آتشه‌ی مصدق باقی ماندند و همه جا به پشتیبانی از او برخاستند، همه‌ی بازاری‌های شهرها، بخش‌های سراسر ایران پر از شور و حالی بودند اما تبریز شور دیگری داشت. در آن سال‌ها بازار و کسبه و اصناف و فرهنگیان و حتی دانش‌آموزان تبریز شور دیگری داشتند. در آن سال‌ها بازار و کسبه و اصناف و فرهنگیان و حتی دانش‌آموزان تبریز شور دیگری داشتند. من نیز با «کتاب فروشی» کنار خیابان محله‌مان که محصل کلاس هفتم و هشتم دبیرستان و داخل در این مسایل بود آشنایی و دوستی داشتم و کتاب‌ها را به مانند دست‌فروشی‌ها و روزنامه‌فروش‌ها فریاد می‌زد و هر ازگاهی روزنامه‌ای را دست گرفته تیترهایش را بلند بلند می‌خواند و و آدمی را هیجان‌زده می‌ساخت. روزی در دبیرستان «سردار ملی» گفتند: در «دیکباشی» میتینگ است، من نیز با یکی دو نفر از هم کلاسی‌ها، راهی «دیکباشی» شدم، گویی مردم از زمین می‌جوشید و بیرون می‌زد، گفتند: «شاعر انقلابی»، انقلاب خواهد کرد: در یک آن محصلی بالای چارپایه پرید و با حرارت تمام فریاد زد: «از جان خود گذشتیم...» عجبا «حسن جداری تنوری»، همان کتاب‌فروشی هم محله‌ای و آشنای خودم را دیدم، با قوت هرچه تمام‌تر فریاد کشیدیم: «از جان خود گذشتم» حسن، الحق داد سخن داد، سخنانش بارها با کف زدن‌های حاضرین قطع می‌شد، بار دیگر بلندتر فریاد زد: «از جان خود گذشتیم / با خون خود نوشتیم»، محو تماشای کف‌زدن‌ها بودم که به یکبار مردم را در حال فرار دیدم، در نهایت «حسن» را غرقه در خون دیدم که کشان کشان از معرکه خارج می‌شد، هنوز هم آن قیافه خونین و آن لحظه‌ی تاریخی را پیش چشم دارم.

در آن دوره‌ها نیز، عده‌ای چماق به دست، خانه ۱۰۹ پیرمرد را که اجاق گرم نهضت ملی ایران نیز بود زیر ضربات خود گرفته بودند و با کمک ایادی خارجی و داخلی، حکومت ملی ۲۸ ماهه‌ی او را که از روزهای سرفرازانه‌ی تاریخ ایران بود به خاک سیاه مذلت می‌نشاندند و شاخه‌های درخت تنومند کهنسال را یکی یکی می‌انداختند و آتش می‌زدند چون شهید «دکتر سیدحسین فاطمی» را نوعی و «محمود نریمان» و «غلامحسین صدیق» و... را نوعی و «کریم پورشیرازی» را با روزنامه‌اش، «شورش» با این شعار که: «فزون باد نیروی این پنبه‌زن / که زد پنبه خائنین وطن» را نوعی درهم می‌کوبیدند، از آن دورها صدای شاعر زمان برگوش می‌رسید که:

شها چراندی اگر سبز حاصل ملت / به هوش باش که رویاندش خدای جهان / بسی قوی‌تر و سرسبزتر ز اول بار / اگر چند صباحی عقب فتاده است آن / جزای هر عملی مثل آن بود بی‌شک / که می‌دهد به سزاوار مجزی‌منان / خراب کردی اگر خانه‌ای ز بی‌گنهی / جسارتست شود خانه‌ات اگر ویران / خراب گردد و ویران تو مرده یا زنده / به قول عام، کشیدم برات خط و نشان / زبان درازی شد خسروا ببخش مرا / بکن هر آنچه دلت خواست خانه آبادان.

آنگاه در یک دادگاه نظامی محاکمه و به سه سال حبس مجرد محکوم شد. مصدق در این دادگاه کودتاچیان و استعمار و به یک معنی جهانخواران را به باد انتقاد و استدلال و مستندات تاریخی گرفت و آنهایی را که او را به کینه، مصدق السلطنه، عوام فریب واهی، لیبرال و غربی و آمریکایی و نخست‌وزیر زیر پتو می‌گفتند همگی را در کنار «حسین آزموده و تیمور بختیار»ها به سخره و زیرمشت‌های گره کرده خود گرفت و صحنه‌های محاکمه را به دادگاه آمرین و عاملین کودتا تبدیل ساخت. حرف می‌گفت و مشت می‌کوفت و یک تنه انگلستان و آمریکا و حتی روسیه را به سان «نادرشاه» که چون محمود و اشرف افاغنه و سپاه عثمانی‌ها را شکست و هزیمت داد و با شمشیر پیروزمندانه‌ی خود با فرستاده‌ی روسیه مواجه و با اشاره به شمشیر خونین خود به او تکلیف کرد که روسیه قوای خود را از مناطق ایران بیرون کشد و دور شود و راه مملکت خود در پیش گیرد. مصدق نیز به روسیه شوروی با اشاره به پیروزی خود در لاهه و مشاهده‌ی خلع‌ید انگلیسی‌ها از شرکت نفت جنوب، متذکر شد که زمان «لیانازوف»ها به سر آمده، قرارداد «شیلات» ملغی و از تمدید آن قطع امید کنند و در فکر بازپرداخت ده تن طلای طلب ایران از مسایل جنگ جهانی دوم باشند و در این موارد پای فشرده و در تهران در مقابل انگلیسی‌ها شادمانه در سماور نفتی تازه ساخت زنده‌یاد «عالی نسب» چای خورد و در شمال ما مردم خرده‌پا در تبریز و رشت و تمامی شهرهای ایران، اولین بار ارابه ارابه شاهد ماهی بودیم، چقدر هم ارزان. این بود که شوروی‌ها سرگرانی با او داشتند هرکه با ایران سرگرانی داشت در دادگاه همگی را به مبارزه طلبید و تمام دستگاه‌های اداری و اجرایی و قضایی وابسته را در مدت محاکمه از کار انداخت و دنیا را متوجه دادگاه ظالمانه خود و ایران ساخت. علیرغم زندانی بودن و مواجهه با بی‌قانونی‌ها، اساس مشروطه و قانون‌گرایی و قانون‌مداری را لحظه‌ای مورد شک و تردید قرار نداد و همچنان مشروطه‌خواه و رهرو خلل‌ناپذیر رهروان قانون‌گرایی، باقی ماند و در پی دادگاه نظامی شاه حاضر نشد که از قانون اساسی مشروطه دست بردارد و به استناد قانون، دنیا را متوجه ایران و دادگاه خود ساخت. چنان که روزگاری تمام کشورهای آفریقایی، که تقریباً با شروع نهضت ملی ایران به پا خاستند، در مغرب و الجزایر تا آن سوی کره ارض، هند و چین و مالزی، همین طور اکثریت قریب به اتفاق کشورهای آفریقا که با شروع نهضت ملی ایران بود که امیدوار شدند و یکی بعد از دیگری بنای مستحکم استعمار را که اولین پایه‌اش به دست همین مرد در بند، به لرزه درآمده بود ویران ساختند.

الجزایر و انقلاب الجزایر را یادآوریم و اکتبر ۱۹۵٤، آن کشور را که نوشته‌اند کرد آغاز انقلابش تنها با ٦ نفر راه افتاده بودند! از این رو با شک و تردیدها مواجه بودند، ولی یک استدلال، عاقبت همه راهیان اولیه آنها را قانع می‌سازد و آن این که: مگر دکتر مصدق به هنگام ملی کردن نفت چند نفر پشت سرش داشت؟ یک رهبر شجاع و بزرگ، یک ملت بزرگ را بیدار می‌کند و به دنبال می‌کشد. آری مصدق نه یک ملت بزرگ و بیدار ایران را بلکه تمامی کشورهای بیدار جهان را بیدارتر ساخت و کشورهای تازه پا گرفته و رها شده از بند استعمارگران قرن بیستم را به دنبال خود کشاند، هرچند خود مجبور شد ده سال دیگر، در قریه «احمدآباد» غریبانه غروب حیات مجازی‌اش را انتظار کشد تا سرانجام روز یکشنبه ۱٤اسفندماه، ۱۳٤۵، یک ربع به هفت صبح در بیمارستان «نجمیه» تهران که تولیت آن با خودش بود، آخرین لحظه حیاتش، حیاتی که لحظه‌لحظه عمر طولانی آن را قهرمانانه به سر رسانده بود و قهرمانانه زیسته بود، با این گفتار و کلمات، وقتی متوجه کوشش فرزندش جهت مداوای او در خارج از ایران را فهمید: «لعنت بر من و هرکس دیگر که در این زمان خرج چندین خانوار این ملت فقیر را صرف آوردن دکتر از خارجه بنماید. من خاک پای این ملتم» را گفت و قهرمانانه زبان فرو بست. هرچند ما امروز شرمنده و خجلت زده هستیم از این که جرأت نمی‌کنیم خاطره دکتر محمد مصدق را تکریم کنیم، حتی نگران دردسرهای بعدی از یادآوری عنوان رهبری او در نهضت ملی ایران هستیم تا حدی که جز چند روزنامه‌ای سالروز درگذشت رهبر نهضت ملی ایران را دامن‌کشان رد می‌شوند! اما نگران نباشیم، همین اجاق گرم و قلم، هر قدر کوچک و خرد هم باشد بالاخره روشنایی است و فضای تاریک زمان را می‌نوردد. از این خانه به آن خانه، از این شهر به آن شهر تا ...

آری «مصدق» شاید تنها یگانه تاریخ باشد که هر دوی این خصال یعنی قهرمانانه زیستن و قهرمانانه مردن را باهم داشت.

عکس‌های تاریخی/۲۳

دکتر ریاحی در جوانی

...گذشت تا اینکه در یکی از جلساتی که می‌گذاشتیم و از بزرگان وقت، برای سخنرانی دعوت می‌کردیم، مرحوم ملک الشعرا بهار حاضر شد و خواست سخنرانی کند.
من جلو رفتم و مانع سخنرانی او شدم و خرابش کردم!
چندی بعد، سر کلاسی بودیم که استاد ش بهار بود. او چیزی گفت و من باز مخالفت کردم.
این بار دیگر به حرف آمد و گفت: نشد فرزند! یک روز آمدی وزارتخانه، با لگد در را باز کردی و آن حرفها را به من زدی، یک روز هم در سخنرانی عمومی آنجور آبروی مرا بردی، حالا هم که باز مخالفت می‌کنی! تو هر بار که با من دشمنی کردی، علاقه‌ام به تو بیشتر شد، چون می‌دیدم از عرق میهن دوستی است که چنین می‌کنی، همان هم شد که من از وزارت کابینه قوام السلطنه استعفاء کردم و عطای وزارت را به لقایش بخشیدم. اما این بار مسئله «علم» است و مخالفت تو درست و منطقی نیست و اگر بود من به تو حق می‌دادم. وقتی ملک الشعرای بهار این حرف را زد، به شدت منفعل شدم. بی‌اختیار از جایم برخاستم و دستش را بوسیدم...
بخش از خاطرات زنده یاد استاد دکتر محمدامین ریاحی

نما

ایرج آدیگوزلی

بهار به روایت دخترش؛ خاطرات پروانه بهار/۸

هوای خوب ژنو



روزها آقای شیرازی برای بردن ما به اطراف می‌آمد و سه نفری به طرف شهر روانه می‌شدیم. یکی از شب‌ها در موقع شام یکی از مهمانان که مصری بود به سر میز ما آمد و به زبان فرانسه پرسید «آیا شما ملک‌الشعراء بهار هستید؟» ما بسیار تعجب کردیم که او چطور پدرم را شناخت. معلوم شد، یکی از دانشمندان مصری است و با اشعار و نوشته‌های پدر بسیار آشناست و عکس او را در یکی از مجلات دیده است. این آقای مصری با پدر مشغول صحبت به عربی شدند. من تا به آن روز نمی‌دانستم پدر عربی صحبت می‌کند. این آقای مصری صندلی‌اش را سر میز ما آورد و تقریباً بعد از آن شب همیشه در پانسیون با ما شام می‌خورد و با پدر عربی صحبت می‌کرد.

مطلب قابل ملاحظه‌ای که در دورهٔ اقامت پدرم دیدم، این بود که او به آداب زندگی اروپاییان علاقه‌مند بود. از جمله چند بار به من گفت «تا به حال در ایران من آداب زندگی ایران را به تو آموختم، ولی حالا تو معلم منی و باید تمام آداب معاشرت اروپاییان را به من بیاموزی.» حقیقت آن است که پدر از یاد گرفتن چیزهای جدید خوشحال می‌شد و از این کار ننگ نداشت، از طرف دیگر آرزویش این بود که روزی ایران مثل سوئیس بشود. من وقتی او را به اروپا و برخی از آداب و رسوم اروپاییان تا این حد علاقه‌مند دیدم، به خود اجازه دادم که از او بپرسم «آیا مانعی می‌بینید که من زن یک سوئیسی بشوم.» از شنیدن این مطلب به طور عجیبی ناراحت شد.

به من خیره شد و گفت «آیا مردان ایرانی آن‌قدر بد شده‌اند که تو شوهر سوئیسی را به آنها ترجیح می‌دهی؟»

فهمیدم که از نظر او اقتباس بعضی از آداب اروپاییان با ازدواج یک دختر ایرانی با یک مرد غیر ایرانی تفاوت بسیار دارد. پس دیگر این موضوع را دنبال نکردم.

بعد از یک ماه در نیس از آقا و خانم شیرازی خداحافظی کرده و به طرف سوئیس حرکت کردیم. آخرین ملاقات ما با شیرازی غمبار بود، چون هم پدرم و هم آقای شیرازی می‌دانستند که دیگر همدیگر را نخواهند دید و این خداحافظی همیشگی است.

بعد از نیس به لزن برگشتیم. پدرم خیلی بهتر شده بود؛ ولی همان‌طور که اطبا گفته بودند، این بهبودی موقتی بود و روزهای زندگی او کم‌کم به آخر می‌رسید. در یکی از این روزهای اقامت در لزن به من گفت «پروانه جان، از زندگی خارج از ایران خسته شده‌ام، بهتر است برگردیم. می‌خواهم در خاک ایران بمیرم.»

وسایل سفر را فراهم کردم و با طیاره به تهران برگشتیم.

در اردیبهشت ماه ۱۳۲۸، من و پدرم از سوئیس به ایران بازگشتیم. صبح زود مطابق معمول در اتاق پدرم در هتل که کنار اتاق من بود، کت، شلوار، پیراهن و کراوات، کلاه، دستمال و عینکش را روی صندلی قرار دادم. جوراب و کفش‌هایش را هم روی زمین کنار صندلی گذاردم. پدرم خیلی مرتب و شیک‌پوش بود.

ساعت نه صبح مطابق قرار قبلی آقای جمالزاده برای خوردن صبحانه و خداحافظی به هتل ما آمد. من و پدرم هر دو حاضر بودیم و با جمالزاده به اتاق غذاخوری هتل رفتیم.

هوای ژنو آفتابی و روز بسیار زیبایی بود. در مقابل پنجره که به باغ هتل باز می‌شد، دور یک میز کوچک سه نفری نشستیم. پدرم برای صبحانه همیشه یک تخم مرغ آب‌پز با دو عدد نان و یک فنجان چای می‌خورد. آقای جمالزاده هم همین دستور غذا را دادند. من قهوه با نان و مربا خوردم. این دو دوست شروع به صحبت با هم کردند و من از فرصت استفاده کرده از پدر اجازه گرفتم که برای دادن پول هتل و آوردن چمدان‌ها به سالن هتل بروم.

ساعت یازده صبح با تاکسی با پدر و آقای جمالزاده به طرف فرودگاه حرکت کردیم. ژنو در نظافت و زیبایی می‌درخشید. درختان سبز و شکوفه‌ها درآمده بودند. پدرم غرق تماشای شهر بود. از نزدیک دو پارک معروف ژنو هم گذشتیم. می‌دانستم که پدرم از بازگشت به ایران خوشحال است.

ولی در قلبم احساس ناراحتی و دلواپسی می‌کردم، زیرا به خوبی پیش‌بینی می‌کردم که زندگی تهران او را دوباره به حال قبل از سفر سوئیس خواهد انداخت. در ایران همه فکر می‌کنند پدرم معالجه شده و حالا توقعات آنها دوباره شروع خواهد شد. دوستان و شاگردان دانش او را آسوده نخواهند گذاشت. در سوئیس روزهای تعطیل اتاق پدرم در آسایشگاه مملو از ایرانیان بود.

تمدن

فرایند انتشار دانش

برگرفته از ترجمه شهرام تقی‌زاده انصاری



در حالی که تخیلات مذاهب و خداشناسی هلنی، ماده اصلی بافت انتزاعی فکر آنها را شکل می‌داد، در مورد بررسی پدیده‌های طبیعی، چیزی جز چند اصطلاح صرف وجود نداشت. طراحی تحقیق علمی تا حد مشخصی کاملاً مفید به حال عمل کرد بود، ولی در عین حال بعداً به انحراف و پوچ گرایی بعدی دچار نگردید.

مشاهدات علم ستاره‌شناسی به عنوان علم ستاره‌شناسی تلقی نمی‌شد. کوپرنیک، کپلر و تیکوبراهه همگی ستاره‌شناس بودند. روحیه محدودی که در آن، بطلمیوس، دانش ستاره‌شناسی خود را عرضه کرد و نام خود را جاودانه ساخت، در حقیقت نسبت به تمامی مفاهیم ستاره شناسی در پیشرفت این علم و در تحقیقات تجربی، مفاهیم کیمیاگری، پیش از آنکه در راه پیشرفت علم مانعی باشند؛ به عنوان یک فرصت مفید خود را نشان دادند که بدون آن هرگز راه مشکل تحقیق و تفحص در علم طی نمی گردید. واقعاً این فرضیه یک فرضیه مفید بود که در غیاب دانشی که به هدایت ذهن بشر می‌پرداخت، قابلیت تبدیل به یک وسیله عملی و کاربردی را داشت. ابتدا فرض شده بود که تمامی مواد و اجسام از یک عنصر اصلی تشکیل شده که با ترکیب مختلف چهار عنصر ارسطویی، آب، خاک، باد و آتش، مواد مختلفی بدست می‌آید. اما بر اساس ترکیب این عناصر با عنصر پایه می‌توان خواص خاص مواد را تشخیص داد. از این رو ادعا می‌شد که این عناصر برای مخفی کردن ویژگی‌های متصل با هفت فلز که با هفت سیاره یا هفت ستاره در ارتباط هستند، و برای کشف این خواص یا ویژگی‌ها، هیچ راه دیگری جز مطالعه خود مواد و ترکیبات آنها وجود ندارد. برای اینکه باید آنها را از عناصر ظاهری پاک کرد و به حالت خالص درآورد تا فرایندها و عواملی که باعث ایجاد تبدیل و تحول در آنها می‌شوند، مشخص گردد. باید خاطرنشان ساخت که در تحقیقات علمی قرون وسطی و دوران اسلامی، سوال‌های نسبتا مهمی وجود داشته‌اند که با تئوری‌های عرفانی و حقایق معین روابطی بس وسیع و متنوع دارند و باین دلیل شار لاتان‌ها سعی داشتند آنها را به عنوان خرافات معرفی کنند. اگرچه از نظر علم قرون وسطی، تمام علوم جادویی بودند، اما در مورد اعراب (مسلمانان) آنها به عنوان جادوگر ۲۱ یاد می‌شدند، ولی وجه تمایز آنها، بخوبی در ماوراء فضای حاکم قابل مشاهده بود. مشاهدات ستاره شناسی عرب، و تجزیه و تحلیل نتایج آن، مهم بودند، ولی استفاده از این دانش برای طالع بینی ۲۲ و تجارت در دست افراد سودجو قرار گرفته بود. و در مورد ایده‌های کیمیاگری، تئوری انقلابی ولی ناقص مربوطه، شدیداً مورد نقد و چالش چندین شیمیدان برجسته عرب قرار گرفت، به نحوی که در قرن یازدهم نزاع بین مخالفان و موافقان این ایده به یک بحث زنده و داغ تبدیل شد. آن چنان این بحث داغ بود که ابن سینا چنین می‌گوید: «افراد حرفه‌ای در علم شیمی می‌دانند که نمی‌توان هیچ تغییری را در نمونه‌های مختلف از مواد تحت تاثیر قرار داد هر چند که این نمونه‌ها می‌توانند حالت فیزیکی چنین تغییری را ایجاد کنند». اروپا در زمانی که شورای لاتران ۲۳ در سال ۱۲۱۵، نظر قطعی فرا اثبات گرائی را اعلام کرد، عموماً به طرفداری از نظریه تبدیل فلزات که مورد موافقت مسلمانان قرار نگرفت گرایش داشت. بقول سر ادوارد توریه ۲۴ الهیات و عرفان نه بوسیله اعراب (مسلمانان)، بلکه بوسیله کارگران مسیحی وارد بحث کیمیاگری شد.

علم یک سنت نیست، بلکه تشکیل دهنده ذات یک اندیشه مترقی است. علم یک نسل از بشر، با کمک نسل‌های بعدی وسیعتر و عمیق‌تر می‌شود. تئوری‌های فیزیولوژیکی و بیولوژیکی ما برای نسلهای بعدی همان قدر عجیب و غریب خواهد بود که مفاهیم اولیه ناظر بر دوران کودکی علم، برای ما عجیب به نظر می‌رسد. ایده‌های اولیه تا همین اواخر، خود را عجیب و غریب عرضه نکرده بودند. کپلر، جداول زمانی شب و روز را تدوین نمود، کوپرنیک، حرکات سیاره‌ای را با زاویه‌های سوق دهنده توجیه کرد، نیوتن، نبوغ ریاضی را برای پیش گوئی‌های مبتنی بر ستاره شناسی کتاب دانیل، بکار برد. نظریه تبدیل چرخش مواد به طور جدّی از طرف رابرت بویل عرضه شد و توسط بوئرها ۲۵، هلمونت ۲۶، نیوتن، لایبنیتز و استال ۲۷ مورد تاکید قرار گرفت. پریستلی که تحت تاثیر تئوری فلوژستون ۲۸ قرار داشت، از پذیرفتن اهمیت کشف خود یعنی اکسیژن سرباز زد. البته تا انقلاب فرانسه از آن استفاده شد تا به خاطر تلاش‌های لاوازیه، مفاهیم جدیدی از انواع مختلف ماده، به فرضیات دیگری منجر شود. با در نظر گرفتن فرضیات قدیمی، از زمان اعراب (مسلمانان)، تحلیل های شیمیایی و بررسی تجربی طبیعی انجام می گرفت که با کشف فرضیات جدید، گستره تحقیقات افزایش یافت.

در روش‌های جدید معرفی شده، در علم ستاره شناسی، علوم زیستی، که با فرهنگ قدیم کلاسیک تفاوت زیادی داشت، با مطالعه این علوم جدید در اروپا آینده جهان پی ریزی گردید و پس از چند قرن، قدرت جادویی علم مدرن شکل گرفت.

دانش مسلمانان در همان اوائل رشد خود به اروپای مسیحی تزریق شد. اگر در امر علم کیمیا، رگه‌هایی از حقیقت وجود داشته باشد، پس باید نفوذ دانش مسلمانان در قرن دهم به مراتب بیش از آنچه باشد که می‌توان بر اساس مدارک موجود حدس زد. در سایه تسامح مطلق مذهبی، مسیحیان در اسپانیا از آزادی کاملی برخوردار بودند. یعنی اُسقُف داشتند، در اطراف پایتخت دارای سالن‌هایی بودند که مسافران در آنها پذیرائی می‌شدند. در خیابان‌های شهر قرطبه به راحتی راهبه‌ها دیده می‌شدند. دانشجویان از تمام قسمت‌های اروپا، خود را به کلاس‌های مسلمانان می‌رساندند تا از محضر آنان تلمذ کنند. آلوارو ۲۹، اسقف قرطبه، در قرن نهم می‌نویسد: تمامی مسیحیان جوان که خود را مستعد می‌دیدند، به زبان و ادبیات عرب آشنا بوده و با اشتیاق، کتب عربی را مطالعه کرده و با هزینه‌های گزاف کتابخانه‌هایی تاسیس کردند و به هر مکانی که تدریس می‌شد، می‌رفتند. گربرت اوریلاس ۳۰ مشهور از اسپانیا، دانش‌های نجوم و ریاضیات را جمع آوری و به دانشجویان خود که از سراسر جهان می‌آمدند، می‌آموخت. اگر چه فراگیری با اینکه وی عمیق نبود، ولی حساب ده دهی را معرفی کرد -با اینکه وی هنوز در آن زمان از چرتکه رومی استفاده می‌کرد- او نزد ساراسن‌ها، علاقمند به تحصیل علوم شد. این کار، او را به قهرمان افسانه‌های تخیلی فاوست که در سراسر قرون وسطی زبان به زبان می‌گشت، تبدیل کرد.

در طول دو قرن بعدی؛ فرایند انتشار دانش، مقیاس گسترده‌ای یافت. یک طلبه آفریقایی بنام کنستانتین ۳۱، که به عنوان وزیر به رابرت گویسکارد ۳۲ خدمت می‌کرد، زندگی خود را با اشتیاق صرف ترجمه کتب درسی اعراب و معرفی روش‌های جدید به مدرسه بندیکتین ۳۳ در مونت کاسینو ۳۴ کرد. این مدرسه بعداً به مرکز فارفلونگ ۳۵ برای تفکر و اندیشه و راهنمائی تبدیل شد. یک عضو دیگر آن مرکز، بنام باث ۳۶، در شهر قرطبه، مجموعه بزرگی از نظریه‌های جدید را با خود آورد که بعداً با کمک یکی از بستگانش به طور گسترده در فرانسه و انگلستان منتشر شد. تمام ویرایش‌های نسخه اصلی او تا سال ۱۵۳۳ چاپ شده اند. دانیل دو مورلای ۳۷ نیز به قرطبه رفت تا ریاضیات و نجوم فرا گیرد. وی نتایج مطالعات و سخنرانی‌های خود در دانشگاه آکسفورد را منتشر ساخت. یکی از اهالی تیوولی نیز علم نجوم و سایر کارهای ریاضی البتانی را ترجمه نمود. در پایان قرن ۱۲ م، یک بازرگان جوان بنام لئوناردو فیبوناچی ۳۸، هنگام مسافرت به الجزایر و اسپانیا، شیفته علوم ریاضی جدید مسلمانان شد و بعد از چند سفر، ترجمه کار بزرگ خوارزمی در مورد جبر را به اتمام رساند. او به طور قطع باعث گسترش حساب ده - دهی شد که با کمک حساب ساده شده حاصل از آن بعداً، به عنوان «الگوریتم» شناخته شد.

زندگی من/ چگونه مثل چرخ آسیا

استاد همایی

استاد همایی: خوشبختانه مشیّت الهی مرا توفیق داد که سالیان دراز خدمت آن بزرگواران را درک کنم و از آنان بهره‌ها بیابم. از حسن قضا دو تن از فرزندان مرحوم آسید محمدباقر به مدرسهٔ قدسیه می‌آمدند. هر دو در قدس و طهارت و خلوص و صداقت خلف‌الصّدیق پدر بزرگوار بودند. بزرگتر آسید ابوالعُلی همدرس و دوست برادر بزرگ من بود. و برادر بزرگ من هم چنانکه گفتم به همین مدرسه قدسیه می‌آمد و من همراه او به مدرسه می‌رفتم. کوچکتر آمیرزا ابوالمعالی بود که با من دوستی داشت، و با او همدرس بودم. اکثر ظهرها هم با هم در همان مدرسهٔ قدسیه هم غذا می‌شدیم. چرا که ظهرها ممکن نبود که من از درب امام به محله پاقلعه بروم و دوباره به مدرسه برگردم. ارتباطم با پسران دُرچه‌ای یکی از رشته‌های اتصال من به مدرسهٔ نیم‌آورد شد.

باز پیش آمد دیگر شد که مرا بیش از پیش به تحصیلات قدیم کشانید و شوقی و رغبتی در من برانگیخت و شرح آن چنین است: در همان هنگام که در مدرسهٔ قدسیه سیوطی می‌خواندم، در مدرسهٔ نیم‌آورد حوزه‌ای طلاب مقدمات خوان به ریاست مدرسشان مرحوم آسیدمحمدجواد دستگردی که در قدس و طهارت و استعداد تدریس کم‌نظیر بود و متأسفانه چند سال بعد از آن رحلت کرد تشکیل شده بود که هر روز یک نفر از طلاب درس می‌گفت و دیگران مشکلات خود را از وی می‌پرسیدند و او را سؤال پیچ می‌کردند و با او به بحث و مناظره می‌پرداختند و او باید مثل استاد جواب بگوید. البته مرحوم دستگردی خود در این مباحثات ساکت بود. و همچنان سؤال و جواب و نقض و ابرام ولم ولا نسلّم ما بین طلاب جریان داشت، تا دست آخر خود مدرس قضاوت می‌کرد که کدام یک صحیح می‌گفته‌اند.

تشکیل این قبیل حوزه‌ها مابین علما و طلاب قریب الاجتهاد نیز مرسوم بود. من نیز نظیر آن را در مدارس جدید در دارالفنون و دانشکده اجرا کردم. افسوس که برنامه‌های پیچ‌در پیچ فرصت نداد و آن روزگار سپری شد.

اتفاقاً تشکیل حوزهٔ سیوطی طلاب مصادف با وقتی بود که مدرسهٔ قدسیه بعدازظهرها تعطیل می‌شد. من با استجازه از آسیدمحمدجواد به آن حوزه رفتم. همان روز اول تکلیف کرد که من درس بگویم. موضوع درس هم این شعر بود: الاسم منه معرب و مبنی / لشبهٍ من الحروف مدنی. من با کمال میل استقبال و ابتدا ده بیست بیت قبل و بعد آن را با سرعت هر چه تمامتر به طور صحیح و درست خواندم. چنانکه مایه اعجاب همگان شد.

استاد به طلبه‌ها گفت ببینید این شاگرد معلمخانه چگونه مثل چرخ آسیا الفیه را می‌خواند (معلمخانه تعبیر تحقیرآمیزی بود از مدرسه‌های جدید).

در سیوطی در شرح این بیت تحقیق نسبتاً دقیقی هست که چرا در مبنی شدن اسم تنها یک شباهت به حرف کافی است، در صورتی که در غیر منصرف شدن دو شباهت به فعل لازم است. و شارح یک جا می‌گوید علت آنست که اسم و حرف در جنس اعم شریک‌اند. البته این تحقیق که در سیوطی شده مخصوصاً با حواشی بسیار عالمانه محققانه ملا ابوطالب برای شاگرد مبتدی تا حدی مشکل است. طلاب از دو جهت نمی‌خواستند زیر بار من بروند: یکی آنکه از همه کوچکتر بودم. دوم این که به قول خودشان من شاگرد معلمخانه بودم و آن‌ها طلبه مدرسه. از اطراف و جوانب مرا مورد سؤال قرار دادند. من هم مانند یک مدرس متتبع همه را جواب گفتم. دست آخر رئیس حوزه تمام گفته‌های مرا تصدیق کرد و تشویق و تحسین بسیار فرمود که در روح من بسیار کارگر افتاد. و همان تشویقی که از آن استاد شریف دیدم مرا به ادامه تحصیلات قدیمه و فداکاری در راه کسب علم ترغیب کرد.

به هر حال جاذبه مجتهد بزرگ پرهیزگار آسید محمدباقر درچه‌ای و امثال او از مقیمان مدرسه نیم‌آورد، و دوستی من با فرزندان مرحوم آسید محمدباقر، و تشویق و تحسینی که در روز تمرین تدریس از مدرس مذکور دیدم، همه آتش شوق و علاقه فطری و جبلی مرا تیزتر کرد و مرا به انتقال به مدرسه نیم آورد مصمم ساخت.

چون پدرم این علاقه را از من احساس کرد طبعاً بسیار خشنود و مسرور شد. در اواخر سال ۱۳۲۸ هـ‌ق. حدود دو سال قبل از فوتش روزی من و برادر بزرگترم را همراه خود برداشت و به مدرسه نیم‌آورد آورد.

ادامه دارد

شرح

من؛ چارلی چاپلین/۳۷

فقط هنرپیشگی



برادرم سیدنی سپس درباره نقشه‌هایش برایم حرف زد. در نظر داشت کار دریا را رها کند و هنرپیشه بشود. حساب می‌کرد با پولی که پس‌انداز کرده می‌تواند ۱۲ هفته ما را اداره کند و ظرف این مدت قادر خواهد بود کاری در تئاتر برای خود به‌دست آورد. ورود ما سوار بر کالسکه و با یک شاخه موز هم همسایگان و هم صاحب خانه را تحت تاثیر قرار داد. خانم صاحبخانه درباره مادرم با سیدنی صحبت کرد، اما سخنانش را چنان با آب و تاب نگفت که احساسات او جریحه‌دار شود.

همان روز ورودمان سیدنی به‌بازار رفت و مرا با یک دست لباس نو ملبس کرد و شب در حالی که دو نفری خودمان را آراسته بودیم به موزیک هال جنوب لندن رفتیم و در لژ نشستیم. طی نمایش سیدنی مرتب می‌گفت: فکر کن اگر مادرمان بود چه حالی به او دست می‌داد؟ همان هفته به دیدار او در تیمارستان «کین هیل» رفتیم. تحمل لحظاتی که در اطاق انتظار نشسته بودیم عذابی طاقت فرسا به نظر می‌رسید. به خاطر می‌آورم که سرانجام کلید در قفل چرخید و مادرم به داخل اطاق قدم گذارد. صورتش رنگ پریده و لبانش کبود بود.

گرچه ما را شناخت اما حرارتی از خود نشان نداد. نشاط همیشگی وی به‌کلی رخت بربسته بود. همراه او پرستاری که چرب زبان و بی‌مصرف به‌نظر می‌آمد وارد اطاق شده بود که کنارش ایستاده و اصرار داشت حرف بزند. او گفت واقعاً جای تأسف است که شما امروز به‌ملاقات آمده‌اید. آخر ما امروز برای پذیرایی از شما درست آماده نیستیم. و سپس رو به مادرم کرد و گفت: «این‌طور نیست عزیزم؟» مادرم مودبانه نگاهی به او انداخت و تبسم کوچکی بر لبانش ظاهر شد. گویی منتظر بود زودتر اطاق را ترک کند.

پرستار دوباره گفت: «شما باید دوباره بیایید، روزی که ما بیشتر آماده پذیرایی باشیم.»

بالاخره پرستار رفت و ما با مادرمان تنها ماندیم. «سیدنی» کوشش کرد تا او را سر شوق آورد. او از بخت موافق خویش و پولی که پس‌انداز کرده بود و علت آن‌که چرا مدتی طولانی بازگشتش به‌تاخیر افتاده مطالب بسیاری گفت. اما مادرم فقط گوش می‌داد و گاهی با سر حرف‌های سیدنی را تصدیق می‌کرد. بسیار گنگ و در خود فرو رفته به نظر می‌رسید. من به مادرم گفتم که به‌زودی خوب می‌شود و او پاسخ داد «البته و به طرزی غمناک اضافه کرد: «اگر آن روز بعد از ظهر فقط تو یک فنجان چای به من داده بودی حالم خوب می‌شد». دکتر بعداً به سیدنی گفت که سوء تغذیه بدون شک بر مغز وی اثری ناگوار گذاشته است و او احتیاج به مراقبت پزشکی دقیق دارد. دکتر همچنین توضیح داد گرچه هم اکنون نیز در بسیاری از اوقات حالش خوب است، اما ماه‌ها طول می‌کشد تا کاملاً بهبود یابد. برای روزها این اشاره مادرم فکر مرا سخت مشغول کرده بود که گفت: «اگر آن روز بعد از ظهر فقط تو یک فنجان چای به‌من داده بودی حالم کاملاً خوب می‌شد.»

«جوزف کنراد» طی نامه‌ای به یکی از دوستانش چنین نوشته است: زندگی در من این احساس را بوجود آورده که مانند موش کوری شده‌ام که در گوشه‌ای محصورم کرده‌اند و هرآن در انتظار ضربهٔ چماقی هستم که بر سرم فرود آید.

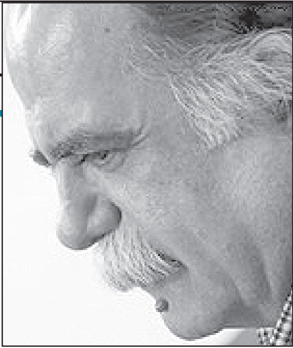
این تشبیه به‌خوبی می‌تواند شرایط وحشتناکی را که همهٔ ما در آن بسر می‌بریم تشریح کند معذالک بر سر بعضی از اشخاص به جای ضربه چماق بارقه‌ای از خوشبختی می‌بارد، و این چیزی بود که دربارهٔ من اتفاق افتاد.

من در عمرم کارهای گوناگونی نظیر روزنامه‌فروشی، شاگردی مطبعه، اسباب‌بازی سازی، شیشه فوت‌کنی (شیشه‌گری) پیشخدمتی مطب و غیره کرده‌ام. اما طی این گریزهائی که فقط جنبه کسب درآمد داشت، مانند برادرم سیدنی، هرگز هدف محتوم خویش را، که هنرپیشه‌شدن بود، از نظر دور نداشتم.



سفر

احمد یاوری


دکتر کزازی

سفرنوشت دکتر کزّازی از روزهای بارسلون

ملکت، ملکوتِ آسمان

پاره‌ای از سخنرانی پیشین ناگفته مانده بود که در این دیدار بدان پرداخته شد. در سخنرانی امروز، دو نکته به ویژه مایهٔ شگفتی شنوندگان گردید: نخست جایگاهی سپند در کشور پرتقال که فاتیما نام دارد و ترسایان کاتولیک را نیک گرامی است و به آهنگِ دیدار آیینی از آن، از هر سوی، بدان روی می‌آورند. پاره‌ای از شنوندگان با من همداستان نبودند که این نام، نام دخت پیامبر است و آن جایگاه سپند نمودگاه وی. می‌گفتند که: این مکان پیش از آن پدیداری و تجلّی فاتیما نام داشته است و آنکه در آن به شیوه‌ای رازآلود پدیدار شده است مریم بوده است نه دخت پیامبر اسلام. نکتهٔ دیگر خیزشی فرهنگی بود که از بیست سالی پیش در کوردوبا آغاز گرفته است و پیروان آن که از اسپانیاییان بومی‌اند، نه از کوچندگان تازی مسلمان، بر آنند که دیگر بار اسلام برافتاده در اسپانیا را توش و توان ببخشند و از نو بگسترانند.

این سخنرانی نیز، از مهر یزدان و نواخت مِهین مردان، شنوندگان را خوش و سودمند اَفتاد و در فرجامِ آن، به سپاس و ستایش، از آن و دیگر سَخنرانی‌ها یاد می‌کردند. آنگاه که شب‌هنگام دوشادوش بانو از بنیاد کلوس به درمی‌آمدیم، اندیشان به آنچه گذشته بود، این سرودهٔ کوتاه را به آوازی حزین می‌خواندم؛ سروده‌ای که چندی پیش، گام‌زنان و روان به سوی دانشکده، در ذهنم برجوشیده بود:

ای دخت پیمبر جهانی!
ای مام پدر، به پاکْ جانی!
ملکت، ملکوت آسمان‌هاست؛
در بندِ فَدَک، چگونه مانی؟

سه‌شنبه ۱۱ خرداد: می‌انگارم که در یادداشتی دیگر نوشته‌ام که بارسلون، چونان نمونه‌ای از شهرهای باخترینه و نهادی جامعه‌شناختی در سامانِ سرمایه‌داری، خود به مغازه‌ای غول‌آسا می‌ماند که جای‌جای، در آن سراهایی نیز برای کارگزاران این مغازه ساخته شده است، برای فروشندگان و خریداران. از آن روی که در این سامان اجتماعی، پایه بر فرآوریِ انبوه و همچشمی و هماوردی در میانهٔ فرآوران نهاده شده است، خریدار، چونان گزیننده‌ای سخت‌گیر و باریک‌بین که به فراوانی از آزادی در گزینش کالا و جستن آنچه بهتر و ارزان‌تر است برخوردار است، ارج و ارزی بسیار دارد؛ سامانِ سرمایه‌داری، به ناچار و به شیوه‌ای خودکار، سامانهٔ (=سیستم) «خریدارْ سالاری» را در درون خویش می‌پرورد و می‌گسترد، وارونهٔ سامان‌های کرانمند و فروگیر و انحصاری که در آنها خریدار آزادی در گزینش ندارد و هر آنچه را فراپیش وی می‌نهند به ناچار می‌ستاند. از این سامان، سامانهٔ «فروشنده‌سالاری» برمی‌خیزد.

بر همین پایه، در سامان سرمایه‌داری، شگردها و ترفندهایی گونه‌گون و نغز و کارآمد برای درکشانیدن خریدار و واداشتن وی به خرید پدید می‌آید و گسترش می‌یابد و هر زمان، هماهنگ با نیازهای زمانه و روان‌شناسی خرید و فروش و سود و سودا، دیگرگونی می‌پذیرد؛ از آن است که خریدار باخترینه و از آن میان اروپایی، خریداری است نازپرورده و نُنُر که به دیدن و ناخریدن خوگیر شده است و می‌بایدش نخست، به هر شیوه و شگرد، به جایگاه فروش درکشانید و به ایست و درنگی در آن برانگیخت.

چند روزی است که در پاسئودِ گراسیا، نمایشگاه و فروشگاه کتاب برپاست و در دو سوی این خیابان فراخ و دلگشا، دکه‌های نمایش و فروش افراخته شده است. امروز، نیمروزان، همراه با بانو از این خیابان می‌گذشتیم و کتابهای چیده بر پیشخانها را می‌نگریستیم. در یکی از آنها، دوشیزهٔ فروشنده برگه‌ای دراز را به ما پیشکش داشت. بر یک سوی آن، برگردان اسپانیایی جمله‌ای از آندره موروا چاپ شده بود: «خواندن کتابی خوب گفت‌وگویی است پایدار که در آن، کتاب سخن می‌گوید و جان پاسخ می‌دهد.». در سوی دیگر، ناشر خریدار را فرامی‌خواند که سفری ادبی و پرشور را بی‌آنکه از جای بجنبد و از سرای خویش به درآید، بیاغازد و افزوده بود که افزون بر سیصد عنوان کتاب این نشر، هر کتابی دیگر را نیز از کتاب‌های پرفروش روز جهان که خریدار بخواهد، باارزان‌ترین بها و بتَن (=شخصاً) بی‌هیچ هزینهٔ گسیل به او تَحویل خواهد داد. نیز درشت و چشم‌گیر نوشته شده بود: «به دکهٔ ما نزدیک شو؛ ارمغانی بس ویژه را به تو پیشکش خواهیم داشت.» تنها به پاسِ نزدیک‌شدن به دکه، خریدار، رهگذر ارمغَانی ویژه را به دست می‌توانست آورد.

یکشنبه ۱۶ خرداد: اسپانیا کشوری است پرجهانگرد و والاترین و سودآورترین صنعت آن را جهانگردی می‌سازد. هرسال، افزون از جمعیت این کشور، جهانگردی و گردشگران بدان روی می‌آورند. از آن است که بنگاه‌های جهانگردی در اسپانیا نیک کارا و پرتکاپویند، به ویژه در بهار و تابستان که روزگار گشت و گذار است. یکی از گردش‌هایی کوتاه و یک روزه که این بنگاه‌ها سامان می‌دهند دیدار از «آندورّا» است؛ آندورّا کشوری است هممرز با اسپانیا و بسیار کوچک، از گونهٔ موناکو؛ از آن کشورها که به شیوه‌ای شوخ، آنها را کشورهای جیبی می‌نامند. امروز، ساعت شش بامداد، با یکی از این بنگاه‌ها که «آقای سفر» Don Viaje نام دارد قراری نهاده بودیم که در برشگاه (=تقاطع) «گران ویا» و خیابانی که «جنگل دریا» Selva del mar نامیده می‌شود، برخودروی همگانی (=اتوبوس) برنشینیم. پگاهان از خواب برخاستیم و با تاکسی بدان دیدارگاه رفتیم. پس از چندی، جفتی دیگر نیز که در سالیان دههٔ هفتم از زندگانی می‌نمودند به ما پیوستند. به دیدن ما، درود گفتند و پرسیدند که: آیا ما نیز چشم به راه رسیدن خودرو و رفتن به آندورّا هستیم. با شنیدن پاسخ، در کنارمان ماندند. بانو می‌گفت که: شویش سودایی گشت و گذار است و تاب ماندن در سرای را ندارد و اوست که وی را به گردش و سفر می‌کشاند و وا می‌دارد. از آن روی که بارانی ریز می‌بارید و بادی سرد می‌وزید، در رواق خانستانی پناه جسته بودیم. مرد، ناشکیب، هر زمان به میانهٔ خیابان می‌رفت و دوردست را می‌نگریست؛ تا مگر نمود و نشانی از «آقای سفر» بیابد؛ اما تلاش وی همواره بیهوده می‌ماند و سرانجام «آقای سفر» نیامد و مایهٔ تلخکامی و آزردگی وی شد. بانوی وی می‌گفت: باری دیگر نیز، در سوز و سرمای زمستانی، بنگاهی دیگر پیمان شکسته بوده است و آنان ناچار شده‌اند که سرمازده و سودازده از آن مایهٔ بی‌آزرمی و بی‌مسوؤلیّتی به خانه بازگردند. پس از ساعتی انتظار بیهوده، ما آن جفت جهانگرد را بدرود گفتیم و با تندرو، به سراچه باز آمدیم، ژکان و شگفت‌زده از اینکه در اروپا نیز، با آن مایه لاف و گزاف در مردم‌گرایی و پایبندی به پیمان، چنان آسان پیمان می‌توانستند شکست و مردم را به هیچ گرفت.

چهارشنبه ۱۹ خرداد: امروز، پسینگاه، با بانو به قهوه‌خانه‌ای که پایگاه و پاتوغ ما شده است، رفتیم. خوسه نیز به ماپیوست و شادمانه گفت: «آنچه را می‌بایست، به انجام رسانیده‌ام و از این پس، روا نیست که بگویید: اسپانیاییان در کار شور و شتابی ندارند و بیش مرد گفتارند و کم مرد کردار.» گفتمش: «هان! چه کرده‌ای که چنین خود را می‌ستایی؟» گفت: «آنچه چندی است در انتظار انجامش هستید: انجمن سرانجام به ثبت رسید و این اسناد آن است، همه مهر و امضا شده.» سپس، آنها را بر میز نهاد و فرا پیش من. نیک شادمان شدم و او را فرّخباد گفتم.

قلم

حمید مجتهدی

تواین به قلم تواین؛ نویسنده‌ای از آمریکا

درجهٔ حرارت کلیسا


مارک تواین

به یادم نیست که توضیح من از چه قرار بود، اما اگر در آن کتاب (تام سایر) ذکر شده، ممکن است درست نباشد.

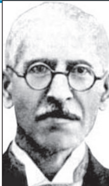
هر وقت رفتار من به قدری ناشایسته بود که مجازات‌های فوری و موقتی مادرم مؤثر واقع نمی‌شد، موضوع به یکشنبه موکول می‌گردید. مادرم مجبورم می‌کرد یکشنبه شب به کلیسا بروم ـ این جریمه‌ای بود که شاید گاهی قابل تحمل بود، ولی قاعدتاً این طور نبود و من به دلیل ساخت و سرشتی که داشتم از آن احتراز می‌کردم. مادرم تا وقتی مرا امتحان نمی‌کرد باورش نمی‌شد که در کلیسا بوده‌ام. امتحانش هم از این قرار بود که وادارم می‌کرد برایش شرح دهم کشیش در کلیسا چه قسمتی از نص انجیل را خوانده است. این مسئله ساده‌ای بود ـ برایم هیچ دردسری نداشت. لازم نبود که به کلیسا بروم تا آن قسمت انجیل را بدانم. خودم قسمتی را انتخاب می‌کردم و به مادرم تحویل می‌دادم. این نقشه خوب کارگر واقع شد. تا یک وقت که قسمت انتخابی من با آنچه همسایه، که در کلیسا بود، برای مادرم تعریف کرد تطبیق نمی‌نمود. بعد از آن، مادرم روشهای دیگری پیش گرفت. الان یادم نیست که آنها چه بود.

آن زمان، در فصل زمستان، پسران و مردان لباده‌های تقریباً مشکی بی‌آستینی شبیه عبا می‌پوشیدند که آسترش پارچهٔ اسکاتلندی خیلی روشن و پرزرق و برق بود. یکی از شبهای زمستان برای تصفیه‌حساب نوعی جنایت که در عرض هفته مرتکب شده بودم، به طرف کلیسا راه افتادم. لبادهٔ خود را نزدیک در حیاط مخفی کردم و با بچه‌های دیگر دنبال بازی رفتم تا وقتی که مراسم کلیسا به پایان رسید. بعد به خانه برگشتم و لبادهٔ خود را پوشیدم، ولی در تاریکی آن را پشت و رو تنم کردم. با این وضع داخل اتاق شدم. لباده را درآوردم و به کناری انداختم و برای امتحان معمولی در مقابل ممتحن ایستادم. امتحان را خوب پیش بردم تا وقتی که ذکر درجهٔ حرارت کلیسا به میان آمد. مادرم گفت: امکان ندارد که در یک چنین شبی کلیسا را گرم نگه داشته باشند.

من متوجه نکته‌ای که در این حرف پنهان بود نشدم و از روی حماقت برایش توضیح دادم که در کلیسا لباده پوشیده بودم. از من پرسید که در راه کلیسا تا خانه هم لباده به تنم بود یا نه. من باز هم متوجه معنی این حرف نشدم. جواب دادم: بله. گفت: لباده را طوری پوشیده بودی که آستر قرمزش بیرون بود و توجه هیچ‌کس را جلب نکرد؟ البته ادامه چنین گفت‌وگویی خسته‌کننده و بی‌فایده بود و من ناچار موضوع را فاش کردم و اثراتش را هم دیدم.

در حدود سال ۱۸۴۹ بود. توم ناش پسری همسن من و فرزند رئیس پست بود. روی رودخانه می‌سی‌سی‌پی یخ بسته بود و من، شاید بدون اجازه، یک شب آنجا برای سر خوردن روی یخ رفتم. نمی‌توانم بفهمم برای اسکیتینگ بی‌اجازه، چرا شب‌ها را انتخاب می‌کردیم. چون نصفه‌شب که از این سرسره‌بازی خسته می‌شدیم و بیرون می‌آمدیم، اگر کسی نبود که به این کار اعتراض کند، تفریح جالب توجهی نداشت. در حدود نصفه‌شب، وقتی که ما بیش از نیم میل به طرف ساحل ایلی‌نویز پیش رفته بودیم، صدای نحس تلق‌تلق و سایش سقوطی را شنیدیم که بین ما و آن قسمت رودخانه که طرف خانه ما بود به گوش می‌رسید. می‌دانستیم که معنی این صداها چیست، یخ‌ها داشت درهم می‌شکست. سراسیمه و وحشت‌زده به طرف خانه برگشتیم. هر وقت مهتاب از شکاف ابرها پایین را روشن می‌کرد و ما را قادر می‌ساخت که بفهمیم یخ کدام است و آب کدام، با سرعت تمام پیش می‌رفتیم. هنگامی که مجبور به توقف بودیم می‌ایستادیم. وقتی که پل خوبی از یخ پیدا می‌شد دوباره شروع به پیشروی می‌کردیم. وقتی به آب بدون یخ می‌رسیدیم، باز متوقف می‌شدیم و با سراسیمگی منتظر می‌ماندیم تا یک قطعه بزرگ یخ بزرگ شناور برای ما پلی بسازد. این سفر یک ساعت طول کشید ـ سفری که تمام مدتش را با ترس و بدبینی نکبت‌باری گذراندیم. ولی بالاخره به نقطه‌ای رسیدیم که تا ساحل فاصله کمی داشت.

توصیه های طبی قزوینی / سبک بعد از غذا


علامه قزوینی

چیزهایی که نباید خورد عبارتند از: ـ ترشیجات یا به‌عبارت بهتر چیزهای ترش یعنی مطلق چیزهائی که طعم ترشی دارد از قبیل سرکه و لیموی ترش و ماست خیلی ترش و میوه‌جات نارس و تمات که مطلقاً مورث درد لثهٔ فوری یا تدریجی است و مخصوصاً تمات ملعون که فوری حمله به غشاء مخاطی لثه و مخصوصاً لثهٔ بالا از طرف دست راست می‌کند و بعد هفته‌ها آن درد و سوزش باقی می‌ماند تا با آب ریشهٔ خطمی و غیره در مدت طویل باید آن حرقت را به‌بطوء طویل کم‌کم تسکین کرد.

ـ سبزیجات خام مثل سالاد باقسامها (مگر به مقدار بسیار بسیار بسیار قلیل آن هم مغز کاهو یا ماش که بسیار بسیار ترت باشد نه کرسون یا اسکارل یا شیکوره و امثال ذلک که فوری پس از یکی دو سه ساعت مورث شروع درد دل می‌شود و کذلک خیار را مطلقاً و اصلاً و بکلی ترک کن که گرچه مغز آن هم به مقدار قلیل آن هم مرتبهٔ اول ضرری ظاهراً نمی‌رساند ولی انسان را جری و غافل می‌کند که باز مرتبهٔ دوم و سوم و هکذا می‌خورد و آن وقت است که درد دل شدید با جمیع عواقب و خیمهٔ ممتدهٔ آن بدون نخورد شروع می‌کند به ظاهر شدن،

ـ اشیاء حادهٔ تند و تیز از قبیل پیاز خام و پیازچه و سیر و خردل که مورث عطش شدید و در نتیجه مورث کثرت شرب مایعات و در نتیجه ترقیق خون و ظهور سیلان خون و جمیع عواقب و خیمهٔ آن است. پس مهما امکن از اشیاء معطشه باید بکلی و با نهایت احتیاط اجتناب کرد. اگر می‌خواهی بکلی سبک بعد از غذا باشی و اگر می‌خواهی از دلدرد که جز و لاینفکّ تو این روزها شده بکلی آزاد باشی، و اگر می‌خواهی که عطش عارضت نشود، و بالاخره اگر می‌خواهی که درد پهلو با جگر که متصل بعد از اکثار از پنیر سر و گوش خود را از گوشه و کنار نشان می‌دهد بکلی ساکن شود بکلی پنیر را به جمیع اقسامه ترک کن و با کمال میل دندان روی جگر گذارده با نفس حریص مقاومت کن.

ادامه دارد

جادهٔ ابریشم اسلامی



ریچارد فولتز: عامل بزرگ سومی که اسلامی شدن جاده ابریشم را توجیه می‌کند، یا چیزی که پس از عوامل سیاست و اقتصاد قرار می‌گیرد، جذب است. دلیل اسلام آوردن شخص هرچه باشد، اسلامی شدن در میان نسل بعدی، عمیقاً (و به ناگزیر) رخ می‌دهد، چون فرزندان شخص نومسلمان در اصل در داخل اجتماع تازه پدر پرورده خواهند شد، نه در اجتماع اصلی آن. از این گذشته، بنابر قانون اسلامی اگر مرد مسلمانی با زن غیرمسلمانی ازدواج کند، لازم است که فرزندان ازدواج مختلط مسلمان بارآورده شوند. اما، با توجه به اشارات ما در فصل اول درباره نقش زنان در تربیت دینی، شاید درست‌تر باشد که فرض را بر این بگذاریم که جنبه‌هایی از دین محلی پیشااسلامی از طریق انتقال از سوی همسران غیرمسلمان مسلمانان باقی مانده باشد. روستانشینان آسیای مرکزی، چون کم‌تر به طور مستقیم تحت تأثیر عواملی که پیش از این وصف کردیم قرار می‌گرفتند، طولانی‌تر از همتاهای شهرنشین‌شان به سنت‌های دینی بومی ایرانی (معمولاً کشاورزی) یا ترک‌شان (معمولاً چادرنشینی شبانی) پای‌بند بودند. اگرچه به تدریج همان تأثیرات در سراسر مناطق روستایی نیز مشهود بود. یک تأثیر دیگر و حتی مهم‌تر اسلامی کننده خصوصاً در اقوام شبانی از طریق فعالیت‌های مشایخ صوفیه پدید آمد، که تکلیف خود می‌دانستند که اسلام را به دورافتاده‌ترین نواحی ببرند. تأثیر آن‌ها تا حد زیادی از فره شخصی خود آن‌ها سرچشمه می‌گرفت، و همین غالباً آنان را [در چشم مریدان] منابع معتبر دین و حتی بالاتر از شریعت قرار می‌داد.

تعبیرهای شخصی خود شیخ از پیامبر اسلام اساس ایمانی بود که شبانان می‌شنیدند. غالباً این تعبیرهای شخصی با باورها و اعمال محلی از پیش موجود سازگار می‌شدند و به تحول بیان‌های «عامه» از اسلام منجر می‌شد که می‌توانست انحراف معنایی از سنت تجویزی برخاسته از شهرها باشد. از برخی جهات دین محلی در آسیای مرکزی، خواه از گونه ایرانی خواه ترک، هرگز واقعاً از میان نرفت، بلکه معانی، تعبیرها و ظواهر اسلامی به خود گرفت.

تا زمان فتوحات اعراب، از میانه تا اواخر قرن هفتم، آن عناصر دیانت سغدی که نویسندگان مسلمان بیش از همه به آن توجه کرده و در باب آن نوشته‌اند، یعنی چیزهایی چون آتش‌پرستی و زیر آسمان گذاشتن اجساد، عناصری بودند که دانشمندان جدید معمولاً آن‌ها را با آیین زردشت همراه می‌کنند.

زبانزد



* دنبال ریش رفت، سبیل را هم از دست داد!
* دنبال مرده آه کشیدن چه فایده؟
* دنبه مسپارید ای یاران به گرگ!
* دندان کرم خورده را باید کند و دور انداخت.
* دندان کرم خورده علاجش کشیدن است.
* دندان که در دهان نبود خنده بدنماست.
* دندان مار دستهٔ خنجی نمی‌شود.
* دندان مار را به نمد می‌توان کشید.
* دندان ندارد، ته دیگ می‌خواهد.
* دندانی را که درد می‌کند باید کشید و دور انداخت.
* دنده را شتر شکست، تاوانش را خر داد.
* دنیا آکل و ماکول است.
* دنیا اگر چه سرای آفات است، اما دار مکافات نیز هست.
* دنیا بازار آخرت است.
* دنیا با مالش عزیز است.
* دنیا به امید برپاست.
* دنیا به اهل خویش ترحم نمی‌کند.
* دنیا به این بزرگی کوره نصیب ما شد، باغ به این بزرگی غوره نصیب ما شد!
* دنیا به ظلم آباد است.
* دنیا به کام ابلهان است.
* دنیا پلی است برگذر راه آخرت.
* دنیا جای آزمایش است نه جای آسایش.
* دنیا چرا نشود خراب که گربه هم می‌خورد شراب.
* دنیا حریف سفله و معشوق بی‌وفاست.
* دنیا خوش است اما با رفیق خوشتر است.
* دنیا دار مکافات است.
* دنیا دایم بر یک قرار نیست.
* دنیا دنیای زور است.
* دنیا دو روز است، باقیش روز به روز است!
* دنیا دون پروراست.
* دنیا دیدن به از دنیا خوردن است.
* دنیا را آب ببرد فلان را خواب می‌برد.
* دنیا را ببین چه فنده، کور به کچل می‌خنده!
* دنیا را هر طور بگیری می‌گذرد.
* دنیا رذل پسنداست.
* دنیا زندان مومنان است.
* دنیا سرای گذشتی است و حطام او گذاشتنی.
* دنیا طلبان زآخرت محرومند.
* دنیا طلبیدیم و به جایی نرسیدیم آیا چه شود آخرت ناطلبیده؟
* دنیا طویله‌ای است پر از جنس چارپای.
* دنیا عزیز و مال دنیا عزیزتر است.
* دنیا عزیز و مال عزیز است و جان عزیز
* لیکن رفیق بر همه چیزی مقدم است.
* دنیا گذرگاه است نه قرارگاه.
* دنیا لنگ حمام است، هر روز عورت یکی را می‌پوشاند.
* دنیا محل گذر است.
* دنیا مزرعه آخرت است.
* دنیا مکافات خانه است.
* دنیا مکررات است.
* دنیا میدان جنگ است.
* دنیا نیرزد آنکه پریشان کنی دلی.

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز سه‌شنبه ۲۹ خرداد ۱۳۵۲، (برابر با ۱۷ جمادی‌الاول ۱۳۹۳، ۱۹ ژوئن ۱۹۷۳) نقل شده است

دلار در بازار تهران کمی گران شد

با وجود کیفیت دلار در بازارهـــای اروپائی کمبود زمینه و نیز هجوم برای خرید دلار جهت مسافرت‌های تابستانی قیمت ایـــن ارز را در بازار تهران تا ٦/ریال بالا برده و فروش آنرا به ٦٠ر٦٩ ریال رسانده است.

مســـکوکات طلا نیز امروز با افزایش قیمت مواجه بود و طلا به مثقالی ۱۲۰ تومان رســـید. همچنین پهلوی طلا، نیم پهلوی و ربع پهلوی به ترتیب در ١٩٤ تومان، ۹۷ تومان و ٤٨ تومان بفروش رسید.

میدان بزرگ تهران در یک میلیون متر مربع ساخته میشود

اتـــاق اصناف بمنظور اصـــلاح امر توزیـــع تره‌بار و میوه تصمیم به تدوین طرحی برای ساختمان میدان بزرگ تهران گرفت و همزمان با ساخته شـــدن میدان بزرگ پایتخت در مناطق شهر نیز مراکز توزیع وابسته به میدان مرکزی ساخته خواهد شـــد. اقدام اتاق اصناف در زمینه ســـاختمان میدان بزرگ و مرکزی تهران از مهم‌ترین اقدامات این واحد صنفی است و در صورت اجرا شدن چنین طرحی اتاق قادر خواهد بود، سیاست کلی و نقطه نظرهای اجتماعی و اقتصادی خود را با اصلاح وضع توزیع بمرحله اجرا در آورد.

نخســـتین بـــار درنظر بود میـــدان بزرگ تهران بوســـیله شهرداری در اراضی یاخچی آباد ساخته شود و بدین منظور نزدیک به یک میلیون متر از اراضـــی وقفی این منطقه برای پیـــاده کردن طرح میـــدان اختصاص یافته بـــود ولی با آنکه مطالعات لازم بوسیله مهندسان مشاور انگلیسی و شهرداری آماده گردید بســـبب تصویب قانون نظـــام صنفی این طرح موکول به آینده شد.

لایحه منع زندانی شدن برای بدهی

بطوری که دیروز گزارش شـــد لایحه‌ای از طرف دولت تهیه شـــده که در صورت تصویب مجلسین بموجب آن در آینـــده هیچکس در قبـــال عدم پرداخت دیـــن و محکوم به تخلف از انجام سایر تعهدات و الزامات مالی به هر عنوان که باشد (غیر از جزای نقدی) توقیف نخواهد شد و کسانی که به این جهت در توقیف می‌باشند فوراً آزاد میشوند.

در این مورد خبرنگار قضائی ما با آقای حسین مرتضوی رئیس کل دادگاه‌های شهرستان تماس گرفت و نظر وی را سئوال کرد.

آقای مرتضـــوی در این باره اظهار داشـــت: در مورد این لایحه جدید چون مطالعـــه کافی ندارم نمیتوانم دقیقا اظهار نظـــر کنم ولی مســـئله مهریه و پرداخت آن کـــه خود نیز در صورت تصویب این لایحه شامل حالش خواهد شد مطلبی است درخور اهمیت و قابل بحث.

من عقیـــده دارم نباید یک فرد بخاطـــر نپرداختن مهریه زندانی شـــود، چون اغلب افرادی که ازدواج میکنند بدون این که تمکن مالی کافی داشـــته باشند و یا اصولا فکر دادن مهریه باشـــند مقادیر زیادی را برای بالا بردن ارزش همسر آینده‌اشان و یا بر اثر فشار فامیل عروس بعنوان مهریه قبول میکنند ولی پس از گذشـــتن چند ماهی که اختلافات بروز میکند اولین مسئله پرداخت مهریه است که بمیان می‌آید.

از همه جای خانه مرد نابینا پول می‌روئید!

کرمانشاه ـ مرد نابینائی در خانه شخصی خود در کرمانشاه مرد و سپس از هر سوراخ سنبه خانه‌اش مقدار قابل توجهی پول بیرون آمد!

پس از مرگ حاج ســـید احمد، آخرین همســـر وی بانو کبری که پیرزنی ٦٠ ساله است از ماموران خواست تا برای صورت‌بـــرداری از اموال متوفی به خانـــه او بروند. نماینده دادســـتان و رئیس کلانتری ٤ کرمانشاه بخانه رفتند و از زیر فرش و چند چمدان که هر کدام در گوشه‌ای پنهان شده بود، مبلغ ۲۲۹٦۳٦ ریال پول نقد پیدا کرده و به حســـاب سپرده دارائی واریز کردند. چنـــد روز بعد هم مبلغ ۳۵۳۹۵ ریال از گوشـــه‌های دیگر خانه پیدا شـــد. متوفی دارای یک خانه و مقدار زیادی فرش و البســـه اســـت که در حدود نیم میلیون تومان ارزش دارد. در میان پولها ۳۸ عدد ســـکه عراقی و یک دســـتبند طلا و یک گردن‌بند طلا هم موجود بود که همه به بانک سپرده شد. همچنین ده عدد عصا و ۱۰ عبا و ۱۵ جفت گیوه کرمانشـــاهی و ۳۰ عدد کله قنـــد در میان اموال متوفی بیش از همه جلب توجه می‌کرد.

امروز در تاریخ

شهادت دکتر علی شریعتی

۲۹ خرداد مصادف با سالروز شهادت دکتر علی شریعتی است که در سال ۱۳۵٦ در ساوت‌همپتون، انگلیس چشم از جهان فروبست.

علی شـــریعتی دوم آذر سال ۱۳۱۲ در روستای کاهک در کویر مزینان در نزدیکی سبزوار زاده شد.

شـــریعتی تحصیلات ابتدایی خود را در دبســـتان ابن یمین در مشـــهد در ســـال ۱۳۱۹ آغاز کرد.

او در سال ۱۳۲۵ وارد دبیرستان فردوسی مشـــهد شد. او پس از اتمام سیکل اول دبیرستان در سن شانزده ســـالگی، با هدف ادامه تحصیل وارد دانشسرای مقدماتی شـــد. وی در سال ۱۳۳٤ به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد واردشد و رشته ادبیات فارسی را برگزید.

شـــریعتی تحصیلات دانشـــگاهی خود را در مشـــهد گذراند و پس از دریافت لیسانس در رشته ادبیات فارســـی به علت شاگرد اول شدنش برای ادامه تحصیل به فرانسه فرستاده شد تا تحصیلات عالی خود را در مقطع دکتری در دانشگاه سوربن فرانسه و در رشته ادبیات ادامه دهد.

وی در آنجا به تحصیل علومی چون جامعه‌شناســـی، مبانی علم تاریخ، تاریخ و فرهنگ اسلامی پرداخت و با اساتید بزرگی چون لویی ماسینیون، جورج گورویچ و سارتر و... آشنا شد. در سال ۱۳٤۳ به ایران بازگشت و در مرز دستگیر شد.

به عنوان استادیار تاریخ وارد دانشگاه مشـــهد شد. در سال ۱۳٤۸ به حسینیه ارشاد دعوت شـــد و خیلی زود مســـئولیت امور فرهنگی حســـینیه را به عهـــده گرفت و به تدریس جامعه‌شناسی مذهبی، تاریخ شیعه و معارف اسلامی پرداخت. سخنرانی های سحرآمیز او در حسینیه ارشاد به گونه ای شگفت جوانان را به سوی مذهب بازگرداند و بدین ســـان نقش قابل توجهی در شـــکل گیری مبارزات ضد رژیم بر عهده داشت. سرانجام در سال ۱۳۵۲، رژیم، حسینیه ارشـــاد را تعطیل و شریعتی را به مدت ۱۸ ماه روانه زندان کمیته شهربانی کرد.

وی پس از آزادی از زندان روز های بســـیار سختی را پشت سر گذاشت و بار ها توسط ماموران ساواک تهدید شد و تحت شکنجه روحی و جسمی قرار گرفت.

وی در ۲۹ خرداد ۱۳۵٦ در حالی که سه هفته از سفرش به انگلستان می گذشت، در ساوت‌همپتون به شکل مشکوکی درگذشت. دلیل رسمی مرگ وی انسداد شرائین و نرســـیدن خون به قلب اعلام شد؛ هرچند مرگ وی به دلیل نداشتن سابقه بیماری قلبی، عدم کالبدشـــکافی و اعلام نتیجه سریع و خبرداشتن سفارت ایران در لندن از مرگ وی قبل از اعلام رسمی خبر مشکوک بود.

شـــریعتی وصیت کرده بود که وی را در حسینیه ارشاد دفن کنند، ولی پیکر وی در حاشـــیه بارگاه حضرت زینب کبری، در شـــهر دمشـــق آرام گرفت.

داستان کوتاه

تاوان

شـــاهین غذایش را کامل خورد و تصمیـــم گرفت کمی پـــرواز کند بلکه غذایش هضم شـــود. در میانه راه چشـــمش بـــه کبوتـــری زیبا و ســـفید افتاد. با خـــود گفـــت: بهتر اســـت این پرنده را دنبال کنم و او را بکشم. هر چند ســـیر هستم، اما این کار می‌تواند تفریح خوبی برای من باشد. شاهـــین بال‌های خود را باز کرد و با سرعت تمام به سمت کبوتر هجوم برد. کبوتـــر بیچاره فرار کرد. او بال می‌زد تا بلکه بتواند از چنگال شکارچی خطرناکش فرار کند.

در میانه راه شاهین از شانس بدش در دام شکارچی گرفتار شد. شاهین رو به شکارچی کرد و گفت: آقا برای چه مرا گرفتی؟ من که به تو آســـیبی نرساندم.

پس چـــرا مـــرا رهـــا نمی کنی؟ شـــکارچی خندید و گفت: من هم می‌خواســـتم همین حـــرف را به تو بزنـــم؟ این پرنده بیچـــاره مگر به تو آسیب رســـانده بود که قصد جانش را داشتی؟ تو باید در دام من بمانی و تاوان خطایت را بدهی.

مترجم: آرش میری خانی

منبع: Shortstoriesshort.com

شماره ۳۳۱۹ جـــدول شـــرح در مـــتـــن

طراح: غلامحسین باغبان

کشور دارالسلام	سردسیر	وسیله دفاعی	ظاهر ساختمان		زمان استراحت / مرد سیاسی		کمک و یاری / از افعال ربطی	ا	فیلم / جمال شورجه	منطقه تاریخی فرانسه	شاخه / شاخه شدن
					ماهیت جنس / پژواک صدا						ا
						تابلوی مانه / بله انگلیسی					کندر رومی
				نوعی الیاف مصنوعی							ر
		حرص و طمع / گریزان	دوستان				خار سیخک های خوشه گندم				خیال پردازانه / وسیله درودگری
				حل جدول شماره ۳۳۱۸				از گازهای آلی			
	حرف خوردنی / اما										فعل / درجه حرارت
			ناشنوا / شیمی کربن								ب
			تظاهر / خوب							ویتامین انعقاد خون / شاهی	دست پیمان / پایه
میانجی و دلال											
		تازه / باطل کردن	اندیشمند / حرف انتخاب	ف	نصف ۶۰ / جهان و گیتی			مایع رگ ها / کمیاب			خاک سفالگری / برهنه
	نیم تنه قبایی								هافبک سپاهان / مرزبان		
						شاعر آلمانی / پنج ترکی					آحاد / افزونی
			اشتباه و خطا				واحد پول اتیوپی				
			خ	هرچیز نرم شده			گ				کارساز

حل جدول شماره ۳۳۱۸

غذای خوشمزه / ساندویچی	طرح دولت برای تقویت	م	پاک‌منزه / صفحه آرایی	س	میوه / مقابل بام	پ	سپهر / باغ کاشان	ا	مکتب ماده گرایی	احساس خطر کردن	جو زمین
ک	ل	ق	ل	ق	فیلم نوایی / نوعی ریاست	ر	ف	س	م	ت	ا
ب	ا	د	ی	ف	س	وسیله حمام / مردن از غصه	ی	م	ا	ر	گ
ا	ی	س	ا	قاره پهناور	ن	د	ن	ا	ت	س	ارجمند / گرفتن ادبی
ب	ح	دوستی / جگر فروش	ت	م	ی	ق	نرخ و بها	ن	ر	ب	پایتخت سوئیس / وصف سرو
ت	ه	ج	سمت و سو	حل جدول شماره ۳۳۱۸				گرو گذاشته شده	ی	ه	س
ر	آهنگساز لهستانی / نوازنده پیانو	گ	س					ر	ا	د	چوبه اعدام / معبود یگانه
ک	ش	ر	حیوان وفادار / حسد					ه	ل	ل	ا
ی	و	ک	محله و برزن / تنگاتنگ					ی	ی	ر	م
وحشت و هراس	پ	ی	ک					ن	س	ا	قابل رویت / شهر آلمان
و	ن	جدید و تازه / نام دخترانه	ستاره شناسی / پیشوای زرتشتی	ه	[illegible] / اندام حس چشایی	چ	ف	فانوس دریایی / [illegible]	م	ه	تیز / دوستی
ا	نفرین، دعای بد	م	م	ی	ز	ک	ا	م	بیشترین مقدار / سوره قرآنی	د	و
ه	ل	و	غ	ی	ب	گوشه گرفت / ناپسند	ر	د	ن	ا	داخل / بندر اوکراین
م	ع	ن	نعمت ها	ت	ا	ب	واحد پول تایلند	ا	س	د	ا
ه	ن	ا	ل	آشیانه پرنده	ن	د	ی	ل	ا	ن	زاری کردن

جـــدول ســـودوکـــو شماره ۸۰۶

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱ـ در هر سطر و ستون باید اعداد ۱ تا ۹ نوشته شود، بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲ـ در هر مربـــع ۳×۳ اعـــداد ۱ تـــا ۹ باید نوشته شـــود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

					۵			۶
	۶							۸
۷	۸		۲				۴	
۵			۳		۶			۲
۱					۲			۳
			۴					۹
	۳							۶
۹	۲			۵				
								۷

۸	۹	۷	۵	۳	۱	۴	۲	۶
۵	۴	۳	۶	۸	۲	۹	۱	۷
۶	۲	۱	۹	۴	۷	۵	۸	۳
۴	۱	۵	۷	۶	۹	۲	۳	۸
۲	۶	۹	۳	۱	۸	۷	۴	۵
۳	۷	۸	۴	۲	۵	۶	۹	۱
۹	۸	۴	۱	۷	۶	۳	۵	۲
۱	۳	۶	۲	۵	۴	۷	۸	۹
۷	۵	۲	۸	۹	۳	۱	۶	۴

حل جدول شماره ۸۰۵